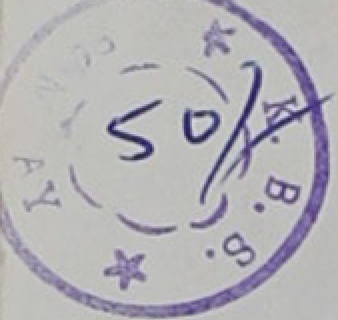


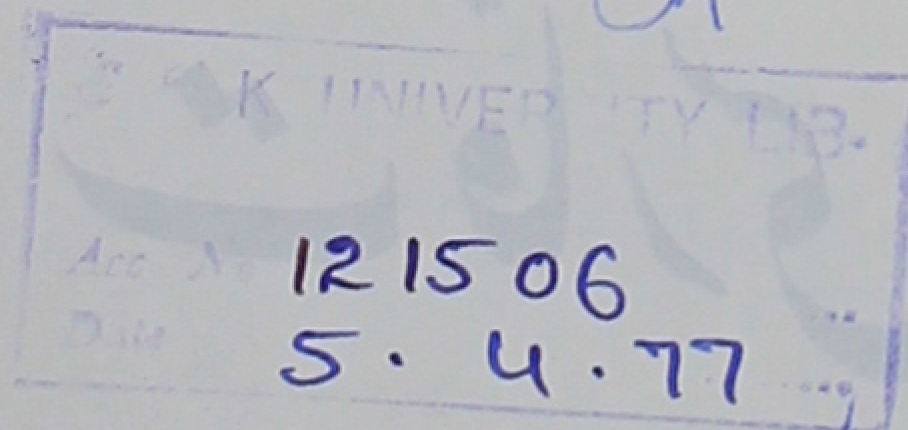
دکتر زهرای خانلری (کیا)

دانشیار دانشکدهٔ ادبیات

راهنمای ادبیات فارسی

(فرهنگ اعلام و اصطلاحات)





از این کتاب دوهزارودویست‌وپنجاه نسخه در اردی‌بهشت ۱۳۴۱
در چاپخانهٔ دانشگاه طبع شد

از همین مؤلف

پروین وپرویز (رمان)

ژاله (رمان)

داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی برندهٔ جایزهٔ یونسکو

ترجمه

رنجهای جوانی ورتر اثر آندره‌موروا نویسندهٔفرانسوی

شبهای روشن « داستایوسکی نویسندهٔ روسی

بیست داستان « پیراندلو نویسندهٔ ایتالیائی

ناشر ، کتابخانهٔ ابن سینا

چاپ اول

به یاد

« آرمان »

پسرک عزیز ناکامم که در هشت سالگی
درگذشت و من ، پس از دو سال ، هنوز مرگ
او را باور ندارم .

شوق او به کتاب خواندن و آموختن
نکته های ادبی مرا به این کار برانگیخت .

افسوس که کتاب را با امیدی فراوان
آغاز کردم و با غم و دردی بی پایان به انجام
رسانیدم .

زهرای خانلری (کیا)
بهمن ماه ۱۳۴۰

مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همهٔ کسانی را که با ادبیات فارسی سرو کاردارند، راهنمائی باشد و هر کس بتواند برای رفع مشکلی یاردشبهه‌ای در هرمورد به آن مراجعه کند وازآن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره‌ورگردد.

درادبیات‌فارسی خاصه‌درشعر غالبا به نکته‌هائی برمی‌خوریم که اشاره به واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است وشاعر ازآن واقعه با اشارهٔ به شخص یا داستان به تمثیل واستعاره یاد کرده است. دریافتن لطف شعر وغرض شاعر جز بادانستن آن داستان و شناختن آن اشخاص میسر نیست. گذشته ازاین درشعر فارسی همیشه به علوم مختلف ازنجوم و منطق والهیات و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی بااین اصطلاحات واشارات است.

موضوع کتابهای مهم علمی وادبی فارسی از تاریخ وفلسفه‌وشعر وعرفان وهیئت ونجوم وریاضی وهندسه ورشته‌های مختلف ادبیات نیز غالبا مورد اشکال‌است ونام مؤلف وتاریخ تألیف ومطالبی که آن کتابها متضمن است در خاطرها نمی‌ماند و همه برای رفع شبهه محتاج‌اند که به مأخذی رجوع کنند.

این کتاب برای رفع این گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده‌ای به‌آسانی بتواند موضوع اشکال یاابهام را در آن بیابد و به

مختصرترین عبارتی از نکتهٔ مقصود مطلع شود .

مطالبی که در این کتاب جمع آوری شده از قرار ذیل است :

۱— ترجمهٔ حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یا عربی آثار برجسته‌ای دارند .

۲— نام بزرگان تاریخی که به طریقی درنظم‌ونثر ادبیات‌فارسی به آنها وسوانح زندگیشان اشارد شده است .

۳— نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل واستعاره واشاره واقع شده اند .

٤— نام واحوال پیغمبران وبزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که درادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

٥— نام‌وعنوان وموضوع کتابهای‌مهمی که‌دانشمندان و ادیبان ایرانی به‌زبان‌فارسی‌یاعربی تألیف کرده‌اند باذکرآخرین ومتداول‌ترین چاپ آنها .

٦— اصطلاحات مهم‌علم هیئت‌ونجوم که‌درشعرفارسی‌آمده‌است .

۷— اصطلاحات معروف منطق و الهیات که در شعر فارسی به آنها برمی‌خوریم .

۸— نکته های اصلی ومهم علم عروض .

۹— اصطلاحات وتعریفات علم قافیه .

۱۰— اصطلاحات وتعریفات مهم علم بیان وصنایع بدیع

شک نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلدباشد ونگارنده خودزمینهٔ‌چنین تألیفی‌را فراهم آورده است وامیدواراست که توفیق بیابد وآن‌رابزودی

به پایان برساند، اماآن تألیف هدف وغرض دیگری دارد ومؤلف دراین کتاب بیشترجنبهٔ تربیتی را درنظر گرفته است تاجنبهٔ تحقیقی. یعنی نخواسته است کتابی بسازد که مورد مراجعهٔ محققان باشد ، بلکه بیشتر قصد آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورداحتیاج واستفادهٔ علاقه‌مندان به‌شعروادب وتاریخ ادبیات ایران‌است وخاصه‌دانش آموزان‌ودبیران ودانشجویان رابه کارمی‌آید، دراینجافراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هرمورد یافتن آنها بامراجعه به‌این کتاب هرچه آسانتر انجام بگیرد وبه این سبب چه در موادمندرج در کتاب‌وچه درتوضیح وبیان هرماده تاتوانست به‌اختصار کوشید و گمان‌می کند که برای منظوری که درپیش داشته است ازاین مقدار تجاوز بسیار جایز نیست .

دراین کتاب ممکن‌است‌نقصها وخطاهائی راه‌یافته‌باشد که‌مؤلف امیدواراست بایادآوری خوانندگان‌دانشمند ومطالعاتی که خودبه‌عمل خواهدآورد درچاپهای‌آینده برطرف شود . همچنین غلطهائی‌درچاپخانه بوجود آمده است مانند شکستگی حروف یا جابجا شدن عنوانها که بیشترآنها درغلطنامه یادآوری شده است .

حروف راهنما دربالای صفحه‌ها برحسب حروف اول‌آخرین ماده درصفحه تنظیم شده است وبرای هرنوع مطلب و هریک از رشته‌های علمی وادبی دربرابر هرماده علامتی اختصاری قرارگرفته که‌خوانندگان فهرست آنهارا درصفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهندکرد .

زهرای خانلری (کیا)

بهمن‌ماه ۱۳۴۰

نشانه‌های اختصاری

ت	بزرگان علم وادب
ك	كتاب
ش ــ ت	اشخاص تاريخى شاهنامه
ش ــ د	اشخاص داستانى شاهنامه
د	اشخاص داستانى
تن	تاريخ انبياء
ب	علم بديع وبيان
ع	علم عروض
ق	علم قافيه
ط	منطق والهيات
نج	هيئت و نجوم

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	درست
۷	۱۰	رجوع به	رجوع شود به
۸	بالای صفحه	ا ب ن	ا ب ل
۱۲	۲۱	سیر الملوک یاسیرة ملوک الفرس	(سیر الملوک یاسیرة ملوک الفرس)
۲۰	بالای صفحه	ا و ب	ا ب و
۲۳	۱۳	لباب الالبات	لباب الالباب
۲۷	۳	بوده است	بوده اند
۲۷	۱۵	فاضلای	فاضلان
۲۹	۷	داداشته	داشته
۳۸	۱۵	است	اند
۴۱	بالای صفحهٔ	ا س م	ا س ک
۴۲	«	ا ش ت	ا ش ب
۵۶	۳	ازاز	از
۶۰	۱	به‌می‌رود	به‌شمارمی‌رود
۶۱	۱۹	دورا	دوررا
۶۵	۱۲	لعل	نعل
۶۸	۱۹	اطعمد	اطعمه
۶۹	۱۶	قسمتس	قسمتی
۷۰	بالای صفحه	ب و ر	ب و ز
۱۰۲	۸	فخر الزمان	فخر الزمانی
۱۰۵	۷	اماو	اما
۱۱۳	بالای صفحه	ت ی ه	ت و س
۱۱۴	«	ت ج ا	ت ی ه
۱۱۶	۸	دوازد	دوازده
۱۶۳	۴	مشبهه	مشتبهه
۱۷۰	۱	ملل	علل

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۷۲	۷	شعر بیت	بیت
۱۷۲	۹	فر نظام	فرو نظام
۱۷۶	۹	رشید	رشیدی
۱۷۶	آخر	دیگر	دیگر از آثار او
۱۷۸	۱۰	رما	رمل
۱۸۹	آخر	ریاضی	ریاض
۱۹٤	۱۲	یاری	بازی
۲۰٤	۱۱	بزغله	بزغاله
۲۰٦	۱۰	سر	سفر
۲۰۸	بالای صفحه	س ا م	س ل م
۲۰۸	ماقبل آخر	سام	سلم
۲۲۹	۱۰	نویسندگان	نویسندگان بر
۲۳۵	۳	رضوان	رضوی
۲٦۲	۸	مگوی و	مگوی
۲۹۳	۱	فصا	فصل
۳۰۲	۱۷	قس	قبس
۳۱۰	٥	ویس او رمین	ویس و رامین
۳۱٤	آخر	ووعدة الابرار	وعدة الابرار
۳٤٥	۲۰	مجمع التواریخ	مجمل التواریخ
۳٤۸	۱۷	محمد بن غاز	محمد بن غازی
۳٥۲	۱۰	جله	جلد
۳٥۲	۱۸	فکیه	تکیه
۳۷۹	۱۹	به حسام الدین چلپی	به حسام الدین چلپی ارادت می‌ورزید
۳۸۲	۱	تألیفاب	تألیفات
٤۲٤	۷	چارم	چهارم

آ

آباءعلوی (نج) کنایه ازهفت کوکب که به‌عقیدهٔ قدما درسرنوشت انسان تأثیر دارند ·

به من نامشفقند آباء علوی

چو عیسی زان ابا کردم زآبا

«خاقانی»

آب‌حیات (تن) آبی که خضر درطلب آن به‌ظلمات‌رفت و ازآن نوشید وعمرجاودان یافت .

دوش وقت سحر ازغصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

«حافظ»

آب‌حیوان رجوع شود به‌آب حیات .

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست

گل بگشت ازرنگ خود باد بهاران راچه شد

«حافظ»

آب‌خضر (تن) رجوع شود به‌آب حیات .

آبی که خضر حیات ازو یافت

در میکده جو که جام دارد

«حافظ»

آب زندگی (تن) رجوع شود به‌آب حیات

معنیّ آب زندگی و روضهٔ ارم

جز طرف جویبار وسی خوشگوار چیست

«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به‌فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل‌الله افروخته شد ، ولی به امر خدا آتش برابراهیم گلستان شد.

یارب این آتش که برجان من است

سرد کن زانسان که کردی برخلیل

«حافظ»

آتش طور (تن) آتشی که بر کوه‌طور برموسی ظاهرشد و آن تجلی نورالهی بود و کوه از آن پاره‌پاره گشت.

مددی گر به‌چراغی نکند آتش طور

چارهٔ تیره شب وادی ایمن چه کنم

«حافظ»

آتشکدهٔ آذر (ك) از تذکره های معروف. تألیف لطفعلی بیک آذر بیکدلی متخلص به «آذر»؛ که درسال ۱۱۷٤ تألیف یافته است. دراین تذکره ، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری ونمونه‌ای ازاشعارشان ضبط شده است . چنانکه خود مؤلف می گوید شاعران را برحسب بلادشان تقسیم کرده است،بدون رعایت سبقت‌زمان و تقدیم‌مرتبه . این ترتیب برحسب حرف اول نام‌شهر و حرف اول تخلص شاعراست . آتشکده شامل دومجمره است : مجمرهٔ اول درذکراحوال و اشعار شاعران متقدم است؛مشتمل بریک شعله درذکراحوال واشعار شاهزادگان وشاهان وامیران هردیار ازترك وتاجیک؛وسه‌اخگردرذکر

شاعران ایران‌وتوران وهند؛ وهراخگر شامل چند شراره‌است؛شامل اسم ولایتها؛ ویک فروغ دراحوال زنان هرولایت.

مجمرهٔ دوم دربیان حالات شاعران معاصرمؤلف،مشتمل بردوپرتو: پرتو اول درذکرافکار شاعران معاصر ' وپرتو دوم درذکر اشعارواحوال مؤلف کتاب . (چاپ تهران)

آتشکدهٔ برزین یا آذر برزین مهر یکی از سه آتشکدهٔ بزرگ زرتشتیان دردورهٔساسانی که درخراسان‌واقع بودوآتشکدهٔ خاص کشاورزان وبرزیگران بوده است .

گرد بستان زفروغ لاله گویی آتشکدهٔ برزین‌است

«ابوالفرج رونی»

آتش وادی ایمن (تن) نوری که در وادی ایمن برموسی ظاهر شد وخطاب آمد: انی اناالله .

زآتش وادی ایمن نه منم‌خرم‌وبس

موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

«حافظ»

آثارالباقیه عن‌القرون‌الخالیه (ک) تألیف دانشمند بزرگ ایرانی،ابوریحان‌بیرونی، که آن را درسال ۳۹۱ هجری به نام قابوس بن وشمگیرنگاشته‌است. کتاب به‌زبان عربی است و موضوع آن تواریخ مختلف ملل واعیادآنهاست. مؤلف‌مبدأ تواریخ ملل‌وادیان‌مختلف‌راشرح می‌دهد ؛ واز اختلاف سنوات ، ایجاد شب وروز ، ایام کبیسه ، درنزد ملل مختلف گفتگومی کند؛ واز پیغمبران تا زمان بنی‌اسرائیل وملوك آشور و بابل جدولهائی ترتیب داده است . تاریخ ایران را به قتل یزدجردبن شهریار وزوال‌آل ساسان ختم می کند. پس‌از آن به‌شاهان

بعد از اسلام می‌پردازد .

ابوریحان درشرح مباحث مختلف از منابع استفاده‌اش نام‌می‌برد . همه‌جا ازحمزهٔ اصفهانی ، طبری ، ابن‌خرداذ به،وازمنجمان بزرك مانند ابومعشربلخی مطالبی نقل می کند. ابوریحان درضبط اخبار حقیقی‌دقت بسیار مبذول می‌دارد و درجائی که به چند قول مختلف برمی‌خورد ، آنها را باهم مقابله کرده موثق‌ترین آنها را انتخاب می کند .

درهیچ تاریخی نمی‌توان اعیاد وروزها وعقاید ملل‌را مبسوط‌تر ازاین‌کتاب یافت . (چاپ اروپا)

آدم(ابوالبشر) (تن) انسان نخستین، که‌خداوند او را از خاك آفرید و برطبق آیات قرآن ، پس از چهل روز ، روح به کالبد او دمیده شد . همهٔ‌ملائك به‌فرمان‌خداآدم‌را سجده کردندجز ابلیس . خدای‌تعالی آدم را دربهشت جای داد وحوا را از پهلوی چپ او آفرید؛ وایشان را از خوردن گندم،وبه روایت توراة ازخوردن سیب منع کرد. ابلیس به کمک مار به بهشت رفت و آدم و حوا را فریفت تا گندم خوردند . حق‌تعالی برایشان خشم گرفت ودرخت طوبی‌را فرمود تا شاخه‌های‌خود را به هم آورد وآدم وحوا را برگرفت واز بهشت بیرون انداخت . آدم به هندوستان برکوه سراندیب فرود آمد و صد سال درآنجا طاعت کرد وگریست تا توبهٔ او قبول شد .

من ملك بودم وفردوس برین جایم بود

آدم آورد در این دیر خراب آبادم

«حافظ»

آذربیکدلی (ت) لطفعلی‌بیگ .متوفی ۱۱۹۵ - از شاعران قرن

دوازدهم هجری. در اصفهان متولدشد و مقارن فتنهٔ افغان با خانوادهٔ خود به قم هجرت کرد وچهارده سال درآنجااقامت‌جست. پس‌از پایان تحصیلات به شیرازومکه‌سفر کرد ودربازگشت به خراسان‌رفت‌وهنگامی که قشون نادر ازهند برگشت، آذر بیکدلی باسپاه اوبه مازندران رفت وسپس به‌اصفهان‌بازگشت. پس از قتل‌نادر درخدمت علیشاه‌وابراهیم شاه وشاه سلیمان دوم وشاه اسمعیل‌سوم بسر بردوپس ازآن‌عزلت اختیار کرد وبه سرودن‌شعر پرداخت‌وفنون شعررا نزد سیدعلی مشتاق‌اصفهانی آموخت ودرقصیده وغزل ازمتقدمان پیروی کرد. از آثاراومثنوی «یوسف و زلیخا»ست. دیگرتذکرهٔ آتشکده که ازتذکره‌های معروف‌فارسی‌است.

آذرگشسب (ت) آتشگاهی بوده‌است درشهرشیزآذربایجان که‌در دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان وسپهبدان بوده است.

همیدون گله هر چه داری ز اسب

ببر سوی گنجور آذر گشسب

«فردوسی»

آرش کمانگیر (ش—د) نام پهلوان ایرانی که برطبق روایات باستانی درلشکر منوچهربود وبرای تعیین مرز ایران‌وتوران، تیری ازآمل یاساری انداخت که درکنار «جیحون» فرود آمد.

اگر خوانند آرش را کمانگیر

که‌ازساری به‌مروانداخت‌یک‌تیر

تواندازی به جان من زگوراب

همی هرساعتی صد تیر پرتاب

«ازویس‌ورامین»

آزر (تن) پدر ابراهیم پیغمبر، که پیشهٔ بت‌تراشی داشت.

بود با تو هدر و سواس شیطان
چنان چون با پسر تعلیم آزر

«انوری»

آزری (تن) منسوب به آزر بت‌تراش پدر ابراهیم خلیل.

دگر به‌روی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست

«سعدی»

آفتاب (نج) دراصطلاح نجومی گاهی خورشید را «آفتاب» می‌خوانند. آفتاب درفلک چهارم قرار گرفته است.

آغاجی (ت) «ابوالحسن علی بن الیاس آغاجی بخارائی» ازامیران معروف دربار سامانی ومعاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی(٣٦٦-٣٨٧) ودقیقی شاعراست. آغاجی درشعر فارسی و عربی دست داشته است. ازآثارش تنها بعضی ابیات وقطعات پراکنده باقی است.

آملی (ت) علامه شمس الدین محمد بن محمود آملی-وفات٧٥٣- ازعالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو،سلطان محمد خدابنده، مدرس سلطانیه بوده و با قاضی عضدالدین ایجی مناظره داشته‌است. علامه آملی شیعی مذهب بود وسفری به بیت‌الحرام کرد وگویا پس ازمرگ سلطان ابوسعید درهرج ومرجی که رخ داد ازسلطانیه به‌شیرازمهاجرت کردودرهمانجا وفات یافت.

ازآثارمعروف او کتاب «نفایس الفنون» است که گویا در اواخر عمر تألیف کرده وبه نام ابواسحق اینجو ساخته است. دیگر ازآثار او «شرح کلیات قانون ابوعلی سینا» و«شرح کلیات کتاب طب سیدشرف الدین»

ایلاقی و«شرح مختصرالاصول ابن حاجب» و«تهذیب الاصول علامه حلی» علامهٔ آملی درفنون وعلوم مختلف استاد بود .

آیین اکبری (ك) تألیف شیخ ابوالفضل دکنی وزیر وپیشکار اکبرشاه(رجوع شود به اکبرنامه) .

آیینهٔ اسکندر (ش—د) یا آئینهٔ سکندر. آیینه‌ای بود که بربالای منار اسکندریه، که ازبناهای اسکندر برکنار دریای روم بود، نصب‌شده اوضاع فرنگ و کشتیها را ازصدمیل نشان می‌داد . شبی براثر غفلت پاسبانان فرنگیان آن را درآب انداختند و اسکندریه را برهم زدند .

درشعر فارسی گاهی «آئینهٔ‌سکندر» مترادف‌با«جام‌جم»آمده‌است . (رجوع به این کلمه)

آیینهٔ سکندرجام می است بنگر

تا برتوعرضه دارد احوال ملک دارا

«حافظ»

آیینهٔ اسکندری (ك) ازجملهٔ پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته است .

ابجد - رجوع شود به حساب ابجد -

ابراهیم (تن) ابراهیم خلیل‌الله؛از پیغمبران وپسرآزر بت‌تراش بود . ابراهیم نمرود ومردم را ازبت پرستی باز می‌داشت وبه پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد ، ولی نمرود دعوت اورانپذیرفت وسرانجام به راهنمائی ابلیس دستورداد که ابراهیم را گرفتند ودرآتش انداختند . به‌فرمان خدای‌تعالی آتش‌سردشد و گلستان گشت وابراهیم نجات‌یافت . ابراهیم خانهٔ کعبه را ساخت و حجرالاسود به‌فرمان خدا درآن خانه گذاشته‌شد وازآن ببعد حج فرض شد . ابراهیم ازهاجر کنیزخود پسری

یافت به‌نام اسمعیل ، وچون نذر کرده‌بود که‌اگرپسری یابد قربان کند، به هنگام چهارسالگی اسمعیل ، ازخداوندفرمان رسید که بایدبه‌عهدش وفا کند. ابراهیم واسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به‌فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود . از آن پس قربانی کردن درکعبه فرض شد .

بمان زآتش غوغای حادثات مصون
چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم
«انوری»

کلکش ازبهر شرف تسلیم تیغ آمد بلی
مرتبت بفزود اسماعیل را تسلیم او
(خاقانی)

ابراهیم موصلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به‌ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به میمون بدل کرده است) ازخاندانهای محترم ارجان فارس بود . پدرابراهیم به کوفه مهاجرت کرد . ابراهیم درکوفه متولد شد وپس ازآن به موصل رفت ودرآنجا اقامت گزید وبه موصلی شهرت یافت . علم وفن موسیقی را در موصل وسپس درری نزد جوانویه نام زردشتی آموخت ودختر او شاهک را به ازدواج خود درآورد . وی در دربار هارون الرشید، خلیفهٔ عباسی، مقامی عالی داشت و از پیشوایان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می‌رود .ـوفات ۱۸۸ -

ابلیس (تن) از ملائک مقرب که چون از امرخداسرپیچید وآدم را مانند دیگران سجده نکرد ، ازدرگاه خدا رانده شد و پس ازآن آدم وحوا را فریب داد وبه خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن

ایشان از بهشت گردید .

گفتهٔ بدسگال چون ابلیس دور کردم ازآن چوخلدجناب

«مسعودسعد»

ابن اثیر (ت) ابوالحسن عزالدین علی‌بن محمد وفات- ۶۳۰ - ازمورخان‌بزرگ که دوران جوانی‌را درموصل وبغداد وشام به‌تحصیل فنون وادب گذراند و پس ازآن در موصل انزوا اختیارکرد . ابن اثیر معاصر با استیلای مغول بود ووقایع زمان قراختائیان و خوارزمشاهیان را تا اواخر ایام سلطان جلال‌الدین مینکربی ضبط‌کرده است ، از آثار معروف او کتاب «کامل‌التواریخ» است .

ابن اسفندیار کاتب (ت) بهاءالدین محمدبن حسن‌بن اسفندیار کاتب .ازکاتبان مشهور ایرانی دراواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را در خدمت ملوك آل باوند گذرانده است . مدتی دربغداد بود ، پس ازآن به ری آمد ، درمدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد وآن‌را ازعربی به‌پارسی ترجمه‌کرد ومبنای تاریخ‌طبرستان قرارداد . پس از آن به آمل‌وازآنجا به خوارزم رفت وچندسال درآنجا بسر برد ویکی از ترجمه‌های‌ابن‌مقفع را دید که ازنامهٔ تنسر به گشنسب شاه‌بود وآن‌رابه فارسی‌ترجمه کرد . ابن اسفندیارکتاب تاریخ طبرستان را درسال ۶۱۳ تألیف‌کرد وازاین سال ببعد اطلاعی از او دردست نیست .

ابن‌بابویه (ت) شیخ ابوجعفر محمدبن علی قمی معروف به‌شیخ صدوق. وفات ۳۸۱- از فقیهان بزرگ شیعه ومحدثان معروف که‌دارای تألیفات بسیار می‌باشد . وی به قوت حافظه معروف و درنقل احادیث مورد اعتماد بوده است . ازتألیفات مشهوراوکتاب«من‌لایحضره‌الفقیه»

است که مرجع علمای شیعه است. مقبرهٔ ابن بابویه درشهرری واقع است.

ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. درزمان سلطنت محمدبن ملکشاه سلجوقی درخدمت رکن الدونه خمارتکین، والی پارس، به شغل استیفا مشغول شد و به کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت، کتابهای بسیار مطالعه کرد ومدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه را درتاریخ وجغرافیای فارس تألف کردوبه نام سلطان محمدساخت.

ابن حسام (ت) مولانامحمدبن حسام الدین خوسفی قهستانی. وفات ۸۷۵–از شاعران قرن نهم. قصایدی درمنقبت خاندان پیغمبردارد اثر معروف اوحماسهٔ دینی «خاورنامه» یا «خاوران نامه» است که موضوع آن داستانی است درشرح احوال وسفرها وحمله های حضرت علی بن ابیطالب به سرزمین خاوران به همراهی مالك اشتروجنگ با قبادشاه خاورزمین. شاعراین منظومه را درسال ۸۳۰ به پایان رسانیده است.

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد. از جغرافی نویسان مشهور اسلامی و کتاب مشهورش «المسالک والممالك» است که درحدودسال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است.

ابن سینا (ت) رجوع شود به ابوعلی سینا.

ابن طیب (ت) ابوالفرج عبداله بن الطیب الجاثلیق. وفات ٤۳۵ - ازحکیمان مشهورقرن پنجم. برکتابهای ارسطو و جالینوس شروحی نوشته است. از کتب او «تفسیرمقولات ارسطاطالیس» وچندرساله درمباحث کلام مسیحیان است. آثار اوهمه به زبان عربی است.

ابن عربشاه (ت) ابوالعباس احمدبن محمدبن عبداله بن عربشاه. وفات ۸۵٤-این عربشاه باخانوادهٔ خودبه امرامیرتیموردرسال ۸۰۳ ازدمشق به سمرقند کوچ کرد. درسمرقندنزد میرسید شریف جرجانی به کسب علم

پرداخت و کتاب مرزبان نامهٔ سعدالدین وراوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد. پس از آن به مملکت خوارزم واسترخان و ادرنه سفر کرد. مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گردید، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و آخر در شهر قاهره ساکن شد.

از آثار او کتابی است به نام «عجایب المقدور فی نوائب تیمور» در تاریخ امیر تیمور. دیگر از تألیفات او «فاکهة الخلفا» ست به زبان عربی در حکم و آداب و پند واندرز به سبک کلیله ودمنه و شامل ده باب است. (چاپ مصر ه ۱۳۲ قمری)

ابن العمید (ت) ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسین قمی. وفات ۳۶۰ — از وزیران وادیبان معروف آل بویه. پدرش دبیر ماکان کاکی بود که پس از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد وبعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد. ابن العمید بعد از پدر به وزارت رکن الدوله دیلمی رسید وتا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند.

ابن العمید در بلاغت شهرت داشته ودر نوشته هایش معانی دقیق وصنایع لفظی را باهم جمع کرده است.

ابن فارس (ت) ابوالحسین احمد بن فارس الرازی. وفات ۳۹۰ — از فاضلان وعالمان بزرگ لغت واستاد بدیع الزمان همدانی. از آثار او کتاب «المجمل» در لغت و کتاب «الصاحبی» که آن را به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است. این کتاب شامل بحثهائی در زبان عربی واختلاف لهجه های عربی است.

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی، از محدثان وجغرافی دانان مشهور قرن سوم. از معروفترین آثار او «کتاب البلدان» است در جغرافی که آن را به سال ۲۹۰ به زبان عربی

تألیف کرده و علی بن حسن شیرازی در حدود سال ۴۰۳ آن را خلاصه کرده است .

ابن فندق (ت) رجوع شود به بیهقی «ابوالحسن»

ابن قتیبه (ت) ابوعبداله محمدبن مسلم الکوفی المروزی الدینوری. وفات ۲۷۶ــ ازدانشمندان بزرگ قرن‌سوم که خوداودرکوفه متولد شده وپدرش درمرو . علت انتساب اوبه دینور اقامت اودراین شهر وداشتن سمت قضا درآنجاست . ابن قتیبه درعلوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و ازمهمترین آثارش کتاب «ادب الکاتب» و«کتاب‌المعارف» و «عیون‌الاخبار» است . ابن قتیبه درعلوم حدیث وقرآن وکلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ت) رجوع شود به ابوعلی مسکویه

ابن مقفع (ت) روزبه پسر دادویه معروف به عبداله بن مقفع. وفات ۱۴۲ ــ روزبه‌معروف به عبداله‌بن‌مقفع ازدانشمندان مشهورایرانی که دربصره تربیت شد. چندی کاتب داوودبن‌یوسف ازحکام بنی امیه بود وپس‌ازانقراض دولت‌اموی به‌خدمت عیسی‌بن علی رسید وبه دست او اسلام‌آورد وبه‌عبدالله موسوم شد و درسال ۱۴۲ به دست‌سفیان بن معاویه،عامل بنی‌عباس، دربصره کشته شد .

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی وعربی‌آشنائی کامل داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرده‌است. ازکتابهای مشهوری که‌اوبه عربی‌ترجمه کرده است: کلیله‌ودمنه ، خداینامه ، سیرالملوك یا سیرة ملوك‌الفرس، آئین‌نامه ، گاهنامه ، کتاب مزدك ، کتاب التاج است .

ازآثارسهم ابن مقفع کتاب «ادب الکبیر» و«ادب الصغیر» را نیز نام باید برد .

ابن الندیم (ت) ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم. وفات ۳۸۰ ه — ازدانشمندان معروف زبان عربی وستاره‌شناس العزیزبالله خلیفهٔ فاطمی. ابن الندیم احاطهٔ کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثاراو «کتاب الفهرست» است که دربارهٔ جمیع علوم اسلامی وعلماء و کتب مشهور نوشته شده است .

ابن هندو (ت) ابوالفرج علی بن حسین بن هندو. وفات ۴۲۰ — از حکیمان معروف قرن چهارم واوایل قرن پنجم . بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می‌دانند . این هندو مدتی را دربغداد گذراند وبعد به گرگان رفت و چندی درخدمت شمس المعالی قابوس و شمگیر وپسرش فلک المعالی بسر برد و پس ازآن به نیشابور رفت.

ازآثاراو درحکمت «الکلم الروحانیه» «الرسالة المشوقة فی المدخل الی علم الفلسفه» و«کتاب النفس» است.

ابن یامین (تن) برادر یوسف که پس از او نزد یعقوب از همهٔ برادران عزیزتر بود وبرطبق روایات ، هنگامی که یوسف عزیزمصرشد وبرادران یوسف برای خرید غله به مصرآمدند، یوسف دستورداد که رطل طلارا درانبان ابن یامین بگذارند تا به‌این بهانه اورا نزد خود نگهدارد ودرنتیجه یعقوب را به مصربکشاند .

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

ابن یمین فریومدی (ت) امیرمحمود بن امیریمین الدوله طغرائی:

وفات ۷۶۹ – از شاعران قرن هشتم هجری . پدرش شاعر بود و در خدمت خواجه علاءالدین محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر درخراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمین هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی دراوایل ، خواجه علاءالدین وبعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد ؛ وباعلاءالدین محمد به گرگان رفت وطغا تیمورحکمران گرگان را مدح گفت وبه‌خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران وآل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعرآن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معز الدین حسین کرت واقع شد ، به اسارت افتاد .

این یمین مذهب شیعه وذوق عرفانی داشته وبراثر تجربه‌های گوناگون قطعه‌های سودمند اخلاقی واجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده هزاربیت می‌رسد . بیشترشهرت‌اودر قطعات‌اخلاقی است . (دیوان ابن یمین - چاپ‌تهران - ۱۳۱۸ شمسی)

الابنیه عن حقایق الادویه (ك) کتابی به‌زبان فارسی درخاصیت دواها . تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی که درآن نام ۵۸۰ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخهٔ منحصر این کتاب در کتابخانهٔ وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را درسال ۴۴۷ به اتمام رسانده است و این نسخه قدیمترین نمونهٔ خط فارسی است .

ابواب‌الجنان (ك) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی. متوفی ۱۰۸۹ ه‍ - که در دورهٔ صفویان تألیف یافته است. (چاپ تهران)

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری. قسمت عمدهٔ عمر خودرا در شیراز گذراند ومورد لطف اسکندربن عمرشیخ میرزا نوادهٔ امیرتیمور قرار گرفت. حرفهٔ ابواسحق حلاجی و از مریدان شاه نعمةالله ولی بوده است. ابواسحق شاعراطعمه واغذیه است. دیوانش شامل مقدمه‌ای است به نثروقصاید وغزلیات و رباعیات ومثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجو، حافظ، عراقی، عبید، سعدی ودیگران سروده است. همچنین رساله‌ای ازنظم‌ونثرآمیخته به نام «ماجرای برنج وبغرا» و«داستان مزعفروبغرا» دارد.

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه ومتروك طباخی است ازنظر لغت مهم است. دیگررسالهٔ منظومی دارد به‌اسم «کنزالاشتها» که شامل ۱۰۸ بیت است. (دیوان بسحق اطعمه — چاپ اسلامبول و تهران).

ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم

ابوجعفرمحمدبن‌جریرطبری (ت) رجوع شود به طبری

ابوحفص‌سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن احوص سغدی سمرقندی. ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته‌اند. وی از موسیقی دانهای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست. شعری که به وی نسبت می‌دهند این است:

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا
چوندارد یاربی یار چگونه رودا

ابوحنیفهٔ اسکافی (ت) ازشاعران قرن پنجم. بیهقی دراواخرسلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و اورا جوانی فاضل وفقیهی دانشمند

خوانده است . ابوحنیفهٔ اسکافی در دربارسلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست. بعضی از اشعار او درتاریخ بیهقی و لباب الالباب عوفی نقل شده است .

ابوحنیفهٔ دینوری (ت) ابوحنیفه احمدبن داد وَنند دینوری . وفات ۲۸۱—از دانشمندان بزرك قرن سوم هجری. تحصیلات خود را درمدارس بصره و کوفه انجام داد وزبان عربی را بخوبی آموخت. پس ازآن دراصفهان به‌تحصیل علم نجوم پرداخت ودرادب وهندسه وحساب ونجوم استاد گشت. ابوحنیفه درمسائل مختلف تألیفاتی به زبان‌عربی دارد که مهمترین آنها کتاب «اخبارالطوال» درتاریخ و کتاب«النبات» درعلم طبیعی و کتاب«الشعر والشعراء» و«کتاب الوصایا»ست.

ابوحیان توحیدی (ت)علی‌بن محمدبن‌العباس . وفات. . ٤— از معتزله و فیلسوف و نویسندهٔ مشهور ایران درقرن چهارم . ابوحیان مدتی درخدمت ابن‌العمیدوصاحب‌بن عباد بسربرده وبا ابوعلی مسکویه نویسندهٔ بزرك رابطه داشته است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و در نثر روان عربی استادی داشت . چنانکه اورا «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند . ازآثار معروف او کتاب «المقابسات» است که آراء فلاسفهٔ بزرك آن‌عهدرا درباب‌مسائل مختلف‌وبحث‌های فلسفی ذکر کرده‌است. دیگر کتاب «الامتاع والموآنسه» و کتاب «الهوامل والشوامل» است .

ابوریحان بیرونی (ت) رجوع شود به بیرونی

ابوزیدالبلخی (ت) ابوزید احمدبن سهل‌البلخی. وفات ۳۲۲— ازنویسندگان وفیلسوفان بزرك ایرانی که‌درفلسفه و کلام وتفسیر استاد بوده است. وی درتفسیر به‌ظواهرآیات اکتفا می کرد. کتابهای معروف

او «حدود الفلسفه» و کتاب «اخلاق الامم» و کتاب «صورالاقالیم» است درجغرافیا . اخیراً ترجمهٔ قسمتی ازاین کتاب به‌فارسی به‌دست‌آمده‌است که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعیدابی‌الخیر (ت) فضل‌الدین ابی الخیر محمد بن احمد میهنی-وفات ۴۴۰ ه - ازعارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم . در قریهٔ مهنه ازقراء خاوران خراسان متولد شد . پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمدبن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت ابوعبدالرحمن سلمی نائل شد . ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید ومیان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد . درمجالس وعظی که ترتیب می‌داد،اشعارفارسی‌می‌خواند؛ومی‌توان گفت که‌وی اولین‌سخنگوئی‌است که افکار عارفانه را باشعر بیان کرده است . در تفسیر و حدیث وفقه وادبیات‌نیز اطلاع کامل‌داشت .دوتن‌ازنوادگان‌شیخ دربارهٔاو کتابهائی نوشته‌اند . یکی محمدبن منورکه کتاب «اسرارالتوحید فی‌مقامات‌شیخ ابی‌سعید»رادرشرح‌حال‌اوتألیف کرده‌ودیگر کمال‌الدین‌محمد که‌درکتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح حال وگفتاراو را بیان کرده است .

ابوسلیک گرگانی (ت) ازشاعران قرن سوم ومعاصر عمر ولیث صفاری.منوچهری او را درشمار استادان بزرگ خوانده است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها ضبط است .

ابوالشرف ناصح گلپایگانی (ت) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن المنشی الجرفادقانی. ازشاعران و دبیران فاضل در بار الغ بیک که به وصایت ابوالقاسم علی‌بن حسن وزیر الغ بیک به ترجمهٔ تاریخ یمینی

پرداخت واین کتاب را درسال ۶۰۳ به پایان رسانید .

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که دردربار نوح بن نصرسامانی می‌زیسته است. اولین شاعری است که‌مثنوی ساخت ، منظومه‌ای به ابوشکورنسبت داده‌اند به نام «آفرین‌نامه» که درحدودسال۳۳۶ سروده شده وابیات متفرقی ازآن باقی است .

ابوطاهرخاتونی (ت) وفات ۵۳۲-علت‌شهرت او به‌خاتونی‌آن است که وی‌متصدی امور ومستوفی گوهر خاتون زوجۀ محمدبن‌ملکشاه بوده است. ابوطاهراز فاضلان واعیان دولت سلجوقیان بوده ودرشاعری ونویسند گی فصاحت وظرافت داشته‌است. ازآثار او «مناقب‌الشعرا» بوده است که اکنون دردست نیست ولی دولتشاه ازآن نام برده است . دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آنهم موجود نیست .

ابوطیب‌مصعبی (ت) ابوطیب‌محمدبن‌حاتم‌المصعبی. از کاتبان نصربن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت ومطابق نقل ثعالبی در«یتیمةالدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد . ابوطیب ازشاعران زبردست درزبان فارسی وعربی بود .

ابوالعتاهیه (ت) اسمعیل بن‌قاسم. وفات ۲۱۱—از ایرانیانی که به‌عربی‌شعرسروده‌اند. این‌شاعر درادبیات عرب مقام مهمی‌داردودرمدح وغزل استاد بوده است .

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی درعروض به پارسی نوشته که ازقدیمترین کتابها در علوم ادبی پارسی‌است. اشعاری از او درترجمان البلاغة وحدائق السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی‌محمدبن‌احمدالبلخی. از نویسند گان

نیمهٔ دوم قرن چهارم وازقدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامهٔ منثور پرداختند و بنا بـه گفتهٔ ابوریحان بیرونی در آثـار الباقیه، شاهنامه‌اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشترمستند به‌روایات کتبی بوده است تا شفاهی .

ابوعلی بلعمی (ت) رجوع شود به بلعمی

ابوعلی سینا (ت) شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبداله سینا . وفات ۴۲۸-ابوعلی‌سینا پزشک و فیلسوف و نویسندهٔ ایرانی که مقام وزارت داشت‌وازبزرگترین‌حکیمان وعالمان جهان بشمار می‌آید. پدرش اهل بلخ بود . ابوعلی ابتدا دربخارا پرورش یافت ودرده‌سالگی قرآن وبسیاری ازعلوم ادب را آموخت ومنطق و اقلیدس والمجسطی را نزد ابوعبداله‌الناتلی که ازرجال مشهورقرن چهارم بود ، آموخت. پس‌ازآن به مطالعهٔ علم الهی وطبیعی وطب‌وریاضی پرداخت ودر۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد وبراثر معالجهٔ نوح بن منصورشاه سامانی، به‌دربار سامانیان‌راه یافت وچون کارسامانیان‌براثرغلبهٔ آل افراسیاب آشفته شد، به گرگانج پایتخت امراء مأمونیهٔ خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی‌بن‌مأمون محمدرسید ونزد اوتقرب یافت. پس‌ازگرگان‌به‌ری‌وهمدان رفت و درحدود نه سال در همدان ماند و بر اثر معالجهٔ مرض قولنج شمس‌الدولهٔ دیلمی، پسر فخرالدولهٔ دیلمی، به دربار اوراه یافت وپس‌از چندی به مقام وزارت رسید . بعد ازشمس‌الدوله در زمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدولهٔ کاکویه به زندان افتاد . پس از رهائی از زندان به‌اصفهان رفت وبه خدمت علاءالدوله کاکویه درآمد. وهمه جا درسفر وحضر وحتی درسفرهای جنگی با او بود،تا درسال ۴۲۸ که باعلاءالدوله به همدان‌رفت، درآنجا درگذشت و همانجا مدفون گردید .

ابوعلی‌سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می‌توانست باشغل وزارت و کارهای سیاسی ورنج سفر، پیوسته به‌مطالعه وتحقیق وتألیف و تصنیف بپردازد . ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه وطب وریاضی استادی داشت ودرهمهٔ رشته‌ها تألیفات فراوان از او در دست است .

آثار ابوعلی‌سینا بسیار متعدد است ودرحدود ۲٤۰ کتاب ورساله ازاو نام می‌برند که بسیاری‌ازآنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

ازمعروفترین‌آثار ابوعلی‌سینا کتاب شفا ، قانون ، اشارات،نجات، دانشنامهٔ علائی است .

شیخ علاوه برمقام شامخی که در علوم مختلف داشت ، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است .

از جملهٔ رسالات‌ادبی‌او کتاب «اسباب‌حدوث‌الحروف»، یا «مخارج الحروف» است که به وسیلهٔ دکتر پرویزخانلری استاد دانشگاه به‌فارسی ترجمه شده ودرچاپخانه دانشگاه به چاپ رسیده است .

اشعار فارسی که به‌ابن‌سینامنسوب است بیست ودوقطعه می‌باشد که درتذکره‌ها ضبط است . اشعارعربی اوبیش از فارسی‌است وقصاید معروفی دارد ازقبیل قصیدهٔ عینیه وقصیدهٔ شکوائیه وجزاینها

ابوعلی‌مروزی (ت) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخرقرن ششم‌وآغاز قرن هفتم . ابوعلی مروزی‌مداح علاءالدین‌اسکندر ثانی محمدبن‌علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷—۶۱۷) بوده است . عوفی دو قصیده از او درلباب الالباب آورده . رباعیاتی هم به نام او ثبت است .

ابوعلی‌مسکویه (ت) ابوعلی الخازن احمدبن محمدبن یعقوب

معروف به ابن‌مسکویه. وفات ۴۲۱ هـ - ابوعلی‌مسکویه ازنویسندگان بزرك وازمورخان مشهور اسلامی است. وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست وچندی خازن کتابخانه ابن العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت.

ابوعلی به طب وفلسفه و کیمیا بسیار علاقه داشت وآثارفراوانی دراین علوم ازاو باقی است. ازجمله: الطهارة فی‌علم الاخلاق، کتاب فی‌جواب المسائل الثلث، آداب العرب و الفرس، جاویدان‌خرد، و از مهمترین آثارش «تجارب‌الامم» درتاریخ است.

ابوالفتح بستی (ت) نظام الدین عمیدابوالفتح علی بن محمد. وفات میان ۴۰۱ و ۴۰۳ - ابوالفتح از شاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم، مدتی دربست سمت دبیری بایتوز، امیر بست، را داشت. چون ناصرالدین سبکتکین بربایتوز غلبه کرد، ابوالفتح را به دبیری خود خواند وابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود ودرابتدای سلطنت محمود نیز درشغل خود باقی ماند، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت. ابوالفتح درشعر و نثر عربی استاد بود ودو دیوان پارسی وتازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست. بعضی ازاشعارفارسی اودرلباب‌الالباب‌ومجمع‌الفصحاءنقل‌شده‌است

ابوالفتوح رازی (ت) جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمدالخزاعی. وفات درحدود ۵۵۲ - از عالمان بزرك شیعه واز مفسران مشهور. وی از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابهٔ حضرت رسول ص بوده است. اجداد ابوالفتوح درایران سکونت‌اختیار کردند و ایرانی‌شدند وعده‌ای ازآنان درنیشابور و عده‌ای‌در ری اقامت کردند. ابوالفتوح درری به وعظ اشتغال داشت وهمانجا وفات کرد.

از آثار معروف او «روح الجنان» است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است . دیگر « شرح الشهاب » . و « رسالهٔ حسینیه » است در مسئله امامت .

ابوالفرج اصفهانی (ت) ابوالفرج علی‌بن الحسین الاصفهانی . وفات ۳۵۶-از ادیبان بزرك عرب در قرن چهارم ومعاصر آل بویه . ازآثار معروفش کتاب «الاغانی» است که مورد توجه صاحب بن عباد وعضدالدوله دیلمی قرار گرفت . این کتاب اطلاعات دقیق وسودمندی دربارهٔ شاعران عربی زبان وموسیقی دانان واشعاری که به الحان موسیقی خوانده می‌شده وهمچنین داستانها وروایاتی دربارهٔ رجال وامیران آن روزگار دربردارد

ابوالفرج رونی (ت) ابوالفرج بن مسعود رونی . از شاعران دورهٔ دوم غزنوی که دردربار سلطان ابراهیم بن مسعود (۴۵۱—۴۹۲) وپسرش مسعود بن ابراهیم (۴۹۲—۵۰۸) بسرمی برده وایشان را مدح کرده است . بامسعودسعد دوستی داشته ویکدیگررا درشعرستوده‌اند .

ابوالفرج درشعر شیوهٔ نوی پدیدآورد وسبك دورهٔ اول غزنوی را کنار گذاشت . قصایدش باتغزل شروع نمی‌شود و جز در چند مورد از ابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد . دراشعارش لغات عربی و افکار علمی واستعارات وتشبیهات فراوان دیده‌می‌شود وبه اوزان دشوار وردیفهای دشوارمی‌پردازد . سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد ، خاصه انوری قرار گرفته است . (دیوان ابوالفرج رونی-چاپ تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) رجوع شود به بیهقی

ابوالفضل دکنی (ت) ابوالفضل بن مبارك . وفات ۱۰۱۳- شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارك وبرادرشیخ فیضی دکنی . پدرش اهل یمن بود وخود درسال ۹۵۸ دردکن متولد شد و سمت وزارت و پیشکاری

اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱٤) را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه دراصل عرب بودو درهندزاده شده بود، به اصلاح زبان فارسی علاقهٔ بسیاری داشت وبسیار کوشید که نثرفارسی را ازلغات عربی منزه کند ولغات دری بجای آنها بگذارد . ازینرو سبک نثررا تغییرداد ، نامه‌هائی راکه از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبک‌تازه‌سی‌نوشت . یعنی درآنهالغات عربی بسیار کم‌و گاهی سراسر،لغات فارسی خالص بکارسی‌برد .

ازآثار شیخ ابوالفضل «اکبرنامه» است درتاریخ شاهی اکبرشاه وخانوادهٔ او و«آیین‌اکبری» در روش‌حکومت اکبرشاه . دیگرتلخیص وتهذیبی ازکلیله ودمنه است به نام «بهاردانش» . ابوالفضل در سال ۱۰۱۳ کشته شد .

ابوالمیث‌طبری (ت) ازشاعران ابتدای عهد غزنوی . ازحال اواطلاعی دردست نیست . ابیاتی ازاودرلباب‌الالبات ومجمع‌الفصحاء و ترجمان البلاغه ضبط است .

ابوالمعالی رازی (ت) وفات ٥٤١-ازشاعران معروف‌قرن‌ششم ودورهٔ سلجوقی .قصائدی درمدح‌ابوالفتح‌مظفر دارد که وزارت‌برکیارق وسنجر را داشت و بدست باطنیان به قتل‌رسید . درلباب‌الالباب وسونس الاحراراشعاری از او باقی است . وی مذهب‌شیعه داشت وحضرت‌علی وآل اورا مدح کرده است .

ابوالمعالی نصرالله بن‌محمد بن‌عبدالحمید منشی (ت) وفات درنیمهٔ دوم‌قرن‌ششم-ازمنشیان دربارغزنوی.ابوالمعالی‌موردلطف‌بهرامشاه غزنوی(٥١٢-٥٤٧)بوده وسمت دبیری‌اوراداشته‌است‌وپس‌ازاودردربار خسروملک سمت وزارت یافته است ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان

مغضوب گشته وبه حبس افتاده است .

ازآثاراوترجمهٔ کلیله ودمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه‌اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار گرفته است .

ابومعشر بلخی (ت) جعفربن محمد عمرمعروف به ابومعشر. وفات ۲۷۲-ازریاضی دانان ومنجمان قرن سوم وازشاگردان یعقوب بن اسحق کندی،فیلسوف مشهور عرب،ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت وبعد به‌علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال وآراء وی متمسک می‌شدند .

ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است . ازآن جمله کتابی ازاو باقی است به‌نام «رساله دراتصال کواکب وقرانات». دیگر کتاب «المواليد والادواروالالوف»

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (ت) وفات ۳۵۰ — از بزرگزادگان طوس که درحدود سال ۳۳۵ ازجانب ابوعلی احمدبن محمد بن مظفربن محتاج چغانی ، سپهسالار خراسان، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی برپادشاه‌سامانیان طغیان کرد، ابومنصورجزوشورشیان درآمد ، پس ازآن بجای بوعلی سپهسالارخراسان شد . چندی بعد ، از عمال‌سامانی شکست خوردوبه‌ری وآذربایجان گریخت. سرانجام باپادشاه سامانی صلح کرد وبه طوس بازگشت وباز به سپهسالاری خراسان رسید سپس‌وقتی به خیال اتحاد بارکن‌الدوله دیلمی افتاد وبه گرگان‌خوانده شد . وشمگیربن زیارازاین حال آگاه شدو او را بوسیلهٔ یوحناء طبیب مسموم کرد .

ابومنصوربراثرعلاقهٔ مفرط به‌ایران وتاریخ ایران ابومنصورالمعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد وهمین کتاب که به‌نثرفراهم آمده بود، مأخذ مهم شاهنامهٔ فردوسی ودقیقی گشت .

ابومنصور موفق بن علی هروی(ت) ازنویسندگان قرن پنجم. ازآثار معروف او کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» است که آن‌را درسال ٤٤٧ به زبان فارسی تألیف کرده ونام ٥٨٠ دارو را در آن ذکر کرده است. نثر کتاب بسیار روان وساده است.

ابوالمؤید بلخی (ت) ازشاعران دورهٔ سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم. مولدش بلخ است و از کسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف شاهنامه پرداختند. ابوالمؤید بلخی اولین کسی است که قصهٔ یوسف وزلیخا را به پارسی منظوم ساخته، ولی ازآن چیزی دردست نیست. کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سیستان به‌آن اشاره کرده است وآن «عجایب‌البلدان» در عجایب دنیاست.

شاهنامهٔ ابوالمؤید کتاب بزرگی به‌نثر بوده است، شامل بسیاری ازروایات وداستانهای ایرانی که اغلب آنها درشاهنامهٔ فردوسی وسایر منظومه‌های حماسی ذکر شده است. این کتاب بزرك ومفصل ازمیان رفته‌وتنهاقسمتی که از آن در دست مانده‌قطعه‌ای‌از کتاب گرشاسب‌است که‌صاحب تاریخ سیستان درکتاب خودآن را نقل کرده‌است. این‌قسمت ازقدیمترین‌قطعه‌های‌منثور زبان فارسی‌است که ازقرن چهارم‌مانده‌است.

ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی. از شاعران وفاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم. وی از معتقدان مذهب اسمعیلی بوده و ناصرخسرو در «جامع‌الحکمتین» از او یاد کرده است. ازاشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که حاوی پرسشهائی دربارهٔ مسائل فلسفی بدون جواب است که بعدها ناصر خسرو شاعر و نویسندهٔ اسمعیلی آن را شرح کرده است. همچنین ابوسعید محمدبن سرخ نیشابوری، شاگرد ابوالهیثم، کتابی مفصل درشرح عده‌ای از

ابیات آن نوشته است .

این شرح که درنیمهٔ اول قرن پنجم تألیف یافته وجواب پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است، ازنظر فلسفه و کلام وازحیث انشاء پارسی درشمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابو الفداء (ت) اسمعیل بن علی بن محمود ملقب به الملک الموید والملک الصالح صاحب حماة . وفات ۷۷٤- ازامیران فاضل که دردمشق متولد شد وپس ازکسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملک الناصر پیوست وازجانب او به امارت حماة رسید وبه لقب الملک الصالح والملک المؤید ملقب گشت .

ابوالفداء درفقه وطب وحکمت وهیئت خاصه درتاریخ وجغرافی استادی داشت . ازآثار معروفش درجغرافی کتاب «تقویم البلدان» ودر تاریخ «المختصرفی اخبار البشر» ودرفقه «کتاب الحاوی» است . دیگر کتاب «الکناش» و«الموازین» را نام برده‌اند .

اتصال (نج) رجوع شود به اجتماع .

اتصال نجوم خاطر او فیض طبع مرانوید گراست

«خاقانی»

اثیر (نج) طبقه‌ای ازآسمان بالای کرهٔ هوا که آن را کرهٔ آتش نیز گویند.

برشوند ازپل آتش که اثیرش خوانند

پس سر مائدهٔ جنت ماوی بینند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) اثیرالدین . وفات ۶۰۸- ازشاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی وفلسفه هم بااطلاع بوده است . وی معاصر ومداح رکن الدین ارسلان بن طغرل (۵۵۵—۵۷۱) بوده است . دیگر

از ممدوحان او شمس الدین اتابک اعظم ایلدگز و اتابک جهان پهلوان نصرة الدین محمد بن ایلدگز و مظفرالدین اتابک قزل ارسلان بن ایلدگز فرمانروای آذربایجان بوده است. اثیر درشیوهٔ سخن سرائی از انوری و سنائی پیروی کرده و چند قصیده به سبک خاقانی سروده است و با مجیر بیلقانی رقابت داشته و یکدیگر را به تعریض یا تصریح هجا گفته اند: اثیر به آوردن ردیفهای دشوار و معانی صعب علاقه داشته است.

(دیوان اثیر — چاپ تهران)

اجتماع (نج) حالت ماه است هنگام «محاق» که در آن حال کرهٔ ماه از همه وقت به خورشید نزدیکتر می شود و درست در مقابل او قرار می گیرد. این حال را «اتصال» نیز گویند:

ماه را نیکوئی همی گفتیم　　　که دریغی به اجتماع و محاق

«انوری»

احتراق (نج) اجتماع سیارات را با آفتاب احتراق گویند مگر اجتماع ماه را که «محاق» خوانند

بیرون شد از احتراق بهرام　　　واورد به شاه ماه پیغام

احسن التواریخ (ك) تألیف حسن بیک روملو از فاضلای زمان شاه طهماسب. این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸٤ و سلطنت شاه طهماسب شرح داده شده است.　　(چاپ کلکته)

احیاء العلوم (ك) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی. موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است و غزالی خلاصهٔ آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را «کیمیای سعادت» نامیده است.

اخبارالطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی، تألیف ابوحنیفه احمدبن داودونند دینوری. در این کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می‌شود و به قتل افشین ومرگ معتصم درسال ۲۲۷ پایان می‌پذیرد.

ابوحنیفه وقایع را ازهم‌جدا نمی کند ورشتهٔ مطلب رانمی گسلد، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند. وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند وحوادث تاریخی را به اختصار می گوید وبیشتر به وضع اجتماعی وشرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالک دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد. مخصوصاً نهضتهای سیاسی ومذهبی و انقراضها و پیشرفتها را بسیار دقیق شرح می‌دهد.

سبک نوشتهٔ کتاب اخبارالطوال بسیار ساده است.

اخلاق‌الاشراف (ك) رساله‌ای به نثرآمیخته به نظم. از آثار عبید زاکانی که آن را به‌سال ۷٤۰ هجری تألیف کرده است. موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده‌با بیانی شیرین آن را برای نمودن فساد جامعه نگاشته وسراسر آن را باحکمت وپند آمیخته است. این کتاب شامل هفت‌باب درفضایل اخلاقی یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت، سخاوت، حلم، حیا و وفا، است.

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی که به خواهش سلطان خلیل سلطان پسراوزون‌حسن آق قوینلو درنیمهٔ دوم قرن نهم تألیف یافته است. بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن «لوامع‌الاشراق فی‌مکارم الاخلاق» است به گفتهٔ خود مؤلف ازاخلاق

ناصری تألیف خواجه‌نصیرالدین طوسی اقتباس شده وحاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلفانه ومصنوع است . (چاپ لاهورولکهنو)

اخلاق‌محسنی (ك) کتابی در صفات پسندیده ومبانی اخلاقی درچهل باب ،تألیف حسین واعظ کاشفی که‌آن را به‌نام ابوالغازی‌سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان‌رواج بسیار داداشته‌است .

اخلاق‌ناصری (ك) کتابی درحکمت‌عملی‌واصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرك خواجه نصیرالدین طوسی که آن رادرحدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی وبنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعیلیه درقهستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را از کتاب‌اخلاق‌ابن‌مسکویه به‌نام «الطهارة» اقتباس کرده ودرقسمت دوم به تدابیر المنازل ابن‌سینا و در قسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

درمقالهٔ اول ازحکمت وشجاعت و عفت و عدالت بحث می کند وحکمت را به هفت نوع تقسیم می کند: ذکاء ، سرعت فهم ، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقالهٔ دوم درتدبیر منزل ومقالهٔ سوم درسیاست مدن است .

اخوان‌الصفا (ت) دسته‌ای‌ازحکمای‌ایرانی‌درقرن‌چهارم هجری . این دسته‌خواسته‌اند که عقایدفلاسفهٔ یونان رابامبانی دین‌اسلام سازش دهند و به فرقهٔ خاصی بستگی‌نداشته‌اند، بلکه بسیاری از مسائل‌دینی را باعقاید فلاسفه منطبق می کردند وچنانکه اظهار کرده‌اند باهیچیك ازادیان وعلوم دشمنی‌نداشته و کتابهای مختلف فلسفی‌را مورد استفاده

قرارداده وبه همهٔ کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب الصغیر (ك) تألیف عبداله بن المقفع که نویسنده درتألیف آن از متن کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده وابن قتیبه در کتاب «عیون الاخبار» ازآن نام برده‌است .

ادب الکبیر (ک) معروف به درة الیتیمه تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف درتألیف این کتاب از کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است .این کتاب بین مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفادهٔ آنان قرار گرفته است. اثر تمدن و فرهنگ ایرانی دراین کتاب به خوبی نمایان است ونویسنده درچند مورد به گفته های حکیمان ایران استشهاد کرده‌است.

ادریس (تن) از پیغمبران . گویند که علم نجوم معجزهٔ اوست و ازطوفان نوح خبرداد وچون عمرش به هشتصد وشصت‌وپنج سال رسید، از ملك الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانهٔ آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است، بازگشت ودربهشت‌ماند .

بمیر ای دوست پیش ازمرگ اگر عمر ابد خواهی

که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش ازما

«سنائی»

ادیب‌پیشاوری (ت) سید احمدبن شهاب رضوی متوفی ۱۳۴۹ قمری — ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی‌مقدمات علوم رادرپیشاور آموخت ودر جنگی که میان اقوام هندی باقوای دولتی درگرفت ، پدر وخویشانش به قتل رسیدند واو موفق‌شد که‌خودرا به کابل برساند .ادیب‌پیشاوری پس ازچندی‌اقامت در کابل به غزنین و هرات و تربت شیح جام ومشهد سفرکردونزد دانشمندان

معروف به تحصیل پرداخت. درسی سالگی نزد حاج ملا هادی سبزواری به کسب دانش مشغول گشت ودرسال ۱۳۰۰ هجری به تهران آمدو درهمانجا اقامت کرد. ادیب به علوم قدیم وادبیات عرب وایران احاطه داشت. دیوان اومشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمهٔ دورساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه، دیگر در تصحیح دیوان ناصرخسرو

یک مثنوی داردبنام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت است.

(دیوان چاپ تهران)

ادیب صابر (ت) شهاب الدین صابربن اسمعیل ترمذی. مقتول درحدود ۵۴۲ – از شاعران قرن ششم واصلش از ترمذ است، ولی بعد به مرو وبلخ وخوارزم رفت ومدتی سلطان سنجر را مدح گفت واز طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و چندی درخوارزم ماند. وقتی که اتسز دانست که ادیب صابر نهانی خبرهائی ازدربار او برای سنجر می فرستد دستورداد تا او را درجیحون غرق کردند.

ادیب صابر، درسبک شاعری بیشتر پیرو عنصری وفرخی است، وبارشید وطواط مشاعره داشته است.

دیوان ادیب صابر مشتمل است برقصاید وغزلیات.

(چاپ تهران)

ادیب الممالک فراهانی (ت) میرزا صادق حکیم. وفات ۱۳۳۶ ه.ق – ازفرزندان میرزاابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه قاجار. ادیب الممالک ازآزادیخواهان به شمار می رفت و مدتی روزنامهٔ ادب را انتشار می داد. درابتدای جوانی «پروانه» تخلص داشته ولقب امیر الشعرائی یافت وبه «امیری» مشهورگشت. ادیب الممالک در عصر

مشروطیت وانقلاب و کشمکش های سیاسی می‌زیست. از اینرو اشعار
فراوانی درانتقاد اوضاع زمان واجتماع خود دارد . ادیب‌الممالک در
علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد
بوده است . دیوان او شامل قصاید وقطعات واشعار جد و هزل ومدح
وذم درانتقاد جامعه وتحریک حس میهن پرستی است .
(دیوان ـ چاپ تهران)

ادیب نیشابوری (ت) شیخ عبدالجواد وفات ۱۳٤٤ ه . ق—
شیخ عبدالجواد فرزند ملاعباس نیشابوری که درچهارسالگی از مرض
آبله از یک چشم نابینا گشت وبا وجود ضعف بینائی تا۱٦ سالگی در
نیشابور به خواندن مقدمات علوم دینی پرداخت . سپس فنون ادبی را
آموخت وبیشتر اوقات را به مطالعهٔ ادبیات فارسی وعربی صرف کرد .
علاوه براین درفنون ریاضی وهیئت وطب دست یافت . دیوانش قریب
شش‌هزار بیت دارد . رساله‌ای هم درجمع بین عروض فارسی و عربی
ورساله‌ای درشرح معلقات سبع وچند جزوه درتلخیص‌شرح خطیب‌تبریزی
برحماسهٔ ابی تمام نوشته است . اشعاراو به نام لآلی مکنون درمشهد
به چاپ رسیده است .

اذاله (زحاف)(ع) در مستفعلن افزودن الف است قبل از نون
که می‌شود مستفعلان وآن را مذال خوانند .

اردشیر بابکان (ش ـ ت) پسر ساسان ازدختر بابک، مطابق
نقل شاهنامه،ساسان پسردا راپس ازکشته شدن پدر به هندوستان گریخت
وفرزندان اوتاچند پشت درهندوستان ماندند . پسرچهارم به اسم‌ساسان
به پارس آمد و نزد بابک حاکم استخربه سرشبانی رسید . شبی
بابک خواب دیدکه ساسان برپیل ژیان نشسته و هرکس به نزدش

می‌آید او را نماز می‌برد . بابک ساسان را خواست وچون دانست که ازنژاد شهریاران است ، دختر خود رابه وی‌داد واز او اردشیر به‌وجود آمد ، اورابزرگ کردند وفرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازهٔ اردشیر را شنید اورا از بابک خواست و جوانی شایسته‌اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با پسراردوان کرد ، او را به نگهبانی اسبان شاهی برگماشت . اردشیر با گلنار کنیزك اردوان به پارس فرار کرد و طرفداران بابک را جمع کرد وبه جنگ اردوان رفت واورا شکست داد ودخترش را گرفت‌وبه پارس برگشت . شهر «خرهٔ اردشیر» را ساخت و برتخت شاهی نشست. دختر اردوان به خونخواهی‌پدر خواست‌اردشیر را زهردهد ، شاه‌دریافت واو را به وزیر خود سپرد تاهلاك کند . وزیر چون دانست ملکه باردارد ، فرمان را به کارنبست و او را نگاه داشت تا شاپوربه وجود آمد . چون شاپور به هفت‌سالگی‌رسید ، اردشیرازاین راز آگاه شد واز داشتن چنان پسری خشنود گشت .

رسالهٔ پهلوی« کارنامک ای ارتخشیر ای پاپکان» درشرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است وفردوسی‌مفاد آن‌را در شاهنامه به نظم آورده است .

اردشیر دراز دست (ش - د) اردشیر درازدست لقب بهمن،شاه ایران بود .

شنیدستم که بر پای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
«منوچهری»

اردوان (ش—ت) آخرین پادشاه‌اشکانی که پاپک‌نیای اردشیر ازطرف او فرمانروای استخر بود . اردوان چون آوازهٔ‌اردشیر نوادهٔ بابک

را شنید ، اورا از پدر خواست وعزیزش داشت ، اما ناگهان براوخشم گرفت وبه نگهبانی اسبان وادارش کرد . اردشیر با کنیزك اردوان به اسم گلنار فرارکرد ولشکری جمع آورد وبه جنگ اردوان رفت و او را کشت ودخترش رابه زنی گرفت.

ارژنك، ارتنك (ش — د) نام کتاب منسوب به‌مانی نقاش که دارای تصاویر زیباودلاویز بوده است.

تنش چون نامهٔ ارژنگ زیبا
میان چون خامهٔ مانی مصور

«مسعودسعد»

ارسال‌المثل (ب) : آن است که شاعر مثل معروفی را درشعر بیاورد یا مصراعی بگوید که حکم‌مثل پیدا کند وقبول عامه یابد

بابط می‌گفت ماهیی در تب و تاب
باشد که به جوی رفته بازآید آب
بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب
«دنیا پس مرگ‌ما چه دریا چه سراب»

ارسال‌المثلین (ب) آن است که شاعر دریك بیت دومثل آرد ، یعنی هریك از دو مصراع شعر یك مثل باشد .

چنین کنندبزرگان چوکرد باید کار
چنین نماید شمشیر خسروان آثار

(عنصری)

ارسطا طالیس (ت) رجوع شودبه ارسطو

ارسطو (ت) حکیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر. ارسطو به معلم اول معروف است .

ارکان اربعه رجوع شود به چهار ارکان.

ارکان عروض (ع) ارکان ازاصطلاحات عروض وشامل سبب و وتد وفاصله می‌باشد. رجوع شود به این کلمات.

ارم یا ارم ذات العماد (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت. ودرشعرفارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش چو ازلطف هوا
زلف سنبل زنسیم سحری می‌آشفت...
«حافظ»

ارمن (د) نام سرزمینی است که برطبق داستان خسروو‌شیرین، مهین بانوعمهٔ شیرین برآن حکومت می‌کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظرالیک» پروردگارا، خودرا بمن بنما تا بسوی تو بنگرم. جواب آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با توآن عهد که در وادی ایمن بستیم
همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم
«حافظ»

ازاحیف (ج زحاف) (ع) رجوع شود به زحاف.

ازرقی (ت) ابوبکر زین‌الدین بن اسمعیل وراق هروی. وفات درحدود ٤٦٥ - ازشاعران زبردست قرن پنجم. پدرش اسمعیل وراق همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانهٔ او رفت. ازرقی دردستگاه شمس‌الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن ارسلان سلجوقی که درزمان سلطنت الب ارسلان حاکم خراسان بود، تقرب یافت واورا مدح گفت. ازممدوحان دیگرازرقی امیرانشاه بن قاورد ازسلجوقیان کرمان بود.

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جملهٔ آثاری که به او نسبت داده‌اند «الفیه‌وشلفیهٔ» منظوم است . دیگر قصهٔ «سندباد» است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی درآوردن تشبیهات غریب ووصف وتصویردقیق اشیاء ، استادی‌داشت . ودرمدح لحن مبالغه آمیزی بکار می‌برد . (دیوان ازرقی — چاپ تهران - دانشگاه)

ازهری‌هروی (ت) ابومنصورمحمدبن احمد . متوفی ۳۷۰ - از عالمان بزرك ادب ولغت، درعربستان به‌جمع لغت‌مشغول گشت وبسیاری ازلغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فرا گرفت . از آثار مشهور او درلغت کتاب «التهذیب» است .

اساس‌الاقتباس (ك) کتابی درمنطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمدبن حسن طوسی ملقب به‌نصیرالدین که آن‌را درسال ۶۴۲ تألیف کرده‌است. خواجه‌نصیرالدین درتنظیم‌این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریك ازبخش ها را مقاله نامیده است . این‌مقاله‌ها دربارهٔ مدخل منطق، مقولات عشر، عبارات، علم‌قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می‌باشد .

اساس‌الاقتباس پس‌از کتاب شفای ابوعلی‌سینا بهترین‌وجامعترین کتابی است درفن منطق که مؤلف درآن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . این کتاب را رکن‌الدین محمدبن علی فارسی استرابادی که از فاضلان نزدیك عصر خواجه بود ، به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران — ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است درسببی که‌آخر جزء باشد . فاعلاتن می‌شود فاعلاتان ؛ وبجای آن فاعلیان می گذارند وآن را مسبغ می‌خوانند .

استرابادی (ت) میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادرشاه که سرآمد منشیان آن دوره بود ودرنویسندگی قدرت و پختگی داشت ولی دربعضی آثارش تصنع وتکلف پیداست . ازآثارمعروف‌او«جهانگشای نادری» و«درهٔ نادره» .

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به‌مناسبت کمال شباهت دریکی از صفات به‌جای لفظ دیگر به کاربرند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که‌میان این‌دو درصفت شجاعت هست . وبعضی گفته‌اند که‌استعاره عبارت است ازمبالغه درتشبیه یعنی به جای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین‌آن‌یک است ودراستعاره همیشه ادات‌تشبیه محذوف‌است، چنانکه دراین‌شعرنهنگ‌برای«اسب»واژدهابرای«کمند» استعاره شده است .

همی تاخت اندرمیان دوصف نهنگی بزیر اژدهائی به کف

استغنائی نیشابوری (ت) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری . ازشاعران قرن چهارم ومعاصر آل‌بویه وآل سامان . از حال او اطلاعی دردست نیست . ازآثارش ابیات پراکنده‌ای باقی است .

استقبال (نج) حالت‌ماه‌درشب«بدر» که درآن حال‌ماه‌باخورشید مقابله پیدا می کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت
کاوفتاداین ذره‌راباچون توخورشیدالتقا

اسحق (تن) پسرابراهیم خلیل‌الله . اسحق دوپسر داشت به‌نام عیص ویعقوب. یعقوب رمهٔ‌گوسفندان‌را دوست داشت واسحق شکار را . روزی اسحق‌ازپسران گوشت‌بریان خواست وچون‌یعقوب برهٔ بریان کرده

رازودترفراهم کرد ، اسحق او رادعا کرد وپیغمبری به او واولادش رسید .

اسحق موصلی (ت) ابومحمد اسحق بن ابراهیم موصلی . وفات ۲۳۵- اصلا ایرانی وازخاندانهای معروف فارس وپسرابراهیم پسرماهان ارجانی، او نیزبه مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی دردستگاه خلافت مأمون ومعتصم عباسی می زیست، درعلم موسیقی وریاضی استادی کامل بود ودرفن حدیث ولغت ونحومهارت داشت . شعرنیزمی سرود .

اسد (نج) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه شکل شیر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در پیش خرچنگ ایستاده

کمان کردار دم بر سر نهاده

اسدی طوسی (ت) ابونصر علی بن احمداسدی طوسی . ازشاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را درسال ٤٥٨ به نام ابودلف حکمران اران ونخجوان ساخته است . اسدی درانقلابات خراسان و غلبهٔ سلاجقه ، به آذربایجان رفت و باعده ای از سلاطین آنجا آشنا شد . ازممدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان وشجاع الدوله ابوشجاع اند . ازآثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد ازگرشبنامه تألیف کرده ونام آن را ذکر کرده است . دیگر ازآثارمنظوم او قصائد مناظرات می باشد شامل مناظرهٔ آسمان وزمین ومغ ومسلمان وغیره

اسدی به تاریخ ٤٤٧ نسخهٔ کتاب الابنیهٔ ابومنصور موفق هروی را به خط خود استنساخ کرده وآن قدیمترین نسخهٔ خطی فارسی است که دردست است ودر کتابخانهٔ ملی وین موجود است .

اسرارالتوحید (ك) اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید .

ازآثار شیوای زبان‌فارسی. مؤلف این کتاب محمدبن‌منور ازنوادگان‌شیخ ابوسعیداست که این کتاب‌را دربارهٔ‌احوال واخبار و کرامات جدخویش نگاشته وروایات واطلاعاتی درآن جمع‌آورده وبه ابوالفتح غیاث‌الدین محمدبن سام شاه غوری (متوفی سال۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب بین سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده‌است‌و کلمات‌وترکیبات‌مهجورعربی درآن کم است. (چاپ تهران-۱۳۳۲)

اسرارالحکم (ک) کتابی درحکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان وحکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب‌بیشتربه اثبات توحید و اصول عقایداسلامی پرداخته است. این کتاب مکررچاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمه یونانی به معنی آئینه نجوم. آلتی است مدور که‌دوائر وخطوط‌بسیاربرآن منقوش است وبرای تعیین‌ارتفاع آفتاب وستارگان به‌کار می‌رود.

نگاه کردم‌از دور من تلی دیدم

که‌چاه‌ژرف‌نماید ازآن‌بلندعقاب

که گرمنجم بروی‌شود، چنان بیند

بروج‌چرخ که‌بی‌غم‌شود زاسطرلاب

(مسعودسعد)

اسفزاری (ت) ابوحاتم‌المظفربن اسعمیل‌اسفزاری. وفات ۵۱۰- ازدانشمندان بزرگ قرن پنجم ومعاصرحکیم عمرخیام. درعلم هیئت وریاضی‌استاد بود. ازآثارش سه رساله دردست است. به نام «اختصار اصول اقلیدس» به عربی ورسالهٔ «آثار علوی یا کائنات جو و«الشبکة»

به فارسی . کتاب «کائنات‌جو» را به نام فخرالملک‌بن نظام الملک نوشته وشهمردان‌بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را درکتاب نزهت نامه علائی درفصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری ازمورخان معاصر دورهٔ تیمور که به‌شغل انشاء وترسل اشتغال داشته وکتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش — د) پسر گشتاسب وملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت وپس ازگذشتن از هفتخوان و فتح روئین دژ، ارجاسب را کشت وازپدر تخت وتاج خواست . پدربرای دفع الوقت اورا نزد رستم فرستاد تا آن پهلوان نامدار را دست بسته به‌درگاه آورد . رستم به این ننگ‌تن در نداد وکار به جنگ انجامید.دراین جنگ ، پس ازدلاوریهای دوحریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را باتیری که ازچوب گز ساخته بود ، کورکرد واسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم واسفندیار از قطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش — د) بنا بر روایت شاهنامه‌پسر داراب از دختر قیصرروم که نزد پدر بزرك تربیت یافت وبادارا پسر دیگرداراب، شاه ایران ، جنگ کرد . دراین‌جنگ ، دارامجروح‌شد وچون اسکندر آن‌خبر راشنید ، خود را به بالین دارا رساند وزارگریست وخواست که پزشک حاضرکند ، اما سودی نکرد ودارا پس ازوصیت جان داد . اسکندر پس از دارا بنابروصیت او دخترش «روشنک» را به‌زنی گرفت وبه‌هند ومصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به اونشان دادکه درآن‌چشمهٔ آبی بود ، که هرکس ازآن

بخورد، هرگز نمی‌میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت، درروشنائی کوهی دید . از کوه بالا رفت . اسرافیل را دید ، صوری به دست ومنتظرفرمان که درصور بدمد . اسکندر را آوازداد که برای تاج و گنج آنقدرآزار به خود راه ندهد . اسکندر باناله فرود آمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یا جوج و مأجوج که گوشهایشان به اندازه‌ای است که یکی را بستر ودیگری را روی پوش سازند . اسکندر باعده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یأجوج ومأجوج رفت وبه‌فرمان او دیوارهای بلندی ساختندازآهن وسنگ و گچ وقیرو باساختن این سد مردم را از شر یأجوج ومأجوج رهانید .

اسکندر نامه (ك) یکی از پنج‌مثنوی معروف‌نظامی، داستانسرای بزرك ایران درقرن‌ششم، که‌شامل دوقسمت است . قسمت اول‌شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابك نصرة‌الدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان ساخته است وقسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان صاحب موصل . کتاب شرفنامه شامل داستان اسکندر است ، از تولد تافتح ممالك‌وسراجعت‌به‌روم ، واقبالنامه درحکمت‌وپیغامبری اسکندر است . در این کتاب، نظامی به‌داستان‌اسکندر درشاهنامهٔ‌فردوسی‌نیزنظرداشته‌است .

اسکندر نامه (ك) کتاب مفصلی به نثر ، مشتمل برافسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالقرنین . این کتاب‌ظاهراً درعصر صفویه تدوین شده واز افسانه‌های عامیانهٔ ایران است که رواج بسیار دارد وچندین باربه‌چاپ رسیده است .

اسکندر نامه (ك) کتابی در داستان اسکندربه نثر، از آثارقرن ششم هجری .

(دربارهٔ این کتاب رجوع کنید به «سبک شناسی» ملک الشعراء بهار - جلد دوم)

اسمعیل بن حماد جوهری فارابی (ت) رجوع شود به جوهری

اسیر (ت) میرزا سید جلال اسیر اصفهانی . وفات ۱۰۷۹ - از سادات اصفهان و معاصر شاه عباس ثانی . اساس شعر را بر مضامین دقیق و خیال پردازی نهاده و مورد تقلید طرفداران سبک هندی قرار گرفته است . اسیر دارای غزلهای لطیف است وقصایدی در مدح خاندان پیغمبر دارد .

اشارات (ك) الاشارات والتنبیهات آخرین و بهترین کتاب در حکمت، تألیف دانشمند بزرك ابوعلی سینا که شامل دو قسمت است . قسمت اول در علم منطق وقسمت دوم در علم طبیعی والهی . خواجه نصیرالدین طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است بنام «حل مشکلات الاشارات»

اشارات و تنبیهات (ك) ترجمهٔ کتاب الاشارات والتنبیهات ابوعلی سینا به زبان فارسی که ظاهراً در حدود قرن ششم به فارسی درآمده است .

اشباع (ق) از حرکات قافیه . حرکت دخیل . مانند حرکت یاء در دو کلمهٔ شمایل و قبایل در این شعر سعدی

چشم بدت دور ای بدیع شمایل　　ماه من و شمع جمع و میر قبایل

اختلاف حرکت دخیل جایز نیست مگر وقتی که روی به حرف وصل پیوندد .

مثال از سعدی :

ای نفس اگر به دیدهٔ تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توانگری

مردی گمان مبر که به پنجه است و زور و کتف
با نفس اگر برآئی دانم که شاطری

اشتقاق (ب) آن است که شاعرالفاظی به کار برد که از یک اصل مشتق باشد. مانند کلمه های مداین ومدین دراین شعر

شنیدم من که برپای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
رسد دست تو ازشرق به مغرب
ز اقصای مد این تا به مدین
(منوچهری)

اشعةاللمعات (ك) - کتابی به زبان فارسی درشرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۸۶ آن را به خواهش امیر علیشیر نوائی تالیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و۲۸ لمعه است. جامی درمقدمهٔ کتاب می گوید که چون عده‌ای ازقبول عقاید مندرج درکتاب لمعات عراقی امتناع کردند، اوناچار به تفسیر وشرح آن گشت‌وازکتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است. بنابراین بعد از مقدمه،نکته های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال وجواب شرح داده وبه این طریق کتاب‌را تفسیر می کند وبه‌قطعهٔ ملمع عربی وفارسی آن را ختم می کند.

اصحاب کهف (تن) کهف به معنی غاراست واصحاب کهف‌شش تن بودند که درعهددقیانوس به خداپرستی گرائیدند وازترس او شبانه گریختند. درراه شبانی با ایشان همراه شد،خواستند که سگ شبان را به شهر بازگردانند، ولی سگ به سخن درآمد و گفت «من نیزآن کس را می‌طلبم که شما می‌طلبید.» دست ازاوبازداشتند وهمگی به غاری رفتند وخوابیدند. پس از سیصدونه سال بیدار شدند، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند،چون سکه به‌نام دقیانوس بود،طباخ

او راپیش فرمانروای‌شهر برد . فرمانروا زبان‌اورانمی‌فهمید ، دانشمندی
را حاضر کرد که زبان او را دریافت و واقعه رادرك کرد . همگی‌برای
زیارت‌آن عده به غار رفتند تا ایشان‌را باتجلیل واحترام‌به‌شهربیاورند ،
ولی اصحاب کهف به‌این امر تن درندادند ودعا کردند تاخدای تعالی
مرگ برایشان فرستاد .

سگ اصحاب کهف روزی‌چند　　پی نیکان گرفت و مردم‌شد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم بن‌محمد الفارسی‌الاصطخری
معروف به کرخی از دانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب مشهوری
به زبان عربی درجغرافیا دارد به نام «المسالك والممالك»

اصفهانی (ت) ابوالفتح محمودبن‌محمد بن قاسم الاصفهانی‌از
مترجمان‌وریاضی‌دانان قرن‌چهارم که‌ترجمهٔ کتاب‌المخروطات‌اپولونیوس
راکه به توسط هلال بن ابی هلال‌الحمصی و ثابت‌بن قره انجام گرفته
بود ، تکمیل کرد وتفسیری برآن نوشت .

اضافه(ط)ازمقولات‌عشر .مفهوم‌اضافه،وجودچیزیست که‌تصورش
باتصور چیزدیگری توأم باشد وبدون آن دیگری به عقل درنیاید،مثل
تصور پدری وبسری ؛که بدون یکدیگر ممکن نیست .

اطناب : (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد

من وتوایم من وتوکه در جهان نبود
من و ترا! به هنر جزمن و تو یاروقرین

اعتدال (نج)دونقطه‌ازمنطقة‌البروج است که‌زمین چون‌در گردش
خود به دور آفتاب به آن نقاط‌برسد ، شب‌وروز در آن یکسان می‌شود .
اعتدال برد وگونه است اعتدال ربیعی - اعتدال‌خریفی

اعتدال خریفی (نج) اول پائیز که در آن شب وروز مساوی می‌شود

اعتدال ربیعی (نج) اول بهار که در آن شب وروز مساوی می‌شود

اعتماد السلطنه (ت) میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله علی مقدم مراغه‌ای. محمد خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۳۰۴ ه لقب اعتمادالسلطنه یافت. هرسال کتابی زیرنظر صنیع الدوله درمطبعهٔ دولتی به چاپ می‌رسیدو روزنامهٔ «ایران» نیزبه ریاست او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه های کوچک دیگر مانند «مرآت السفرومشکوة الحضر» درسر گذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی و«روزنامهٔ علمی» مصور وروزنامهٔ «شرف» در زمان او وبه همت او انتشار یافت.

ازآثار اعتمادالسلطنه کتاب مرآت البلدان، مطلع الشمس، المآثر والآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری، خیرات حسان است.

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیزی شود که لازم نیست وآن را الزام مالایلزم گویند مانند شمایل وقبایل دراین شعر

چشم بدت دورای بدیع شمایل
ماه من وشمع جمع ومیر قبایل

که سعدی تاآخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است.

اغراق (ب) آن است که گوینده در وصف کسی یاچیزی مبالغه کند.

آه سعدی اثر کند در سنگ ‌‌ ‌ نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب وتقدیم وتأخیر ارکان عروض ده وزن (به عقیدهٔ شمس قیس مؤلف المعجم فی معائیر اشعارالعجم) به وجود می‌آید که بنای همهٔ اشعار عرب وعجم برآن نهاده شده است وعروضیان آنها را «افاعیل» می‌خوانند ازاین قرار: فعولن، فاعلن، مفاعیلن،

مستفعلن ،فاعلاتن ،مفاعلتن، متفاعلن، مفعولات، فاع لاتن،مس تفع لن .

ازترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می شود . ترکیب یک سبب ویک وتد ، دوسبب ویک وتد ، یک وتد ویک فاصله .

ازترکیب یک وتد ویک سبب صورتهای ذیل حاصل می‌شود:

۱-اگر وتد برسبب مقدم باشد،وزن فعولن به وجود می‌آید، مانند مخور غم

۲-اگرسبب بر وتدمقدم باشد،وزن فاعلن به وجود می‌آید،مانند غم مخور

ازترکیب دوسبب ویک‌وتدشش صورت حاصل می‌شود . ازاین‌قرار:

ترکیب دوسبب ووتد مقرون سه صورت دارد

۱- اگر وتد مقرون بردوسبب‌مقدم باشد،مفاعیلن به وجودمی‌آید . مانند مخورغم رو

۲- اگر دوسبب بروتد مقرون مقدم باشد،مستفعلن به‌وجودمی‌آید، مانند رو غم مخور

۳- اگر وتد مقرون درمیان دوسبب قرار گیرد،فاعلا تن به‌وجود می‌آید،مانند غم مخور رو

ترکیب دوسبب و وتد مفروق‌نیز سه صورت دارد

۱- اگر دو سبب بر وتد مفروق مقدم باشد،مفعولات به وجود می‌آید .مانند دل شد تازه

۲- اگر وتد مفروق بردوسبب‌مقدم باشد،فاع لاتن به‌وجودمی‌آید . مانند تازه شد دل

۳- اگر وتد مفروق میان دوسبب‌قرار گیرد،مس تفع‌لن به وجود می‌آید . دل تازه شد

ترکیب یک وتد و یک فاصله دو صورت دارد

۱ـ اگر وتد بر فاصله مقدم شود، مفاعلتن به وجود می‌آید. مانند بتا چکنم

۲ـ اگر فاصله بر وتد مقدم شود، متفاعلن به وجود می‌آید. مانند چکنم بتا

در اصول عروض پارسی بیش از هفت جزء یا فعل از افاعیل ده گانهٔ فوق استعمال نمی‌شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن، فعولن

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست و شش است از این قرار: مفاعیلُ، مفاعیل، فعولن، فاعلن، مفعولن، مفعولُ، مفعول، مفاعلن، فاع، فع، فاعلات، فعلاتن، فعلات، فعلن، فع لن، فاعلان، فعلان، مفتعلن، فعولان، مفعولان، فعولُ، فعول، فعل، فع لان، مفاعیلان، فاعلیان. (فعولن) هم در اصول به شمار آمده است و هم در فروع

افسر (ت) شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا. وفات ۱۳۰۹ ق- محمد هاشم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب و هندسه پرداخت. علوم معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد حاجی سبزواری آموخت. افسر در مجلس شورای ملی از دورهٔ دوم تا دورهٔ نهم نماینده‌گی داشت و چندین بار عهده‌دار نیابت ریاست مجلس بود. افسر مؤسس انجمن ادبی ایران است. وی در اشعار خود اغلب مضامین نو و اوزان غیر مبتذل اختیار کرده و در نقد شعر نیز دست داشته است.

(دیوان افسر - چاپ تهران)

افضل الدین کاشی (ت) افضل الدین محمد بن حسین مرقی کاشانی وفات ۷۰۷ -افضل الدین معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن

هفتم واهل مرق از توابع کاشان · بابا افضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد.مانند جاودان‌نامه ، و«ترجمه رسالهٔ نفس ، ارسطو«المفید للمستفید»، ره‌انجام‌نامه، انشائنامه، رسالهٔ عرض، رسالهٔ درمنطق و غیره.

بابا افضل ازکسانی است که مطالب علمی وفلسفی را به‌فارسی محکم‌وسوجز نوشته‌است وبا آنکه لغات فراوان پارسی بجای اصطلاحات عربی به‌کاربرده است، بهیچوجه از فصاحت وروانی ترجمه نکاسته‌است. عبارات درنثر او بسیار کوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) افضل‌الدین ابوحامداحمدبن حامد کرمانی . وفات ۶۳۲-از نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان بر کرمان درآن‌شهرمی‌زیست. وی‌معاصر ملک دیناربود که‌درسال ۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال‌اتابک‌فارس ، سعدبن زندگی ، وقطب‌الدین مبارز وسلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه ازفصل‌آخر کتابش برمی‌آید ، بعد از شروع انقلابات‌کرمان چندسال سمت کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس ازآن جلای وطن اختیارکرد و رو به سوی خراسان نهاد ودر کوبنان متوقف شد وپنج سال‌آنجا ماند . پس‌از آن به یزد رفت ودرسال ۵۸۴ به کرمان بازگشت . از آثاراو کتاب «عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی» و «بدیع‌الازمان فی‌وقایع کرمان» و«المضاف الی بدایع الازمان فی‌وقایع کرمان» است .

اقبال (ت). عباس اقبال آشتیانی. وفات ۱۳۳۴ ش-عباس‌اقبال درسال ۱۳۱۴ قمری‌متولد گردید وتحصیلات‌خود را درمدرسهٔ دارلفنون تهران به‌پایان رساند ودر کتابخانهٔ‌عمومی وزارت معارف به کارمشغول شد. سپس درمدارس‌علوم سیاسی ونظام ودارالمعلمین عالی به‌تدریس

پرداخت ، پس از آن سفری به پاریس کرد وازدانشگاه سوربن به اخذ لیسانس دررشتهٔ ادبیات نائل آمد . پس از بازگشت،دردانشگاه تهران به تدریس پرداخت ودرسالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه وایتالیا اجرای وظیفه می کرد،تادرسال ۱۳۳۴ دررم فوت کرد . ازجملهٔ کارهای پرارزش اقبال انتشار مجلهٔ «یادگار» در سال ۱۳۲۳ است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت وچندین کتاب ازاین زبان به فارسی ترجمه کرده است . همچنین درتصحیح و تحشیهٔ بسیاری ازکتابهای ادبی وتاریخی ایران کوشش کرد . از جملهٔ تألیفات او « خاندان نوبختی »و« تاریخ مفصل ایران »و«قابوس وشمگیر زیاری» و«ابن المقفع»و«بحرین وجزایر خلیج فارس» وچند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی وتاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (ت) علامه محمد اقبال لاهوری– وفات ۱۳۵۷ هجری قمری–از شاعران بزرك پاکستان که به زبان فارسی شعر گفته واشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه های عمیق است . اقبال درکشورهای انگلستان وآلمان تحصیل کرده‌است ، ازاینرو افکارتمدن مغرب زمین را بااندیشه های‌دقیق‌شرقی درشعرآمیخته است. آثار او درمجموعه هائی به نام «جاویدنامه»، «پیام شرق» ، «اسرار ورموز »، «ارمغان حجاز»چاپ شده است .

اقتران (نج)رجوع شود به‌قران

اقوا (ق) ازعیوب‌قافیه .اختلاف حذووتوجیه است

مثال اختلاف حذو :

هر وزیر و مفتی و شاعر که او طوسی بود

چون نظام‌الملک وغزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصهٔ هجران تو دل پردارم
پیوسته ازآن دیده به خون تردارم

اکبرنامه یاتاریخ اکبری(ک) تاریخ مفصلی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی، وزیراکبرشاه، که آن را درآخر قرن دهم هجری درهندوستان و دربارهٔ تاریخ پادشاهی اکبرشاه وتیموریان هند تألیف کرده است. این کتاب درسه جلد است وجلد چهارم آن به نام «آئین اکبری» است دربارهٔ روش حکومت وسیاست کشورداری اکبرشاه.

البرز (ش - ت) نام سلسلهٔ کوهی که درشمال تهران واقع است وبرطبق داستان شاهنامه، رستم کیقباد را ازآنجا همراه آورد وبرتخت شاهی نشاند وسیمرغ زال را برفرازآن پرورش داد.

اگر کیقبادم زالبرز کوه		به زاری فتاده میان گروه
نیاوردمی من به ایران زمین		نبستی کمربند و شمشیر کین
ترا این بزرگی نبودی و کام		که گوئی سخنها به دستان سام

« ازشاهنامهٔ فردوسی»

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب، از غیبت به خطاب توجه کند یا به عکس

از غیبت به خطاب :

قرین ومثل ندارد وگرنه می گفتم
بود مقدم اقران و قدوهٔ امثال
خدایگانا در مدحت تو روز دیگر
کنم حدیث که تفصیل دارد این اجمال

از خطاب به غیبت :

ما را جگر به تیر فراق تو خسته شد

ای صبر در فراق بتان نیک جوشنی

الست (تن) یعنی «آیا نیستم» اشاره به آیهٔ قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیا من پروردگار شما نیستم» «قالوا بلی!» یعنی گفتند که «آری» و در شعر فارسی به معنای روز ازل آمده است

بروای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جزاین تحفه به ما روز الست

«حافظ»

امام فخر رازی (ت) رجوع شود به فخر رازی

امامی هروی (ت) ابوعبدالله محمد بن ابوبکر بن عثمان. وفات ۶۶۷- از شاعران قرن هفتم ومعاصران سعدی. امامی با مجد همگر وشاعران دیگر سؤال وجواب منظوم داشته واشعاری در مدح امیران ووزیران کرمان دارد.

از مجدالدین همگر شعری منقول است که در معرفی امامی کافی است

ما گرچه به نطق طوطی خوش نفسیم

بر شکر گفته های سعدی مگسیم

در شیوهٔ شاعری به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نرسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکرهٔ دولتشاه وآتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحا ضبط است. ونسخهٔ خطی دیوان او هنوزبه چاپ نرسیده است.

امهات سفلی یا امهات اربعه (نج) کنایه ازچهارعنصر (آب وباد وخاك وآتش)

امیدی تهرانی (ت) ارجاسب مقتول ۹۲۵ — ازشاعران عهد شاه اسمعیل صفوی و ازشاگردان حکیم جلال الدین دوانی. بیشتر اشعارش

قصیده‌است وقسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورق می باشد، درموزهٔ بریتانیا وجود دارد . درمجمع الفصحاء وآتشکده اشعاری از او آمده است .

امیرخسرو دهلوی (ت) امیر خسروبن امیرسیف الدین محمود دهلوی. وفات ۷۲۵—ازشاعران بزرگ ایران که درهندوستان(شهردهلی) اقامت داشته وشاهان هندرا مدح کرده‌است . امیرخسرود رحلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام‌الدین اولیاء درآمد .

امیرخسرو درشعر ازسنائی وخاقانی‌ونظامی وسعدی پیروی کرده، خاصه درغزل پیرو سبک سعدی بوده‌است، ولی خود او باوجود پیروی ازشاعران دیگر می گوید:«جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی» درشعرلحن خاصی دارد که به تدریج صورت تازه‌ای یافته و به سبک هندی معروف شده است. دیوان اشعار امیرخسرو برپنج قسمت است .

۱- تحفة‌الصغر که دردوران جوانی‌سروده ومرکب‌است‌ازقصاید غزلیات ، ترجیع‌بند ودرآن سلطان غیاث‌الدین بلبان (٦٦٤ — ٦٨٦) وپسرش وشیخ نظام الدین‌اولیاء را مدح کرده است .

۲- واسطة‌الحیوة که درآن‌قصایدی درمدح‌شیخ نظام‌الدین اولیاء ونصرة‌الدین سلطان محمد، پسر بزرگ (بلبان مقتول ٦٧٣) ، وسلطان معزالدین کیقباد(٦٧٦-٦٨٩)دارد.

۳- غرة‌الکمال که درمقدمهٔ آن ازشعر فارسی ومحسنات‌آن سخن گفته وازشاعران بزرگ‌ایران ، مانند سنائی وخاقانی وسعدی و نظامی نام‌برده وشیخ نظام‌الدین‌اولیاءوسلطان معزالدین کیقباد وجلال‌فیروزشاه (٦٨٩—٦٩٥) وجانشین های اورکن‌الدین وعلاءالدین را مدح کرده است .

٤- بقیة النقیه که قسمتی ازآن درمدح علاءالدین محمد شاه

(۶۹۵—۷۱۵) وپسرش وامیران دیگراست‌ود، زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهایةالکمال که شامل قصاید در مدح سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۲۰—۷۲۵) ودرمرثیهٔ سلطان قطب‌الدین مبارك شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دورهٔ آخر زندگی شاعرست .

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است ودربسیاری از آنها قصاید خاقانی‌رادر نظر داشته‌است وبه‌نظامی هم‌عقیده خاصی داشته وبه‌تقلید ازاو خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل برمنظومه‌های زیر :

۱- مطلع‌الانوار

۲- شیرین وخسرو

۳- مجنون ولیلی

۴- آئینهٔ اسکندری

۵- هشت بهشت

امیرخسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران‌السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای منثور او « خزائن الفتوح » است، دیگر « رسایل الاعجاز » درفن انشاء .

امیرخسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید

کلیات‌امیرخسرودهلوی چاپ هند

امین احمدرازی (ت) از تذکره نویسان قرن یازدهم و معاصر شاه‌طهماسب . وی پسر خواجه‌میرزا احمد است که‌درسال ۹۳۰ ازجانب شاه طهماسب، کلانتری‌ری‌را داشته است، کتابی درجغرافیا وشرح حال

بزرگان ورجال ادب دارد، به‌نام «هفت اقلیم»

امینی نجار (ت)ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلخی الامینی النجار.ازشاعران عصر محمود غزنوی . از زندگیش اطلاعی دردست نیست . قصیده‌ای ازاو درلباب‌الالباب عوفی ضبط است .

انفعال (ط) (ازمقولات‌عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن تأثیر از غیر.مثل گرم شدن آب ازآتش

انقلاب (نج) دونقطه از منطقة البروج است که زمین چون در گردش خود به دورآفتاب به آن نقاطمی‌رسد ، شب وروز به حداعلای تفاوت‌باهم می‌رسند. انقلاب بردو گونه است : انقلاب صیفی، انقلاب شتوی .

انقلاب شتوی (نج) یا انقلاب‌زمستانی در روز اول زمستان‌است که روز به منتهای کوتاهی وشب به منتهای بلندی می‌رسد .

انقلاب‌صیفی (نج) یاانقلاب‌تابستانی در روز اول تابستان‌است که روز به منتهای بلندی وشب به منتهای کوتاهی می‌رسد .

انگشترسلیمان(تن)انگشتری که‌سلیمان‌دردست‌داشت وبه‌وسیلهٔ آن برانسان و جانوران پادشاهی‌می‌کرد ودیوی آن راربود وچهل‌روز بجای سیلمان برتخت نشست .

از ملک تو گریابم انگشتری زنهار
صد ملک سلیمانم درزیر نگین باشد

«حافظ»

انوار (ت) سید علی بن هرون بن‌ابوالقاسم الحسینی‌التبریزی . وفات۸۳۷–سیدقاسم‌الانوارشاگردشیخ صدرالدین‌اردبیلی‌ازاجدادصفویه بوده‌است . وی‌مدتی‌در گیلان اقامت‌کرد ، بعد به خراسان رفت و در

هرات ساکن شد . درزمان سلطنت تیمور وفرزندش شاهرخ در هرات می‌زیسته‌است،ولی به‌سبب سوءظنی که‌میرزا بایسنقرپسرشاهرخ به اوپیدا کرده بود، ازهرات به‌سمرقندرفت وتحت حمایت‌میرزاالغ بیک قرار گرفت، بعد به خراسان بازگشت ودر خرجرد ازولایت‌جام اقامت کرد وهمانجا وفات یافت .

از آثارقاسم‌الانوار دیوان‌غزلیات او ودومثنوی «انیس العارفین» و«انیس العاشقین»است. (نسخهٔ‌خطی کتابخانهٔ‌مدرسهٔ عالی‌سپهسالار)

انوارالتنزیل و اسرارالتأویل (ك) یا تفسیر بیضاوی. تفسیر بسیار معتبری‌ازقرآن به زبان عربی‌تألیف ناصرالدین البیضاوی ازعالمان ومفسران مشهورعصرمغول . تفسیر بیضاوی درمیان عالمان وفاضلان بسیارمعتبر وموارداستفاده بوده‌است، وبه سبب همین تفسیر معروف‌است که بیضاوی به‌مقام قاضی‌القضاتی رسیده‌است. شیخ بهائی‌براین تفسیر حواشی وتعلیقات مفصل نوشته است .

انوارسهیلی (ك) یکی ازمهمترین آثارادبی زبان‌فارسی،تألیف ملاکمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر شیخ احمد سهیلی ازامیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است . این کتاب ازروی کتاب کلیله‌ودمنهٔ‌ابوالمعالی‌منشی انشاء گردیده‌وماننداآن پراز‌اشعار وامثال عربی است ، مؤلف انوار سهیلی خواسته است که کتابش را به شیوهٔ ساده بنویسد وبه جای امثال واشعارعربی و عبارات مصنوع ، اصطلاحات ساده‌تر و امثال فارسی به کار بردتافهم آن آسانتر گردد . بااینحال شیوهٔ نگارش کتاب تابع‌سبک متکلف قرن‌نهم هجری است واز لفاظی و عبارت پردازی خالی نیست .

انوشیروان (ش ـــ ت) خسرو اول از شاهان‌ساسانی، پسرقباد .

نام او درعربی به صورت «کسری» آمده ودرادبیات فارسی نیزغالباً به
همین صورت به کار رفته است . درزمان پدرش،قباد، مزدك آئین نوی
آورد وقباد دین اورا پذیرفت ولی پس ازچندی از او رو برگرداند و
کسری به فرمان پدر مزدك و مزدکیان را کشت وچون به تخت نشست
به کشورداری وآبادی پرداخت ، دختر خاقان چین را گرفت و دوستی
ایران وچین را استوار ساخت. درزمان انوشیروان شطرنج ازهندبه ایران
آمد، همچنین به دستورانوشیروان ، کتاب کلیله ودمنه بوسیله برزویهٔ
طبیب به ایران آورده شد وبه زبان پهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه
است که درقرن دوم هجری ابن مقفع آن را به عربی برگرداند. انوشیروان
باقیصر روم جنگید وبراو پیروز شد وقیصر را باژگزارایران کرد .
درادبیات فارسی،انوشیروان نمونهٔ دادگری ورعیت پروری است.

انوری (ت) اوحدالدین محمدبن محمد وفات ۵۸۳ — انوری
ملقب به حجةالحق درقریهٔ بدنه ازولایت ابیورد متولدشد . درجوانی
درطوس به تحصیل همت گماشت وعلاوه بر ادبیات، درریاضی وفلسفه
وحکمت نیز مهارت یافت . به آثار ابوعلی سینا علاقهٔ بسیار داشت
وبعضی ازآنها رابه خط خود نوشت . انوری به نجوم هم علاقهٔ خاص
داشت وی گویند که در اقتران کواکب سال ۵۸۳ پیشگوئی باد
سختی راکرد که حقیقت نیافت .

انوری غیراز سنجر بسیاری از رجال معروف ازقبیل ابوالحسن
عمرانی وقاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح گفته است.

انوری از قصیده سرایان معروف قرن ششم است. وی ابتدا درشعر
خاوری تخلص می کرده ودرقصیده سرائی ازحیث فصاحت لفظ و دقت
معنی از پیشینیان سبقت گرفته است. غزلیاتش بسیار لطیف ودل انگیز

است ودر هجو نیز ماهر بوده است .

انوری درتغییر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقهٔ تازهٔ او استفاده از زبان محاوره است درشعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد و گاه دارای معانی دقیق ومشکل میشود . شاعران پس‌از انوری همه اورا به استادی ستوده‌اند .

دیوان انوری چندین بار چاپ شده است .

انیس العارفین (ک) منظومه‌ای عرفانی ازآثار سید قاسم‌الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر درحمد خدا و۵۰۷ بیت‌است. موضوع کتاب پاسخ به‌پنج سؤال‌است.این سؤالهاعبارت‌است از نفس ، روح ، قلب ، عقل ، عشق ، که شاعر در توضیح هر یک داستانی‌آورده است . ازجمله داستان ملاقات‌شیخ صفی‌الدین جدصفویه باشیخ سعدی شیرازی است. این‌مثنوی ازحیث سبک بیان‌وادای‌معانی، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین وبوستان سعدی .

اوحدالدین کرمانی (ت) —شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی وفات۶۳۵—اوحدالدین ازعارفان معروف ایران واز پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین‌بن العربی . از اوحدالدین آثار فراوانی دردست‌نیست. مثنوی «مصباح الارواح» ازاو باقی است وقطعات پراکنده‌ای درمجمع الفصحا از او نقل شده اشت .

اوحدی مراغه‌ای (ت) رکن الدین اوحدی اصفهانی وفات ۷۳۸-ازشاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی از عمرخود را در اصفهان بسربرده‌است.در عرفان به یک واسطه مریدعارف معروف شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده وتخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی دردورهٔ سلطنت آخرین ایلخان مغول، ابوسعید، می زیسته، و او وغیاث الدین محمد را مدح گفته است . دیوان اوحدی مرکب است از قصاید وغزلیات وقطعات وترجیع بند ورباعیات. درغزل عرفانی نیز دست داشت . از آثار دیگر او مثنوی «منطق العشاق» است که آن را درسال ۷۰۶ به نام « وجیه‌الدین شاه » نبیرهٔ خواجه نصیرالدین طوسی ساخته است. دیگرمثنوی معروف«جام جم»است .

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است:

۱ - یسنا که گاتا (سرود زرتشت) جزو آن است ۲ — ویسپرد ۳— وندیداد ٤ - یشت ٥ - خرده اوستا

آقای پورداود استاد دنشگاه تهران اوستارا به فارسی امروز بر گردانده وتفسیر کرده‌اند(ازسلسلهٔ انشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبی).

اوصاف الاشراف (ك) کتابی درعرفان وسلوك به زبان فارسی، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که آن را بنابه خواهش وزیردانشمند، خواجه بهاءالدین محمدجوینی، تألیف کرده است .

(چاپ تهران)

اهریمن (تن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی و تیرکی که پیوسته با اهورمزدا، خدای پاکی و صفا ونور، درجنگ است . اهریمن گاهی اشاره به دیوی است که انگشتر سلیمان را به دست آورد وچهل روز بجای اوبرتخت نشست .شیطان هم گاهی درفارسی اهریمن خوانده می‌شود .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه درانگشت اهرمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت) .متوفی ۹۳۴ـ از جملهٔ شاعران دربار سلطان حسین واسیر علیشیر نوائی. اشعار وی درهندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهلی شیرازی (ت) . وفات ۹۴۲ـ از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل صفوی . اشعارش شامل قصاید وغزلیات است. قصاید متعددی درمنقبت پیغمبر اسلام دارد. ازآثار اهلی مثنوی «سحر حلال» است که آن‌را درجواب تجنیسات ومجمع البحرین کاتبی به‌دوبحر ودو قافیه سروده است . دیگر «شمع و پروانه» و مجموعهٔ رباعیاتی به نام «ساقی‌نامه» است .

ایاز (ت) نام غلام ترك سلطان محمود که محبوب او بود وبه زیرکی وملاحت معروف، ودرادبیات فارسی به عنوان محبوب ومعشوق محمود ذکر شده است .

دست دل‌مجنون وخم طرهٔ لیلی

پیشانی‌محمودو کف‌پای‌ایازاست

«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد ·

عشق دیدم که در مقابل صبر

آتش وپنبه بود وسنگ وسبوی

«سعدی»

ایجی (ت) مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی وفات ۷۵۶ هـ — از عالمان معروف فارس و از قصبهٔ ایج . معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسلهٔ آل مظفر است . قاضی عضدالدین فقیهی شافعی است که به‌منصب‌قضا اشتغال داشته است . آثاربسیاردرفلسفه وکلام‌ومذهب واخلاق‌به زبان عربی‌دارد که ازمعروفترین آنها کتاب

«المواقف فی علم الکلام» است وازمتون معتبرعلم کلام به‌ می‌رود .

ایرانشاه بن ابی الخیر (ت) ازشاعران اواخرقرن پنجم ومعاصر سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در حدود سال پانصد هجری به نظم آورده است .

ایرج (ش — د) پسرفریدون ، از شاهان سلسلهٔ پیشدادی. چون فریدون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد وایران وعربستان را به‌ایرج داد، برادران که ازسهم خود ناراضی‌بودند، بروی‌حسد بردند واورا کشتند وسرش را نزدپدر فرستادند .

ایرج (ت) ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک وفات ۱۳۰٤ شمسی-ایرج‌میرزا ملقب به جلال‌الممالک فرزند غلامحسین میرزا پسر برادر فتحعلیشاه، ازشاعران معروف معاصر . تحصیلات فارسی وعربی را درتبریزانجام داد وزبان فرانسه‌آموخت ومورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی قرار گرفت. در نوزده سالگی وارد خدمت‌دولتی شد ، ابتدا درگمرك مشغول شد سپس به‌ریاست کابینهٔ وزارت معارف وریاست‌دفتر ایالتی آذربایجان ومعاونت‌حکومت اصفهان‌منصوب گشت، وسرانجام به معاونت مالیهٔ خراسان نائل آمد . ایرج‌سفری هم به‌اروپا کرد و پس از بازگشت درتهران به مرض سکتهٔ قلبی درگذشت .ایرج درده سال آخر عمر خود درشعر سبك خاصی اختیارکرد ، افکار تازه و مضامین نو رادرشعر وارد کرد. وی‌اشعار هزل‌آمیز بسیار دارد و روانی وسادگی اشعارش سبب‌شده‌است که بعضی‌ازآنها زبانزد خاص و عام گردد . دیوان ایرج‌چندین بار به چاپ رسیده است .

ایطاء (ق) ازعیوب قافیه. ایطاء بر دو قسم‌است : ایطاء جلی ایطاء خفی.ایطاء جلی آن است که قافیه تکرارشود : مانند :

در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق تر

ایطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار کنند.

آن شنیدم که وقت زادن تو همه خندان بدند و تو گریان

تو چنان زی که وقت مردن تو همه گریان شوند و تو خندان

ایلاقی (ت) ترکی کشی ایلاقی. از حال او اطلاعی در دست نیست، وی از ناحیهٔ ایلاق نزدیک چاچ در ماوراء النهر است. در ترجمان البلاغة و در حدائق السحر و مجمع الفصحاء اشعاری از حسین ایلاقی نقل شده که در قرن چهارم می زیسته است و گویا همین شخص باشد.

این (ط) از مقولات عشر مفهوم «این» نسبت جسم است به مکان؛ یعنی «کجا بودن».

ایوب (تن) از پیغمبران که در صبر و تحمل رنج مشهور است. در روایت است که خدای تعالی اورا به بلاها مبتلا کرد و صبرش را آزمود ابتدا مال اورا گرفت و فقیرش گردانید سپس فرزندانش مردند و خود او بیمار شد و در بدنش کرم افتاد. اما او ننالید و صبر کرد، پس خدای تعالی اورا بخشود و چشمهٔ آب زیر پایش روان کرد. ایوب خود را با آب شست و صحت یافت و آن چشمه به عین ایوب معروف گشت که هر بیماری خود را در آن می شست شفا می یافت. صبر ایوب در ادبیات فارسی مثل است

ایهام (ب) آن است که گوینده در استعمال یک کلمه دو معنای نزدیک و دور را در نظر گیرد

زگریه مردم چشمم نشسته در خون است

ببین که در طلبت حال مردمان چون است

شاهد برسر کلمهٔ «مردم» است که یک معنی آن سیاهی چشم و معنی دیگر آن انسان است.

ب

باباافضل کاشی (ت) رجوع شود به افضل الدین کاشی

باباطاهر (ت). وفات درحدود ۴۱۰ — ازشاعران عارف قرن پنجم.
اصلش ازهمدان است و اززندگیش اطلاعات فراوانی دردست نیست. ازآثار او مجموعهٔ کلمات قصاری است به عربی، شامل عقاید متصوفان دیگرمجموعهٔ دوبیتی های عارفانه ولطیف اوست که به لهجهٔ لری سروده شده وازنوع «فهلویات» است. باباطاهر دراین دوبیتی هاازوحدت عالم وجودوتنهائی وناچیزی وپریشانی واشتیاق معنوی خود گفتگو کرده است. ترانه های باباطاهر در کمال سادگی وبی پیرایگی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چند بار درتهران به چاپ رسیده است.

بابافغانی (ت) وفات ۹۲۵ — ازشاعران قرن نهم واوایل قرن دهم ومعاصر صفویه. تولداو درشیرازاست وپس ازچندی به هرات عزیمت کرد ودرآنجا به خدمت مولانا جامی رسید وازهرات آذربایجان رفت ومدتی در تبریز اقامت کردودردربار سلطان یعقوب آق قونیلو تقرب یافت ودرسلک شاعران دربار او قرار گرفت. پس از فوت سلطان یعقوب وآشفتگی اوضاع به شیراز وپس از آن به خراسان رفت ودرآنجا عزیمت گزید. غزلهای بابافغانی بسیار پرسوز وحاکی از دردمندی است که پیروان بسیاریافت

خاصه درهندوستان. دیوان بابافغانی– چاپ تهران

باباکوهی (ت) ابوعبدالله‌علی. وفات ۴۴۲ – ازعارفان ومرشدان قرن چهارم هجری. باباکوهی پس ازطی مراحل اولیه سلوك درشیراز، به سفر پرداخت و درنیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رسید، سپس به بغداد رفت وبامنصور حلاج ملاقات کرد واز آنجا به‌شیراز مراجعت کرد ومنزوی‌شد ودرصومعه‌ای به‌عبادت پرداخت. جامی دربارهٔ او گوید:

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

(دیوان باباکوهی-چاپ شیراز)

باخرزی (ت) ابوالقاسم‌علی‌بن ابوالحسین بن ابی‌الطیب باخرزی. مقتول در ۴۶۸ – ازشاعران‌ونویسندگان قرن پنجم. پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد ودرشعر ونثر عربی وفارسی مشهور شد. عوفی اورا کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند. دیوان عربی باخرزی مشهور است وعوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را به‌نام «طرب‌نامه» ذکر کرده است. اثر معروف او کتاب «دمیة القصر وعصرة اهل‌العصر» است.

باخرزی (ت) سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن مظفر باخرزی. وفات ۶۲۹ از شاعران اواخرقرن ششم واز مشایخ صوفیه. مدت درازی ازعمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه گردید. سیف‌الدین باخرزی معاصر شیخ فریدالدین عطاروشیخ مجدالدین بغدادی بوده است. رساله‌ای به فارسی درمعنی عشق‌دارد ودرنظم‌ونثر آثاری از او باقی است.

باد (تن) در داستان سلیمان . بادفرمانبردار او بودواورا ازشهری به‌شهری می‌برد .

اندر آن موکب که برپشت صبا بندند زین
باسلیمان چون برانم‌من که مورم‌مرکب است
«حافظ»

باربد (ت) رامشگر معروف دربار خسروپرویز

...خاصه که به هرطرف‌نشسته‌است صد باربد از هزار دستان
«خاقانی»

بایقرا (ت) رجوع شود به‌سلطان‌حسین بایقرا

بت‌آزری (تن) اشاره به‌بتهائی که آزر بت‌تراش، پدر ابراهیم پیغمبر، می‌تراشید ودرشعر فارسی کنایه ازخوبرو است .

دگر بروی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه‌بتهای آزری بشکست
«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع جب وخرم است که‌حذف میم وعی‌ولن باشد .می‌ماند فا،بجای آن فع می گذارندوآن‌را ابتر گویند درفعولن حذف فعو است که می‌ماند لن،بجای آن فع می گذارند وآن را ابتر خوانند

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که بر انواع اوزان اطلاق می‌شود ، خلیل‌بن احمد که واضع علم عروض‌است، درشعر عربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :
طویل ، مدید ، بسیط ، وافر ، کامل، هزج ، رجز، رمل، سریع، منسرح ، خفیف ، مضارع ، مقتضب ، مجتث ، متقارب .

(به هریک از این کلمات رجوع شود)

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی. این کتاب شامل اطلاعاتی است در بارهٔ جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان ازدورهٔ قبل از اسلام وفتح آن بدست مسلمین واستیلای صفاریان وغزنویان وآل بویه وسلاجقهٔ قاوردی وانقلاب پس ازآنها وتسلط ملک دینار وپسرانش وتسلط ملوك شبانکاره واتابکان فارس وخوارزمشاهیان. بدایع الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو واغلب مورخان واقع شده است.

چاپ تهران

بدر (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب زمین است کاملا روشن است واین حال درشب چهاردهم ماه ظاهر می شود.

قرص مه چون هلال وبدرشود لعل یکران وقرص خوان توباد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) ازشاعران دورهٔ مغول که شهرتش درهندوستان بیش از ایران است. اهل چاچ (ازشهرهای ترکستان) است. از شعرهای اوقطعاتی درتاریخ هندوستان به قلم **Sir H. Elliot** نقل شده است.

بدیع بلخی (ت) ابومحمد بدیع بن محمدبن محمود بلخی ازشاعران قرن چهارم. هدایت اورا معاصر سلطان محمود غزنوی می داندومنظومه ای به نام «پندنامهٔ انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی ازآن رادرتذکرهٔ مجمع الفصحا آورده است.

بدیع الزمان (ت) ابوالفضل احمدبن حسن. وفات-۳۹۸-ازادیبان ونویسندگان قرن چهارم هجری. اولین کسی است که نثرمسجع عربی ساخت وسبک مقامه نویسی را به وجود آورد. بدیع الزمان علوم ادبی

را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت وبعد به خدمت صاحب‌بن عباد رسید . بدیع‌الزمان ازلحاظ حافظه واحاطهٔ برلغت و شعروادب در عصر خودممتازبود ودرنظم‌ونثرعربی استاد . مقامات‌بدیع‌الزمان‌مرکب از پنجاه ویک مقامه است

براق (تن) اسبی که حضرت‌محمدص درشب معراج برآن‌نشست

براق همتش معراج پیمای عقاب‌دولتش نهمت‌شکاراست

«ابوالفرج‌رونی»

برج (نج) یکی ازقسمتهای دوازده گانهٔ منطقة‌البروج

برج‌ثوراست مگرشاخ سمن که گلش را شبه‌پروین‌است

«ابوالفرج‌رونی»

برجیس (نج) ستارهٔ مشتری

دارد ازلطف تو برجیس وزقهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزونامه (ك) بزرگترین منظومهٔ حماسی به زبان فارسی که به‌تقلید شاهنامهٔ فردوسی ساخته شده است . این منظومه شامل روایاتی است دربارهٔ خاندان رستم وبرزو پسرسهراب . داستان برزونامه کم‌وبیش شبیه‌داستان رستم وسهراب است، جزآنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد . مأخذ منثورکتاب ذکرنشده اما روایات آن‌در بعضی از منظومه‌های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده‌است. تاریخ نظم برزونامه کاملاً صریح نیست وآن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب‌معروف به عطائی‌رازی نسبت می‌دهند، که ازشاعران قرن پنجم ودربار غزنویان است ومسعود سعد درسرگ‌او

(٤٧١) مرثیه‌ای ساخته است . نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است و گوینده دروصف‌میدانهای جنگ‌و پهلوانان قدرت بسیاربکاربرده ودرتقلیدفردوسی درنظم شاهنامه‌ازدیگرحماسه‌سرایان پیش‌افتاده است .

برهان (ت) محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی‌مؤلف کتاب «برهان قاطع»وازمعاصران‌سلطان عبدالله‌قطب‌الدین‌شاه پادشاه شیعی مذهب هند است و کتاب خود را درسال ١٠٦٢ به‌نام او تألیف کرده است .

برهان‌قاطع (ك) کتابی‌است‌درلغت‌فارسی تألیف‌محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را درسال ١٠٦٢ درحیدر-آباد دکن به‌نام عبدالله قطب‌شاه از شاهان هند تألیف کرده است .

مؤلف درکتاب ازچهار فرهنگ که مورد مراجعه واستفادهٔ‌اوبوده است، نام می‌برد .

١- فرهنگ جهانگیری ٢-مجمع‌الفرس‌سروری

٣- سرمهٔ سلیمانی ٤- صحاح‌الادویهٔ حسین‌انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که پیش ازاو تألیف شده ، استفاده‌بسیار کرده‌است، جامع‌لغات بیشتری می‌باشد. مجموع لغات برهان درحدود بیست‌هزار و دویست کلمه است .

(برهان قاطع — چاپ‌تهران)

برهانی (ت)امیرالشعراعبدالملک برهانی. وفات‌درحدود ٤٦٥-ازشاعران عهد سلجوقی ، دردربار الب‌ارسلان می‌زیست ومورد اعتماد اوبود. برهانی‌پدر امیر معزی شاعر معروف‌است که در زمان فوت، پسر خود را به سلطان ملکشاه سپرده است .

بزرجمهر (ش - ت) یا بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان.

در ادبیات فارسی بارها به‌عنوان نمونهٔ دانش ولیاقت وتقوی از او نام برده شده است .

بزم نوشیروان سپهری بود کزجهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهر قائنی (ت) امیر ابومنصور بزرجمهر قسیم‌بن ابراهیم قاینی از شاعران وادیبان عصر غزنوی. در شعر عربی و فارسی استاد بوده است · ابیاتی از اشعار عربی او درلباب‌الالباب عوفی ضبطاست .

بسام کورد (ت) بسام کورد به روایت تاریخ سیستان ازخوارج بود که به نزد یعقوب آمد وقصهٔ کشته شدن عمار خارجی را به دست یعقوب ، به شعر فارسی سرود. بسام کورد را از جملهٔ نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده‌اند .

بستان‌السیاحة (ك) تألیف حاجی زین العابدین شیروانی . این کتاب در سال ۱۲٤۷ ه تألیف یافته و درحکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان وقفقاز وآذربایجان‌وخراسان وافغانستان وهند وکشمیر وبدخشان و ترکستان وماوراءالنهر وخلیج فارس ویمن وحجاز ومصر وشهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را درکتاب شرح می‌دهد ، حاجی شیروانی شیعه ودرویش نعمة‌اللهی بوده‌است.

بسحق اطعمه (ت) رجوع شود به ابواسحق اطعمه

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعلن فاعلن. این بحر درشعرفارسی متداول نیست وگاهی مثال آن‌را عروضیان به تکلف‌ساخته‌اند . مثال بحر بسیط‌مخبون : «مستفعلن‌فعلن ۲بار درهر مصراع»

روزم سیاه چرا گرتو سیاه خطی اشکم عقیق چرا گرتو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری وازشاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است . وی درمباهات به نژاد خود وتحقیر عرب وهجو وحکم و امثال،مشهور ودر تغییر سبک شعرعربی بسیار مؤثر بوده است . بشار بن برد نابینا بودوسرانجام به جرم ارتداد درسال ۱۶۷ کشته شد .

بشار مرغزی (ت) ازشاعران قرن چهارم هجری که قصیدهٔ خمریه معروفی دارد که دردست است .

بقراط (ت) طبیب وحکیم یونانی ، شاگرد فیثاغورث

بلعمی (ت) ابوعلی محمد بن ابوالفضل البلعمی . وفات ۳۶۳—وزیر معروف منصوربن نوح بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمورترجمهٔ کتاب «الرسل والملوك» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابوالفضل بلعمی وزیرمشهور اسمعیل بن احمدسامانی واحمد ونصربوده است . ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه برمقام بزرگ سیاسی ، دردانش و ادب نیز مقامی عالی داشت . ترجمهٔ بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است . قسمتی که در بارهٔ ایران است ، در تهران به‌چاپ رسیده است .

بلقیس (تن) ملکهٔ سبا که‌سلیمان خبر قدرت اورا شنید وآهنگ شهراو کرد . بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد ، ولی سلیمان از خداخواست که تخت بلقیس ، پیش ازرسیدن خود او به درگاه حاضر شود . به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان‌آورد وبه نکاحش درآمد .

حضرت بلقیس بانوی سبا برسر عرش معلا دیده‌ام

«خاقانی»

بنات‌النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره ؛ که نعش آن چهار ستاره است به شکل تخت درچهارگوشه وبنات آن سه ستاره است که به طول واقع شده است . بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می‌خوانند .

بنات‌النعش گرداوهمی گشت چواندردست مرد چپ‌فلاخن

«منوچهری»

بناکتی (ت) ابوسلیمان داوود بناکتی یا فناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر . وی از مورخان دورهٔ مغول و ملک‌الشعرای دربار غازان‌خان بوده‌است وچون ازنزدیک باخارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند ، سروکار داشت اطلاعات‌جامعی‌دربارهٔ مذاهب وملل گوناگون کسب کرد که به‌تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد .

بوالبشر یا ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم

به صفای صفیّ حق آدم که سرانبیا وبوالبشراست

«انوری»

بوزجانی (ت) ابوالوفامحمد بن محمد . وفات ۳۸۷- اهل بوزجان نیشابورکه در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت وازآنجا به عراق رفت وبه‌تألیف کتاب مشغول گشت . ابوالوفاء ازمترجمان وریاضی‌دانان مشهورقرن چهارم است . وی بسیاری ازکتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده‌وخود نیزدرریاضیات ونجوم تالیفاتی دارد وازواضعان علم مثلثات است . ازآثار او کتاب‌المجسطی است که شامل هفت‌جزء می‌باشد . دیگر« کتاب‌الکامل» . « کتاب‌الهندسه» و« کتاب‌فی مایحتاج الیه الکتاب والعمال من علم‌الحساب» .

بوستان (ك) منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرك ایران سعدی، که آن را درسال ٦٥٥ به نام ابوبکربن سعدبن زنگی ساخته است.

بوستان شامل چندین باب است درعدل وانصاف، احسان وبخشش عشق ومستی، تواضع وفروتنی، تسلیم ورضا، آداب تربیت، شکربرعافیت، توبه وانابه، مناجات وختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را باحکایتها و تمثیل های شیرین می آمیزد واز وقایع سفر دراز خود شواهدی ذکرمی کند.

بهار (ت) محمدتقی ملك الشعرا وفات ۱۳۳۰ ه شمسی– محمد تقی ملك الشعرا متخلص به بهار فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملك الشعراء آستان قدس رضوی. بهار درسال ۱۳۰٤ ق درمشهد متولد شد ودرهمان شهر به تحصیل پرداخت. درسال ۱۳۲۸ روزنامهٔ (نوبهار) را منتشر کرد ودرسال ۱۳۳۳ ازمشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد وبه تهران آمد وروزنامهٔ نوبهار را در تهران منتشر ساخت ودر ۱۳۳۵ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامهٔ ایران را به عهده داشت. بهار درهیجده سالگی پس ازفوت پدر لقب ملك الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار درعالم سیاست مبارزاتی کرد. تبعیدها وزندانها ومحرومیتها دیدودربارهٔ همهٔ این حوادث اشعاری سرود. بهار درسال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ وادبیات اشتغال ورزید، پس از آن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی دردانشکده ادبیات تهران منصوب گشت. کم کم اززندگی سیاسی کناره گیری کرده به توسعهٔ آثارادبی پرداخت. کتابهای «مجمل التواریخ والقصص» و«تاریخ سیستان» و«جوامع الحکایات عوفی» راتصحیح کرده باحواشی وتعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه

براحاطهٔ برادبیات فارسی وعربی به خط وزبان پهلوی نیز مسلط بودوچند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زریران ورسالهٔ مادیکان شترنگ

از مهمترین آثار بهار دیوان اوست دردوجلد، شامل قصاید وقطعات وغزلیات. بهار در قصیده پیروسبک خراسانی است. ازآثارمهم دیگراوسه جلد کتاب سبک شناسی یاتاریخ تطور نثر فارسی است که بوسیلهٔ وزارت فرهنگ به چاپ رسیده است.

آثار پراکنده مانندمقالات سیاسی وادبی وتحقیقی فراوان دارد که در روزنامه ها ومجله ها منتشر شده است.

دیوان- چاپ تهران

بهارستان (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است. این کتاب به سبک گلستان سعدی می باشد وبه تقلید ازآن به هشت روضه تقسیم شده است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته های تربیتی واخلاقی است ونثرش به صنایع لفظی آراسته است.　　چاپ تهران

بهاء ولد (ت) سلطان العلماء بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی بلخی. وفات ۶۳۱ـ از بزرگان مشایخ صوفیه دراواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت وچون سخنوری او موجب توجه مردم گردیده بود، سلطان خوارزمشاه اورا به ترك خراسان واداشت. گویا وجود اختلاف نظر بین امام فخررازی وبهاء ولد دراین کار بی اثر نبوده است، زیرا که خوارزمشاه به امام فخر رازی ارادت می ورزیده است. بهاءالدین درحدود سال ۶۱۰ ازخراسان مهاجرت کرد ودر نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد. شیخ کتاب «اسرارنامه» رابه پسر او

جلال‌الدین هدیه کرد . بهاء ولد سپس به‌بغداد وازآنجا به مکه‌رفت وچند سال درملطیه ماند وبه‌دعوت علاءالدین کیقباد سلجوقی به‌قوینه رفت ودرآنجا به وعظ وارشاد پرداخت ومریدان بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند . ازآثار معروف او «المعارف» است .

بهرام (نج) کرهٔ مریخ

بهرام تافت از فلک پنجمین همی
چونانکه دیده سرخ کند شرزهٔ ژیان
«انوری»

بهرام‌گور (ش ـ ت) بهرام‌پنجم پسر یزدگردساسانی . پدرش اورا نزدمنذربن‌نعمان فرمانروای حیره‌فرستاد تاتربیت شود . چون‌بهرام هنروفرهنگ آموخت وازمرگ پدر خبر یافت ودانست که بزرگان یکی ازشاهزادگان را به نام خسرو برتخت نشانده‌اند ، باسی‌هزار سوار به ایران آمد . ایرانیان تاج شاهی را میان دو شیرگذاشتند تا هریک از دوشاهزاده که آن را برداشت برتخت بنشیند . بهرام شیران را کشت وتاج را برگرفت وبرسرنهاد . بهرام گور دردوران‌شاهی پیروزیها یافت وداد بسیارکرد .

درادبیات فارسی بهرام به رعیت پروری و تجمل وخوشگذرانی شهرت دارد ومثل است. درشاهنامهٔ فردوسی‌داستانهای متعددی ازشکار ومجالس‌بزم بهرام‌وسرکشی ورسیدگی به وضع مردمان وطبقات مختلف ملت ودادگری او آمده است .

منظومهٔ «هفت گنبد» یا «بهرام‌نامهٔ» نظامی نیز دربارهٔ اوست .

سرانجام بهرام هنگامی که درپی گورخری می‌تاخت، به‌باتلاقی فرورفت‌وناپدیدشد . رباعی‌ذیل ازخیام اشاره‌برسرگذشت وعاقبت‌اوست :

آن قصر که بهرام در او جام گرفت
آهو بچه کرد و گرگ آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

بهرامی (ت) استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی. وفات اوائل قرن پنجم - از شاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که در علوم ادبی استاد بود. نظامی عروضی کتابهای «غایة‌العروضین» و «کنزالقافیه» و «خجسته نامه» را در علم عروض به او نسبت داده است. اشعاری از او در تذکره‌ها و کتابهای ادب ضبط است.

بهمن (ش — د) یا اردشیر درازدست پسر اسفندیار، که چون پدرش به دست رستم کشته شد، رستم پرورش او را به عهده گرفت و به او هنر آموخت و چون پسر عزیزش داشت. اما چون بزرگ شد، نامه‌ای به گشتاسب فرستاد و او را از کار بهمن آگاه کرد. گشتاسب بهمن را خواند و بهمن پس از گشتاسب به شاهی رسید. وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید، رستم در این زمان به حیله برادرش شغاد کشته شده بود. در گنج خاندان رستم را گشاد و گنجها را غارت و زال را اسیر کرد. فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیر گشته است، به جنگ بهمن آمد ولی شکست خورد و به دست او کشته شد. بهمن از کار خود پشیمان گشت و زال را آزاد کرد.

شنیدم من که برپای ایستاده رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

بهمنجنه بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روزرا جشن می گرفتند . این جشن تا چندقرن پس از اسلام نیز معمول بوده است .

رسم بهمن گیر و ازنو تازه کن بهمنجنه
ای درخت ملک بارت عزوبیداری تنه

«منوچهری»

بیان الادیان (ك) تألیف ابوالمعالی محمد بن عبیدالله ازسادات علوی ومعاصر ناصرخسرو که این کتاب را به زبان فارسی درسال ۴۸۹ تألیف کرده است . بیان الادیان ازجملهٔ قدیمترین و مهمترین کتابهای زبان فارسی درملل ونحل است چاپ تهران

بیان و تفسیر (ب) آن است که شاعریانویسنده کلام مجملی بیاورد وپس ازآن به تفسیر پردازد

دوکس رنج بیهوده برد وسعی بیفایده کرد، یکی آنکه مال گرد کرد ونخورد ودیگرآنکه علم آموخت وعمل نکرد .

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه ودراصطلاح شعر عبارت است از حداقل شعر که ازدوپاره ساخته شده ودارای وزن وقافیه واحدی باشد . هرپارهٔ یک بیت را مصراع گویند .

بیت الاحزان (تن) یا بیت الحزن
(رجوع شود به کلبهٔ احزان)

ای زوصلت خانه ها دارالشفا وی زهجرت بیتها بیت الحزن

«سعدی»

بیدل (ت) ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل . وفات ۱۱۳۳ـ از شاعران فارسی زبان هند واز ترکان جغتائی که درهند متولد شده ودر آن کشور تربیت یافته است . بیدل آثار فراوانی به نظم ونثر دارد ودر شعر صاحب شیوهٔ خاصی است . درغزل عرفانی استادی دارد واشعارش

با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است . از آثار معروف او مثنویهای عرفات ، طلسم حیرت،طور معرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل وقصاید وترجیعات ومستزاد وهزلیات است .

بیرونی (ت) ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی وفات ۴۴۰ــ از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی .ابوریحان درسال ۳۶۲ در بیرون،حوالی خوارزم، متولد شد وتحصیلات خودرا درخوارزم انجام داد سپس به دربارشمس المعالی قابوس بن وشمگیر رفت ومورد توجه اوقرار گرفت و کتاب«آثار الباقیه»رادرسال ۳۹۱ به‌نام‌اوتألیف کرد .ابوریحان به خوارزم بازگشت وبه‌دربار خوارزمشاهیان آل مامون پیوست ومورد احترام قرارگرفت وهنگامی که‌سلطان محمود غزنوی به گرگانچ دست یافت ، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان درسفرهای سلطان‌محمود به هندبااوهمراه‌بود وبادانشمندان هندی‌مصاحبت‌ومعاشرت کردوازعقاید وعلم آنها استفاده بسیار کرد وزبان سانسکریت‌راآموخت .بعد ازسلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند وکتابهائی به نام‌اوتألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ یکصد وسیزده عدد شمرده است درمسائل هیئت ، نجوم ، تاریخ وجغرافیا ، فیزیک، اسمار واحادیث ، داروشناسی .

ازجملهٔ آثار معروف او کتاب «تحقیق ماللهند من مقولة مقبوله فی‌العقل اومرذوله» درذکر عقاید هندوان ، «قانون مسعودی» درهیئت ونجوم به نام سلطان مسعود ، غزنوی «الدستور» به نام شهاب‌الدوله ابوالفتح مودودبن‌مسعود، «الجماهرفی‌معرفة‌الجواهر» درتحقیق‌فیزیکی بنام‌مودودبن‌مسعود،«التفهیم‌لاوائل صناعة‌التنجیم» به‌نام ریحانه‌دختر حسین‌خوارزمی «آثار الباقیه عن‌القرون الخالیه»

ابوریحان در دوزبان پارسی‌وعربی استاد بود وازمفاخر عصرخود به شمار می‌رفت .

بیژن (ش — د) پهلوان ایرانی ، پسر گیوکه مطابق روایت شاهنامه، خواستار جنگ باگرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین اورا فزیب داد وبه‌دشتی راهنمائیش کردکه دختر افراسیاب درآن خیمه گاه افراشته وجشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شدومنیژه‌نیز شیفتهٔ وی گشت‌واورا به‌چادر خودخواند وپس ازآن به کاخ خود برد .چون‌افراسیاب‌ازوجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر ودرچاهی زندانی کرد ومنیژه را سروپابرهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هرروز برسرچاه می‌رفت ونانی را که ازگدائی به دست آورده بود به‌بیژن می‌رسانید .سرانجام‌رستم درجامهٔ بازرگانان به جستجوی بیژن به شهر توران آمد وبه راهنمائی منیژه برسرچاه رفت وبیژن را نجات داد وبه ایران آورد .

ثریا چون منیژه بر سر چاه دوچشم‌من بدوچون‌چشم‌بیژن

«منوچهری»

بیستون نام کوهی‌نزدیک کرمانشاه که درداستان خسرووشیرین فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن‌مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیاید

گویابه‌خواب‌شیرین‌فرهادرفته باشد «وحشی»

بیهقی (ت) ابوالحسن‌علی بن ابی‌القاسم زیدبن‌محمدبن الحسین البیهقی‌معروف به‌ابن‌فندق‌وفات ۵۶۰ ازدانشمندان‌قرن‌ششم‌واهل‌بیهق (سبزوارحالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب‌ملل‌ونحل بوده‌ودرصغر سن‌زمان‌عمرخیام رادریافته‌است.

یاقوت درمعجم الادباء هفتاد وچهار کتاب ازتألیفات او را ذکر می کند که متأسفانه از همهٔ آنها جز چند کتاب در دست نیست. ازآثار بیهقی «تاریخ بیهق»، «کتاب نحو»، «جوامع الاحکام»، «شرح نهج البلاغه» «تتمه صوان الحکمة»، «ذیلی برتاریخ یمینی» است موسوم به «مشارب التجارب وعوارب الغرایب» که مشتمل بروقایع تاریخی ایران است درصدوپنجاه سال، یعنی از همانجا که تاریخ یمینی ختم می‌شود.

دیگر ازتألیفات او کتابی است درامثال عرب موسوم به «غررالامثال و درر الاقوال».

بیهقی (ت) ابوالفضل محمد بن حسین وفات ۴۷۰ - ازنویسندگان بزرگ قرن پنجم ومعاصر غزنویان. بیهقی درقریهٔ حارث آباد ازقراء بیهق متولد شد وتحصیلات خود را درنیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمود بن سبکتکین وارد شد ودر خدمت خواجه بونصرمشکان به کار پرداخت ونوزده سال منشی رسائل غزنویان بود ودرزمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدتی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد وپس ازآزادی انزوا اختیار کردوبه تصنیف کتاب پرداخت. ازآثار او یکی «زینة الکُتّاب» است که گویا درفن کتابت بوده واکنون دردست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام «تاریخ آل سبکتکین» که قسمتی ازآن به نام «تاریخ مسعودی» دردست است.

پ

پازند (ک) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود وموجب خطا واشتباهاتی می‌شد، برای آنکه رسالات و کتابهای‌مذهبی درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل‌می کردند. این گونه نقل متن پهلوی به‌خط اوستائی‌پازندخوانده می‌شود.

ای‌خوانده کتاب زندوپازند — زین‌خواندن زند تا کی‌وچند
ازفعل منافقی و بی باك — از قول حکیمی و خردمند

«ناصرخسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم

نه من ازخلوت تقوی به در افتادم وبس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) رجوع شود به ثریا

آسمان گوسفروش این عظمت کاندرعشق
خرمن مه به جوی خوشهٔ پروین به‌دوجو

«حافظ»

پروین‌اعتصامی (ت) وفات ۱۳۲۰ شمسی-دختر یوسف‌اعتصامی (اعتصام‌الملك‌آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین‌درسال ۱۲۸۵ شمسی درتبریز متولد شدوتحصیلات خودرا درمدرسهٔ‌امریکائی

تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت . پروین درسال ۱۳۲۰ درسن سی‌وپنجسالگی فوت کرد . اشعار او ابتدا درمجلهٔ بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱۴ به طبع رسید . دیوانش شامل قصاید ومثنویات وقطعات است . پروین در قصیده از سبک شاعران خراسان پیروی کرده ومضامین اجتماعی وواقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته های لطیف وحکیمانه بکاربرده است که اغلب آنهارا از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیوربیان می کند .

دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است

پریشان (ك) کتابی به نثر تألیف قاآنی شاعر بزرك قرن‌سیزدهم هجری . این کتاب به‌سبک گلستان سعدی‌نوشته شده وشامل پند واندرز وقصه وهمچنین حاوی‌مطالبی‌است دربارهٔ احوال مؤلف· چاپ تهران

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که بامخالفان پدر همراه شد ودر طوفان غرق گشت .

پسرنوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم‌شد

«سعدی»

پور بهای جامی (ت) ازشاعران دورهٔ مغول که وجیه‌الدین زنگی وطاهرفریومدی‌رامدح کرده‌وبه خدمت‌صاحبدیوان‌جوینی‌هم رسیده است دولتشاه‌قصیده‌ای‌شامل ۲۸ بیت‌ازاونقل کرده که‌حاوی‌لغات‌مغولی‌وترکی است . همچنین ازپوربها قطعاتی مربوط به واقعهٔ انهدام نیشابور براثر زلزلهٔ سال۶۶۶ وتجدید بنای آن درسال۶۶۹ به حکم آبا قاخان باقی است که پر ازصنایع لفظی می‌باشد

پیر پیر کسی است که درخانقاه تربیت سالکان رابرعهده دارد .

این شخص باید اجازهٔ ارشاد از مشایخ صوفیه داشته و از علم طریقت وشریعت اطلاع کامل داشته باشد .

دوش ازمسجد سوی میخانه آمد پیرما
چیست یاران‌طریقت بعداز این تدبیرما
«حافظ»

پیراهن‌یوسف (تن) چون برادران یوسف براو حسد بردند ، از پدر اجازه خواستند تا او را به صحرا برند ، همینکه ازچشم پدر غایب شدند ، یوسف‌رادرچاهی‌انداختند و کبوتری‌را کشتندوپیراهن یوسف‌رااز خون او رنگین کردند ونزد پدر بردند و گفتند که گرگ یوسف را دریده وگواه پیراهن خونین اوست . یعقوب پس از آن آنقدر درفراق یوسف گریست که کورشد ، اما یوسف بوسیله کاروانی از چاه بیرون آمد و به مصر رفت وبراثر تعبیر خواب پادشاه ، عزیز مصر گشت . درسالهای فراوانی گندم اندوخت‌ودرسالهای قحطی از ذخیره به کاربرد وفروخت . برادران یوسف برای خریدغله به مصر رفتند وپس از چند نوبت‌خرید، یوسف خودرا به آنها معرفی کرد وپیراهن خودرا برای یعقوب فرستاد . وقتی که برادران از مصر خارج شدند وسوی کنعان رفتند ، یعقوب‌بوی پیراهن او را شنید وچون پیراهن را به او دادند ، به چشم خود مالید وبینا گشت .

بوی پیراهن‌یوسف که کند روشن‌چشم
باد گوئی که بر پر غم کنعان آرد
«سیدحسن‌غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم
شادی آورد گل و بادصبا شاد آمد
« حافظ »

پیر کنعان (تن) اشاره به یعقوب
شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت
«حافظ»

پیر مغان کنایه از پیشوای طریقت‌ومرشدعارفان
مشکل خویش برپیرمغان بردم دوش
کوبه تأیید نظر حل‌معما می‌کرد...
«حافظ»

ت

تاتار ولایتی که درشعرفارسی به داشتن مشک خوب معروف است.

در آن چمن که نسیمی و زد ز طرهٔ دوست
چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری است

«حافظ»

تاج التراجم (ك) تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی از تفسیرهای مهم به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفرشاهپور آن را درقرن پنجم تألیف کرده است.

این کتاب دارای چند مجلس است که درهر مجلس سوره‌ای تفسیر شده است.

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبارالبشر(ك) تاریخی به زبان عربی درچهار جلد تألیف ابوالفدا. این کتاب شامل دوقسمت است: تواریخ قدیمه وتواریخ اسلامیه.

قسمت اول دارای یک مقدمه وپنج فصل است در تاریخ انبیا وملوك، شامل چهار طبقه: فراعنهٔ مصر، ملوك یونان وروم، ملوك عرب قبل از اسلام، امم مختلف.

قسمت دوم تواریخ اسلامیه از زمان حضرت محمد شروع می‌شود وبه وقایع سال ۷٤۹ پایان می‌پذیرد.

ابوالفداء درقسمت اول به‌اختصار می کوشد ولی تاریخ حضرت

محمد را با تفصیل بسیار شرح می‌دهد. وی مطالبی از تواریخ دیگران نقل می کند وازایران همه جا بااحترام نام‌می‌بردوعظمتش رامی‌ستاید. نثر کتاب ساده وخالی از اغراق‌است.

تاریخ‌اکبری (ك) رجوع شود به اکبرنامه

تاریخ بخارا (ك) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی است که آن را به‌نام امیر حمید ابومحمد نوح‌بن‌نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس از دوقرن یعنی دراوایل قرن‌ششم به‌وسیلهٔ‌ابونصربن احمدبن‌محمد نصرالقباوی به‌فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی ازمطالب کتاب را که لازم نمی‌دانسته، حذف کرده ومطالب واخبار سودمندی به‌آن افزوده است. ترجمهٔ این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است وپس از آن محمدبن زفربن عمر ترجمهٔ قباوی را در تاریخ ۵۷۴ تلخیص کرده وبه‌نام صدرالصدور صدر جهان برهان‌الدین عبدالعزیزبن مازه حاکم‌بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون دردست می‌باشد. گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده‌وحوادث تاغلبهٔ‌مغول وتسخیر بخارا به دست چنگیزبرآن افزوده شده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ بخارا وفتح آن‌به‌دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان. مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی ازفلاحت وصنعت واوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا پیش ازاسلام وازعادات قدیم محلی‌نیز گفتگو کرده است. نثر تاریخ بخارا بسیار ساده وبی‌پیرایه است. (چاپ تهران)

تاریخ‌بداونی (ك) کتابی‌درتاریخ عمومی هندتألیف‌عبدالقادر

بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهلمین سال سلطنت اکبرشاه شرح داده است . تاریخ بداونی ازمعتبرترین تواریخی است که درهند نوشته شده است .

تاریخ برامکه (ك) تاریخ برامکهٔ حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی ومترجم آن محمدبن‌حسین بن عمر هروی می‌باشد ، زمان ترجمهٔ کتاب معلوم نیست و مترجم همهٔ حکایتها را بانقل‌از «ابوالقاسم‌غسان گرد آورندهٔ اخبار آل‌برمک» شروع می کند .موضوع اصلی کتاب شرح سجایا وسیر و جود وسخای خاندان برامکه است که به صورت حکایت آمده است وبیشتر حکایتها مربوط‌به‌سه تن ازمهمترین افراد این‌خاندان یعنی‌یحیی ودوپسرش‌فضل وجعفر می‌باشد. نثرفارسی کتاب بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت ازنوع انشاء قرن پنجم است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ بلعمی (ك) تألیف ابوعلی محمدبن ابوالفضل بلعمی‌وزیر منصور بن نوح بن نصر . این کتاب ترجمه‌ای است از « تاریخ‌الرسل و الملوك» تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که به سال ۳۵۲ انجام گرفته است . بلعمی درترجمهٔ کتاب طبری تغییراتی داده است . سلسله روات واسناد پیاپی را که‌برای‌خوانندهٔفارسی زبان ملال‌آوراست حذف کرده وبجای آن ازمنابع ومآخذ جدیدی که غالباً به‌روایات‌پهلوی متکی بوده ، استفاده کرده است . بلعمی سبک سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده ، بلکه وقایع را برحسب‌ترتیب اقوام مختلف‌تقسیم کرده است .

تاریخ بلعمی از نمونه های بسیار قدیم نثر فارسی است و ساده وطبیعی ودور از صنایع لفظی می‌باشد. (چاپ تهران)

تاریخ بناکتی (ك) «روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب» تألیف ابوسلیمان داوود بناکتی که درسال ۷۱۷ هجری به زبان فارسی تألیف یافته است. مؤلف در تألیف این کتاب بیشتر ازهمه ازجامع التواریخ رشیدی استفاده کرده است . این تاریخ شامل نه قسمت است .

۱- انبیاء واولیاء . ۲- پادشاهان قدیم ایران . ۳- پیغمبراسلام وخلفا . ٤- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی‌عباس . ٥- یهودیان . ٦- مسیحیان و فرنگیان . ۷- هندیان . ۸– چینیان . ۹- مغولان .

گرچه مؤلف درقسمتی که به ملل خارجی اختصاص دارد ، به اختصار پرداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت وحقیقی بدست می‌دهد و درکمتر تاریخی دربارهٔ اماکن ونفوس وحوادث تاریخی بیرون از دایرهٔ اسلامی تااین حد بحث شده است . شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه وخالی از تعصب است .

تاریخ بیهق (ك) تألیف ابوالحسن بیهقی . موضوع تاریخ بیهق عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر ورجالی که به آن منسوب‌اند ، از هر دسته مانند عالمان ، شاعران ، ادیبان ، وزیران ، حکیمان ، پزشکان، سادات . انساب خانواده‌های مشهور که از قدیم درآنجا اقامت داشته‌اند وهمچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر ووجه تسمیهٔ آن وتقسیمات دوازده گانهٔ شهر درزمان عبدالله طاهر .

مؤلف درضمن تاریخ بنای هرشهری داستانها واتفاقاتی را که درآنجا افتاده است ، نقل می کند ، مانند سفرهای اشخاص بزرك چون هارون الرشید و مامون و ساختن مسجد جامع . مؤلف درضمن وقایع همه جا حدیثهای نبوی وآیات قرآن واشعار عربی می‌آورد وسنوات تاریخ را به عربی ذکر می کند . عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب باجمله های

مطول عربی آمیخته و فرمانها ومثالها به عربی نقل شده است .
(چاپ تهران)

تاریخ بیهقی(تاریخ مسعودی) (ك) تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی ؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل‌سبکتکین نام داشته وسی مجلد بوده‌است. تنها قسمتی که اکنون از این تاریخ بزرك در دست است ، قسمتی است به نام « تاریخ مسعودی » حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتکین وتاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون وتصرف ولایت ایشان به‌دست سلطان محمود غزنوی وحکومت آلتون تاش تاغلبهٔ سلاجقه . تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف درآن تنها به حوادث سیاسی دورهٔ غزنویان اکتفا نکرده،بلکه کوشیده است که‌وقایع را بااستدلال شرح دهد وعلت قضایا وجنگها رابنویسد. بیهقی احکام وفرامین ونسخه‌ها را عیناً نقل می‌کند و برای آنکه کتاب جالبتر شود ،وقایع را باحکایات تاریخی می‌آمیزد. اغلب به‌ذکرشاعران واشعاری می‌پردازد که درکتابهای دیگرذکری از آنها نشده است . مؤلف آنچه را که شرح می‌دهد ، یا خود شاهدآن بوده یا ازراوی معتمدی نقل می کند و همه جا درستی اخبار را تأکید می کند. تاریخ بیهقی مستندبه مدارك صحیح است و ازموثقترین مدارك تاریخی دورهٔ غزنوی به شمار می‌رود. سبك انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف‌ونمونهٔ عالی از روش انشاء دربارغزنوی است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ‌جلالی - رجوع شود به تقویم جلالی .

تاریخ جهانگشا(ك) ازتواریخ دورهٔ مغول به‌زبان فارسی،تألیف علاءالدین عطاملك جوینی . این‌تاریخ درسال ۶۵۸ تألیف یافته و

شامل سه جلد است در وقایع دورهٔ مغول تا سال ۶۵۵

جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع چنگیز معروف به یاسا و فتوحات چنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دورهٔ نیابت تورا گینا خاتون و سلطنت گیوک خان و جغتای.

جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و ملوک قراختای و گورخانیه.

جلد سوم در وقایع تاجگذاری وجلوس منکوقاآن ووقایع سلطنت وتفصیل حرکت هلاگوبه بغداد وقلع وقمع اسمعیلیه.

در پایان بعضی از نسخه های جهانگشا فصلی در واقعهٔ فتح بغداد بدست هلاگو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه هانیست.

مؤلف به سراسر قلمرو مغول سفر کرده وبسیاری از وقایع را که به چشم دیده یا ازمعتبران شنیده، درتاریخ خود شرح داده است. جوینی به ذکر حوادث اکتفا نمی کند، بلکه سبب ایجاد فتنه ها وشکستها را می گوید وفتح نامه ها را عیناً ضبط می کند و دربارهٔ مذاهب وادیان نیز گفتگو می کند.

تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیار بکار برده وبرای جالب ساختن تاریخ، حکایات شیرینی به‌آن آمیخته وشواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی یا عربی آورده است.

سبک انشاء جهانگشا به‌سادگی بیهقی وبلعمی نیست، تااندازه‌ای متکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی درآن فدای لفظ نشده است.

(چاپ تهران)

تاریخ الرسل و الملوك (ك) تألیف ابوجعفر محمدبن جریر طبری مورخ بزرك قرن سوم و چهارم اسلامی . این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم ، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال ۳۰۲ هجری . طبری در این تاریخ سبك سالنامه نویسی بکاربرده است ووقایع را برحسب سنوات تقسیم کرده نه برحسب اقوام . وی دربارهٔ وقایع وحوادث چندین روایت اعم از موافق ومخالف را نقل می کند وسلسلهٔ رواة را به شخص مورد اعتمادی می رساند .

طبری در این کتاب بیشتر جنبهٔ وقایع نگاری را در نظر داشته است وبه تمدن و مظاهر اجتماعی وعادات ورسوم وعلل وقایع توجهی ندارد .

تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را ازصحیح ترین مدارك شمرده و به آن استناد کرده اند . تاریخ طبری درزمان سامانیان به وسیلهٔ ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی وبه فرمان امیر منصوربن نوح سامانی درسال ۳۵۲ هجری به فارسی ترجمه شده واین ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است .

تاریخ رشیدی (ك) رجوع شود به جامع التواریخ

تاریخ سیستان (ك) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یا سه نفر به نوبت این تاریخ را به پایان رسانده اند ، زیرا که سبك نوشتهٔ ابتدای کتاب با انتهای آن بکلی متفاوت است . تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملك الشعراء بهار تألیف کتاب یکباردرعصر یعقوب لیث وعمرولیث وعصر خلف بن احمد وغلبهٔ سلطان محمود غزنوی انجام گرفته ویکبارهم درعصر طغرل سلجوقی وباردیگر درحدود ۷۲۵ که پایان کتاب است .

درتاریخ سیستان از بنای شهر وآبادانی،نامها ، حدود وتوابع ، رستاقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان وپیغمبران ودرضمن داستانهای مذهبی شرح داده‌شده‌است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به‌حیله های جنگی‌وقراردادها وعلت‌زدوخوردمی‌پردازد وصحنه هاومناظر جنگ را وصف می کند . تاریخ سیستان تاآمدن امیر بیغو به سیستان‌به یک نحو وبه قلم یک نویسنده است ولی‌دراینجا مطلب بریده وناتمام می‌ماند ودرصفحهٔ بعد به‌طریق دیگر وباتاریخ دیگر شروع می‌شود . تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ٤٤٨ است وتاریخ قسمت بعد از٤٦٥ آغاز می‌شود. ازاینجا سبک نوشتن‌تاریخ بکلی عوض‌می‌شود . سنه ها که تا اینجا به‌عربی نوشته شده بود،ازاین پس به‌فارسی است . وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح داده شده است ، ازاین ببعد فهرست وارمی‌شود. بازازسال ٦٩٥ فهرست‌نویسی‌تمام می‌شود ومطالب‌باعنوان شروع می گردد .

صاحب تاریخ سیستان ازتواریخ ومؤلفان آنها نام می‌برد ودر نقل روایات وشرح‌داستانهاجنبهٔ اختصاررا رعایت‌می کند . سبک‌نوشتهٔ تاریخ سیستان‌بسیارساده ودر قسمت‌اول کتاب‌عاری ازلغات نامستعمل عربی است . (چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ك) تاریخی به زبان‌فارسی تألیف بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب‌آملی‌معروف به ابن‌اسفندیار ، ازکاتبان مشهورایرانی. این کتاب درسال ٦١٣ ه تألیف‌یافته‌است. مؤلف‌چنانکه خود گوید در تألیف‌تاریخ طبرستان‌از کتابهای‌مختلف مانند کتاب‌امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای ازابن‌المقفع وکتابهای دیگر استفاده‌کرده است . تاریخ طبرستان شامل چهارقسم وهرقسم

شامل چندین باب است دربنیاد طبرستان و خصایص وعجایب آن وذکر ملوك وعلماء وحکماء آل وشمگیروآل باوند . درتاریخ طبرستان جزحوادث تاریخی ، حکم‌ومواعظ واشعار وامثال نیز ازکتابهای مختلف نقل شده است .انشاء این کتاب ساده‌وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ‌طبری (ك) رجوع شود به«تاریخ الرسل والملوك»

تاریخ‌قم (ك) تألیف حسن‌بن محمدبن حسن قمی . اصل این کتاب به زبان عربی است ودرسال ۳۷۸ درزمان صاحب بن عباد وبه تشویق او تألیف یافته است و ترجمهٔ آن به‌فارسی‌درسال ۸۰۵ به‌توسط حسن‌بن‌علی‌بن‌حسن‌بن‌عبدالملک‌قمی‌صورت گرفته است . مؤلف‌مطالب کتاب‌رابرحسب فهرست بسیارمنظم بیان می کند و عوامل و کیفیاتی راکه درمعرفی شهرکمال‌لزوم‌را دارد درنظرمی گیرد . مؤلف‌خودمی گوید که بیشتر اخبار را درمدت حکومت برادرش در قم بدست آورده وقسمتی را ازمردم قم شنیده است ودرضمن نام کتابهائی راکه ازآنها استفاده کرده ،ذکرمی کند .نویسنده‌درتالیف تاریخ‌قم به‌کتاب اصفهان تألیف حمزهٔ اصفهانی نظر داشته است و ازآن روایاتی نقل می کند . همچنین ازکتاب سیرالملوك العجم وتاریخ خلفا روایاتی دارد . مؤلف پس ازمطالعه ومقایسهٔ روایات متعدد ، آنها را باهم سنجیده و قول درست‌تر را انتخاب کرده‌است . دقت‌و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به‌کار رفته‌است ،کمتردرتواریخ دیگرشهرهادیده‌می‌شود . انشاءترجمه تاریخ قم بسیارساده وروان‌است .گرچه‌دارای‌لغات‌واشعار عربی‌است‌ولی مطالب تاریخ بسیار صریح وروشن‌است. (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ك) «عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی» تألیف‌افضل‌الدین ابوحامداحمدبن‌حامد کرمانی معاصر سلاجقهٔ کرمان که کتاب را درسال

۵۸٤ به پایان رسانده است . این کتاب شامل پنج قسمت است : درذکر آخر دولت آل سلجوق وایام فترت ملک کرمان، ورود آیات ملک دینار به کرمان و گرفتن ملک وظفر یافتن، شرح اخلاق ملوك وذکر ممالک کرمان، ثنای صاحب قوام لدین، ذکر محاسن و شرح خاندان او، شرح حال مؤلف .

مؤلف دراین کتاب بیشتر به شرح اوضاع سیاسی کرمان وزمامداران آن می پردازد و تاریخ را باپند و اندرز می آمیزد و سفرها و زندگی خودرا درغربت وناراحتیها وسپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می دهد . سبک نوشتهٔ تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل صنایع وتکلفات ادبی است و درآن نثربا اشعار مفصل آمیخته است (چاپ تهران)

تاریخ گزیده (ك) تألیف حمدالله مستوفی قزوینی که آن رادرسال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله ، تألیف کرده است. تاریخ گزیده تقلید و تلخیصی است ازجامع التواریخ رشیدالدین فضل الله به انضمام تلخیصی ازتواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بریک مقدمه وشش باب که هربابی به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ درنزد طبقات مختلف می پردازد وازابتدای آفرینش وعقل کل ونفس وهیولی وصوروعناصر بحث می کند، سپس تاریخ پیغمبران وقبایل عرب وخلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می دهد . تاریخ گزیده دارای وسعت مندرجات است، اما مؤلف دربارهٔ هیچیک ازمطالب به شرح وبسط نپرداخته وبه علت حوادث توجه ندارد و درنقل وقایع، جز تاریخ زمان خود، به اختصار می کوشد. سبک تاریخ گزیده بسیار ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ مسعودی (ك) رجوع شود به تاریخ بیهقی

تاریخ معجم (ك) «المعجم فی آثار ملوك العجم» این کتاب به زبان فارسی و تألیف شرف الدین فضل اله حسینی قزوینی می باشد که در سال ٦٨٤ به نام اتابك نصرة الدین احمد شاه لرستان تألیف یافته است.

کتاب دربارهٔ تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث تاآخر عهد ساسانیان. مؤلف در ضمن تاریخ ایران از پیغمبران و فلاسفه و حکمای یونان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می برد. در تاریخ معجم مانند تاریخ وصاف جنبهٔ ادبی برجنبهٔ تاریخی غلبه دارد. عبارات مصنوع و متکلفانه است. همه جا خطبه ها و مناجاتهائی به شاهان باستانی ایران نسبت می دهد، آمیخته به جمله های عربی و شعر فارسی. درشرح وقایع به اختصار می کوشد و دربارهٔ بعضی از شاهان به ذکر نام قناعت می کند. از مورخینی مانند ابن المقفع، ابن قتیبه، جریر طبری روایت دارد.

(چاپ تهران)

تاریخ وصاف (ك) «تجزیه الامصار وتزجیة الاعصار» تاریخی به زبان فارسی تألیف ادیب شهاب الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آن را ذیلی بر تاریخ جهانگشای جوینی می داند. این تاریخ در پنج جلد و شامل تاریخ ایلخانان مغول و امیران اطراف است تا اواسط عهد ابوسعید بهادرخان. تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می شود، یعنی از سال ٦٥٦ شروع می شود و به سلطنت سلطان علاء الدین وقطب الدین ختم می گردد.

مؤلف در روش تاریخ نویسی از تاریخ جهانگشا پیروی کرده است ولی سبك انشاء کتاب متکلف و مصنوع است و در این راه اغراق و مبالغهٔ بسیار بکار رفته است، تاحدی که تاریخ ملال آور می شود. نویسنده جزبیان وقایع

از شاعران وشعرهای آنان گفتگوسی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می کند. درمیان شرح وقایع به‌شکایت ازروزگارسی پردازد وپندواندرزمی دهد واغلب وارد بحثهای فلسفی ومذهبی‌می‌شود وگاه مجبورمی گردد که‌نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه می‌شمارد. باوجود روش اغراق‌آمیز مولف، تاریخ وصاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است.

تاریخ هرات (ك) «روضات‌الجنات فی‌تاریخ مدینة‌الهرات» تألیف معین‌الدین محمد اسفزاری مورخ دورهٔ تیموری که این کتاب را به‌نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده‌است. تاریخ هرات شامل وقایع تاسال ۸۷۵ هجری است که نویسنده درآن شهر هرات ونواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسلهٔ ملوك کرت وانقراض آن رابدست‌تیمورو تاریخ تیموریان را تاسلطنت سلطان حسین‌ابوالغازی به تفصیل شرح داده است. (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی ازملازمان دربارسلطان محمود غزنوی‌است. این کتاب درشرح حال سلطان محمود یمین‌الدوله وپدرش‌سبکتکین است وبه همین جهت به تاریخ یمینی معروف است. تاریخ تألیف‌کتاب اوایل قرن پنجم است ولی درقرن هفتم‌وبسال ۶۰۳ ابوالشرف‌ناصح بن ظفربن‌سعدالمنشی الجرفادقانی که درزمان اتابکان آذربایجان می‌زیسته، آن را به فارسی ترجمه کرده است. و درآغاز قرن یازدهم هجری منینی شرحی به‌زبان عربی‌برآن نوشته وبه«الفتح الوهبی» موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی‌است مشتمل برشرح سلطنت سلطان محمودبن سبکتکین و کمی از احوال آل سامان واندکی ازتاریخ آل‌بویه. وقایع

باعبارتهای سلیس بدون اختلاط با داستان بیان می‌شود . شرح وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول وامیران معاصر ، وعزل ونصب حکام و منشیان و فرمانهاو جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است. مترجم تاریخ یمینی درترجمه سادگی اصل کتاب را کاملا حفظ نکرده وگاهی به‌تطویل می‌پردازد و قصاید عربی را ازاصل کتاب نقل می‌کند تاریخ یمینی ازمهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی‌است ونثرش نمونه‌ای ازنثر مصنوع فارسی درآغاز قرن هفتم است .

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصلهٔ متحرکی قبل از روی قرارگیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی‌دانند واگر رعایت شود ، آن را لزوم مالایلزم می‌خوانند . مثال‌از شعرانوری

گرچه در بستم درمدح و غزل یکبارگی
ظن مبرکز نظم الفاظ و معانی قاصرم
بلکه در هر نوع کز اقران من داند کسی
خواه جز وی گیر آن را خواه کلی ماهرم

مثال عدم التزام درشعر خاقانی

نشایدبردن انده جز به انده — نشاید کوفت‌آهن جزبه‌آهن
دلم آبستن خرسندی آمد — اگر شد مادر روزی سترون

تبت شهری درحدود چین که مشک آن معروف بوده است .

نو بهار آمد و آورد گل و یاسمنا
باغ همچون‌تبت وراغ بسان‌عدنا
(منوچهری)

تبصرةالعوام (ك) فی‌معرفة مقالات‌الانام تألیف سید مرتضی‌بن

الداعی‌الحسینی رازی که آن را در اوائل قرن هفتم و شروع حملهٔ مغول نوشته است. تبصرة العوام به‌زبان‌فارسی و دارای بیست وشش باب است درذکر مقالات مربوط به‌فرقه های مختلف‌مذهبی که درضمن آن ازصوفیه ومشایخ صوفیان لطلاعاتی به دست می‌دهد. (چاپ تهران)

تثلیث (نج) آن است که میان دوبرج یک‌سوم دورهٔ فلک یعنی چهاربرج فاصله باشدوبه‌اصطلاح دیگر آنکه هربرجی به‌برج پنجمش نظر کند. تثلیث بعضی ازسیارات سعد است مانند تثلیث ماه ومشتری.

به‌تثلیث بروج و ماه وانجم   به تربیع وبه‌تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجاسعدفلک‌راست   به تربیع صلیب باد پروا
که بهر دیدن بیت‌المقدس   مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

تجارب‌الامم (ك) کتابی درتاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن را درشش‌جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول وپنجم وششم آن دردست است. جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود وباجنگ جمل پایان می‌یابد

جلدپنجم ازوقایع سنه ۲۳٤ شروع می‌شودوپس‌ازذکر اخبار ایران وعرب وکشورهای دیگربه‌وقایع سال۳۲٦ ختم می‌شود.

جلد ششم دنبالهٔ مطالب جلدپنجم است تا سنهٔ ۳۷۰وپادشاهی عضدالدوله دیلمی.

منظور ابن‌مسکویه درجمع آوری اخبار فقط‌ذکراحادیث‌نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که درزندگی بشر مؤثر بوده وتجربه‌ای از آن بدست می‌آید. ابن‌مسکویه به‌تاریخ، تنهامانند مورخ نظر نمی‌اندازد بلکه مانندفیلسوف وروانشناس‌وقایع وپیشرفتها وشکستها راموردتجزیه

وتحلیل قرار می‌دهد ومطالبی از بین آنها برمی گزیند که جامعترومفیدتر است . می‌توان گفت به فلسفهٔ تاریخ توجه بیشتر دارد وهمه جا علل شکست یا پیروزی را شرح می‌دهد .

سبک ادبی کتاب کاملا بی‌تکلف وازعبارت پردازی خالی‌است .

تجارب السلف (ك) تألیف‌محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که آن را به سال ۷۲٤ به نام اتابک نصرة‌الدین تألیف کرده است . تجارب‌السلف ترجمه‌ای‌است ازکتاب «منیة‌الفضلاء فی‌التاریخ الخلفاء والوزراء» معروف به «تاریخ فخری» تألیف ابن الطقطقی (که درسال ۷۰۱ تألیف یافته است) . هندوشاه دراین کتاب‌نظر ترجمهٔ ساده وتحت اللفظ نداشته بلکه‌ازاصل کتاب اقتباس کرده است، زیراکه‌قسمتهائی‌را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایتها و داستانهائی آورده که دراصل کتاب نبوده‌است . ولی‌نقشهٔ کتاب مانند کتاب‌الفخری است . هندوشاه دراین کتاب ازترجمهٔ تاریخ‌طبری و الکامل‌ابن اثیر ونفثة‌المصدوروجوامع الحکایات‌عوفی‌وکتابهای‌دیگر که‌مورداستفاده‌اش بوده است نام می‌برد .

تجارب‌السلف نثری ساده وسلیس وانشائی بلیغ وشیرین دارد .

تجاهل العارف (ب) آن است که شاعر عمداً خودرا در مطلبی جاهل نشان بدهد .

گلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمی‌دانم
ازاین آشفتهٔ بیدل چه می‌خواهی‌نمی‌دانم

تجلّی (تن) درلغت به معنی آشکار وروشن شدن و جلوه کردن است‌ودرادبیات فارسی گاه‌کنایه‌از تجلّی خداست دردل سالکان‌طریقت پس ازطی منازل‌سلوك ورسیدن به مقام فناء فی‌الله؛ وگاه کنایه‌ازظهور

نور الهی است بر کوه طور که موسی از آن بیهوش گشت .

آن سهیل است برق هیبت او

که تجلیش سکنهٔ طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی با یکدیگر مشابهت و مجانست داشته باشد . تجنیس بر هفت قسم است: تجنیس تام ، تجنیس ناقص ، تجنیس زائد ، تجنیس مرکب ، تجنیس مکرر ، تجنیس مطرف ، تجنیس خطی .

۱ــ تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد و در معنی متفاوت . مانند کلمه های گور در این شعر

بهرام که گور می گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۲ــ تجنیس ناقص آن است که دو کلمه درنوشتن مانند هم باشد ولی در حرکت اختلاف داشته باشد . مانند خَلق ، خُلق

بُرد بیاور که بَردآمد وهنگامه کرد

آب چمن چون برفت آتش سوزان بیار

۳ــ تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دو کلمهٔ مجانس حرفی اضافه بر دیگری باشد . مانند باد وباده دراین شعر

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

٤ــ تجنیس مرکب آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی بسیط ویکی مرکب باشد . مانند

امروز شمع انجمن دلبران یکی است دلبرا گر هزار ا ربود دل بر آن یکی است

۵- تجنیس مکرر یا مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یک یا دو حرف از دیگری بیشتر داشته باشد. مانند زار ونزار، گفتار وتار،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتار تلخ

روز من چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶- تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام وجان

۷- تجنیس خطی یا مصحف آن است که دو کلمه، قطع نظر از نقطه، به یک شکل وصورت نوشته شود. مانند تیمار وبیمار، پوشیدن ونوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم

وز نعمت تو نرد امانی بباختیم

تجنیسات (ک) از مثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصراعها صنعت جناس را رعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق، وشامل پند واندرز است ودر پایان این ده باب فصلی در نصیحت به فرزند دارد و در خاتمه از شاعرانی مانند عطار و مولوی و فردوسی ونظامی وشاعران دیگر مثنویهائی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف وخالی از شور است و کاتبی در آن بیشتر به لفظ وصنعت پرداخته است.

تحفة الاحرار (ک) یکی از منظومه های هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ ساخته است. این کتاب به سبک مخزن الاسرار نظامی وبر همان وزن است ودارای دیباچه ای است در مناجات خدا ونعت پیغمبر ومدح خواجه بهاء الدین مؤسس سلسلهٔ نقشبندیه وبیست مقاله در آفرینش جهان ومسائل دینی وشرح حال علماء و سلاطین و وصف جوانی وپیری که هریک از این مطالب با حکایتها ومثلها آمیخته وشامل نکته های اخلاقی است.

تحفهٔ سامی (ك) کتابی در شرح حال قریب به‌هفتصدتن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده‌اند . این کتاب تألیف سام‌میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال۹۰۷ تألیف یافته‌است.
(چاپ تهران)

تحفة العراقین (ك) ازآثارمنظوم خاقانی‌شاعر بزرگ قرن‌ششم. این مثنوی درحدودسه هزاربیت دارد ودرشرح سفر شاعر است به‌عراق عجم وعراق عرب ومکهٔ معظمه. خاقانی دراین منظومه اغلب بزرگان ودانشمندانی راکه هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده وآداب‌ورسوم بعضی از کشورها را شرح داده است . مثنوی تحفهٔ‌العراقین به نام جمال‌الدین محمد موصلی سروده شده است . (چاپ‌تهران)

تخت‌بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکهٔ‌سبا ، که دیوان آن‌را برداشته نزد سلیمان بردند

نشستم از برش چون تخت بلقیس
بجست او چون یکی عفریت هائل
«منوچهری»

تخت‌طاقدیس تخت خسروپرویز.

به گردا گردتخت طاقدیسش دهان‌تاجداران خاک‌لیسش
«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد.

چوتخت طاقدیسی سازکردی بهشت ازطاقها آواز کردی
«نظامی»

تخلیع : (ب) آن است که‌شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود

ای بت‌من‌چرا همی‌سوزی مرا پس هردمی می‌زنیم بی گنه

تخنیق (زحاف) (ع) در مفاعیلن مانند خرب است که می‌شود فاعیلُ ؛ وبجای آن مفعولُ می گذارند ، درزبان عربی فقط در اول بیت می‌آید ؛ ودرفارسی درسایر اجزاء بیت هم جایز شمرده می‌شود . این مفعولُ را مخنق گویند .

تدارک(ب)آن‌است که شاعریک‌معنی را به نفی‌یا به‌اثبات‌آورد سپس آن را به وجهی تدارک کند ، یعنی شرطی‌درمیان‌آرد که آن‌صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعبتین عدو
بلی‌اگرتودهی مرمرابه‌حق یاری

تذکرة الاولیاء (ک) از آثار منثور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته است . این کتاب در بیان مقامات عرفان است ومؤلف‌درآن سرگذشت نودوشش‌تن از اولیاءِ مشایخ صوفیه را باذکر مکارم اخلاقی وسخنان حکمت‌آمیزشان آورده است . این کتاب از حیث بیان مکارم واخلاق مشایخ طریقت وحالها وچگونگی اوضاع ایشان ورنجهاومجاهدات وسخنان‌حکمت‌آمیزوپندهایشان کتابی بسیارمهم وسودمند است. نوشتهٔ کتاب نیز نمونهٔ‌نثربسیار روان‌وشیرین زبان فارسی‌است . (چاپ لیدن)

تذکرهٔ‌بزم‌آراء (ک) تألیف سیدعلی‌بن محمود حسینی که آن‌را درسال ۱۰۰۰ به پایان رسانده است . این تذکره شامل شرح حال شاعران‌فارسی زبان است اززمانهای قدیم تاعصرمؤلف . مؤلف‌درتألیف این تذکره،مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی ازآن نبرده‌است .

تذکرة الشعراء (ك) (تذکرهٔ دولتشاه) کتابی معروف. به زبان فارسی، در شرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران ومنتخباتی از اشعار ایشان تألیف دولتشاه سمرقندی که آن را در سال ۸۹۲ تألیف کرده است. در این کتاب علاوه برشرح حال شاعران، مؤلف از امیران وبزرگانی که ممدوح شاعران قرار گرفته‌اند، نیز ذکر کرده و در خاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خودرا آورده است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ میخانه (ك) کتابی در شرح حال شاعرانی که ساقی‌نامه ساخته‌اند، تألیف ملاعبدالنبی فخرالزمان قزوینی که آن را در سال ۱۰۲۸ درهندوستان به نام سردارخان خواجه یادگار تألیف کرده است.

دراین کتاب شرح احوال هفتاد ویک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبرشاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبرشاه یا جهانگیر یا امیران دکن منتسب بوده‌اند، یا اصلاً به هندوستان نرفته‌اند یا اهل قزوین وهموطن مؤلف بوده‌اند. مؤلف این هفتادویک شاعررا برسه مرتبه تقسیم می کند وشرح حال ایشان را با نام ونسب و تاریخ وفات و دیوان شعر وتعداد ابیات آن و نمونهٔ ساقی‌نامه یا کلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می کند. مؤلف در همهٔ این اطلاعات به مآخذ کتاب اشاره می کند و از خود نیز ساقی‌نامه‌ای با تخلص «نبی» می‌آورد. سبک نوشتهٔ کتاب ساده واز تکلفات منشیانه دوراست.

(چاپ تهران)

تذکرهٔ نصرآبادی (ك) تذکره‌ای تألیف میرزامحمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که آن را درسال ۱۰۸۳ وبه نام صفی‌میرزا معروف به شاه‌سلیمان فرزند شاه‌عباس ثانی تألیف کرده است. تذکرهٔ نصرآبادی شامل شرح حال وآثار قریب هزار شاعر عهد صفوی است. این تذکره مورد

استفادهٔ تذکره نویسان دیگر مانند آذر بیکدلی صاحب آتشکده قرار گرفته است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ هفت اقلیم (ک) تذکره‌ای مشتمل برجغرافیا و ترجمهٔ احوال رجال ادب تألیف امین احمد رازی که آن را درزمان شاه طهماسب صفوی در مدت شش سال نوشته وبه‌سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. درتذکرهٔ هفت اقلیم شرح احوال رجال برجغرافیا غلبه داردومورداستفادهٔ محققان قرار گرفته است.

ترازوی انجم (نج) رجوع شود به اسطرلاب

به سیر سپهر انجمن ساختند ترازوی انجم برافراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که روبه زمین است یک چهارم آن روشن است. این حالت یک بار درشب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است وبار دیگر درشب بیست‌ودوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود.

همچنین دراصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دوبرج یک چهارم دورهٔ فلک یعنی سه برج فاصله باشد وبه اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارمش نظر کند.

به تثلیث بروج وماه وانجم به‌تربیع وبه تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجاسعدفلک راست به‌تربیع صلیب باد پروا
که بهردیدن بیت‌المقدس مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان البلاغة (ک) ازکتابهای مهم علم بلاغت، درمباحث معانی وبیان وصنایع لفظی ومعنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی

نسبت داده‌اند ولی این نسبت درست نیست . مؤلف‌در این کتاب، پس از ذکر هریک از صنایع لفظی‌ومعنوی، شواهدمعدودی از شاعران‌قرن چهارم واوائل قرن پنجم می‌آورد . کتاب ترجمان البلاغة مورداستفادهٔ رشیدالدین وطواط درحدائق السحر قرارگرفته است . درنسخهٔ معتبری که درکتابخانهٔ اسلامبول پیدا شده است ، کاتب درپشت نسخه این کتاب را تصنیف محمدبن‌عمرالرادویانی دانسته‌است که یکی ازادیبان قرن پنجم وابتدای ششم است .

ترجمهٔ تاریخ طبری (ك) رجوع شود به تاریخ بلعمی

ترجیع بند (ب) مجموع چندرشته شعر است که هررشته‌دارای یک وزن ویک قافیه باشد ودرآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جداگانه مکرر می‌شود واین بیت‌ترجیع یابرگردان‌است. مانند ترجیع بندفرخی:

زباغ ای باغبان مارا همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده‌که فردامان بکار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تولختی‌صبرکن چندانکه‌قمری برچنارآید...
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را درجهان هرروز جشنی باد و نوروزی

ترصیع (ب) آن است که در دوقطعه کلام،الفاظی در برابر هم آورده شود که به وزن و حروف آخر مساوی باشد. مانند منور و مقرر ونجوم ورسوم دراین‌شعر:

ای‌منور به‌تو نجوم جلال		وی‌مقرر به تو رسوم کمال

ترك در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقندوبخارا را

«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعر باوزن‌وقافیهٔ واحد که درآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جداگانه‌آورده می‌شود. این بیت در ترکیب بندتکرار نمی شود وهربار بیتی دیگر با قافیهٔ دیگرمی‌آورند اما و در ترجیع بندهمان یک بیت مکرر می شود .

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف درخانهٔ زلیخادردست‌داشتندوچنان مفتون زیبائی‌یوسف‌شدند که دستهای خود را بجای ترنج با کارد بریدند و ازآن پس دیگر زلیخا را از اینکه به یوسف دل‌داده بود ، سرزنش نکردند .

گرش ببینی ودست ازترنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

«سعدی»

تسدیس (نج) آن است که میان دوستاره یک ششم دورهٔ فلک یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج‌سومش نظر کند .

مه به تسدیس زحل کرده نظربا آفتاب

وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

«انوری»

تشبیب (ب) در قصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری که در مغازله یاوصف طبیعت و بهار و خزان می‌آورندو بعد به‌مقصود اصلی می‌رسند . این مقدمهٔ قصیده‌را تشبیب گویند .

تشبیه (ب) از محسنات بدیع ودراصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی‌است. درتشبیه چهار جزء وجود دارد: مشبه،مشبه‌به،ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان اوچون مروارید است به‌سفیدی» دراین جمله دندان مشبه‌است، مروارید مشبه‌به، چون اداتتشبیه، سفیدی وجه‌شبه. تشبیه برچند قسم‌است. تشبیه مطلق، تشبیه‌تفضیل تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه بکنایه.

تشبیه مطلق تشبیهی‌است که‌بدون قید وشرط باشد مانند-

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل آن‌است که گوینده‌مشبه را برمشبه به برتری‌دهد:

خواستم گفتن که‌دست وطبع اوابراست و کان

عقل گفت این‌مدح باشد نیز بامن هم‌پلاس

دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه

طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه آن است که گوینده یک صفت از خود ویک صفت ازطرف رابه‌چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز که شد بار دگر ابر بهار

از بهر صفای بوستان و گلزار

چون چشم‌من‌ودهان تولؤلؤخیز

مانند کف راد ملک گوهر بار

تشبیه عکس آن است که‌گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند، این را به‌آن وآن را به این.

دل من چون دهن تنگ‌بتان دهن تنگ بتان چون دل‌من

تشبیه مشروط آن است که درآن شرطی وجود داشته باشد.

گردل ودست بحروکان باشد   دل و دست خدایگان باشد

تشبیه اضمار آن است که به ظاهر قصد تشبیه درآن رعایت نشده است ، ولی درحقیقت تشبیه باشد .

گرنور مه و روشنی شمع تراست
این کاهش وسوزش من ازبهرچراست
گرشمع توئی مرا چرا باید سوخت
ورماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه کنایه : آن است که ارارکان تشبیه درآن به ذکر مشبه به اکتفا شود . مثال :

بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو
زگنج خانهٔ دل می کشم به مخزن چشم

«حافظ»

در اینجا قطره‌های اشک به «لعل و گهر» تشبیه شده است .

تشعیث (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را مفعولن کنند وآن را مشعث خوانند .

تصوف (رجوع شود به عرفان)

تضمین (ب) ازصنایع شعروآن است که بیتی یا مصراعی از شعر دیگران در شعرخویش آورند؛ چنانکه رشیدوطواط شعر عنصری را تضمین کرده است. و اگر بجا افتد مستحسن است.

نمود تیغ تو آثار فتح و گفت فلک
«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که

کاملاً بهم شبیه باشد ودرحقیقت سجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان
گرشما رانه بس این سودوزیان ما رابس

حافظ

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد ومقصودش گوشه زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدار مرا گفت چرا غمگینی		غمگین کدام دلبر شیرینی
برجستم وآئینه به دستش دادم		گفتم که درآینه که رامی بینی

تفتازانی (ت) مولاناسعدالدین مسعود بن عمربن عبدالله التفتازانی. وفات در حدود ۷۹۱- از دانشمندان و حکیمان دورهٔ تیموری. در قریهٔ تفتازان نزدیک نسا درخراسان به‌سال ۷۲۲ متولد گردید ودرخوارزم که مرکزعلم وادب بود اقامت کرد. امیرتیمور چون به شهرت ومقام علمی تفتازانی پی برد، دستور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را باخود به سرخس برد ومنصب تدریس را به او واگذار کرد. پس ازآن اورا به سمرقند پایتخت خود احضار کرد و مورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیهٔ عمر را درهمانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را درسال ۷٤۸ درهرات به‌نام ملک معزالدین حسین کرت تألیف کرد، دیگر «المختصر» که آن را به‌جانی بیک خان مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به زبان عربی است وبیشتر درمنطق وصرف ونحو عربی وفلسفه وکلام وتفسیر وفقه می‌باشد. منظومه‌ای از اوباقی است که ترجمهٔ ترکی از بوستان سعدی است.

تفسیر تربت جام (ك) تفسیر قرآن مجید. خلاصه واقتباسی است از

تفسیر بزرك ابوبکر عتیق سورآبادی که درقرن پنجم هجری نوشته‌شده ویک نسخه ازآن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزهٔ تهران است. (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی السورآبادی» است که از معاصران الب ارسلان سلجوقی بود، این تفسیر از نمونه های خوب نثر فارسی درقرن پنجم است.

تفسیر طبری (ك) جامع البیان فی تفسیرالقرآن. معروف به تفسیر کبیر. ازتفسیرهای معروف قرآن تألیف مورخ وادیب وفقیه بزرگ اسلامی محمدبن جریرطبری (متوفی ۳۱۰ ه). تفسیرطبری تاعهدمؤلف بزرگترین کتابی بوده که دراین علم نوشته‌شده وبزودی کسب شهرت کرده‌است. تفسیر طبری درعهد سامانیان به فرمان ابوصالح منصوربن نوح وبه همت عده‌ای از دانشمندان به فارسی ترجمه شده است.

اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.

تفسیر کبیر (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ك) تألیف دانشمند بزرك ایرانی ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی که آن را درسال ۴۲۰ درغزنین به خواهش ریحانه بنت الحسین خوارزمی نگاشته است.

ابوریحان دراین کتاب اطلاعاتی دربارهٔ نجوم وریاضی داده‌است وباموجزترین عبارات درهندسه، حساب، هیئت، احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است. می‌توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی دراین پنج فن است.

کتاب التفهیم به دوزبان فارسی وعربی نوشته شده وابوریحان در

تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کاربرده است ، چنانکه تشخیص اصل ازترجمه دشوار است وپیدا نیست کدام یک را اول نوشته‌است.

کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است . در بارهٔ تاریخ و ادب ورسوم‌وطرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده‌است. ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات‌عربی کلمات‌فارسی بکار برد، بنحوی که هم عبارت مفهوم باشد وهم بلیغ. رویهمرفته ایجازوفصاحت وپختگی درمعانی ولفظ، این کتاب‌را بی نظیر ساخته است .

(چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی را درنظر گیرد وبعد آن را تفسیر کند .

بد نامی حیات دو روزی نبود بیش
آنهم کلیم باتوبگویم چنان گذشت
یک روزصرف بستن دل‌شد به‌این‌وآن
روزد گربه کندن دل زین‌وآن گذشت

تقطیع (ع) عبارت‌است‌ازتقسیم‌شعر به‌اجزاء ونهادن‌هرجزء در برابر جزوی ازافاعیل که در وزن باآن برابرباشد. در تقطیع‌ملفوظ شعر معتبراست نه مکتوب یعنی حروفی که درلفظ‌آید، اگرچه‌نوشته نباشد ، درتقطیع‌حرفی محسوب می‌شود وحرفی که‌درلفظ نیست اگرچه درنوشته باشد ، اعتبار ندارد .

تقویم‌جلالی (نج) تقویمی که درزمان سلطان ملکشاه سلجوقی وبه امروی وضع شده است وبه مناسبت‌لقب اوکه جلالدین بوده‌است آن را تاریخ جلالی یاتقویم جلالی خوانده‌اند .

چون درتقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت انتقالی زمین که گردش یک دور تمام به دور خورشید است، جزئیات را به‌حساب نمی‌آوردند، روزاول فروردین به‌تدریج تغییرسی کرد واز اول تحویل شمس به‌برج حمل می گذشت وتقریباً هرچهارسال یک روزجلوتر می‌افتاد. چنانکه درزمان ملکشاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی درنوزدهم فروردین واقع بود.

برفرمان ملکشاه چندتن ازدانشمندان بزرگ زمانه که ازآن‌جمله عمر خیام نیشابوری بود، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده‌گانه برحسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد ونوروزکه آغاز سال است همیشه ثابت بماند.

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی روزه که نامهای آنها همان نامهای ایرانی باستان (فروردین، اردیبهشت ... الخ) بود، تقسیم می‌شد. پنج روزباقی مانده را به‌آخر اسفندماه می‌افزودند و آن را خمسهٔ مسترقه (یاپنجه دزدیده) می‌خواندند وهرچهار سال یک بار روزششمی به‌آن اضافه می کردند.

ماههای این تقویم را همیشه باقید صفت جلالی می‌آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که تاروزگاری بعد ازآن متداول بود واکنون هم دربعضی از روستاهای ایران معمول است، اشتباه نشود.

اول اردیبهشت ماه‌جلالی   بلبل گوینده برمنابرقضبان

«سعدی»

تقی‌الدین محمد کاشی (ت) تقی‌الدین محمد پسرشرف الدین علی حسینی کاشانی. ازتذکره نویسان دورهٔ صفوی و معاصر شاه عباس اول. اثر معروف او تذکرهٔ «خلاصة‌الاشعار وزبدة‌الافکار» است دربارهٔ

شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر عسجدی:

باران قطره قطره همی بارم ابروار
هر روز خیره خیره از این چشم سیل بار
زان قطره قطره قطرهٔ باران شده خجل
زآن خیره خیره، خیره دل من زهجر یار

تکملهٔ روضة الصفا (ك) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند در شش جلد تا پایان سلسلهٔ تیموری است. رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ را ادامه داده وتاریخ شاهان قره قوینلو وآق قوینلو وتاریخ صفویه ونادرشاه وقاجاریه را تااوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته وبرآن افزوده است. این تاریخ به تکملهٔ روضة الصفا معروف است .

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد، خارسازد   کرا منبر نسازد، دار سازد

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین (ك) در واقع ترجمه‌ای است از نهج البلاغهٔ حضرت علی. مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه گیتی خسرو دشمن کش لشکر شکن
سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنین (نج) به تشدید نون- ازصورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار.

نمود اندر شمال خویش تنین   به گرد قطب دنبالش چو پرچین

توجیه (ق) ازحرکات قافیه .حرکت ماقبل روی ساکن که در این صورت روی را مقیدخوانند .مانند حرکت خ درکلمهٔ مفخر:

زهی بقای تو دوران ملک را مفخر .

اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

تور (ش — د) طبق روایات باستانی ایران پسر میانهٔ فریدون که هنگام تقسیم کشور فریدون، سرزمین ترک وچین نصیب او شد،ولی ازسهم خود ناراضی بود وبهمین جهت به همدستی برادر بزرگ خود ، سام ، به ایران لشکر کشید وبرادرکهتررا کشت .

دگر تورراداد توران زمین وراکرد سالارترکان چین

« ازشاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی الترسل (ك) مجموعه‌ای ازمنشآت بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که درقرن ششم می زیسته است . مؤلف خود منشآت خویش را جمع آوری کرده وبه نام بهاءالدین وزیر ساخته است .

این کتاب مشتمل است بر دیباچه ودوفصل مقدمه و سه قسم ، درحمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف کتاب ومدح بهاءالدین وزیر ومختصری درسبکهای مختلف نویسندگان ونمونهٔ فرمانها وعهدنامه هائی که ازجانب سلطان به امیران وشاهان اطراف نوشته شده ونامه های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات واخلاق مردم ودربار ورجال نیمهٔ دوم قرن ششم .

کتاب التوسل الی الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء ونثر فارسی را دراعصار مختلف نشان می دهد و خود از بهترین نمونه های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته وبسیار پخته ویکدست

است. (چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعهٔ شعری بگوید و در اول هر مصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی بیرون شود. مانند کلمهٔ محمد در این شعر

معشوقه دلم به تیر اندوه بخست
حیران شدم و کسم نمی گیرد دست
مسکین تن من ز بار محنت شد پست
دست غم دوست پشت صبرم بشکست

تهمتن (ش - د) لقب رستم پهلوان نامدار شاهنامه

تهمورس (ش — د) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که با دیوان جنگها کرد و بر ایشان غالب شد. بنا بر روایت شاهنامه، پشم رشتن و فرش بافتن را او آموخت و مرغان و جانوران را اهلی کرد.

تهمینه (ش - د) از زنان داستان شاهنامه، دختر شاه سمنگان که عاشق رستم شد و به همسری او در آمد و بعدها پسری از او آورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بر بازوی پسر بست تا بتواند خود را به پدر بشناساند. اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد!

تیر (نج) کرهٔ عطارد است

تیر زشست سپهر پیر مقوس هم بشود زود و در کمان بنماند

تیه (تن) بیابانی که موسی و بنی اسرائیل در آن راه گم کردند و سرگردان شدند و چهل سال در آن ماندند و خدای تعالی بر ایشان من و سلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را بر آن زد، آب روان شد.

ببین که کوکبهٔ عمر خضر وار گذشت
تو باز مانده چو موسی به تیه خوف و رجا «خاقانی»



ثرم (زحاف) (ع) درفعولن مجموع قبض و ثلم است. عول می‌ماند بجای آن فعل می گذارند وآن را اثرم می‌خوانند.

ثریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین‌نام دارد وشش‌ستاره است مانند خوشهٔ‌انگور وبه این‌سبب درشعر فارسی آنرا «خوشهٔ پروین» می‌خوانند:

ثریا چون منیژه بر سر چاه — دوچشم‌من بدوچون‌چشم بیژن

«منوچهری»

وبه تازی آن را «نجم» نیز گویند

ثعالبی (ت) ابومنصور عبدالملک‌بن محمد ثعالبی نیشابوری. وفات ۴۲۹—ازنویسندگان ومورخان معروف ایرانی درقرن چهارم که آثار مهمی به زبان عربی دارد. مانند «یتیمة‌الدهر» و «تتمة‌الیتیمه» درشرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف. اثر معروف و مهم او «غرر اخبارملوك‌الفرس‌وسیرهم» می‌باشددرتاریخ ایران‌قدیم. همچنین کتاب «الاعجازوالایجاز» وکتاب «التمثیل والمحاضره»

ثلم (زحاف) (ع) درفعولن‌حذف فاءاست که می‌ماندعولن؛ بجای آن فع‌لن می گذارند؛ وآن‌را اثلم خوانند

ثمود (تن) نام‌قبیله‌ای ازفرزندان‌سام‌بن‌نوح که بت‌می‌پرستیدند و خداوند صالح را برایشان پیغمبرکرد. قوم ثمود از صالح معجزه خواستندکه ازمیان‌کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد، صالح به

فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است وبه او نگرویدند ، پس شتر بسرچشمهٔ ایشان رفت وهمهٔ آبها را خورد، ایشان شتر را کشتند . دراین هنگام صدای سهیبی ازآسمان برآمد وقوم ثمود از وحشت آن مردند .

این همان چشمهٔ خورشید جهان‌افروزاست
که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود
«سعدی»

ثور (نج) ازصورتهای دوازد گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه‌شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می‌باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا		چو مروارید گون بارصنوبر
«انوری»

ج

جام جم (ش - د) بنا برداستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همهٔ جهان را درآن‌می‌دید. بنابرروایت‌شاهنامه، کیکاوس برای آگاهی یافتن ازکاربیژن هنگام نوروز درآن نگریست وبیژن را دربن چاهی‌در توران زمین دیدورستم را به رهانیدن‌اوفرستاد.

سالها دل طلب جام جم ازما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه‌تمنامی کرد
«حافظ»

گفتم این جام‌جهان بین به‌تو کی دادحکیم
گفت آن روز که این گنبد مینامی کرد
«حافظ»

جام جم (ك) مثنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر منظوم اوحدی‌مراغه‌ای، شاعرقرن هشتم که آن را به تقلید حدیقهٔ سنائی‌سروده وبه‌نام سلطان ابوسعید بهادر ایلخانی ووزیر او خواجه‌غیاث‌الدین‌محمد ساخته است. (چاپ تهران)

جامع البیان فی تفسیر القرآن (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

جامع التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر و محقق ومورخ بزرگ دربار مغول که آن را درسال ۷۱۰ به دستور غازان‌خان وپسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب شامل سه جلد است. جلد اول درتاریخ مغول شامل دوفصل .جلد دوم درتاریخ عمومی‌عالم

شامل دو قسمت ، جلد سوم در بیان صور اقالیم ومسالک الممالک (این قسمت کتاب ازبین رفته است)

رشیدالدین فضل‌الله درتاریخ خود دقت بسیار بکاربرده است . تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه مقدمات جنگ و پیغامها وعلت شکست‌ها را شرح می دهد . چون مؤلف خود در دربار مقام مهمی داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است . مشاهدات و تجربیات و گفتگوها را بادقت مورد توجه قرار می‌دهد . مخصوصاً ازخانوادهٔ مغول اطلاعات گرانبهائی بدست می‌دهد که اسنادومدارک آن بوسیله غازان خان دراختیاراو گذاشته‌شده‌است وازینروجامع التواریخ رامی‌توان کتاب مهم ومعتبری دانست سرشار ازمدارک حقیقی ودرست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ك) تألیف ناصرخسرو قبادیانی نویسنده‌وشاعر بزرك اسمعیلی قرن پنجم . این کتاب‌شرحی‌است برقصیدهٔ خواجه‌ابوالهثیم جرجانی ازمعتقدان مذهب اسمعیلی . قصیده شامل هشتادوهشت‌بیت ومتضمن سؤالهائی‌است دربارهٔ مسائل دشواردینی وحقایق علمی‌واصول عقاید اسمعیلیه . ناصرخسرو بنابر خواهش عین الدوله ابوالمعالی علی‌بن الاسدالحارث امیر بدخشان‌این قصیده را درسال ٤٦٢ شرح کرده‌است. به این ترتیب که یکا یک بیتها را آورده وبه تفصیل به شرح‌وتفسیر آن پرداخته وکتابی مفصل ازآن ساخته است .

ناصرخسرو خود در مقدمهٔ کتاب می گوید که‌چون بنیاد کتاب برگشایش‌مشکلات دینی‌ومعضلات‌فلسفی‌بوده‌نام‌آن‌را «جامع الحکمتین» گذارده‌است . (چاپ تهران)

جامع عباسی (ك) کتابی دراحکام فقه تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ

صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی‌وبه نام این پادشاه تألیف کرده است . شیخ بهائی خود کتاب را به‌بیست باب‌تقسیم کرده ولی پس ازباب پنجم یعنی باب‌حج فوت کرده‌و کتاب ناتمام مانده است ونظام‌الدین ساوجی ازشاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته وبر کتاب افزوده است . این کتاب بارها در ایران به چاپ رسیده است .

جامی (ت) نورالدین‌عبدالرحمن‌جامی . وفات ۸۹۸ —از شاعران معروف قرن نهم ،پدروی نظام‌الدین دشتی‌منسوب به‌محلهٔ دشت‌اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است . عبدالرحمن ازدونظر جامی تخلص کرده است . یکی به مناسبت تولدش درولایت جام ودیگربه مناسب ارادتی که به‌شیخ‌الاسلام جامی داشته است . جامی ازخردسالی با پدربه هرات وسمرقند رفت ودرآن شهرها به کسب علم وادب پرداخت . پس به عالم عرفان وارد شد و پس ازکسب فیض ازاستادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زادهٔ رومی به مرتبهٔ ارشاد رسید ودرسلک رؤسای طریقهٔ نقشبندی که مؤسس آن بهاءالدین نقشبند بود ، درآمد .

جامی به مکه سفر کرد وپس‌اززیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد .

جامی را می‌توان ازآخرین شاعران متصوف ایران دانست . در فنون مختلف وعلوم دین وادب وتاریخ استاد بود و درشعر به سعدی و حافظ توجه داشت ، از نظامی نیز پیروی کرده وبه تقلید اوخمسه‌ای ساخته است . جامی دراشعار خود ابوالغازی سلطان حسین بایقراووزیر او امیرعلیشیر نوائی وسلطان ابوسعیدتیموری‌وجهانشاه قراقوینلووسلطان

محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است.

جامی به بسیاری آثار نظم ونثر معروف است. از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید وغزلیات ومراثی وترجیع بند ومثنویات ورباعیات است. جامی دیوان خود را برسه قسمت تقسیم کرده وآنها رافاتحة‌الشباب، واسطة‌العقد، خاتمة‌الحیات نام گذارده‌است.

دیگراز آثار او «هفت اورنگ» به‌تقلید خمسهٔ نظامی است شامل: سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفة‌الاحرار، سبحة‌الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی ومجنون، خردنامهٔ اسکندری.

ازآثار منثورجامی: نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح، لوامع، شواهدالنبوة، اشعة‌اللمعات. بهارستان می‌باشد. گذشته ازاینها، جامی رسالاتی در مسائل مختلف دارد مانند «مناسک حج» و «رساله تهلیلیه در علم دین ورساله در اخلاق صوفیان به‌نام «تحقیق مذهب صوفیان» و «رساله درعلم قوافی» و «رساله موسیقی» وتجنیس الخط» ومنشآت ومعمیات ودرصرف ونحو «فوایدالضیائیه» معروف به «شرح ملاجامی» ودرتاریخ «تاریخ صوفیان». اشعار وافکار جامی درخارج از ایران مانند هندوستان وعثمانی تأثیر بسیار داشته است.

جب (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف‌دوسبب یعنی عی ولن است که می‌ماند مفا؛ وبجای آن فعل می گذارند وآن را مجبوب گویند.

جبلی (ت) بدیع‌الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع غرجستانی جبلی وفات ۵۵۵ — از شاعران قرن ششم که درناحیهٔ غرجستان تولد یافت و دردربار بهرامشاه غزنوی وسلطان‌سنجر بسرمی‌برده وپیوسته مورداحترام آنها بوده‌است. عبدالواسع اشعاری درمدح این شاهان وهمچنین شاهان غوری وخوارزمی سروده است. چنانکه از اشعار او پیداست، درعلوم

زمان خاصه ادب وشعر مهارت داشته و کلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می‌سروده. عوفی او را «ذوالبلاغتین» نامیده و ملمعاتی ازاو نقل کرده است . اشعارش شامل قصیده وغزل وترجیع بند است . (دیوان عبدالواسع - چاپ تهران)

جبهه (نج) منزل دهم ازمنازل قمر که به معنی پیشانی شیر است ودارای چهار ستارهٔ روشن می‌باشد .

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن‌س کنند می‌ماند فعلاتن؛ پس ازآن فعلا را می‌اندازند، می‌شود : تن؛بجای آن فع‌می گذارندوآن را مجحوف خوانند .

جدع (زحاف)(ع)درمفعولاتُ حذف‌مف‌وعووسا کن کردن‌تاست که می‌شود لات ؛ و بجای آن فاع‌می گذارند ؛ وآن را مجدوع خوانند

جدی (نج) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل بزغاله . برج جدی برابر ماه دی است .

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته
«خاقانی»

جُدّی (نج) ستاره‌ای روشن بردب اصغر ونزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به‌چشم بیحرکت وثابت می‌نماید، برای یافتن‌قبله ازآن استفاده می‌کنند .

همی برگشت گردقطب جدی چوگرد با بزن مرغ مسمن
«منوچهری»

جرجانی (ت) ابوبکر عبدالقاهربن عبدالرحمن جرجانی.وفات ۴۷۱ یا ۴۷۴—عبدالقاهر جرجانی ازادیبان بزرگ واز استادان‌علم‌نحو

ومعانی وبیان . تألیفات مهمی دارد . از آنجمله کتاب «الجمل» معروف به «جرجانیه» در فقه و کتاب «المغنی» در شرح ایضاح ابوعلی فارسی «والمقتصد والعمده» درصرف و کتاب «دلائل الاعجاز» «واسرارالبلاغة» درمعانی وبیان .

جرجانی (ت) زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی . وفات ۵۳۱ — جرجانی از پزشکان معروف قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان. مدتی در خراسان وچندی درخوارزم درخدمت ابوالفتح قطب الدین محمدوپسرش آتسز بود . جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم وآثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همهٔ مباحث طب را مورد مطالعه قرار داده ومهمترین آثار طبی خود را به زبان فارسی نوشته است . از آثار مهم فارسی او «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» و کتاب «خفی علائی» و «یادگار» و «اغراض» است . کتاب «خفی علائی» تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله اتسز خوارزمشاه نوشته شده . کتاب «یادگار» دریک جلد درطب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و «اغراض» نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابومحمد آتسز تألیف شده است .

جرجانی (ت) میرسید شریف علی بن محمد الجرجانی وفات ۸۱۶ از عالمان مشهور قرن هشتم که درسال ۷۴۰ در شیراز متولد شد وبه خدمت شاه شجاع معرفی گردید وبه تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء پرداخت تیمور هنگام فتح شیراز او را باخود به ماوراءالنهر برد واو مدتها در مجلس تیمور باسعدالدین تفتازانی به مباحثه می‌پرداخت . جرجانی پس ازمرگ تیمور به شیراز بازگشت وهمانجا وفات یافت .

بیشتر تألیفات میرسید شریف به زبان عربی است ازجمله حاشیه‌ای بر «مطول» کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است ودیگر کتاب «التعریفات»

در ذکر اصطلاحات صوفیه ۰ از آثار فارسی میرسید شریف یکی رسالهٔ معروفی است درصرف ونحوعربی موسوم به «صرف‌میر» دیگررساله‌ای در منطق به نام «الکبری‌فی‌المنطق» سوم رساله‌ای است به نام «رسالة الوجود» (رسالةالوجود— چاپ تهران)

جریرطبری (ت) رجوع شود به طبری

جسم (ط) جوهری که در اوسه بعدباشد یعنی‌دارای درازاوپهنا وستبری (یاطول وعرض وضخامت) باشد .

جم (ش — د) رجوع شود به‌جمشید .

گفتم ای مسندجم جام جهان‌بینت کو
گفت افسوس که‌آن دولت بیداربخفت

«حافظ»

جمال‌الدین اصفهانی (ت) جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی وفات ۵۸۸ه-از شاعران قرن ششم .مولدش اصفهان بوده‌وبیشتر عمر خودرا درآنجا گذرانده است وبه‌آذربایجان‌نیز رفته‌وبانظامی گنجوی ملاقات کرده است .جمال‌الدین بیشترشاهان سلجوقی‌را مانند ارسلان‌بن طغرل وطغرل‌بن‌ارسلان ونصرةالدین‌جهان پهلوان و بعضی از سلوک آل باوندرا که‌درمازندران حکومت داشتند ودوخانوادهٔ آل‌خجند وآل‌صاعد را که ازخانواده‌های بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده‌است . دیوان جمال‌الدین شامل قصیده وغزل ومدح وحکمت ووعظ است . ازپیروان انوری وسیدحسن‌غزنوی ورشید وطواط می‌باشد وبا خاقانی ومجیروظهیر مشاعره داشته است . بیشترقصائدش بی تغزل بامدح شروع می‌شود ، کمتربه وصف طبیعت می‌پردازد،ولی غزلیاتش در ردیف اول غزلیات عصراوست . (دیوان‌جمال‌الدین - چاپ تهران)

جمشید (ش ــ د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس دوختن و کشتی رانی و پزشکی را به مردم آموخت، گوهر را استخراج کرد وتختی گوهرنشان ساخت، جشن نوروز را او برپا کرد و پس از این کارها خود بینی براو چیره شد تا ضحاك براو دست یافت و میانش را با اره به دونیم کرد.

صدر تو به پایه تخت جمشید خنگ تو به سایه رخش رستم

«انوری»

جنس (ط) از کلیات خمس. آن است که درجواب ما هو (چیست) واقع شود. مانند حیوان وقتی که بپرسیم. انسان یا گاو یا گوسفند یا اسب چیست ؟ درجواب گفته می‌شود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت مشترکه را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو و گوسفند واسب وانسان است .

جنیدی (ت) ابوعبدالله محمدبن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم. اورا درشمار شاعران دستگاه صاحب بن عباد ذکر کرده‌اند. ثعالبی دوبیت عربی و یک قطعه پارسی از اونقل کرده‌است.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات (ك) ازمعتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته ومؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکرهٔ لباب الالباب است که آن را درحدود سال ۶۳۰ و به نام نظام‌الملك قوام‌الدین محمدبن جنیدی وزیر شمس‌الدین التتمش تألیف کرده است. جوامع الحکایات مشتمل برحکایتهای ادبی واشعار وامثله است درچهار مجلد وهرمجلد دارای بیست‌وپنج باب. این کتاب ازلحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفادهٔ خود را ذکر می کند و اسنادی را نقل می کند که در کتابهای دیگر نیست وبهمین جهت‌مورد استفادهٔ بسیاری ازمؤلفان مانند حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده واسین

احمد رازی درهفت‌اقلیم ومنهاج سراج درطبقات ناصری‌قرار گرفته‌است.

سبک انشاء کتاب جزدیباچه که دارای نثر مصنوع است، به‌نثر ساده وروان می‌باشد ولی دارای ترکیبات عربی است.

جواهر الاسرار وظواهرالانوار (ك) کتابی‌درشرح مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی به قلم کمال‌الدین حسین‌بن‌حسین خوارزمی. قسمت عمدهٔ این کتاب‌مقدمه‌ای‌است شامل‌تاریخ واصطلاحات‌ومبادی‌صوفیه.

جودی (تن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان برآن‌قرار گرفت. (قرآن)

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد

برسدهٔ اوباش که جودی نجاتست

«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج‌وبه شکل دو پیکر ایستاده. برج جوزابرابر ماه خرداد می‌باشد.

جوزا صفت دوگانه هزارآفتاب زاد

هرگه که رفت‌همت او دربرسخاش

«خاقانی»

دوپیکربازچون‌دویاردرخواب به یکدیگر بپیچیده‌چودولاب

«فخرالدین‌اسعدگرگانی»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جبار است که از صورتهای جنوبی منطقة‌البروج‌است وآن صورت‌مردی‌است کمربسته وشمشیربردست گرفته و کمراورا «نطاق» گویند.

خورده‌ام تیر فلک باده‌بده‌تاسرمست

عقده دربند کمرترکش جوزا فکنم

«حافظ»

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم وسوگندمی خورم
«حافظ»

جوهر (ط) از مقولات عشر. موجودی که به‌خودی خود وجود داشته باشد . مانند سنگ ، درخت

جوهری (ت) اسمعیل بن حمادجوهری فارابی. وفات ۳۹۸- ازعالمان لغت است وبرای جمع‌آوری لغات ، مدتی درمیان قبایل‌عرب بسربرد . پس از آن به نیشابور رفت ودرآنجا به تدریس پرداخت . از آثار مشهور او«الصحاح فی‌اللغة»است که‌از کتابهای مهم لغت به شمار می‌رود .

جویا (ت) میرزاداراب بیک جویای تبریزی وفات ۱۱۱۸- از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم. مولدش درکشمیر و از معاصران اورنگ زیب است . جویا رابعد از غنی از استادان مسلم‌شعر فارسی درهند می‌دانند . وی درغزل پیروصائب است . کلیاتش‌شامل قصیده ومثنوی وقطعه وغزل است .

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب چاپ شده است .

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم‌بن محمد البخاری الجویباری از شاعران دورهٔ سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است .

جوینی (ت) علاءالدین عطاملک‌بن بهاءالدین جوینی‌وفات ۶۸۱- از تاریخ نویسان معروف ایرانی دردورهٔ مغول پسر بهاءالدین و برادر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان جوینی که از خاندانهای معروف ومتنفذ زمان مغول بوده است. علاءالدین مدت بیست وچهار سال دربغداد

حکومت کرد ولی او وبرادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملک یزدی وزیرآباقاخان‌شدندوبنا به دستورآباقاخان، علاءالدین دربغداد توقیف وگرفتار شکنجه گشت وسرانجام درسال ۶۸۱ وفات یافت . اثر مهم او تاریخ جهانگشاست .

جهانگشای جوینی (ك) رجوع شود به تاریخ جهانگشا

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دورهٔ سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان بن محمدنصیراسترآبادی منشی نادرشاه‌است که درسفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت اورا تا زمان مرگ یعنی تا سال ۱۱۶۰ شرح داده است.

(چاپ تهران)

چ

چاه بیژن (ش ـ د) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب درآن افکنده شد منیژه دختر افراسیاب ومعشوق بیژن هر روز نانی ازگدائی به‌دست می‌آورد و ازبالای چاه‌برای‌اوسی‌انداخت.

شبی چون چاه بیژن تنگ وتاریک
چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر سر چاه
دو چشم من بدون چون چشم‌بیژن

«فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی که برادران یوسف او را درآن افکندند

ببین که سیب زنخدان توچه می گوید
هزار یوسف مصری فتاده درچه‌ماست

«حافظ»

چرخ‌اثیر (نج) رجوع شود به اثیر

شهاب کلک توبادیو دولت تو به سیر
همان کند که به‌دیوان‌شهاب چرخ اثیر

«انوری»

چشمهٔ حیوان (تن) رجوع شود به آب حیات

زهرسفرنوش کن‌اول چوخضر پس برو وچشمهٔ حیوان‌طلب

«خاقانی»

چشمهٔ خضر (تن) رجوع شود به آب حیات

زبان درآن دهن پاك گوئیا که مگر

میان چشمهٔ خضر است ماهئی گویا

«خاقانی»

چگل نام شهری است در ترکستان که درشعرفارسی مردم آن به زیبائی مثل شده‌اند

صفای خلوت خاطر ازآن شمع چگل جویم

فروغ چشم ونوردل ازآن ماه ختن دارم

«حافظ»

چهار ارکان (نج) یا چار ارکان عبارت است ازآب وخاك وباد وآتش

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر

زمانه‌مثل تو از امتزاج چار ارکان

«انوری»

چهار امهات (نج) کنایه ازچهارعنصر (آب وخاك وباد وآتش)

به‌صد قران بنزاید یکی نتیجه چوتو

ز امتزاج چهار امهات و هفت آبا

«خاقانی»

چهارمقالهٔعروضی (ك) یامجمع النوادر، کتابی به زبان فارسی ، تألیف احمدبن علی‌النظامی العروضی سمرقندی که آن را درسال ۵۵۱ به‌نام ابوالحسن حسام‌الدین‌علی شاهزادهٔ غوری تألیف کرده است .

کتاب چهار مقاله پس از مقدمه‌ای درحکمت وطبیعیات به‌چهار مقاله تقسیم می‌شود: درماهیت علم دبیری و کیفیت‌دبیر کامل ، ماهیت

علم شعر وصلاحیت شاعر ، ماهیت علم نجوم وغزارت منجم ، ماهیت علم طب .

نظامی عروضی کتابش را به کیفیات وعواملی مخصوص کرده است که به درباربستگی دارد ودراین کتاب تأثیر علوم و فنون را در ادارهٔ کشور ولیاقت درباریان ونفوذ ایشان را درشاهان شرح می دهد وطبقهٔ خواص را به چهار طبقهٔ دبیر ، شاعر ، منجم ، طبیب ، تقسیم می کند . مؤلف مطالب کتاب راباشواهد تاریخی می آمیزد ودرضمن توضیح مقالات نام بسیاری از کتابها را می برد واشعار ونوشتهٔ شاعران ونویسندگان را ذکر می کند .

نظامی عروضی درحکایات گاهی خود شاهد واقعه بوده وسرگذشت اشخاص را چنانکه از خود آنها شنیده است نقل می کند و گاهی هم از اشخاصی که خود ناظر وقایع بوده اند . کتاب چهار مقاله اهمیت تاریخی وجغرافیائی دارد . سبک انشاء آن بسیار موجز وسلیس است ویکی از آثار برگزیدهٔ نثر فارسی به شمار می رود .

(چاپ تهران)

ح

حاج ملاهادی سبزواری (ت) رجوع شود به سبزواری

حافظ ابرو (ت) شهاب‌الدین عبدالله‌بن لطف‌الله‌بن عبدالرشید الخوافی. وفات ۸۳۴ - از مورخان بزرك دورهٔ تیمور که به‌قولی در هرات وبه‌قولی در خواف متولد شده ولی در همدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیرتیمور ودرجنگها ملتزم رکاب او بوده است وبعدازمرگ تیموربه خدمت خود در دربار شاهرخ وبعد بایسنقر ادامه داد. آثاری درتاریخ وجغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام «زبدة التواریخ» به امر بایسنقردرسال ۸۲۹ تألیف کرده است ولی مجموع چهار جلدتاریخ اورا «مجمع التواریخ سلطانی» خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) وعربی آشنابوده وشعرهم می‌سروده‌است وکتابهای تاریخ وجغرافیای او، چون بیشتر مربوط به‌وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یامربوط به سفرها وسیاحتهای شخصی او بوده است، سند اصلی تاریخ نویسانی چون میرخواند وخواندمیر قرارگرفته‌است.

حافظ شیرازی (ت) شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین معروف به لسان‌الغیب. وفات ۷۹۱ - شمس‌الدین محمدحافظ بزرگترین غزلسرای ایران که در اوایل قرن هشتم درشیراز متولد شد وهمانجا به تحصیل علوم وکمالات پرداخت ودرمجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضورمی‌یافت وبه مطالعهٔ قوانین ادب ودیوانهای شاعران عرب می‌پرداخت

وچون قرآن را از برداشت ، حافظ تخلص کرد . پدر حافظ بهاءالدین درعصر اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد وحافظ درزمان جوانی به خدمت دیوانی در دربار شاهان اینجو و آل مظفر درآمد . مخصوصاً حافظ درنزد ابو اسحق اینجو که حکومت فارس را داشت ، تقرب بسیار یافت واو را مدح کرد تا دولت ابواسحاق به دست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد . حافظ از شاهان آل مظفر ، امیر مبارزالدین وشاه شجاع و شاه‌یحیی وشاه‌منصور را درغزلهای خود یاد کرده است . حافظ همهٔ عمر را درشیراز گذرانده و سفرهای کوتاهی به اصفهان و یزد کرده‌است . یکبار نیز ازطرف محمودشاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد ، ولی به علت‌طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت . وفات حافظ درسال ۷۹۱ درشیراز اتفاق افتاد .

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات‌ومثنوی ساقی‌نامه وچند قصیده است . این‌سخنور بزرگ‌با آنکه درزمانی پرفتنه وآشوب زندگی‌می کرد در اشعارش متانت‌وبردباری آشکار است وهرگز درمدح غلونکرده‌است. حافظ از روح عرفان بهرهٔ کامل داشته و مضامین عاشقانه را بامعانی عرفانی آمیخته واین شیوه را به درجهٔ کمال رسانده است .

دیوان حافظ بیش ازهمهٔ آثار غزلسرایان دیگر نزد فارسی‌زبانان شهرت ورواج دارد وازاین جهت خواجه حافظ شیرازی محبوبترین‌شاعر ایران شمرده می‌شود .

دیوان حافظ چندین بار درایران به چاپ رسیده است

حالنامه (ك) رجوع شود به گوی وچوگان

الحاوی (ك) تألیف‌دانشمند وطبیب‌عالیقدر ایرانی ابوبکرمحمد زکریای رازی . این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می‌رفته

ودرعلم طب حکم دائرة‌المعارفی را داشته است . درسی جزو نوشته شده ونسخهٔ ترجمه شده به لاتین به ۲۰ جزو می‌رسد ولی از متن عربی آن درحدود نصف باقی است . شاگردان رازی پس از او این کتاب راازروی یادداشتهای استادخود مرتب کرده‌اند . کتاب‌شامل انواع شعب وفنون مختلف علم طب است وهمچنین حاوی یادداشتهائی می‌باشد که مؤلف درمدت معالجه وعمل از تجارب شخصی گرد کرده است .

حبش ولایت زنگ یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره‌اند ودرشعر فارسی لشکر حبش یا خادم حبش کنایه از شب و لشکر روم یا خادم روم کنایه از روز است .

تاروزوشب دو خادم رومی وزنگی‌اند
هر یک‌به‌صدق عنبرجان‌درمیان اوست
خورشید روم پرور و ماه حبش نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست
«خاقانی»

حبیب‌السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که درآن وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسمعیل صفوی یعنی سال ۹۳۰ شرح داده‌شده است. این کتاب درسه جلد است ومؤلف آن‌غیاث‌الدین‌بن همام‌الدین معروف به خواندمیر است که آن رادرسال ۹۲۹ تألیف کرده است.
(چاپ‌تهران)

حجرالاسود (تن) سنگ کعبه

خال سیاه اوحجرالاسود است ازآنک
ماند به خال وزلف به خم حلقهٔ درش
«خاقانی»

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ك) کتابی درمباحث معانی وبیان وصنایع شعر از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشارهٔ اتسز خوارزمشاه درسال ۵۵۱ شروع کرد ودرزمان سلطنت ایل ارسلان به پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس ازمطالعهٔ کتاب «ترجمان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر وجامعتر درمحاسن نظم ونثر تألیف کند.

رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می‌پردازد و بعد شواهدی از فارسی وعربی ذکر می کند وازشاعرانی مانند معزی وعمعق وابوالفرج رونی ومسعودسعدسلمان وناصرخسرو اشعاری من باب مثال می آورد (چاپ تهران)

حدود العالم من المشرق الی المغرب (ك) از کتابهای معتبر جغرافیا که درسال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به «ابوالحرث محمدبن احمد فریغون» تقدیم شده است که از آل فریغون است که درگوزکانان اقامت داشتند وبه دست سلطان محمود غزنوی از میان رفتند. این کتاب در تقسیم شهرهاوبلاد ونواحی واقوام مختلف واحوال آنهاست وبسیار سودمند می باشد.

حدود قوافی (ق) حدود قوافی پنج است: متکاوس، متراکب، متدارك، متواتر، مترادف

۱ــ متکاوس. قافیه‌ای است که دارای چهار حرف متحرك ویك ساکن باشد. ودرشعر خوش آیند نیست.

گریارمن غم دلم بخوردی زین بهترك به‌حال من نگردی

۲ــ متراکب: قافیه ایست که دارای سه حرف متحرك ویك ساکن باشد

توهمچو صبحی ومن شمع خلوت سحرم
تبسمی کن وجان بین که چون همی‌سپرم
«حافظ»

۳– متدارك : قافیه‌ای است که دارای دوحرف متحرك و یک ساکن باشد .

به‌نام خداوند جان وخرد کزین برتراندیشه برنگذرد

٤– متواتر : قافیه‌ای است که دارای یک متحرك ویک ساکن باشد .

من آن روز را قدرنشناختم ندانستم اکنون که دریافتم

٥– مترادف: قافیه‌ای است که‌دارای دو حرف ساکن باشدمانند

زسم ستوران در آن پهن دشت

زمین شدشش وآسمان گشت هشت

حدیقة‌الحقیقة‌وشریعة‌الطریقه (ك) از مهمترین آثار حکیم سنائی شاعر معروف قرن ششم،شامل ده‌هزاربیت، که درسال ٥٢٥ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . درتوحید ذکر کلام باری، نعت نبی، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاك ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت وامثال ، صفت تصنیف کتاب . کتاب حدیقه سراسر شامل پندواندرز و مطالب عرفانی وبیان مقام دانش وعقل است ودرحقیقت سرمشق وراهنمای بزرگی‌است برای افراد و اجتماع . این کتاب ازنظر اهمیت موضوع در زمان‌حیات شاعر شهرت یافت وادیبان ومشایخ صوفیه به‌آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصرحکیم سنائی درکلیله‌ودمنه ازاشعار حدیقه بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است، بطوریکه خاقانی مثنوی تحفة‌العراقین ونظامی مخزن‌الاسرار را به سبک آن ساخته‌اند .

حدیقة‌الحقیقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف علن است که می‌ماندمستف بجای آن فع‌لن می گذارند ؛ وآن را احذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که یک یا دو حرف را درشعر بکارنبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد زگیتی برون ربیع چولشکر
لشکر دی ملک وی‌نمود مسخر

دهرزدم‌سردیش به‌خویش‌مشوش
مهر ز بیمهریش به میغ مستر

ودرآخر قصیده گوید :

گفته به مدحت قصیده‌ای والف‌نی
جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام ونون است که می‌ماند مفاعی وبجای آن فعولن می گذارند وآن را محذوف‌خوانند .

در فاعلاتن حذف نون وتاء است که می‌ماند فاعلا و بجای آن فاعلن می گذارند وآن‌را محذوف‌خوانند . درفاع لاتن‌مانندفاعلاتن‌است.

در فعولن حذف نون و لام است که می‌ماند فعو بجای آن فَعَل می گذارند وآن‌را محذوف خوانند .

حذو (ق) از حرکات قافیه . حرکت ما قبل ردف و قید مانند حرکت میم ودال‌در کلمه های مست ودست. اختلاف حذو جایزنیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات‌قافیه (ق) حرکات‌حروف قافیه‌شش‌است : رس،اشباع ، حذو ، توجیه ، مجری، نفاذ. حرفهای‌اول این شش کلمه را برای‌آنکه به یاد سپرده شود در کلمات «راحت من» جمع کرده‌اند .

(به این کلمات رجوع شود)

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل و مابعد حرف روی هریک به نامی خوانده می‌شود و تابع احکامی است که به تفصیل در کتابهای علم قافیه آمده است. این حروف جز حرف روی هشت حرف است. به این ترتیب: ردف، قید، تأسیس، دخیل، وصل، خروج، مزید، نایره. که چهار حرف: ردف وقید وتأسیس و دخیل پیش از روی قرار می گیرد وچهار حرف وصل وخروج ومزید ونایره بعد از روی. (به هریک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ت) شیخ محمدعلی محمدبن ابیطالب حزین لاهیجی. وفات ۱۱۸۰ — اجداد شیخ علی حزین در لاهیجان اقامت داشتند ولی او درسال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد و در دوران اغتشاش و هجوم افغانها براصفهان، خانوادهٔ خودرا از دست داد وخود پس از نجات ازبیماری سختی درسال ۱۱۳۰ ازاصفهان گریخت وپس از مدتها سرگردانی سفری به مکه کرد و از شهر های یمن، بغداد، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان، تهران دیدن کرد وبه اصفهان بازگشت ودرسال ۱۱۴۶ به هندوستان عزیمت نمود وبقیهٔ عمر را درآنجا گذراند.

ازآثار معروف او تذکرهٔ حزین است مشتمل برشرح حال صدنفر از شاعران معاصر او و «تاریخ حزین» که مربوط به سوانح عمر مؤلف است قبل از عزیمت به هندوستان و «مدة العمر» که حوادث زمان نویسنده وانقلاب اصفهان رانشان می‌دهد ومجموعهٔ اشعار وی.

حساب ابجد یکی از ترتیب های حروف الفبا آن است که مطابق حرفهای کلمات زیر باشد:

ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظغ

هریک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات ومآت است . حروف

ا ب ج د ه و ز ح ط ی (۱ تا ۱۰)

ك ل م ن س ع ف ص (۱۰ تا ۹۰)

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ (۱۰۰ تا ۱۰۰۰)

نوشتن اعداد به حروف ابجد به‌وسیلهٔ ترکیب این حروف حاصل می‌شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳٤۰ را می‌توان چنین نوشت : «غشم»

گاهی نیزعددمنظور ازحاصل جمع حروف متعدد به دست می‌آید: مانند عبارت «الخیرفی ماوقع» که ۱۱۶۰ یعنی تاریخ قتل نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر در گریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش آیند ومطبوع استعمال کند .

خلق گویند برودل به هوای دگری نه

نکنم خاصه درایام اتابک دو هوائی

«سعدی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعربرای مطلبی که‌آورده، دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع

چوب را آب فرو می‌نبرد حکمت چیست

شرمش آید زفرو بردن پروردهٔ خویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که مورد پسند خواننده واقع شود ، مانند این شعر امیرمعزی :

شاها ادبی کن فلک بد خورا کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به چوگانش زن ور اسب غلط کرد به‌من بخش اورا

حسن دهلوی (ت) رجوع شود به دهلوی

حسن غزنوی (ت) اشرف‌الدین ابومحمد حسن بن محمد حسینی غزنوی . وفات ۵۵۷ ـ ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر ومداح بهرامشاه غزنوی بوده ودرسفر هندوستان با اوهمراهی کرده است ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده وازغزنین به بغداد ومکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف غیاث‌الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است . سیدحسن غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلاجقه را مدح کرد وسپس به خراسان رفت ودربازگشت درقصبهٔ «آزادوار» ازولایت جوین وفات یافت .

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار بیت دارد وشامل قصائد وغزل وترجیعات درانواع موضوعها مانندمدح ورثاء ووعظ وتغزل است، کلامش ساده ومنسجم وخالی از ابهام است . (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر درابتدای شعر مطلب را طوری بپروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود والفاظ به گوش خوش آید .

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان
ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن ودل یادستور عشاق (ك) منظومه‌ای بالغ برپنجهزاربیت که مولانا یحیی سیبک نیشابوری معروف به‌فتاحی درسال ۸٤۰ آن‌راساخته است . خود شاعر نام این منظومه را «دستور عشاق» گذارده ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن ودل است به مثنوی «حسن ودل» معروف شده است . موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» باشاهزاده‌ای به‌نام «حسن» . شاعر دراین داستان همه‌نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته ودرپایان آن خضر با «دل» سخن می گوید .

سبک شعر در این منظومه متکلفانه ودارای صنایع بدیع واطناب واغراق است و شاعر یک بارهم آن را در رسالهٔ منثور کوچکی بنام «حسن ودل» تلخیص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است.

حشو (ب) کلامی است زائد درمیان جمله که از حیث معنی به آن احتیاج نباشد وبرسه قسم است: حشوقبیح، متوسط، ملیح.

حشو قبیح زشت است ودوری ازآن لازم می‌باشد. مانند رمدچشم وصداع سر دراین شعر

گر می‌نرسم به خدمتت معذورم

زیرا رمدچشم وصداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است مانند کلمات «ای ماهرو» دراین شعر

تو رودکی را ای ماهرو کنون بینی

بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ « ذکرش به خیرباد » دراین شعر

دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیرباد

گفتا شراب خورکه غم دل برد زیاد

حمدالله مستوفی (ت) ابی بکربن احمدبن نصرمستوفی قزوینی. وفات ۷۵۰ - از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته‌اند وجداعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است. حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول گشت وبرحسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین وزنجان وابهر گردید. حمداله مستوفی غالباً درمجالس رشیدالدین حضور می‌یافت ودر مباحث علمی وتاریخی

شرکت می کرد . از آثار معروفش «ظفرنامه» به‌نظم و «نزهة‌القلوب» و «تاریخ گزیده » است .

حمزهٔ اصفهانی (ت) ابوعبداله‌حمزة بن حسن اصفهانی . وفات در حدود ۳۵۰ - از مورخان بزرك و ادیبان قرن چهارم که‌دراصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته است . حمزه درعلم نحو وفقه نیز استاد بوده است . از آثار او کتاب معروف «تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء» کتاب «کبارالبشر» و «کتاب الامثال» و «کتاب التبنیه علی حدوث التصحیف» است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج ؛ به شکل بره است نیم خفته ، برج حمل برابر باماه فروردین است .

در بره مریخ گرز گاوافریدون به دست

وز مجره شب درفش کاویان انگیخته

«خاقانی»

زآتش غیرت خوان تو مقیم برفلك ثور وحمل بریان‌است

«انوری»

حنظلهٔ بادغیسی (ت) وفات درحدود ۲۲۰-از معروفترین شاعران دورهٔ طاهری‌است که‌درنیشابور دردورهٔ حکومت عبدالله بن طاهرمی زیست . اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

حوا (تن) دومین بشر مخلوق خدا وهمسر آدم که دربهشت می‌زیست وبه اغوای ابلیس گندم خورد واز بهشت رانده شد وبه‌جده فرو افتاد .

حدیث عشق اگر گوئی گناهست

گناه اول ز حوا بود و آدم

«سعدی»

حور (تن) حور جمع حوراء بمعنی زنان سیاه چشم بهشت . این کلمه که به‌صیغهٔ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی بمعنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود .

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم

«حافظ»

حورالعین (تن) رجوع شود به حور

باغ پیراسته گلزار بهشت — گلبن آراسته حورالعین است

«ابوالفرج رونی»

حوت (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسفند است .

بمانده ماهی از رفتن به ناکام — تو گفتی ماهی است افتاده در دام

« ازویس ورامین »

حیةالحوا (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقةالبروج است. به صورت ماری است که مار افسای او را به هر دو دست گرفته و مار سرو دم بلند کرده است .

الا که تا بود برین فلک روان — شجاع او و حیةالحوای او...

«منوچهری»

خ

خاتم‌سلیمان (تن) رجوع شود به انگشترسلیمان.

گرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

«حافظ»

خاقانی (ت) افضل‌الدین ابوبدیل بن‌علی خاقانی. وفات ۵۹۵- از سخن سرایان بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب داشته ولی‌بعد، به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهر بن فریدون شروانشاه، خاقانی تخلص یافت. پدرش علی نجار و مادرش کنیزک رو می‌بود که به‌دین اسلام درآمد. اولین بار تقرب‌خاقانی نزد شروانشاه به وسیلهٔ ابوالعلاء گنجوی انجام گرفت. وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیر اخستان درآمد. خاقانی پس از مدتی که دردربارشروانشاه زیست‌ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد، ولی شروانشاه به او اجازه نداد واین امر موجب دلتنگی خاقانی گشت. عاقبت به سفرمکه رفت ودرمراجعت هنگام ورود به اصفهان قصیده‌ای در وصف اصفهان‌ساخت خاقانی به دربار شروانشاه بازگشت ولی به علت سعایت حسودان به امر شاه به حبس افتاد. پس از آن درحدود سال ۵۶۹ باز به‌حج رفت. در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به عزلت روی آورد ودرتبریز اقامت کرد ودرهمانجا درگذشت.

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهربن فریدون شروانشاه وخاقان کبیر جلال‌الدین ابوالمظفر اخستان بن‌منوچهر وعلاءالدین اتسزبن محمد خوارزمشاه و نصرةالدین اسپهبد اعظم از فرمانروایان طبرستان وغیاث‌الدین محمدبن محمود بن محمدبن ملکشاه ورکن‌الدین ارسلان بن طغرل وسیف‌الدین اتابک‌منصور حکمران‌شماخی و مظفرالدین قزل ارسلان و علاء الدین تکش بن ایل ارسلان می باشند.

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکرواز استادان بزرک زمان واز قصیده سرایان درجهٔ اول‌ایران دانست که درشعر ابتکاراتی‌داشته است. از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند وطولانی است. اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی برلغات عربی واصطلاحات فلسفه و طب، گاهی ازسادگی بیرون می‌آید. قصایدش بیشتر به وصف طبیعت وبهار وخزان وصبح شروع می‌شود وجنبهٔ وصف در این قسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه دراشعار اواغلب زادهٔ احساس وقوهٔ تخیل خود اوست. غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می‌شود.

ازآثار خاقانی جزدیوان‌قصاید وغزلیات‌اومثنوی «تحفة العراقین» است. (دیوان خاقانی چاپ‌تهران)

خالد (ت) امیرفخرالدین تاج‌الافاضل خالدبن ربیع‌الملکی. وفات نیمه قرن ششم - ازشاعران‌خراسان وکاتبان مشهورقرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۵–۵۵۶) می‌زیسته وباانوری دوستی داشته است. خالدبن ربیع‌ازجملهٔ امیران وبقول خود او (مردلشکری)

بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را مدح گفته است .

خانقاه جایگاهی که سالگان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان ارشاد می کند ومتصوفه درآنجا به ریاضت وعبادت وتفکر می پردازند .

منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است
دعای پیرمغان ورد صبحگاه من است
«حافظ»

خبن (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که می‌ماند فعلاتن ؛ وآن را مخبون گویند .

در مستفعلن حذف سین است که می‌ماند متفعلن . بجای آن مفاعلن می گذارند. وآن را مخبون گویند. درسس تفع‌لن مانند خبن در مستفعلن است .

در مفعولاتُ حذف فاء است که می‌ماند معولاتُ . بجای آن مفاعیلُ می گذارند ؛ وآن را مخبون خوانند .

ختا ولایتی درتر کستان چین که مشک آن معروف بوده است .

ای گمشده آهوی ختائی هم زابخور ختات جویم
«خاقانی»

ختن ولایتی درتر کستان چین که آهوی مشکین ومشک آن معروف بوده است .

مژد گانی بده‌ای خلوتی نافه گشای
که زصحرای ختن آهوی مشکین آمد
«حافظ»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بروزن شاهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام وعلی‌بن‌ابیطالب سروده است .

خداینامه (ك) خداینامه که به‌زبان پهلوی به معنی شاهنامه‌است کتابی است که دردورهٔ ساسانیان درایران تألیف‌شده است. این کتاب را ابن المقفع درقرن دوم هجری به زبان عربی‌ترجمه کرده وآن‌را «سیرالملوك» نامیده‌است. نسخهٔ این کتاب اکنون دردست نیست .

خرب (ع) حذف‌میم ونون است درمفاعیلن؛ که می‌ماندفاعیلُ بجای آن‌مفعولُ می گذارند ؛ وآن را اخرب خوانند .

خردنامهٔ‌اسکندری (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را درحدود سال ۸۹۰ ساخته است . این کتاب‌به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی‌ساخته‌شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامهٔ فردوسی است . جامی در این مثنوی پس از خطبه در توحید ونعت پیغمبر وبیان معراج به اصل‌موضوع می‌پردازدواز نصایحی گفتگو می کند که به نام ارسطو وافلاطون وسقراط وفیثاغورث و حکمای دیگر به‌اسکندرداده‌شده‌است‌وهمچنین‌مکاتبات‌وسراسلات‌حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانهٔ بین اسکندر وکسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر وندبهٔ حکیمان بروی وتعزیت‌نامهٔ ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند .

هفت اورنگ (چاپ‌تهران)

خرقانی (ت) ابوالحسن خرقانی . وفات ٤۲٥ — از مشایخ بزرگ صوفیه . خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی‌مانند ابو علی سینا و شیخ ابوسعید ابی الخیر و ناصرخسرو بوده است . از

آثار او کتاب «نورالعلوم» است به زبان فارسی درمبانی عرفان .

خرقه لباسی که پیران و مرشدان خانقاه بر تن سالکان طریقت می‌پوشاندند ، و این کار هنگامی صورت می گرفت که سالک پس از ریاضت ومجاهدت‌بسیار شایستگی‌دخول درصف‌صوفیان‌را پیدا می کرد . خرقه پوشاندن باآداب خاصی انجام می گرفت و به صاحب آن مقام والائی می بخشید .

درخرقه زن آتش که خم‌ابروی ساقی
بر می‌شکند گوشهٔ محراب امامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف اول یعنی میم است که می‌ماند فاعیلن ؛ بجای‌آن مفعولن می گذارند ؛ وآن‌را اخرم‌خوانند.

خروج (ق) از حروف‌قافیه . آن‌است که‌حرف‌وصل به‌آن‌پیوندد:

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم
دیبا نتوان بافت از این پشم که‌رشتیم

«سعدی»

میم در کلمه های کشتیم ورشتیم خروج است .

خزانهٔ عامره (ك) تذکره‌ای به زبان‌فارسی‌تألیف‌میرغلامعلی‌آزاداز فاضلان هند (۱۲۰۲) که آن را در هندوستان تألیف کرده است . چنانکه مؤلف خود گوید در تنظیم این کتاب از لباب الالباب عوفی بسیار استفاده کرده است .

خسروانی (ت) ابوطاهرطیب‌بن‌محمد خسروانی ازشاعران‌عصر سامانی. اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

خسروپرویز (ش—ت) پسر هرمز ونوادهٔ انوشیروان که‌شورشیان پدرش را کور کردند وکشتند و اورا بر تخت نشاندند . خسرو ابتدا

به‌دفع بهرام چوبینه پرداخت وبرای این کار ازقیصر روم کمک خواست. قیصر دختر خود سریم را به او داد وبه او کمک کرد تا بهرام چوبینه را دفع کرد وپس ازآن به کشور داری پرداخت وتحت طاقدیس راساخت و ایوان مدائن را بنا کرد . داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی معروف است ومهمترین نمونهٔ آن، داستان منظومی است که نظامی گنجوی سروده است . در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان می‌شود وسالها از عشق او در سوزو گداز بسر می برد. شیرین به‌علت نجابت وپاکدامنی جزازراه ازدواج به اوتن در نمی‌دهد و سرانجام به همسری او در می‌آید . خسرو پرویز به وسیلهٔ شیرویه پسر خود که بنابرداستان نظامی عاشق شیرین بود، کشته می‌شود . در شعر فارسی پرویزوخسرو مثال شوکت و جلال است وبه داستان عشق او با شیرین بارها اشاره می‌شود :

خسروآن است که در صحبت او شیرین است

دربهشت است که همخوابهٔ حورالعین است

«سعدی»

سپهر برشده پرویز نی‌است خون افشان

که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسرووشیرین (ك) یکی ازمثنویهای خمسهٔ نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن رادرسال ۵۷۶ به‌نام اتابک شمس الدین محمدجهان پهلوان بن ایلدگز ساخته‌است. این مثنوی دارای شش هزار وپانصد بیت است وداستان عشقبازی خسروپرویز شاه ساسانی باشیرین شاهزادهٔ ارمنی می‌باشد. داستان خسرووشیرین ازداستانهای کهن ایرانی

است ودرشاهنامهٔفردوسی هم آمده است،اما درمنظومهٔ نظامی تفصیل و شاخ وبرگ بیشتری دارد.

خسروی سرخسی (ت) ابوبکر محمدبن علی خسروی سرخسی. وفات ۳۸۳-أزشاعران قرن چهارم ومداح شمس‌المعالی قابوس وصاحب بن‌عباد وامیر ناصرالدوله ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور.

خسروی به زبان فارسی‌وعربی شعر می گفته است وازاصطلاحات فلسفی که دراشعارش به کار برده پیداست که از علوم حکمی وفلسفی اطلاع داشته است. درلباب‌الالباب قطعه‌ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هرگاه‌ماه‌باخورشید مقابله کندخسوف‌واقع‌می‌شود. مقابله آن است که خورشید بریک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می گذرد و ماه برطرف دیگر آن قطر و زمین حایل میان ماه وخورشید گردد، دراینصورت خسوف ایجاد می‌شود:

مه نوی توبه‌ملک‌اندرازخسوف مترس
ازآنکه راه نباشد خسوف را به هلال

«انوری»

خضر (تن) از پیغمبران ومعاصر اسکندر ذوالقرنین که با او به طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمهٔ حیوان را یافت وازآن خورد وعمرجاودانی یافت.

شاه دریک حال هم خضر است وهم اسکندراست
کاینه دین کرد و شد با آب حیوان آشنا

«خاقانی»

خط وخطاطان (ك) تألیف میرزاحبیب اصفهانی که آن را در

اسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است . موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است .

خطیب تبریزی (ت) ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی . وفات ۵۰۲- ازعالمان ادب ولغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری . خطیب تبریزی چندی درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس می کرده است . درعروض وقوافی واعراب قرآن وشرح دیوانهای عرب تألیفات دارد . مهمترین اثر او «شرح حماسهٔ ابی تمام» «شرح دیوان متنبی» «شرح دیوان ابی العلاء معری» شرح «معلقات سبع» است .

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی وعربی اصلش دوبار «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است . درفارسی از این بحر وزن زیر بسیار رایج است خفیف مسدس مخبون محذوف (فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال :

صنما طاقت فراقم نیست جز به وصل تو اتفاقم نیست

خلاصة الاشعار وزبدة الافکار (ک) تذکره‌ای دراحوال شاعران تألیف تقی‌الدین محمد کاشی که در زمان شاه عباس اول تألیف یافته است . مؤلف کتاب را به ۱۲ اصل و هراصل را به دوفصل تقسیم کرده است . فصل اول درترجمهٔ شاعران معاصر مؤلف و فصل دوم شاعرانی که مؤلف آنان را ندیده است .

نثر کتاب مصنوع و پراز عبارت پردازی است اما از نظر اشتمال براشعار شاعرانی که نام بعضی از آنها درجای دیگر ذکر نشده است ، قابل استفاده می باشد .

خلاصة الحساب (ک) تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان دورهٔ صفویه .

این کتاب در اصول جبر وحساب وهندسه است که درعین اختصار بسیار سودمند است وجزو کتابهای درسی به شمار می‌رفته‌است .

خلد برین (ك) اثر شاعر قرن دهم وحشی بافقی که آن را به تقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است . این مثنوی شامل ۵۹۲ بیت ودارای شش روضه‌است حاوی پند واندرز وتمثیل های‌شیرین .

خلیل یا خلیل‌الله (تن) رجوع شود به ابراهیم

یارب این آتش که بر جان من است
سرد کن زانسان که کردی بر خلیل
«حافظ»

خلیل بن احمد البصری وفات درحدود ۱۷۰ — خلیل درسال ۱۰۰ هجری دربصره متولدشد ودرهمان شهر به کسب علم پرداخت درعلوم مختلف خاصه درعلوم ادبی تبحر یافت . خلیل از نحویان و لغویان بزرگ صدراسلام شمرده‌می‌شود .ایجادشکل یعنی‌علامتهای حرکات را به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت می‌دهند . ازآثارمهم او کتاب لغت عربی‌است که آن را برحسب‌مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظ را از مخرج حلق آغاز کرده وبه لب پایان داده است و چون دراین ترتیب حرف نخستین «عین» بوده ، کتاب لغت اوبه «کتاب العین» معروف شده است . دیگرازآثار مهم او علم عروض‌است که آن را خود ابداع کرده وپیش ازاودرزبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است .

«کتاب‌الایقاع» و«کتاب‌النغم» که هردو در علم موسیقی بوده است نیز به او منسوب است .

خواجوی کرمانی (ت) کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی

کرمانی. وفات ۷۵۳ - از شاعران بزرك قرن هفتم که در کرمان متولدشده وهمانجا کسب فضائل کرده وپس از چندی به سفر پرداخته است. وی درضمن سفر به ملاقات شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از بزرگان صوفیه نائل آمد وجزو مریدان او گشت.

خواجو سلطان ابوسعید بهادر ووزیر او غیاث الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است. مدتی درشیراز اقامت کرد وبافاضلان آن شهر از جمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابو اسحاق اینجو وشمس الدین محمود صاین وزیر او و تاج الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان رامدح کرده است. ازآثار خواجو دیوان غزلیات وقصاید اوست. دیگر مثنویهائی به سبک نظامی مانند همای وهمایون، گل ونوروز، روضة الانوار، کمال نامه، سام نامه، گوهرنامه. خواجو درغزل پیرو شیخ سعدی است.

خواجه عبدالله انصاری (ت) رجوع شود به عبدالله انصاری

خواجه نصیرالدین طوسی (ت) رجوع شود به نصیرالدین طوسی.

خواجه نظام الملك (ت) رجوع شود به نظام الملك.

خوان اخوان (ك) ازآثار منثور ناصرخسرو شاعر و نویسندهٔ قرن پنجم دربارهٔ مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) غیاث الدین بن همام الدین. وفات ۹۴۱ - نواده وشاگرد میر خواند که درزمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته و در تحت حمایت اوقرار گرفته است. از آثاراو یکی «خلاصة الاخبار» است که تلخیص از کتاب روضه الصفاست، دیگر کتاب «حبیب السیر» که در سال ۹۲۹ تألیف یافته است.

خور نق قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام پسر یزدگرد ساسانی ساخت.

از شارهٔ ملون و پیرایهٔ بزر آنجا یکی خورنق و اینجا یکی ارم

خون سیاووش یا خون سیاووشان (ش — د) گویند که چون به فرمان افراسیاب، سیاووش کشته شد، برزمینی که خون او ریخته شد، گیاهی روئید که به خون سیاووش یا خون سیاووشان معروف گشت این گیاه چون دارو به کار می‌رفته است.

شب چاه بیژن بسته سرمشرق گشاده زال زر
خون سیاووشان نگر برخاك و خارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) حکیم ابوالفتح عمربن ابراهیم الخیام نیشابوری. وفات ۵۱۷-از دانشمندان وریاضی‌دانان وشاعران بزرگ ایران دراواخر قرن‌پنجم واوائل قرن‌ششم. خیام معاصرسلطان ملکشاه سلجوقی وخواجه نظام‌الملک وازجملهٔ کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح تقویم ایران‌پرداخت‌وایام‌سال رابه‌وضع ثابت درآورد. خیام علاوه برنجوم در پزشکی‌وحکمت‌استادبوده‌ودرریاضی وفلسفه آثاری‌دارد. در زمان‌حیاتش بیشتر به حکیم معروف‌بودتا شاعر. آثارخیام به‌زبان‌فارسی‌وعربی است.

ازجملهٔ رساله‌های اوبه‌زبان عربی رساله‌هائی است درطبیعیات، معراج، رسالهٔ جبرومقابله، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم، رساله‌ای درحل یک مسئله‌جبری که درآن ازبیست‌ویک قسم معادلات جبری نام برده است. دربارهٔ جنبه ریاضی وعلمی حکیم عمرخیام به کتاب «حکیم عمرخیام به‌عنوان عالم جبر» تألیف «دکتر غلامحسین مصاحب» رجوع شود.

ازآثار فارسی خیام یکی ترجمه «رسالهٔ خطبة‌الغراء» ابوعلی سیناست به‌فارسی . دیگر «نوروزنامه» ورساله‌ای درعلم کلیات «یا رسالهٔ وجودیه» که خیام آن را برای فخرالملک‌بن نظام‌الملک نوشته است . از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر وشاعری نبوده بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است ، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به‌اغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده‌است . خیام افکار فلسفی ونظرهای حکیمانه خودرا با عبارات‌ساده درقالب رباعی که موجزترین نوع شعراست، گنجانده است .

قالب رباعیات خیام ومضامین آنهامورد تقلید بسیاری ازشاعران بعداز او قرار گرفته‌است. دیوان خیام چندین بار به‌چاپ رسیده‌است .

خیفاء (ب) آن است که درشعر یا عبارت یک کلمه منقوط‌ویک کلمه بی نقطه باشد .

زین عالم‌شد اوببخشش ومال　　　تیغ او زینت ممالک شد

د

دارا (ش — د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باژخواست. اسکندر که به روایت شاهنامه پسر دیگر داراب بود به او جواب سخت داد و بر اثر آن جنگ درگرفت. در این جنگ ایرانیان شکست خوردند و دو تن از سرداران دارا که وضع اوراد گرگون دیدند، شبانه دشنه بر سینهٔ او زدند. چون خبر به اسکندر رسید، بربالین دارا آمد وزاری کرد و بر او فاش کرد که برادراوست. دارا پس از آنکه اسکندر را به دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بربالین دارا از قسمتهای بسیار مؤثر شاهنامهٔ فردوسی است، ودراسکندرنامهٔ نظامی نیز مجلس وصیت دارا هنگامی که اسکندر سراورا برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است.

داراب (ش — د) پسر بهمن که مادرش برای آنکه تاج و تخت را از دست ندهد، اورا با جواهر بسیار درصندوقی گذاشت و به آب انداخت. گازری صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام کودک را داراب گذاشت. داراب بزرگ و نیرومند گشت و فرهنگ و سواری آموخت ولی چون نسبت به پدر و مادر گازر پیشه مهری احساس نمی کرد، ازنژاد خود پرسید و چون راز را دانست، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد. اتفاقاً رومیان به آن مرز آمدند و مرزبان را کشتند و جنگ آغاز کردند، هما ملکهٔ ایران شخصی را به نام «رشنواد» با لشکری به

جنگ روم فرستاد، داراب درآن جنگ رشادتها کرد ومورد توجه «رشنواد» قرار گرفت وچون از نژاد او آگاه شد ، نامه‌ای به همانوشت ودارا را به درگاه فرستاد . هما که پسر را چنان دید ، ازگذشته پوزش خواست وبزرگان را جمع کرد واورا برتخت شاهی نشاند . داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت . اما چون دهانش بوی ناخوش داشت ، ازاوسیر شد واو را نزد پدر فرستاد، دختر بارداشت وپسری زائید به نام اسکندر که قیصر اورا پسر خود خواند .

داراب نامه (ك) ازداستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است . ازآنجمله روایتی است که به‌قلم مولانا شیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی درسال ۸۸۷ کتابت شده است . داستان داراب‌نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب وپسرش فیروزشاه، داراب‌نامه ازروی نسخه‌ای که درکتابخانهٔ «روان» ترکیه بوده است بوسیله آقای دکترذبیح الله صفا استاد دانشگاه تصحیح ومنتشر گردیده است .

دارالسلام (تن) اشاره به بهشت .

درعیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
«حافظ»

دامادشعیب (تن) حضرت موسی که دخترشعیب را به زنی گرفت

دانشنامهٔ علائی (ك) یادانشنامهٔ علائیه یا حکمت علائی کتابی به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا . این کتاب به خواهش علاءالدوله کاکویه نوشته شده وشامل منطق و الهیات و طبیعیات است

دانشنامهٔ علائی مشتمل بربسیاری ازاصطلاحات فلسفی و منطقی به‌فارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران ویازدهم پشت یعقوب که آوازی خوش داشت وهنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی «زبور» را می‌خواند، مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس
منطق الطیر از خوش آوائی فرست
«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) ازدوایراوزان فارسی و عربی. بحرهای متقارب سالم ومتدارك سالم ازآن‌استخراج می‌شود .

دایرهٔ مجتلبه . (ع) از دوایر اوزان عربی وفارسی . شامل سه بحر است که درفارسی مثمن ودرعربی غالباً مسدس است :

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
رجز سالم = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

دایرهٔ مجتلبهٔ زایدهٔ مزاحفه (ع) ازدوایراوزان فارسی . شامل چهار مفاعیلُ (بحرهزج مثمن مکفوف) یا چهاربار مفتعلن (بحررجزمثمن مطوی) یا چهار بار فعلاتن (بحررمل مثمن مخبون)

دایرهٔ مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب . شامل‌سه بحراست:

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن
مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
بسیط = مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن

دایرهٔمشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر:

منسرح = مستفعلن مفعولات مستفعلن

خفیف = فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن

مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن

مقتضب = مفعولاتُ مستفعلن مستفعلن

سریع = مستفعلن مستفعلن مفعولات

مجتث = مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن

دایرهٔمشتبههٔزایده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام برطبق معیارالاشعار خواجه نصیرطوسی است وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ مختلفه» خوانده‌است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلات ۲ بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلات ۲ بار)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن ۲ بار)

دایرهٔمشتبههٔ مزاحفه (ع) ازدوایر اوزان‌فارسی. این نام‌را خواجه نصیرطوسی درمعیارالاشعار به‌این دایره داده وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ منتزعه» خوانده است، شامل بحرسریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات)؛ بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن)؛ بحرقریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعلاتن مفاعلن فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن فعلاتن)

دایرهٔمؤتلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:

وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب‌اصغر (نج) از صورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس

کوچک. جملهٔ ستارگان خرس کوچک‌را «بنات‌النعش خرد» گویند

دب اکبر (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقةالبروج قرارگرفته وبه شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده.

دبران (نج) منزل چهارم از منازل قمر وستاره‌ای است درشت وروشن وسرخ که به تازی آن را «تابع‌النجم» گویند که در پشت«ثریا» است.

گرثورچوعقرب نشدی ناقص وبی‌چشم
بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف تأسیس وحرف‌روی‌قرار گیردمانندصاد درکلمهٔ قاصر و ه درکلمهٔ‌ماهر. تکرارحرف دخیل لازم‌نیست واگرمراعات شود ازمحسنات شعرمحسوب می‌شود. مثال ازسعدی:

چشم بدت دور ای بدیع شمایل
ماه من و شمع جمع ومیر قبایل

مثال عدم مراعات ازحافظ:

دارای جهان نصرت دین خسرکامل
یحیی‌بن مظفر ملک عالم عادل

درةالتاج‌لغرةالدباج (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب الدین‌محمودبن مسعودبن المصلح الشیرازی معروف‌به علامهٔ‌شیرازی. مؤلف آن‌را بنابه خواهش امیردباج فرمانروای گیلان وبه نام او درسال ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درةالتاج دارای چندبخش است درمنطق وریاضی وفلسفه ودرحکمت نظری وعملی شامل دوازده رشته از علوم.

بخش اول درة التاج به کوشش وتصحیح آقای محمد مشکوة در سال ۱۳۲۰ به طبع رسیده وشامل یک فاتحه و ۵ جمله ویک خاتمه است درمنطق وفلسفه اولی وعلم الاسفل (علم طبیعی) وعلم الاوسط (علم ریاضی) وعلم الاعلی (علم الهی) . این کتاب از گنجینه های گرانبهای زبان فارسی ومشتمل برهمهٔ فنون متداول عصر است و از هرجهت به کتاب الشفاء ابن سینا شبیه است .

بخش دوم به کوشش سید حسن مشکان طبسی چاپ شده است.

درفش کاویان (ش — د) علمی که کاوهٔ آهنگر از چرم پاره‌ای برسرچوبی ساخت ومردم را بر ضحاك شورانید. ازآن پس این چرم پاره که به گوهر های گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد وتا پایان کارساسانیان همچنان درفش رسمی ایران رادرفش کاویان می‌خواندند

درهٔ نادره (ك) تألیف میرزا مهدی خان بن محمد نصیراسترآبادی منشی دربار نادر است . نثرآن بسیارپیچیده ونامرغوب است.

دستورعشاق (ك) رجوع شود به حسن ودل

دستور الکاتب فی تعیین المراتب (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف شمس نخجوانی معروف به شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی . این کتاب شامل مکتوبهای شاهان وامیران وعالمان وحکیمان همچنین حاوی احکام دیوانی وتفویض اعمال به امیران مغول ووزیران است دستورالکاتب دراوایل سلطنت سلطان شیخ اویس بن حسن ایلکانی تألیف شده است .

دقیقی (ت) ابومنصور محمدبن احمد دقیقی بلخی وفات ۳۶۰ تا ۳۷۰ — ازبزرگترین شاعران قرن چهارم ومعاصر سامانیان . بعضی او را بلخی وبعضی طوسی گفته‌اند، ابتداد ردربار چغانیان که درماوراءالنهر سکونت داشتند ، می زیست ، وامیرابوسعید مظفر وابونصربن علی چغانی

وامیرفخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصوربن نوح سامانی را مدح گفته است . دقیقی به نظم شاهنامه پرداخت ، ولی نتوانست آن را به پایان رساند وبه دست غلام خود کشته شد . این قسمت از شاهنامهٔ دقیقی به «گشتاسب نامه» معروف است ومربوط به ظهور زرتشت وجنگ بین گشتاسب وارجاسب است وفردوسی عیناً آن را درشاهنامهٔ خودآورده است .

ازدقیقی جز گشتاسب نامه قصاید معدود وغزلها و ابیات پراکنده درتذکره‌ها و کتابهای تاریخی باقی است .

دلو (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج وبه شکل دلوآب کشی . برج دلو برابرماه بهمن است .

فتاده آبکش را دلو درچاه بمانده آبکش خیره چو گمراه

«ازویس ورامین»

دماوند کوه معروف درشمال شرقی تهران، درشاهنامه آمده‌است که فریدون ضحاك را در آن کوه حبس کرد .

دم عیسی (تن) نفس عیسی که مرده را زنده می کرد

هرنسیمی که به من بوی خراسان آرد

چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

«سیدحسن غزنوی»

دمیتةالقصر وعصرةاهل العصر (ك) کتاب مشهوری در ذکر احوال نویسندگان وشاعران عربی زبان ، تألیف علی بن الحسن باخرزی این کتاب درواقع ذیلی است بریتیمة‌الدهرثعالبی

دنبلی (ت) «عبدالرزاق بیگ دنبلی . وفات ۱۲۴۳ — ازطایفهٔ دنبلی ساکن خوی که درسال ۱۱۷۶ درخوی متولد شده است . دنبلی به شیراز

رفت ودرمحافل علم وادب رفت‌وآمد کرد وبسبب استعدادفطری‌مردی ادیب ودانشمند گردید. دنبلی‌تافوت کریم‌خان‌زند درشیرازماند وپس از او به اصفهان آمد وبه خدمت فتحعلی‌شاه رسید ودردربار او تقرب حاصل کرد وتاریخ قاجاریه ومأثر خاقانی را نوشت ودره ۱۲۱ به‌عتبات رفت ودرسال ۱۲۴۳ وفات یافت.

از آثاردیگرعبدالرزاق بیک «مآثر سلطانی» و«حدایق الجنان» است درشرح حال‌عالمان وفاضلان معاصرخود که یکبار درآن تجدید نظر کرده ونامش را «تجربةالاحراروتسلیةالابرار» گذاشته است. ودنبلی درسبک این کتاب به شیوهٔ تاریخ وصاف وگلستان سعدی نظر داشته ومانندآنها نثرفنی به کار برده است. عبدالرزاق شعرنیز می‌سروده و«مفتون» تخلص می کرده است.

دوانی(ت) وفات ۹۰۸- جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی‌اهل قریهٔ دوان درحوالی کازرون فارس. وی مرد ادیب وحکیم وعارف بوده وپدرش درکازرون‌شغل قضاداشته‌است. ازآثاراوبه‌فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به‌نام امیرحسن بیک ترکمان وپسرش سطان خلیل‌بایندر درنیمهٔ دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر آثار مولانا جلال‌الدین به زبان عربی است مانند «رسالهٔ اثبات واجب قدیم» و «رسالهٔ اثبات واجب‌جدید» و« رسالهٔ‌انموذج العلوم» و«حواشی‌تهذیب المنطق» و«شرح هیاکل النورسهروردی» وچند کتاب دیگر

ملاجلال دوانی شاعر نیز بوده و«فانی» تخلص می کرده است

دوایراوزان عرب: (ع) خلیل‌بن احمد واضع علم عروض اوزان اصلی شعرعربی‌را درپنج دایره قرار داده است ازاین قرار: دایرهٔ مختلفه - دایرهٔ مؤتلفه - دایرهٔ مجتلبه — دایرهٔ‌مشتبهه — دایرهٔ متفقه

(به هریک ازاین دایره‌ها رجوع شود)

دوایراوزان فارسی (ع)دوایراوزان فارسی‌پنج‌است ازاین‌قرار: دایرهٔ متفقه ـ دایرهٔ مجتلبه ـ دایرهٔمجتلبهٔ زائدهٔ مزاحفه ـ دایرهٔ مزاحفه ـ دایرهٔ مشبههٔ زایده.

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو بیتی (ب)مانند رباعی‌است امابه‌وزن معینی‌اختصاص ندارد. دوبیتی‌های باباطاهر که بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن‌فعولن» است شهرت بسیار دارد.

نسیمی کزبن آن کاکل آیو — مراخوشتر ز بوی سنبل آیو
چوشب گیرم‌خیالت‌رادرآغوش — سحر از بسترم بوی گل آیو

دولتشاه‌سمرقندی (ت)امیر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی. وفات ۹۰۰- از بزرگان ورجال دورهٔ تیموری. پدرش ازمقربان دربار شاهرخ بوده است وخود دولتشاه درهرات از درباریان ابوالغازی‌سلطان حسین وامیرعلیشیر نوائی ومعاصر جامی است و نام این سه نفر را در تذکرهٔ خود آورده است.

دهلوی خواجه حسن شیخ نجم‌الدین بن‌علی سنجری دهلوی. وفات ۷۷۷ — از شاعران فارسی زبان هندوستان واز عارفان معروف‌قرن هشتم. خواجه حسن دهلوی معاصر ومورد توجه امیر خسرو دهلوی بود وبه‌دلالت او به‌خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاءرسید ودرسلک‌مریدان او درآمد. خواجه حسن دهلوی درغزل پیروسعدی است وخود نیزبه این امر اشاره می‌کند وازینرو اورا «سعدی هندوستان» می‌نامند.

دیوان امیرحسن (چاپ هند)

دهخدا (علی‌اکبر)(ت) وفات ۱۳۳۴ شمسی ـ پسرخانباباخان

از ملاکین متوسط قزوین که در تهران اقامت کرد . دهخدا درحدود سال ۱۲۹۷ قمری درتهران متولد شد . علوم معمول زمان مانند زبان عربی وعلوم دینی ومعانی وبیان وحکمت را نزد یکی از فاضلان به‌نام شیخ غلامحسین بروجردی آموخت وازمحضر حاج شیخ هادی نجم‌آبادی دانشمند معروف استفاده کرد . پس از اتمام تحصیلات درمدرسهٔ علوم سیاسی به‌اروپا سفر کرد وزبان فرانسه آموخت . مدتی هم دروین بسربرد. دهخدا درآغاز مشروطیت به‌تهران بازگشت وروزنامهٔ «صوراسرافیل» راباهمکاری میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسم‌خان شیرازی نشر کرد وقسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرندوپرند» وبا امضاء «دخو» بعهده گرفت . مدتی نمایندهٔ مجلس شوری وچند سال رئیس مدرسه حقوق وعلوم سیاسی بود . ازآن پس تا پایان عمر به مطالعه وتحقیق وتألیف پرداخت .

ازآثاردهخدا کتاب «امثال وحکم» درچهارجلداست که حاوی امثال سایرزبان فارسی است . دیگر حواشی بردیوان ناصرخسروودیوان منوچهری وترجمهٔ کتاب «روح القوانین» منتسکیو و«سرعظمت وانحطاط دولت روم» وفرهنگ فرانسه به فارسی وتصحیح دیوان مسعودسعد وفرخی . بزرگترین اثر و مهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است . دهخدا شعر نیز می گفت و پیرو سبک متقدمان بود . ترجیع بند معروفی در مرثیهٔ میرزاجهانگیرخان شیرازی معروف به صوراسرافیل دارد . (دیوان دهخدا – چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی.)

دینوری (ت) رجوع شود به ابو حنیفهٔ دینوری

دینوری (ت) رجوع شود به‌ابن قتبه‌دینوری

دیوان شمس تبریزی (ك) دیوان غزلیات مولانا جلال‌الدین

رومی معروف به مولوی که به دیوان شمس مشهور است . گرچه تخلص مولوی در این کتاب «خمش» یا «خاموش» بوده و غزلیاتی به‌نام صلاح الدین زرکوب یا حسام‌الدین چلپی دارد ، ولی به علت ارادتی که به شمس تبریزی داشت ، اغلب غزلها را به نام وی ختم کرده است . حتی نام «شمس تبریز» یا «شمس الحق تبریز» درمتن غزل نیز آمده‌است. از اینروست که دیوانش به نام شمس تبریزی معروف گردیده است . مولوی هرگز به شعر وشاعری تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی وجذبه وشوری را که در وجودش پدید آمده بود، به‌صورت شعر بیان می کرد خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور وجذبه است . مولوی هرگز نخواسته است ازفنون شعر وصنایع لفظی استفاده کند ویا به قافیه سازی بپردازد وهنگام سرودن شعر فقط به حال درونی خود توجه‌داشت نه به محسنات کلام . بهمین‌جهت اشعاری در دیوانش یافت می‌شود که حتی فاقد قافیه است ولی پرازلطایف معنوی است . (چاپ‌تهران)

ذ

ذخیرهٔخوارزمشاهی (ک) کتابی درطب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشک معروف قرن ششم که آن را درسال ٥٠٤ هجری به‌نام قطب‌الدین محمدبن انوشتکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است وجزء کتب مهم طبی به شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است وهرجلد دارای چند باب وفصل است و شامل مباحث طب وادویه وتشریح است . مؤلف در مقدمهٔ کتاب شرحی دربارهٔ خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از ترکیبات واصطلاحات طبی به‌فارسی به کار رفته است.ذخیرهٔ خوارزمشاهی بوسیلهٔ خود مولف به عربی ترجمه شده است .

ذم‌شبیه‌به‌مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت ، پس از کلمات استثناء مانند اما ولیکن صفتی را ایراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین وسخنشان درشت لیک

گاه عطاترش رو و در وعده کاذب‌اند

ذوبحرین (ب) آن‌است که شعر به دوبحر ازبحورعروضی‌خوانده شود . مانند این شعر:

ای بت سنگین‌دل سیمین قفا　　ای لب تورحمت وغمزه بلا

که باد ووزن خوانده می‌شود : ١— مفتعلن مفتعلن فاعلن

٢—فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی

صمصام شاه چون زهنر چاشنی دهد

زخمش برابر آید بازخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتین (ب) آن است که شاعر شعری شامل دوقافیه بگوید. مانند کلمه های آسمان و کمان و تخت وسخت در این شعر:

ای شاه زمین برآسمان داری تخت

سست است عدوتاتو کمان داری سخت

حمله سبک آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

ذوالقرنین (تن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران است و سد یأجوج ومأجوج را ساخت وبا خضر به طلب آب حیوان رفت ولی به آن دست نیافت. اسکندر که صورت دگرگون شدهٔ الکساندر است به روایت تاریخ نام شاه یونان پسرفیلیپوس است که سی وسه سال عمر کرد وسراسر ایران را تاهند تسخیر کرد.

کلمهٔ ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است ومفسران او را بااسکندر مقدونی تطبیق کرده اند. مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله ای دارد که درآن باذکر قرائن وادله ای اظهار نظر می کند که ذوالقرنین مذکور درقرآن کورش هخامنشی بوده است نه اسکندرمقدونی

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش

این هر دوقرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»

ر

رابعهٔ قزداری (ت) رابعه بنت کعب قزداری بلخی از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانیان و رودکی. رابعه دختر کعب قزداری از امیران عرب بوده است. دربارهٔ رابعه گفته شده است که عاشق بکتاش نام غلام پدرش گشت و به همین جهت به‌دست برادر کشته شد. عوفی اورا در نظم فارسی و تازی زبردست دانسته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است. داستان عشق رابعه با بکتاش در الهی‌نامهٔ عطار آمده است.

راحة‌الصدور و آیة‌السرور (ك) از کتابهای مهم اواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. تألیف نجم‌الدین ابوبکرمحمد راوندی که آن‌را در سال ۵۹۹ به‌نام کیخسروبن قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرد. مؤلف دراین کتاب پس از ذکر مقدمه وسبب تألیف کتاب به تاریخ سلجوقیان می‌پردازد و وقایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر شرح می‌دهد. همچنین سلاجقهٔ عراق ووقایع سلطنت ایشان‌را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می کند. درآخر کتاب فصولی درذکر آداب شطرنج و شراب و مسابقه، تیراندا‌ختن وشکار وامثال آن‌دارد. همچنین درضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکرمی کند. این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین کتابهای فارسی پیش ازمغول به شمار می‌آید.

رازی (ت) ابوبکر محمدبن زکریای رازی. وفات ۳۱۳ـ ازحکیمان

و طبیبان عالیقدر ایرانی. رازی در سال ۲۰۱ در ری متولد شد وتحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم وادب پرداخت ، پس از آن به علم کیمیا وطب توجه کرد و پس از شهرت درطب به خدمت ابوصالح منصوربن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف اوبه ریاست بیمارستانی، که در ری تأسیس شده بود، منصوب گشت. پس از آن به بغداد رفت ، درآنجا هم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند وبه ری بازگشت . وی دراواخر عمر به کوری مبتلا شد .

رازی آثار فراوانی درفلسفه وطب دارد ودرفلسفه مخالف عقاید ارسطو می باشد .

ازآثار فلسفی او : «القوانین الطبیعه فی الحکمة الفلسفیه» و«العلم الالهی» و «مقالة فی مابعدالطبیعة» و «القول فی القدماء الخمسه» و«القول فی الهیولی» و «القول فی الزمان والمکان» .

آثار طبی او نیز متعدد است وابوریحان متجاوز از ۵۶ کتاب طبی به رازی نسبت داده است .

مهمترین تالیفات طبی او کتاب «الحاوی» و«طب المنصوری» است

از کتابهای دیگر او کتاب «الشکوك» است که درآن برجالینوس ایراد کرده است. دیگر کتاب «من لا یحضره الطبیب» که به «طب الفقرا» مشهور است . زیرا که دراین کتاب دستورهای ساده برای علاج است بی حاجت به طبیب .

زکریای رازی درعلم کیمیانیزازبزرگترین استادان به شمار می رود وآثاری دراین علم دارد ودرنتیجهٔ تحقیقات فراوان موفق به کشف الکل «الکحل» وجوهر گوگرد یا «زیت الزاج» گشته است . ازجملهٔ کتابهائی

که دراین قسمت به رازی نسبت داده‌اند. کتاب «ملل المعادن» و «اثبات الصناعة» و «کتاب الاکسیر» و «کتاب الحجر» و «کتاب شرف الصناعة» وآثاردیگر است.

راوندی (ت) نجم الدین ابوبکرمحمد بن علی بن سلیمان الراوندی. از نویسندگان قرن ششم ومعاصر سلجوقیان که نزد خال خودتاج‌الدین احمد تربیت یافت وعلوم شرعی وادبی‌فرا گرفت وسی گویند هفتاد گونه خط آموخت وبه‌استنساخ مصاحف‌پرداخت ودرسال ۵۷۷ به استادی‌خط سلطان طغرل‌بن ارسلان انتخاب شد واز مقربان‌درگاه او گشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیای صغیررفت ودرخدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان درآمد و درسال ۵۹۹ کتاب «راحة‌الصدور» را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه کهکشان یاراه کاهکشان. (نج) مجره

از بس که‌دراین راه رز انگور کشانند
این‌راه رز ایدون‌چوره کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است ازچهار مصراع که اول‌ودوم وچهارم دارای قافیهٔ واحدباشد. بروزن لاحول ولاقوة‌الا بالله است. معنی رباعی اغلب در مصراع آخر کامل می‌شود.

رباعیات خیام بسیار معروف است.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین‌حرف معما نه‌تو خوانی ونه‌من
هست از پس‌پرده گفتگوی من وتو
چون پرده برافتد نه تومانی ونه‌من

ربع (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را صلم کنند . می‌ماند فاعل؛ پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند. و آن را مربوع خوانند .

ربنجنی (ت) ابو العباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در مرثیهٔ نصربن احمد سامانی‌نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است . ابیات پراکنده‌ای نیز از او در فرهنگها به عنوان شاهد ذکر شده است .

ربیعی بوشنجی (ت)صدرالدین خطیب متخلص به ربیعی بوشنجی ، مقتول ۷۰۲ - از شاعران‌معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که او را در اشعار خود مدح کرده وبعد به‌فرمان‌همین شاه به زندان افتاده است وی در زندان مثنوی « کارنامه» را ساخته ومثنوی دیگری هم به نام « کرت نامه» به سبک شاهنامه دارد .

رجز (بحر) ع اصل آن درعربی شش بار «مستفعلن » است . درفارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است.

رجز مثمن سالم (مستفعلن ۸ بار) مثال :

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

تایک‌زمان‌زاری کنم برربع واطلال ودمن

رجز مثمن مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که زیک تابش‌تو کوه احد پاره شود

چه عجب ارسشت کلی عاشق‌وبیچاره شود

رخش (ش ـ د) نام اسب رستم . گاهی در شعر فارسی به‌معنی مطلق اسب نیزآمده است .

صدر تو به پایه تخت جمشید خنگ توبه‌سایه رخش رستم

«انوری»

ردالصدر الی العجز (ب) آن است که شاعر کلمهٔ واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند.

عصابر گرفتن نه‌معجز بود همی‌اژدها کرد باید عصا

ردالعجز الی الصدر (ب) آن‌است که شاعر لفظی را که درآخر شعر می‌آورد ، دراول شعر بیت بعد مکرر کند.

قوام دولت و دین روزگار فضل وهنر

ز فضل وافر تو یافت زیب و فر نظام

نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر

به رونق است دراین روزگار کلک‌وحسام

ردف (ق) از حروف قافیه. ردف، الف ، واو ، یایی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرار گرفته باشد ، در این صورت قافیه را مردف خوانند، بشرط آنکه ما قبل واو مضموم وماقبل یاء مکسوروماقبل الف مفتوح باشد ، مانند شجاع ، روز ، سیر . مثال :

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار

چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بردو قسم است : ردف اصلی — ردف زائد .

ردف اصلی آن‌است که بی فاصله قبل‌از روی‌قرار گیرد. مانند کار

ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت یا گوشت. حروف ساکنی که بین واو ، الف،یاء ، و روی واقع می‌شود شش‌است: ش ، ر ، ف ، س ، خ ، ن (شرفسخن)التزام

ردف واجب است .

ردیف (ق) یک یا چند کلمهٔ مستقل وجدا از قافیه است که در همهٔ بیتها عیناً تکرار شود و شعر درمعنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند «نتوان کرد» در این شعر :

دست درحلقهٔ آن زلف دوتانتوان کرد

تکیه برعهد تو وباد صبا نتوان کرد

رس (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه . مانند حرکت قاف ومیم درکلمه های قاصر وماهر

رسائل اخوان الصفا رسائلی است دربیان عقاید اخوان الصفا که درقرن‌چهارم هجری‌تدوین شده است.طایفهٔ اخوان‌الصفا برای‌آنکه آزادانه عقاید خود را منتشر سازند وبامخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . وشامل چهارقسمت است :

۱- رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲- رسائل جسمانیه طبیعیه

۳- رسائل نفسانیه عقلیه ٤- رسائل ناموسیه الهیه

و مجموع این رسالات ٥٤ است. از این رساله‌ها خلاصه‌ای به فارسی وتازی وجود دارد .

رستم (ش — د) از پهلوانان معروف شاهنامه‌وپسرزال ورودابه ونوادهٔ سام وسهراب کابلی . رستم درزمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت ، و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغاز شد و پس ازآن دلاوریهای بسیارکرد و پیروزیها بدست آورد . مانند

گشودن دژ کوه سپند که سام ونریمان مدتی آن را حصار کرده و برآن دست نیافته بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه وبرتخت نشاندن او، داستان هفتخوان، وفتح مازندران ورهانیدن کاووس از دست دیو سپید ، جنگ باشاه‌ها ماوران ورهانیدن کاووس از زندان ، جنگ با سهراب وکشتن او بی‌آنکه او را بشناسد ، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سیاوش ، جنگ با تورانیان و کشتن اشکبوس و گرفتار کردن خاقان چین ، جنگ با اکوان دیو ، رهانیدن بیژن از چاه ، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن او .

رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به‌خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد وپس از کشتن شغاد ، جان سپرد .

رشحات‌عین‌الحیاة (ك) تألیف‌فخرالدین علی‌بن حسین کاشفی که آن را درسال ۹۰۹ تألیف کرده است . این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجهٔ احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه وتعالیم و کرامات شاگردان اوست ومشتمل بریک مقدمه وسه مقصد ویک خاتمه است .

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) فضل‌الله‌بن‌عمادالدوله‌ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی . وفات ۷۱۸-از وزیران و طبیبان ومورخان بزرگ ایران در دورهٔ مغول ،که درسال ٦٤٥ در همدان متولد شد . رشیدالدین فضل‌الله دردربار اباقاخان سمت‌طبیب خاص‌ودر دربار غازان خان منصب صدارت داشته است . درسال ۷۰۳ که‌غازان به شام لشکر کشید ، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و درعهد سلطان محمد خدابنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد وخدمتهای بسیار وآبادانیها کرد .

این وزیر دانشمند در زمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد و در سال ۷۱۸ ، در سن هفتاد سالگی با پسر شانزده ساله‌اش به قتل رسید و ما یملک او ضبط شد.

رشیدالدین فضل‌الله علاوه بر تنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت و اثر معروف خود را به نام «جامع التواریخ» به وجود آورد. از آثار دیگر او «مجموعهٔ رشیدی» است به زبان عربی شامل کتاب «توضیحات» در مسائل تصوف و کلام و «مفتاح التفاسیر» در مسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن و مفسرین آن و کتاب «لطائف الحقائق» در مسائل کلام و «الرسالة السلطانیه» شامل مباحثه هائی در موضوع کلام در حضور سلطان الجایتو و «بیان الحقایق»

رشید وطواط (ت) رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب. وفات ۵۷۳- از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم. در بلخ متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسهٔ نظامیه آن شهر به پایان رساند و در فارسی و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسائل دربار اتسز خوارزمشاه گردید و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند. تخلص رشید به وطواط به مناسبت کوچکی جثه و مشابهت او به وطواط است که پرندهٔ کوچکی می باشد.

وطواط غیر از شاهان خوارزم عده‌ای از رجال و امیران زمان خود مانند خاقان محمود بن محمد بغراخان، و امام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصرة‌الدین رستم بن علی بن شهریار بن قارن، از شاهان آل باوند را مدح گفته است. رشید با خاقانی و ادیب صابر مشاعره و مراسله داشته و خاقانی به احترام از او یاد می کند. از آثار رشید وطواط یکی

دیوان شعر است. دیگر منشآت اوست به زبان فارسی، اعم از رسائل سلطانی‌واخوانی، دیگر «حدائق‌السحر فی دقائق الشعر» در بدیع و صنایع شعری. «نثراللئالی من کلام امیرالمؤمنین علی» که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است. دیگر منظومه ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام.

رشید وطواط ازدانشمندان بزرگ وادیبان معروف درزبان‌فارسی است و درنثر عربی هم از بلغاء مشهوراست.

رشیدی (ت) سیدالشعرااستاد ابومحمدبن محمدرشید سمرقندی. از شاعران معروف ماوراءالنهر درقرن ششم واهل سمرقند که در دربار سلطان خضربن ابراهیم‌تقرب داشت ولقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمعق بود و میان آنها کدورتی وجود داشت. بامسعود سعد سلمان‌نیز معاصر بود وبا هم مکاتبه ومشاعره داشتند. از ممدوحان او خضربن ابراهیم وقدرخان‌ابوالمعالی وسلطان سنجرسلجوقی بوده‌اند. منظومه‌ای به نام «مهروفا» به‌او نسبت‌داده‌اند. قصیده‌ای درصنعت توشیح دارد که شمس قیس آن را به عنوان نمونهٔ این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفورالحسینی المعانی‌التتوی. از فاضلان ونویسندگان دربارشاه‌جهان‌وعالمگیر. اصلش‌ازسادات‌مدینه وازینرو حسینی ومدنی لقب‌یافته است. مولدش شهر تته ازمضافات سند است. رشیدی درزبان فارسی وتازی استاد بوده‌ودربارهٔ لغات فارسی که درزبان عرب‌داخل شده است تحقیق وتتبع کرده ومجموع تحقیقات خودرا دررساله‌ای به‌نام «معربات‌ومنتخب‌اللغات» آورده وآن‌رابه‌نام شاه جهان تألیف کرده است. دیگر «فرهنگ رشیدی» است درلغات‌فارسی.

رشید یاسمی (ت) غلامرضا فرزند محمد ولی‌خان گورانی. وفات ۱۳۳۰ شمسی- رشید یاسمی تحصیلات خود را در کرمانشاه و تهران انجام داد و به زبان و ادبیات فرانسه وانگلیسی وعربی وپهلوی آشنائی یافت واز سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به سمت استادی تاریخ انتخاب شد.

رشید علاوه بر مقالات متعدد ترجمه ها وتحقیقات بسیار دارد. ازآثار او ترجمهٔ «ایران در زمان ساسانیان» اثر آرتور کریستن سن و «چنگیزخان» ازهارولد لمب و رسالهٔ اردویرافنامه واندرزمارسپندان است، همچنین دیوان مسعود سعد وابن یمین وسلمان ساوجی را تصحیح وچاپ کرده است. رشید دارای اشعار فراوانی است که در آن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. دیوان رشید - (چاپ تهران)

رضاقلیخان هدایت (ت) رجوع شود به هدایت

رضوان (تن) دربان بهشت.

برده رضوان به بهشت از پی پیوندگری

از تو هرفضله که انداخته بستان پیرای

«انوری»

رضی نیشابوری (ت) رضی‌الدین نیشابوری. وفات ۵۹۸ - از دانشمندان وشاعران قرن ششم که جلال‌الدین قلج وطمغاج خان ابراهیم بن حسین وپسرش تلج ارسلان از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده‌است.

رضی‌الدین شعر عربی هم می گفته است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام «مکارم الاخلاق» به زبان فارسی به او منسوب است.

رفع (زحاف)(ع) در مستفعلن حذف مس است که می‌ماند تفعلن بجای آن فاعلن می گذارند وآن را مرفوع خوانند. درمفعولات، حذف مف است که می‌ماند عولات بجای آن مفعول می گذارند، وآن رامرفوع خوانند.

رفیع لنبانی (ت) رفیع الدین مسعود لنبانی اصفهانی— ازشاعران مشهور اواخرقرن ششم . مولد وی لنبان ازقراء اصفهان بوده ودرجوانی فوت کرده است . از ممدوحان او رکن الدین مسعودبن صاعد قاضی از افرادآل صاعد وعمیدالدین اسعدبن نصر وزیراتابک سعد زنگی می باشند

دیوان اوبه قول هدایت دارای ده هزار بیت بوده ولی همهٔ آن دردست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی درلباب الالباب رفیع مروزی را ازجملهٔ شاعران سلجوقی آورده وابیاتی ازاو نقل کرده است وگویا از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم باشد .

رمل (بحر) ع از بحور شعر فارسی و عربی .اصل آن در عربی شش بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج بسیار دارد:

رمل مثمن سالم (فاعلاتن ۸ بار)مثال :

سهمگین آبی که مرغابی دراوایمن نبودی

کمترین موج آسیا سنگ ازکنارش درربودی

رمل مثمن سالم محذوف(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

هر شب از بحر خیالت مردم چشمم به اشک

حجره را آبی زده پس بر سر راه آمده

رمل مثمن مخبون (فعلاتن ۸ بار) مثال :

پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را

الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثمن مخبون محذوف یامقصور (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن یا — فعلات) مثال :

خبرت هست که بی‌روی تو آرامم نیست
طاقت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الاخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

بشنو از نی چون حکایت می کند
وز جدائیها شکایت می کند

رمل مسدس مخبون محذوف الاخر (فعلاتن فعلاتن فعلن — یا فعلات)

بتوان رستن ازعذاب خدا نتوان از زبان مردم رست

روحانی (ت) ابوبکربن محمدبن علی روحانی سمرقندی از شاعران قرن ششم که تذکره نویسان اورا سمرقندی می دانند، روحانی یمین الدوله بهرامشاه را مدح کرده است. ابیاتی از روحانی درتغزل باقی است.

روح الجنان (ک) یا روض الجنان کتاب معتبری به زبان فارسی در تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آن را در اوایل قرن ششم تألیف کرده است. این تفسیر در بیست مجلد است که مؤلف درآن اطلاعاتی از آیات محکمات ومتشابهات واینکه مکی است یا مدنی وهمچنین نظرهای قراء را درباره آن آیات به دست می دهد، سپس به نقل وتفسیر آیات می‌پردازد کتاب بانثر بسیارساده و روان نوشته شده و از تفسیرهای بی نظیر زبان فارسی است.

روح القدس (تن) مقصود روحی است که درسریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت.

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

روحی (ت) حکیم روحی و لوالجی از شاعران قرن ششم و از

ولوالج ماوراءالنهر. وی در اشعار خود ازمسعودسعد وفرخی وقطران نام برده وخود را با آنها سنجیده است . اشعارش هزل‌آمیز است وحتی در اشعارعادی نیز جنبهٔ شوخی وبذله گوئی‌را ازدست نداده است .دروصف اسب کندرو خود قصیدهٔ مطبوعی دارد که دردست است .

رودابه (ش —د)اززنان داستانی‌شاهنامه ودختر مهراب کابلی که بنا برروایت شاهنامه از نژاد ضحاك بود و به سام باج می‌داد . رودابه عاشق زال پسرسام شدوزال نیزشیفتهٔ او گشت. پنهانی دیدارهائی میان آنها دست داد .زال‌ازپدر خواست تا با پیوند آن دوموافقت کند. نخست منوچهرشاه ایران ازپیوند زال بارودابه که از نژاد ضحاك بود، هراسناك شد ، ولی پس از شور با اخترشناسان ، چون دانست که این پیوند سرانجام نیك دارد و پهلوانی چون رستم از آن به وجود می‌آید موافقت کرد . رودابه بازال پیمان زناشوئی بست وبه سیستان رفت .

رودکی‌سمرقندی (ت) ابوعبدالله جعفربن محمد وفات ۳۲۹— شاعر بزرك‌قرن چهارم ومعاصرسامانیان که درقریهٔ رودك نزدیك‌سمرقند متولدشده است . عده‌ای گویند که کورمادرزاد بوده است‌ولی‌دراشعارش اشاراتی یافت می‌شود که دال بربینائی اوست . عوفی می گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت وصدای خوش داشت وبربط خوب می‌نواخت . رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت وثروت ومکنت فراوان اندوخت . از ممدوحان رودکی‌امیرنصربن احمدبن اسماعیل سامانی و ابوجعفر احمدبن خلف‌بن اللیث از امیران صفاری وماکان کاکی وابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است.

رودکی نخستین شاعر بزرك‌ایران است که استاد شاعران نامیده شده‌است وشاعران پس ازاو بسیاری از اشعار او را تضمین کرده ومقام

اورا درشاعری ستوده‌اند . رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود واشعار او را در حدود صد هزار بیت تخمین زده‌اند که بجز معدودی همه از میان رفته است . در دیوان موجود رودکی نیز قطعه هائی از اشعار قطران به اشتباه وارد شده است . از آثار مهم رودکی «کلیله ودمنهٔ» منظوم است که جز ابیات پراکنده‌ای از آن دردست نیست .

روزبه نکتی (ت) ابو عبدالله روزبه نکتی لاهوری از شاعران نیمهٔ اول قرن پنجم معاصر سلطان مسعود غزنوی و ازجملهٔ مداحان اوست. اشعاری درلباب الالباب از او آمده است .

روشنائی نامه (ک) رسالهٔ منظومی اثر حکیم ناصرخسرو قبادیانی در وعظ وحکمت شامل پانصدونودودو بیت . این منظومه درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی به چاپ رسیده است .

روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات (ک) کتابی به زبان عربی تألیف محمد باقربن حاجی امیرزین العابدین الموسوی الخوانساری. این کتاب شامل شرح حال ۷۴۲ تن از عارفان وفاضلان وشاعران قدیم وجدید فقیهان شیعه می‌باشد . تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸۶ هجری است . شرح احوال برحسب حروف تهجی است ولی اغلب به‌نام معروف بزرگان نیست وپیدا کردن ذکر اشخاص مورد نظربه آسانی میسر نمی‌شود .
(چاپ تهران)

روضة الانوار (ک) مثنوی درتصوف وعرفان اثرخواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم ، که آن را درسال ۷۴۳ به‌نام شمس الدین محمود صاین وزیر شیخ ابو اسحاق اینجو ساخته است .

روضهٔ رضوان (تن) کنایه از بهشت .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند

غلمان زروضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

روضةالشهدا (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی ، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبر ها می‌خواندند و گویا نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و خوانندگان آن‌را برمنبر «روضه خوان» می‌نامند .

روضةالصفا (ك) کتاب معروف وعظیمی درتاریخ عمومی‌عالم تألیف مورخ معروف قرن نهم میرخواند که آن را به نام امیرعلیشیر نوائی ، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا ، تألیف کرده است .

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میرخواند تألیف کرد وبه علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن‌را به پایان رساند وجلد هفتم محتملاً بوسیلهٔ خواندمیرصاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است .

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا وبزرگان و شاهان ایران قبل از بعثت حضرت‌محمد ، تاریخ پیغمبر ص وخلفای‌راشدین، تاریخ ائمه وخلفای اموی‌وعباسی ، تاریخ شاهان ایران بعد ازاسلام تا هجوم تاتار ، احوال شاهان وامیران‌مغول،تاریخ تیمور وجانشینان او تا سال ۸۷۳ ه .

جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر باشد شامل سلطنت وزندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است . بعدها رضاقلی خان هدایت درزمان قاجاریه جلد هشتم ونهم ودهم را تألیف کرده وبه سایر جلدها افزوده است وآن را «روضةالصفای ناصری» نام

نهاده است . این سه جلد درتاریخ صفویه وعالمان و رجال آن دوره ، تاریخ زندیه ، شاهی آغامحمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جلوس محمدمیرزای ولیعهد درتبریز ، سلطنت محمد شاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷٤ هجری است .

میرخواند در روضةالصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند طبری و الکامل ابن اثیر استفاده کرده است . نثر روضة الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دورهٔ مغول وتیمور از نوع نثرمسجع ومترسلانه است ودارای صنایع لفظی فراوان می باشد . (چاپ تهران)

روضةالعقول (ك) ترجمه‌ای است از مرزبان‌نامه که به‌وسیلهٔ محمدبن غازی الملطیوی وبه تشویق سلیمانشاه بن قلج ارسلان درسال ۵۹۸ صورت گرفته وازلهجهٔ طبری به‌فارسی درآمده است . مترجم دراین کتاب ازسبک کلیله و دمنهٔ نصرالله منشی پیروی کرده است . انشاء کتاب مصنوع ودارای شواهد وامثال بسیار به‌زبان عربی وفارسی‌است .

روضةالمنجمین (ك) تألیف شهمردان بن ابی‌الخیر که آن‌رادرسال ٤٦٦ نگاشته است . مؤلف در مقدمه می گوید که در کتابش سخنهای متداول به‌کار برده است تا دانستن آن برهمه آسان باشد .

روم (ش ـ د) سرزمینی که به‌موجب روایت شاهنامه‌جزء کشور فریدون بود وچون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاورمراو را گزید

«شاهنامه»

رومیان در ادبیات فارسی به سفیدی چهره موصوف و مثل اند

ودرشعر برآمدن روشنی روزرا به هجوم وغلبهٔ لشکرروم تمثیل می کنند.

خورشید روم پرور وماه حبش نگار

سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

روی (ق) آخرین حرف اصلی کلمهٔ قافیه؛ مانند تاء در کلمه های دست وهست. اگرحرف آخر ازاصل کلمه نباشد ولی به کثرت استعمال مانند حرف اصلی شده باشد می توان آن را روی ساخت. مانند داناوبینا، واگر مشهورالترکیب باشد مانند الف شاها وخداوندا نمی توان آن را روی ساخت.

روی بردوقسم است: روی مطلق — روی مقید (به این کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل پیوندد و متحرك شود آن را روی مطلق گویند. روی مطلق دوازده نوع است. مطلق مجرد، مطلق به قید، مطلق به ردف، مطلق به خروج، مطلق به خروج ومزید، مطلق به خروج ومزیدونایره، مطلق به قیدوخروج، مطلق به قیدوخروج ومزید، مطلق به قید وخروج ومزید ونایره، مطلق به ردف و خروج، مطلق به ردف وخروج ومزید، مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره

۱- مطلق مجرد وآن بردونوع است، مطلق به حرف اطلاق، مطلق به حرف وصل. مطلق به حرف اطلاق: مانند کلمهٔ سرمدوفرقد دراین شعرکه به الف اطلاق وصل شده است والف اطلاق درشعر فارسی عیب محسوب می شود. مثال:

ای شب چنین درازنبودی وسرمدا از توپدیدنیست نه شعری نه فرقدا

مطلق به حرف وصل. مانند کلمهٔ دشمن دراین مصراع که به یاء وصل شده است:

دوستا گر دوستی گردشمنی

دراین قافیه دوحرف ودوحرکت لازم است .

۲- مطلق به قید . مثال :

آخردر زهد و توبه در بستم وز بند قبول این و آن رستم

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف وآن بردونوع است .

مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی .

نه گفتی کزین پس کنم دوستداری

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد .

ای همای همتت سربرفلک افراخته

دراین قافیه‌چهار حرف ودوحرکت لازم است

٤— مطلق به خروج .

صنما تابه کف عشوهٔ عشق تو دریم

دراین‌قافیه سه‌حرف ویک حرکت لازم است

٥— مطلق‌به خروج ومزید .

زانچه ازحق در دلستش هر چه خواهد حاصلستش

دراین قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم است

٦— مطلق به خروج ومزید ونایره .

تا کی به خون دیده ودل پروریمشان

تا کی ز ره روند و به ره آوریمشان

دراین قافیه شش حرف و دوحرکت لازم است .

۷- مطلق به قید وخروج .

تاظن نبری که دل زمهرت رستست

یا از طلب تو فارغ و آهستست

دراین‌قافیه چهار حرف ویک حرکت لازم است

۸- مطلق‌به قید وخروج ومزید:

چهرهٔ دل بند لاله رنگستش غمزهٔ دلدوزچون خدنگستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است .

۹- مطلق به قید وخروج ومزید ونایره.

سودای تو ازسینه فرو رفتنیست

وانگه سخن تو نیز نا گفتنیست

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است .

۱۰ - مطلق به ردف وخروج وآن بردونوع است :

مطلق به ردف اصلی :

درجهان گرهیچ یاری داری

دراین قافیه چهار حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی

در دیده توئی وگرنه بردوختمی

دراین قافیه پنج حرف وچهارحرکت لازم است .

۱۱- مطلق به ردف وخروج و مزید و آن دونوع است. مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل‌شکفته رخانستش

برسرخ گل زمشک نشانستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستستش کیسه‌زان پرخواستستش

دراین قافیه شش حزف وسه حرکت لازم است

۱۲- مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره و آن دو نوع است .

مطلق به ردف اصلی :

گرلطف حق یا رستمی جز عشق او کارستمی

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

گردل زغم یارنه پرداختمستیش

بااو به همه وجوه درساختمستیش

دراین قافیه نه حرف وسه حرکت لازم است

روی مقید (ق) روی مقید ساکن است وبه حرف وصل نمی‌پیوندد وآن برشش قسم است . مقید مجرد ، مقید به قید ، مقید به تأسیس ، مقید به دخیل ، مقید به ردف اصلی ، مقید به ردف زائد .

۱- مقید مجرد که روی ساکن به حرفی از حرف قافیه پیونددمانند کلمه‌های کهن وسخن دراین شعر

سخن همچو جان زان نگردد کهن

که فرزند جان است شیرین سخن

دراین قافیه یک حرف ویک حرکت لازم است

۲- مقید به تأسیس :

سلام علی دارام الکواعب بتان سیه چشم عنبرذوائب

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است . باء حرف روی عین دخیل ، الف تأسیس

۳- مقید به دخیل :

چشم بدت دورای بدیع شمایل

ماه من وشمع جمع ومیر قبایل

لام روی است یا[2] دخیل ، الف حرف تأسیس .

دراین قافیه دو حرف ودوحرکت لازم است .

٤- مقید به ردف اصلی

ای به هستی داده گیتی را کمال

دراین شعر لام روی‌است، الف ردف اصلی وحرکت‌ماقبل الف، حذو

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

٤- مقید به ردف زائد .

هرکه آمد عمارت نو ساخت رفت‌ومنزل به‌دیگری‌پرداخت

دراینجا تاء روی ، خ ردف زائد الف ردف اصلی وحرکت‌ماقبل الف حذو

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است .

٦- مقید به قید .

چنین است رسم سرای سپنج

یکی زوتن آسان و دیگر به‌رنج

جیم حرف روی . نون قید حرکت پ وراء حذو .

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

رویین‌تن (ش - د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب . رجوع شود به اسفندیار

. . .جمشید کیان که دین جز اورا

رویین تن هفتخوان ندیده است

«خاقانی»

رویین‌دژ (ش - د) نام قلعه‌ای در ترکستان که در داستانهای شاهنامه جایگاه ارجاسب بود ودختران گشتاسب درآن زندانی بودند . اسفندیار ازراه هفتخوان به آنجا رفت وآن را گشود وارجاسب را کشت وخواهران خود را آزاد کرد .

یا مگر اسفندیارم کان عروسان را همه

از دژ رویین به سعی هفتخوان آورده‌ام

«خاقانی»

ریاض‌العارفین (ك) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که‌آن را درسال ۱۲۶۰ به پایان رسانده است . این کتاب شامل شش گلبن ودو روضه‌ویک فردوس ویک خلد است ، دربیان حقیقت تصوف وصفت سالکان و فضیلت اهل ذکر و تعریف انسان و سلسلهٔ طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی وشرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان و شاعران معاصر مؤلف. درخاتمه مختصری از شرح حال مؤلف ذکرشده است .

ریاض‌همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران‌ونثرنویسان‌عهدفتحعلی‌شاه ومحمدشاه. ریاض همدانی‌مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان همدانی نوشته وکتابی به‌نام «گنج شایگان»دارد که درآن ازگلستان سعدی وپریشان قاآنی تقلید کرده است . ریاض‌به دوزبان فارسی وعربی شعر می گفته ودرنجوم وهندسه وحساب نیز دست داشته است . (غزلیات ریاضی چاپ تهران)

ز

زابل (ش ـ ت) یا زاول نام ولایت‌سیستان ، درمشرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ك) از مهمترین تألیفات ناصرخسرو قبادیانی شاعرونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم که‌آن‌را درسال۴۵۳ تألیف کرده است . این کتاب دربیست‌وهفت قول نوشته شده ونویسنده درآن اصول عقاید حکیمانه وفلسفی را ماننداقسام‌علم ونفس‌وهیولی ومکان وزمان واثبات صانع و حدوث عالم ورد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است ودرضمن عقاید مخالفان‌خاصه عقاید محمدبن زکریای رازی را که مغضوب متکلمان اسمعیلیه‌است رد کرده . زادالمسافرین از مهمترین کتابهای اسمعیلیه است .

(زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش ـ د) پسرسام وپدر رستم که چون هنگام زادن مویش سپید بود، به دستور پدر بربالای کوه البرز گذاشته شد . برطبق روایات شاهنامه سیمرغ اورا نزدجوجه‌های خود برد وبزرگ کرد . سام پس ازسالها براثر خوابی که دید ، به جستجوی پسر رفت . سیمرغ زال‌را به‌اوسپرد وپری‌ازخود به‌زال‌داد که هنگام‌حاجت‌آنرا‌آتش زندوازسیمرغ

یاری بخواهد ، زال که از سیمرغ دستان لقب گرفته بود ، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد. از حادثه های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهراب کابلی است که سرانجام او را به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدة التواریخ (ك) تألیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آن را درسال ۸۲۶ به امر بایسنقر میرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است درچهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا زمان چنگیز و حوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان شاهرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر یا ربع آخر کتاب را «زبدة التواریخ بایسنقری» نام نهاده است . و تاریخ عمومی او مجموعاً به نام « مجمع التواریخ السلطانیه» نامیده‌شده است .

اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است

زحاف (ع) هر تغییری که به اصول افاعیل عروض واردآید، زحاف خوانده می‌شود و اوزان فرعی را که بوسیلهٔ این زحافات از یک بحر به وجود می‌آید ، مزاحفات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حروفی یا اسکان متحرکی یاافزودن حرف یا حروفی به آخر فعل

ازاحیف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله ازاحیف اشعار عرب است که در اشعار فارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است . نام های ازاحیف از این قرار است: قبض ،قصر ،حذف، خبن ، کف، شکل خرم ، خرب، شتر ،قطع ،تشعیث، طی، وقف، کشف، صلم، معاقبت ، صدر، عجز، طرفان، مراقبت، اسباغ ، اذاله ، جدع ، هتم ، جف، تخنیق ، سلخ ، طمس ،

جب ، زلل ، نحر ، رفع ، ربع ، بتر ، حذذ

زحل (نج) یا کیوان که درفلک هفتم قرار گرفته وسه حلقهٔ نورانی دورآن را گرفته است . قدما آن را نحس می دانستند .

هرنماز دگری برافق ازقوس وقرخ
درگهی بینی افراشته تا اوج زحل
بگیرطرهٔ مه چهره ای وقصه مخوان
که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است

زرکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی ازادیبان ونویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی درتاریخ وجغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام «شیرازنامه»

زکریای‌رازی (ت) رجوع شود به رازی

زکریای‌قزوینی (ت) عماد الدین زکریای محمد قزوینی وفات ۶۸۲- از بزرگان‌و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است . از تألیفات‌او«عجایب المخلوقات وغرایب الموجودات» است . دیگر « آثار البلاد » به زبان عربی که درآن شرح حال عده‌ای ازشاعران معروف ایران ذکر شده و ازقدیمترین منابع اطلاعات است دربارهٔ شاعران وبلادی که درآنجا متولد شده یا توطن داشته‌اند .

زلالی (ت) مولانا حکیم زلالی خوانساری وفات ۱۰۲٤— از شاعران قرن یازدهم ومعاصر شاه‌عباس کبیر که دردربار او سمت ملک الشعرائی‌داشته است. زلالی میرداماد‌را مدح کرده است وهفت منظومه به نام «سبعهٔ سیاره» دارد شامل مثنویهای محمود ایاز ، شعلهٔ دیدار، آذر وسمنور ، میخانه ، سلیمان‌نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز

زلل(زحاف)(ع)درمفاعیلن مجموع هتم‌وخرم‌است که‌باقی‌می‌ماند

فاع ؛ وآن را ازل خوانند .

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گشت وچون یوسف تسلیم وی نشد ، براو خشم گرفت وشوهررا واداشت که اورا به زندان افکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت وعزیزمصر گشت وزلیخا که فقیرو کور وعلیل گشته بود ، پیوسته به درگاه خدای نالید وبرسر راه یوسف می نشست و چون دین او را پذیرفت ، براثر معجزهٔ یوسف جوان وبینا گشت وبه همسری او درآمد .

من ازآن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را

«حافظ»

زمخشری (ت)ابوالقاسم محمود بن عمربن محمدالخوارزمی وفات ۵۳۸_ازعالمان بزرگ در علم نحووحدیث وتفسیر وبه زمخشرخوارزم منسوب و به جارالله معروف می باشد . وی خود را ابوالقاسم معتزلی می نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار درلغت وعلوم بلاغی است . از آثار او «الکشاف عن الاسرار التنزیل» است در تفسیر قرآن ، کتاب «مقدمة الادب» که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت . این کتاب از نظر اشتمال برلغات کهنهٔ فارسی پرارزش است . دیگرازآثار او « اساس البلاغة » در تحقیق لغت عرب و کتاب « المفصل » ، در نحو و کتاب «انموذج» است که تلخیص کتاب «المفصل» می باشد . کتاب «المفصل» درسال ٥١٤ تألیف یافته و جز و کتابهای معروف علم نحوشده وعلماء نحوبرآن شروح بسیار نوشته اند .

زمزم (تن) چاهی نزدیک خانهٔ کعبه

بسان چاه زمزم است چشم من

که کعبهٔ وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (ك) بمعنی توضیح وتفسیر است . چون زبان کتاب دینی زرتشتیان یعنی اوستا دردورهٔ ساسانیان کهنه ومنسوخ شده بود وعامه معنی آن‌را نمی‌فهمیدند، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی‌ساسانی‌ترجمه کردند . این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح وتفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستاا کنون دردست است مانند زند وهومن یسن وغیره

زنگی اهل ولایت زنگ یا رنگبارکه به سیاهی چهره معروفند

زلفش بسان زنگیان در هم شده از هر کران

برعارضش یاری کنان افتان وخیران دیده‌ام

«خاقانی»

زوزنی (ت) ابوعبدالله حسین بن احمدالزوزنی. وفات۴۸۶– ازعالمان علم لغت وادب که درنحو و عربیت استاد زمان‌خودبود . از آثار معروف او شرح «معلقات سبع» و کتاب «اللغةالفارسیه» و کتاب «المصادر» است .

زهره (نج) یا ناهید (اناهیته) نسبت‌به زمین بعد از عطاردقرار گرفته‌است ودرخشانترین سیارات‌می‌باشد. قدماء آن‌را سعد می‌دانستند وبه خنیا گری نسبتش می‌دادند .

بگیر طرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان

که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است

«حافظ»

ورزهره جزبه بزم تو خنیا گری کند
جاوید دف دریده وبربط شکسته باد
«انوری»

زیادالاعجم (ت) ازقدیمترین شاعران ایرانی که اصلش ازاصفهان است ولی درخراسان اقامت داشته است. وی به زبان عربی شعر می سرود و اورا اعجم می گفتند، زیرا که کلمات عربی را به لهجهٔ ایرانی ادا می کرده است.

زین الاخبار (ك) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی بن الضحاك بن محمود گردیزی که آن را درسال ٤٤٠ هجری ودرزمان سلطنت عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین تألیف کرده است. زین الاخبار تاریخ عمومی است شامل وقایع ازابتدای خلقت تاپایان دورهٔ مودود بن مسعود غزنوی. اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز واختصار است نویسنده جدولهائی ترتیب می دهد ودرشرح حال یک سلسله یا یک خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می کند مثلا دربارهٔ خلافت خلفای اسلام یازده ستون درجدول ترتیب داده که شامل این نکات است: لقبها، کنیتها، نامها، مادران، وزیران، قاضیان، دبیران، حاجبان، مهر انگشتری، ابتداء خلافت، عهد خلافت. گردیزی به عادات و رسوم وافسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و در بارهٔ آنها اطلاعات سودمندی بدست می دهد. سبک نوشتهٔ تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است. تکلف و پیچیدگی در آن نیست وبه سبک نثر سامانیان نزدیک است.
(چاپ تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی علوی محمودی. از شاعران دورهٔ غزنوی معاصر سلطان محمود وسلطان مسعود. عده ای نام اورا زینتی گفته اند. بنا بگفتهٔ ابوالفضل بیهقی زینبی درشمار شاعران

بزرگ دربار غزنوی ومورد لطف سلطان مسعود بوده است .

ابیات معدودی از این‌شاعر درکتابهای لغت وادب‌مانند حدائق السحرولباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است .

س

سالك یا مرید کسی است که به قصد طی طریق وارد خانقاه می‌شود وبه اطاعت پیر درمی‌آید ودرهمه کار از او پیروی می کند .

سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری وفرمانبرداری

به می‌سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید
که‌سالک بی‌خبر نبود زراه و رسم منزلها

«حافظ»

سام (ش-د) نیای رستم وپسر نریمان که به روایت گرشاسب نامه برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایتی نبیرهٔ اوبود . هنگام شاهی نوذر ،مردم که از ستم او به جان آمده بودند از سام خواستند که برتخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت .

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در غیبت او گوسالهٔ زرینی ساخت وخاك زمینی که اسب جبرئیل درآن‌پای نهاده بود ، براو افشاند . گوساله به‌صداآمد وحرکت کردوسامری به‌این وسیله بنی‌اسرائیل راگمراه کرد . چون موسی بازگشت ، مردم را ازگمراهی بیرون آورد وگوسالهٔ سامری راکشت .

سحر بامعجزه پهلو نزند دل خوش‌دار
سامری کیست که دست‌ازید بیضا ببرد

«حافظ»

سام‌میرزا (ت) وفات ۹۸۳ —سام‌میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی

ومؤلف تحفهٔسامی است که به امر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (تن) شهری که بلقیس برآن حکومت می کرد وسلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد وبا ملکهٔ سبا روبرو شد واورا به زنی گرفت

ای هدهد صبابه سبامی‌فرستمت

بنگر که‌از کجابه کجامی‌فرستمت

«حافظ»

سبب (ع) یکی ازارکان اوزان عروض وبردوقسم است: سبب خفیف ، سبب ثقیل

سبب خفیف —ازیک متحرك ویک ساکن ترکیب شده وعلامت آن به‌صورت یک‌صفر ویک‌الف‌است. مانند نم‌ودم که‌به‌این‌شکل نشان داده‌می‌شود: ٥ا

سبب ثقیل - ازدوحرف متحرك ویک ساکن ترکیب‌شده؛ مانند همه ، رمه .وعلامت‌آن‌دوصفر است: ٥٥

سبحةالابرار (ك) منظومه‌ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین بایقرا ساخته است . این منظومه شامل مضامین عرفانی واخلاقی است و دارای چهل عقد است که هرعقد باشرح یکی ازفضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای نغز شروع می‌شود وبه مناجات حق‌تعالی ختم می گردد .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

سبزواری (ت) حاج ملاهادی فرزند حاج‌محمد سبزواری. وفات ۱۲۹۰ —از حکیمان بزرگ‌ایران. درسال ۱۲۱۲ هجری درسبزوار متولد شدوتحصیلات خود را درآنجا وسپس درمشهدتکمیل کرد. پس ازآن‌به مکه‌سفر کردودربازگشت به‌اصفهان رفت وحکمت وفقه واصول وکلام را نزد ملاعلی‌نوری آموخت و به جرگهٔ دانشمندان درجهٔ اول دورهٔ

قاجار درآمد. از تألیفات او منظومه‌ای است به عربی درمنطق وحکمت باشرح آن دردوقسمت. اول «لآلی المنتظمه» وقسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد وهردو با هم به‌نام «شرح منظومه» مشهوراست. به‌فارسی نیز کتابی درحکمت الهی نوشته‌است موسوم به «اسرارالحکم» درشرح مثنوی. سبزواری به‌فارسی هم‌شعرمی گفته و«اسرار» تخلص می کرده‌است.

(دیوان‌اسرار — چاپ‌تهران)

سپهر (ت) میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر از مستوفیان در بارمحمد شاه و ناصرالدین شاه قاجاروازدانشمندان‌قرن‌سیزدهم. وی‌ازطرف محمدشاه مأمورنوشتن‌تاریخ عمومی‌گشت وناسخ‌التواریخ را تا جلد یازدهم به فارسی فصیح نوشت وبه این جهت از طرف محمدشاه به لقب لسان الملک ملقب گردید. ازآثار دیگرش «براهین‌العجم» است درعلم قافیه.

سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزاتقی خان ملقب به‌لسان الملک است که مؤلف «ناسخ‌التواریخ» می باشد. عباسقلی‌خان پس از پدر دردربار ناصرالدین‌شاه می‌زیست و تا کشته شدن آن شاه از مقربان او بود. چندین جلد درشرح حال ائمه وسلطنت ناصرالدین‌شاه برناسخ التواریخ افزوده است. عباسقلیخان کتاب «وفیات‌الاعیان» ابن‌خلکان رانیزازعربی به‌فارسی ترجمه کرده است.

سجزی (ت) ابوسعید احمد بن‌محمدبن عبدالجلیل السجزی. وفات ٤١٤—منجم وریاضی دان قرن‌چهارم ومعاصر عضدالدوله دیلمی. درنجوم وریاضی آثاری دارد. ازجمله رساله‌ای‌است به عنوان «خواص الشکل المجسم الحادث‌من ادارة‌القطع الزاید والمکافی» دیگر «تحصیل القوانین الهندسیة‌المحدودة» و«الجامع الشاهی» که‌آن‌را به‌نام عضدالدوله

دیلمی نوشته است. دیگر کتاب «المدخل» درنجوم به نام ابوجعفر احمدبن محمد صفاری و «تحصیل القوانین» راجع به استنباطات قضایای نجومی، و «زایجات الکواکب» و «منتخب من کتاب الالوف» که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است.

سجع (ب) درلغت به معنی آواز کبوتر ودراصطلاح آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی به کاربرد که در وزن وحروف خواتیم مشابه باشد. سجع برسه قسم است: متوازی، متوازن، مطرف. سجع درنثر حکم قافیه را درشعردارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله، دو کلمه بیاید که در وزن وحروف روی یکی باشد مانند: انیس، جلیس.

سجع متوازن آن است که دو کلمه درآخردوجمله بیاید که در وزن یکی باشد ودرحرف روی متفاوت باشد مانند: یک شب تأمل ایام گذشته می کردم وبرعمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که درآخر دوجمله کلماتی بیاید که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات: باد واستعداد

سحاب (ت) میرزا سیدمحمد اصفهانی. وفات ۱۲۲۲ — پسر سید احمد هاتف. از قصیده سرایان دورهٔ قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار. سحاب درقصیده از شاعران قرن ششم ودرغزل از شاعران قرن هفتم مانند سعدی شیرازی پیروی کرده است. ازآثار او «رشحات سحاب» به نام فتحعلیشاه قاجار است. دیوان سحاب دارای پنجهزار بیت میباشد.

(دیوان سحاب ـ چاپ تهران)

سحابی (نج) پنج کوکب است از نوع کهکشان چون پارهٔ ابر

سداسکندر (تن) سدی که اسکندر دربرابر یأجوج ومأجوج بست

یأجوج ظلم بینم جزرای روشن او

از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

«خاقانی»

سدره (تن) درختی درجانب راست عرش

که‌ای بلند نظر شاهباز سدره نشین

نشمین تونه‌این کنج محنت آبادست

«حافظ»

سدرة‌المنتهی (تن) رجوع شود به سدره

مرامنتهای طلب نیست سدره　　که ازسدرة‌المنتهی‌می گریزم

«خاقانی»

سده ازجشنهای ایرانیان درروزدهم ماه بهمن. ازاین جهت‌آن‌را سده می گویند که پنجاه‌روز وپنجاه شب به نوروز مانده است.

پارسیان دراین روزآتش بر‌می‌افروختند. این جشن تا چند قرن پس از اسلام معمول بوده است وهنوز دربعضی‌از شهرستانهای ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است:

بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده‌است رای‌تاختن وقصد کارزار

واینک بیامده‌است به‌پنجاه روز پیش

جشن سده طلایهٔ نوروز نامدار

«منوچهری»

سد یأجوج (تن) اشاره به سدی‌است که اسکندر دربرابریأجوج ومأجوج ساخته است.

تو گفتی سد یأجوج است لشکر   هم ایشان باز چون یأجوج بی مر

«ازویس ورامین»

سدیر (ش — د) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام گور ساخت ودارای سه گنبد یاسه دیر بود .

سراندیب (تن) یاجزیرهٔ سیلان درجنوب شبه جزیرهٔ هندوستان که برطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن ازبهشت به‌آنجا افتاد

سرطان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل خرچنگ. برج سرطان برابر ماه تیر است.

من چوبرجیس زحوت آمده‌ام   سرطان مستقری خواهم داشت

«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی از فرهنگ نویسان قرن یازدهم . درسال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت وبه دربارشاه‌جهان راه یافت . درهندوستان فرهنگ جهانگیری را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خود را به نام «مجمع الفرس» تألیف کرده است.

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت ودر شعرفارسی به‌معنی ندا دهندهٔ غیبی .

سروش اصفهانی (ت) میرزا محمدعلی . وفات ۱۲۸۵ — ازشاعران قصیده سرای قرن سیزدهم . مولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده‌است . چندی در تبریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه تقرب حاصل کرده‌است . چون ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید ، سروش با او به تهران آمد و به‌مناسبت آنکه در اعیاد ومجالس دربار اشعار تهنیت آمیز می‌خواند ، ناصرالدین شاه لقب شمس

الشعرائی به او داد . سروش درقصیده ازسبک فرخی ومنوچهری وامیر معزی پیروی کرده است . ازآثار او غیر ازدیوان قصیده وغزل مثنویاتی مانند «ساقی‌نامه» و«الهی‌نامه» و«زینة‌المدایح» و حماسه‌ای‌دینی به نام «اردیبهشت‌نامه» دراحوال پیغامبراست. دراشعار سروش اشاره‌هائی به وقایع زمان ناصرالدین‌شاه ازجمله برقرار شدن تلگراف دیده‌می‌شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی .اصل آن «مستفعلن مستفعلن مفعولات» است . درفارسی ازاین بحروزن زیر متداول است بحرسریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

ای‌همه هستی زتو پیدا شده   خاك ضعیف ازتو توانا شده

«نظامی»

سطرلاب (نج) رجوع شود به اسطرلاب

چشمهٔ خورشید لطف بلکه سطرلاب روح

گوهر گنج حیات بلکه کلید کرم

«خاقانی»

سعادتنامه (ك) منظومهٔ کوتاهی منسوب به‌ناصرخسرو قبادیانی حکیم وشاعرقرن پنجم ، شامل‌سیصد بیت‌درسی باب درحکمت‌وموعظت ودرنسبت این منظومه به ناصرخسرو تردید است وگویا مردی به‌نام شریف آن را سروده است .

(سعادتنامه .ضمیمهٔ‌دیوان ناصرخسرو. تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی- چاپ تهران) .

سعدالاخبیه (نج) منزل بیست وپنجم ازمنازل قمرکه شامل چهارستاره است که سه‌تای آن مانند مثلث است وچهارم درمیان آن

گردی برآبی بیخته زرازترنج انگیخته

خوشه زتاك آویخته مانند سعدالاخبیه

«منوچهری»

سعد اصغر یا سعد خرد (نج) ستارهٔ زهره

شعر من فالی است نامش سعد اکبر گیر از آنک
راوی من در ثنات از سعد اصغر ساختند

«خاقانی»

سعد اکبر (نج) ستارهٔ مشتری

برآسمان مکرمت از روشنان علم
چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

سعدالدین تفتازانی (ت) رجوع شود به تفتازانی

سعد ذابح (نج) منزل بیست‌ودوم از منازل قمر که دوستاره‌است که بین آنها به‌اندازهٔ یک گز فاصله‌است وبرشاخ جدی (بزغله) قراردارند.

نه‌سعد کفایت توذابح		نه‌صبح عنایت تو کاذب

«جمال‌الدین اصفهانی»

سعدالسعود (نج) منزل بیست‌وچهارم ازمنازل قمر که سه‌ستارهٔ کوچک است که دردم جدی قرار گرفته است.

برسپهر لاجوردی صورت سعدالسعود
چون یکی چاه عقیقین در یکی نیلی ذقن

(منوچهری)

سعدوراوینی (ت) رجوع شودبه وراوینی

سعدی (ت) مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی‌شیرازی. وفات ۶۹۱ یا ۶۹۴ـ ازبزرگان ونوابغ شعروادب ایران. درحدودسال ۶۰۶ درشیراز متولد شده وتحصیلات خود را درهمان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته ودرمدرسه نظامیه کسب فضائل کرده است.

سعدی یکی بعلت شوق جهانگردی ودیگر به‌سبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم‌مغول به سفری طولانی پرداخت که درحدود سی‌تاچهل سال طول کشید وبغداد وسوریه ومکه را تا شمال افریقا گشت ودرآثار خود از سفر به کاشغر وهند وترکستان نیز سخن می‌گوید . سعدی پس از این سفرطولانی به شیراز بازگشت وچون آنجا راآرام ومردم رادررفاه دیدماند وبه تألیف وتصنیف‌پرداخت واتابک ابوبکربن سعدبن زنگی (۶۳۲—۶۶۸) وپسرش سعدبن ابوبکر را که تخلص خود را ازاو گرفته است مدح کرد . از ممدوحان‌دیگر سعدی غیر ازاتابکان ، بزرگان ودانشمندانی بوده‌اند مانند صاحبدیوان شمس‌الدین وبرادرش عطا ملک جوینی . سعدی باشاعرانی مانندمجد همگر وخواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستایش آنان قرار گرفته است .

سعدی‌را هم‌جزء شاعران درجه اول‌ایران می‌توان محسوب کرد وهم از نویسندگان مبرز واستاد نثر مسجع دانست. سعدی درانواع شعر مانند قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، ترجیع بند و ترکیب بند دست داشت . اما می‌توان گفت از زمان سعدی است که غزل درردیف‌اول شعرفارسی قرارگرفته است ومخصوصاً سخن‌سعدی درغزل به حداعلای لطافت وزیبائی رسیده‌است که‌دارای روانی‌وصنعت‌سهل وممتنع می‌باشد .

آثارسعدی عبارت است از دیوان غزلیات شامل طیبات ، بدایع ، خواتیم ، غزلیات‌قدیمه .دیگربوستان، گلستان، قصایدوملمعات، رباعیات و ترجیعات‌است .مجموع آثارسعدی‌را کلیات‌سعدی گویند .چون‌آثارسعدی نتیجه تجربیات ومطالعات ومشاهدات اوست درسفرهای طولانی ، از اینرو بسیارسودمند وپرمعنی‌و درنهایت‌درجه اهمیت‌است که هم‌شامل

نکات اخلاقی وپند وموعظه است وهم دارای مضامین عاشقانه ولطف وزیبائی است .

کلیات سعدی چندین بار درتهران و هندوستان به‌چاپ رسیده‌است

سعید طائی (ت) ازشاعران آل‌سلجوق که درنیمهٔ دوم قرن‌ششم می‌زیسته است . از احوال او اطلاعی دردست نیست وازاو تنها یک قصیده باقی مانده است، دریأس وتأثر از ناپایداری دنیا وزوال دولتها که از قصاید خوب فارسی شمرده می‌شود . مطلع قصیده این است

غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند

هر چه تو می‌بینی آنچنان بنماند

سرنامه (ك) از آثار منثور حکیم ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرك قرن پنجم وظاهراً نخستین کتاب منثورنویسنده است . این کتاب شامل شرح حوادث هفت‌سالهٔ سفرناصرخسرواست به‌آسیای‌صغیر، شام ، حجاز، مصر ، قاهره ، تابازگشت اوبه بلخ . ناصرخسرو درطول این سفربارجال وعالمان زمان ملاقاتها کرد ودرقاهره به‌خدمت‌المستنصر بالله رسید وبه‌مذهب‌اسمعیلی گروید،سفرنامه‌دارای اطلاعات‌جغرافیائی و تاریخی دربارهٔ شهرها و کشورهائی است که ناصرخسرو ازآنها دیدن کرده است . سبک انشاء سفرنامه روان وساده است .

(سفرنامه- چاپ‌تهران)

سقراط (ت) فیلسوف‌وحکیم یونانی که اورابه گناه حقیقت‌پرستی ومخالفت با آداب متداول زمانه به‌قتل محکوم کردند واوبا دست‌خود جام شوکران را گرفت ونوشید و آنقدرشاگردان خود را موعظه کرد تا از پای درآمد .

سگ اصحاب کهف (تن) سگ شبانی که به‌دنبال اصحاب کهف

افتاد وهرچه خواستند اورا برانند ، برنگشت تا آنکه به زبان آمد وخدا پرستی خود را برایشان نمایاند . یاران از اودست بازداشتند واورا باخود به غاربردند .

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

سلامان وابسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن راظاهراً به‌سال ۸۸۵ به‌نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته‌است . اشخاص این داستان عبارت‌اند از پادشاه‌یونان ومردحکیم که‌معلم‌اوست وپسراوموسوم به سلامان‌ودایهٔ‌خوبروی‌اوبه‌نام«ابسال» . ابسال‌عاشق‌طفل‌شیرخوار خودیعنی سلامان‌می شودوهنگامی که‌سلامان به‌سن رشدمی‌رسددایه‌اورا به‌جادوئی فریفتهٔ‌خودمی‌سازد . حکیم که‌ازاین موضوع اطلاع می‌یابدبه‌وسیلهٔ‌قوهٔ‌مغناطیس سلامان‌را مجبورمی کندکه‌در قرارگاه‌خودباابسال‌تودهٔ‌عظیمی ازهیزم‌فراهم‌سازدوعاشق ومعشوق‌خودرا به‌آتش‌افکنند . درنتیجه‌ابسال بکلی سوخته وخاکسترمی شود و سلامان تندرست‌بیرون‌می‌آیدوپدرش‌تاج‌وتخت‌خود رابه‌اومی‌بخشد .(چاپ‌تهران)

سلخ (زحاف) (ع) سلخ درفاع لاتن آن است که دوسبب یعنی لا وتن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می‌ماند فاع ؛ وآن را مسلوخ گویند .

سلسبیل (تن) چشمه‌ای دربهشت :

ای رخت چون خلد ولعلت‌سلسبیل
سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

«حافظ»

سلسلة‌الذهب (ك) یکی ازمثنویهای هفت‌اورنگ‌مولاناعبدالرحمن

جامی که آن را به نام سلطان حسین بایقرا و به سبک حدیقهٔ سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتراول شامل شرح احادیث ومقالات صوفیه وائمه وبسیاری از مسائل عرفانی . دفتر دوم مشتمل برتحقیق دراقسام مختلف ووجوه گوناگون عشق مجازی وحقیقی وحکایتهائی برسبیل تمثیل . دفتر سوم مشتمل برحکایات شاهان وآئین ملک‌داری ونصیحت به سلاطین واشاره به فضایل ستوده و همچنین داستانهائی منسوب به اطباء مانند ابن‌سیناو گفتاری دربیان شعر وذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ت) سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بایقرا. وفات ۹۱۱—ازشاهزادگان گورکانی که‌ابتداتحت حمایت‌میرزا الغ بیک بود وچون وی و پسرش عبدالطیف به قتل رسیدند ، ابوسعید اورا به حبس افکند ، سلطان حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم‌بابر پیوست وبا او فرارکرد ودرسال ۸۶۲ استراباد را تسخیر کرد ودرآنجا به شاهی نشست. بعدازمرگ ابوسعیدسلطان حسین هرات را گرفت ودر سال ۸۷۲ به تخت نشست . سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند وعلم دوست بود ودورهٔ شاهی اوازجنبهٔ ادبی‌بسیارمهم است ، زیراکه دربار او درهرات مرکز علم وادب گشت وشاعران ونویسندگان به آنجا روآوردند و مورد تشویق‌او ووزیر دانش‌پرور او امیر علیشیر نوائی قرار گرفتند. سلطان حسین شخصاً علاقهٔ وافری‌به علم وادب داشت‌وکتاب «مجالس العشاق» به او منسوب است .

سام(ش—د)پسربزرگتر فریدون .چون‌فریدون کشورخود راتقسیم کرد،روم‌وخاور رابه‌سلم‌داد .سلم‌بابرادر خود تورهمدست‌شدو ایرج برادر

کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود ، کشت .

نخستین به‌سلم اندرون بنگرید همه روم وخاور مراورا گزید

«ازشاهنامهٔ فردوسی»

سلمان ساوجی (ت) جمال‌الدین سلمان بن علاءالدین ساوجی . وفات ۷۷۸ — از بزرگترین شاعران قرن هشتم . دراوایل عمر در خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد وزیرسلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶) بود . بعد ازسرك آن وزیر به دربار جلایریان یا شاهان ایلکان که در مغرب ایران وعراق عرب حکومت داشتند ، روآورد وشیخ حسن بزرگ مؤسس آن سلسله‌وزوجهٔ او دلشاد خاتون وسلطان اویس وسلطان حسین را مدح گفت .

سلمان شاعری‌است قصیده‌سرا وسی‌توان‌اورا بزرگترین شاعرقصیده سرای ایران بعد ازمغول وپیش ازعصر صفویه دانست . وی ازسبک متقدمان خاصه انوری تقلید کرده وبه منوچهری نیز نظر داشته است . درنعت خدا و رسول وائمه قصایدی دارد که پیش از او معمول نبوده است. سلمان درتغزل نیز استادی داشته ومورد توجه حافظ بوده است . درغزلهای‌سلمان‌مضمونهای تازه وتشبیهات نو فراوان است . گذشته از قصاید و غزلیات ترجیع‌بند وترکیب بندوقطعه ومثنوی نیز دارد .

ازآثار اوجز دیوان شعر ، مثنوی عشقی به‌نام «جمشیدوخورشید» است که آن را درسال ۷۶۳ به امرسلطان اویس سروده و«فراقنامه» که به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است .

سلیمان (تن) پسرداوود که‌خدای تعالی هم‌پیغمبری به‌او دادو هم‌پادشاهی وانگشتری‌داشت که‌اسم‌اعظم برآن‌نوشته بودتا به برکت آن آدم وپری ودیووحش وطیر وباد مطیع‌او بشوند . باد هرچه درقلمرو

شاهی او می گذشت به گوش او می رساند و تخت او را به هرجا که می خواست می برد .

چون سلیمان خبر قدرت بلقیس را در سبا شنید ، آهنگ جنگ با او کرد . بلقیس که دانست او پیغمبر است، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تا باد تخت بلقیس را بردارد و به درگاه او حاضر کند . بلقیس به سلیمان ایمان آورد و به همسری او درآمد .

پیش صاحبنظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که زملک آزاد است

«خواجوی کرمانی»

سمائی (ت) محمود بن علی سمائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی و اهل مرو . از احوال او چیزی در دست نیست . عوفی چند غزل از او نقل کرده و او را به هنر شعر ستوده است .

سماك اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر . ستاره ای بزرگ و روشن در جنوب سماك رامح که نزدیک آن هیچ ستاره نیست و از این رو به آن اعزل گویند و اعزل یعنی مرد بی سلاح . این ستاره درصورت «سنبله» است .

گاه با ضربت رمحی زسماك رامح

گاه با نکبت عزلی زسماك اعزل

«انوری»

سماك رامح (نج) ستاره ای است بزرگ در برابر بنات النعش ، و نزدیک آن دو ستاره است که آنها را «رمح» یا نیزهٔ سماك گویند

وزشهاب ناوك انداز وسماك نیزه دار

لشکر شروانشه صاحبقران انگیخته

«خاقانی»

سمک‌عیار (ك)ازقدیمترین نمونه‌های‌داستان پردازی درادبیات فارسی. این کتاب بسیار مفصل ودارای سه جلداست. مؤلف‌آن فرامرزبن خدا داد بن‌عبدالله‌الکاتب الارجانی است که درکتاب راوی قصه را به نام «صدقة بن‌ابی‌القاسم شیرازی» معرفی کرده است. زمان تألیف اصل قصه وجمع وتدوین روایت معلوم نیست ولی اشعاری از شاعران قرون‌پنجم‌وششم درآن‌نقل‌شده‌است‌وهمچنین از نامهای‌خاص‌ترکی که‌در متن کتاب آمده است می‌توان حدس زدکه تاریخ‌تدوین بیش ازاواخر دورهٔ سلجوقی نیست.

انشاء کتاب به زبان ساده است و برای سخنوری پرداخته شده. داستان‌سمک بسیارمشغول کننده است وپیداست‌که قرنها مایهٔ‌سرگرمی ونشاط مردم بوده است.

جزء اول کتاب با تصحیح ومقدمهٔ دکتر پرویز خانلری از روی عکس‌نسخهٔ‌یگانه آن که‌درکتابخانهٔ‌بودلیان‌اکسفوردضبط‌است‌درتهران چاپ شده است.

سنائی (ت) حکیم‌ابوالمجدمجدودبن‌آدم. وفات ۵۴۵ــ ازشاعران بزرگ قرن‌ششم. ابتدا به دربار غزنویان راه‌یافت ومسعودبن‌ابراهیم وبهرامشاه‌بن مسعود را مدح کرد وپس ازسفرخراسان وملاقات بامشایخ صوفیه ازدربار شاهان چشم پوشید وعزلت اختیارکرد و سفری به مکه کرد وبه سیاحت‌اغلب شهرها وبه معاشرت بارؤسای‌صوفیه‌پرداخت‌وبه حلقهٔ‌ایشان درآمد. بعد از سفرمکه چندی‌دربلخ وسرخس ومروونیشابور زیست ودرحدود سال ۵۱۸ به غزنین برگشت وتا پایان حیات درآنجا ماند. ازآثاراودیوان‌شعراست‌که‌شامل‌قصاید وغزلیات‌ومقطعات‌سی‌باشد. دیگر«حدیقة‌الحقیقة»،«سیرالعباد الی المعاد»،«طریق‌التحقیق»، «کارنامهٔ

بلخ» ومثنویهائی به‌نام عشقنامه، عقل‌نامه.

از ممدوحان سنائی ثقة‌الملک طاهربن علی وزیرسلطان مسعودبن ابراهیم وخواجه قوام‌الدین ابوالقاسم وزیر سنجر وعده‌ای ازرجال دیگر دربار غزنویان درخورذ کرند.

اشعار دورهٔ اول شاعری سنائی تحت‌تأثیر سبک فرخی ومسعود سعداست ودردورهٔ دوم که‌سنائی‌درعالم عرفان وارد شد مضامین‌مستقل واشعار عارفانه دارد. سنائی‌را می‌توان نخستین غزلسرای عارف‌ایران دانست که افکارواصطلاحات عرفانی رابامضامین‌عاشقانه آمیخته‌است. (دیوان سنائی- چاپ تهران)

سناد (ق) ازعیوب قافیه .اختلاف ردف است . مثال :

اگر از مادمی دوری گزینی کنی‌ناخوش به مابرزندگانی

سنبله (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه شکل خوشهٔ گندم . برج سنبله برابرماه شهریور است .

دست من جوزاو کلکم‌حوت ومعنی‌سنبله

سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من

«خاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمهٔ هند که به زبان پهلوی نقل شده ومسعودی وابن‌الندیم آن‌را ازاسمار واحادیث هندوان دانسته‌اند. این کتاب از جملهٔ کتابهای پهلوی بوده که به‌عربی ترجمه شده‌است.

ترجمهٔ فارسی‌این کتاب به امر امیر نوح‌بن منصور سامانی(۳۶۶ ـ۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس‌فناروزی انجام شده است و دوتهذیب ازسندبادنامه به‌پارسی صورت گرفته‌است. یکی‌ازشمس‌الدین محمدبن علی‌بن محمدالدقایقی‌المروزی شاعر اواخر قرن ششم ودیگری

از ظهیری سمرقندی .

انشاء خواجه عمید ابوالفوارس انشائی ساده بوده است ولی ظهیری آن را به نثری مزین باشواهد واشعار پارسی و تازی آراسته است وسندبادنامهٔ او از نمونه های نثر مصنوع قرن ششم به شمار می آید (چاپ استانبول) .

سنی ملوك الارض والانبیاء (تاریخ . . .)(ك) تاریخ معروفی تألیف ابوعبدالله حمزة بن الحسن الاصفهانی که درسال . ۳۵ به زبان عربی تألیف یافته وشامل ده باب ویک مقدمه است . مؤلف درمقدمه ازتقسیم زمین به هفت کشور وحدود هریک از آنها سخن می گوید . ابواب تاریخ هریک مخصوص یکی ازاقوام قدیم یعنی فارس ، روم ، یونان ، قبط ، اسرائیلین ، آل عجم ملوك عراق عرب ، غسان ، حمیر ، کنده ، قریش می باشد . تاریخ هریک ازاقوام باروایتهای مختلف درفصلهای جداگانه شرح داده شده است . مؤلف درتاریخ وارد جزئیات وقایع نمی شود ، ولی در درستی وقایع وسنوات تاریخ بسیار دقت می کند . سبک نوشتهٔ حمزه بسیار ساده و بی شاخ وبرك می باشد ومطالب مختصر است .

این کتاب از حیث اشتمال براطلاعات دربارهٔ ایران اهمیت بسیار دارد ومورد استفادهٔ مورخان بعد از عصر مؤلف قرار گرفته است .

سؤآل و جواب (ب) آن است که شاعر کلامی مشتمل برپرسش وپاسخ بیاورد .

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید

گفتم که ماه من شو ، گفتا اگر برآید

«حافظ»

سودابه (ش ـ د) اززنان داستانی شاهنامه ودخترشاه هاماوران که کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد ، رستم کاووس را

رهائی داد واوباسودابه به‌ایران آمد، اماسودابه بعدهاعاشق سیاوش پسر کاووس شد وچون نجابت وخود داری سیاوش را دید ، پیشدستی کرد واورا نزد کاووس متهم ساخت .

سوزنی (ت) شمس‌الدین تاج الشعرا محمدبن علی سوزنی. وفات ۵۶۲ — ازشاعران معروف قرن ششم .مولدش سمرقند است وتحصیلات خودرا دربخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . سوزنی ازشاعران هجا پرداز می‌باشد که درهجومعانی خاص ومضمونهای تازه بکار برده وبابعضی ازشاعران زمان خود مانند عمعق وسعزی وادیب صابر و رشیدی سمرقندی مهاجات داشته است . سوزنی قصاید فصیح وروان دارد و می گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست برداشته واستغفار کرده است . (دیوان سوزنی - چاپ تهران)

سومنات (ت) بتکده‌ای معروف درهند که‌سلطان محمود غزنوی آن را فتح کرد وبتهایش را شکست .

سها (نج) ستارهٔ کوچکی دردب اصغر ، این ستاره‌به‌کم نوری مثل است و گاهی تیز چشمی کسان را بدان می‌آزمایند :

سها در جلوه گاه خود نمائی است
به مهرش دعوی صاحب‌ضیائی است

«میرزانصیر»

سهراب (ش - د) از پهلوانان‌شاهنامه وپسر رستم . داستان پهلوانیهای او درجنگ باپدر معروف است . پدر وپسرناشناس برابرهم درآمدند. هیچیک دیگری را نشناخت ، پدر پیر باپسرجوان زورآزمائیها کرد. یک بار رستم پشتش بر زمین‌آمد ، اما با نیرنگ از چنگ‌سهراب رهاشد. و باردوم رستم پسر را برزمین زد وباخنجر جگرگاه اورا شکافت

و چون بازوبندش را دید واورا شناخت، کس نزد کاووس به جستجوی نوشدارو فرستاد . کاووس از دادن نوشدارو خود داری کرد و سهراب جان سپرد . مثل « نوشدارو پس ازمرگ سهراب » اشاره به این قسمت از سرگذشت اوست.

سهروردی (ت) شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرك السهروردی . مقتول ۵۸۷ — معروف به شیخ اشراق ازبزرگترین فیلسوفان ایران است . در شهر سهرورد متولد شد ونزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخررازی حکمت وفقه آموخت ودرفنون فلسفه استاد گشت و چون دربعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکار می‌برد ، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب صلاح‌الدین ایوبی ، فرمانروای مصر وشام را به قتل او وادار سازند .

شهاب‌الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق درآثارش به کمال رسیده است . مجموع ٤۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که معروفتر ازهمه کتاب «حکمة‌الاشراق» و«رساله فی اعتقاد الحکما» و«قصة‌الغربة‌الغریبه» است (این سه کتاب به همت هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به زبان فرانسه درسال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگر کتاب تلویحات ، کتاب‌المشارع والمطاوحات ، رسالهٔ عقل سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رسالة‌العشق به نام مونس العشاق، باشرح فارسی وهمچنین لغت‌موران ، صفیرسیمرغ ، ترجمهٔ رسالة‌الطیرابن سینا، رسالة فی حالة‌الطفولیه (به همت دکتربیانی درتهران چاپ‌شده‌است) رسالهٔ آواز پرجبرئیل است .

سهل بن هارون دشت میشانی (ت) ازنویسندگان ایرانی قرن سوم

واز شعو بی‌مذهبان متعصب. تصانیف متعدددارد ازجمله کتاب دیوان الرسائل و کتاب تدبیرالملک والسیاسة و چند داستان ادبی.

سهیل (نج) ازستارگان قدر اول

ازاوج حق یقین توتابنده چون سهیل
بردیو شرک تیرتو بارنده چون شهاب

«ابوالفرج رونی»

سیاست نامه (ک) ازمهمترین آثارادبی زبان فارسی دردورهٔ سلجوقی تألیف ابوعلی حسن بن علی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک که آن را به دستورملکشاه سلجوقی تألیف کرده است.

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر ملک‌داری است، دربارهٔ عدل و سیرت نیکو واستقصاءازحال وزیران ودبیران وقضاة وبرگزیدن جاسوسان ومشورت بادانایان وروش لشکرداری وحقگزاری وغیره. مؤلف درابتدای هرفصل مطالبی مبنی برنصیحت واندرز و راهنمائی شاهان می‌آورد و حکایتهائی به عنوان شاهد ذکر می کند که اغلب جنبهٔ تاریخی دارد واگرچه منظور نویسنده جمع‌آوری اطلاعات تاریخی نیست، لیکن آنچه در بارهٔ تشکیلات سیاسی و کشوری ایران قبل از مغول ذکرمی کند، بسیارسودمند است. نظام الملک چون مرد سیاسی ودرباری بوده واز رموز مملکتداری مطلع بوده است، بهتراز دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد وچنانکه خود او می گوید درکتابش هم پنداست وهم مثل وهم تفسیر قرآن وهم اخبار رسول وقصص انبیاء و هم سیرت وحکایات شاهان.

نثرسیاستنامه بسیارروان وساده‌است وعبارتهایش ازلغات نامأنوس خالی می‌باشد.

سیاقةالاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را درپی یکدیگر در شعر قرار دهد .

اسب و گهر وتیغ بدو گیرد قیمت
تخت و سپه و تاج بدو یابد مقدار

*

سال وفال ومال وحال واصل ونسل وتخت وبخت
بادت اندر هر دو گیتی بر قرار و بردوام

سیاوش (ش-د) از پهلوانان شاهنامه .پسر کاووس . سیاوش نزد رستم بزرگ شد وهنر آموخت‌وچون به‌درگاه پدر بازگشت سودابه زن کاووس عاشق اوشد . سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سرباز زد . ازاین روسودابه به‌او کینه‌ورشد و شوهررا براو بدبین ساخت . سیاوش پس از رنجهائی که ازاین عشق ناپاک کشید ، به دستورپدربه جنگ باتورانیان رفت،اما باافراسیاب صلح کرد .و کاووس پس ازشنیدن این خبر براو خشمگین شد وپسررا سرزنش کرد . سیاوش از بیم پدر درسرزمین توران ماند ونزد افراسیاب تقرب یافت وفرنگیس دختر اورا به زنی گرفت . گرسیوز برادر افراسیاب که‌برسیاوش حسدمی‌بردافراسیاب را براو بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان‌افراسیاب، سیاوش‌را کشتند .

سیدحسن غزنوی (ت) رجوع شود به حسن غزنوی

سیرهٔ‌جلال‌الدین‌منکبرنی یا تاریخ جلالی(ك) تاریخی به زبان عربی تألیف محمد بن احمدبن علی بن المنشی النسوی دبیرسلطان جلال‌الدین خوارزمشاه که‌آن‌را درسال ۶۳۹ تألیف کرده است. موضوع کتاب‌تاریخ کاملی ازاوضاع ایران درزمان‌آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال‌الدین منکبرنی و هجوم تاتاراست. مؤلف پیش ازشروع به ذکر

حوادث مغول از کشور چین وحدود وثغور آن وقبیلهٔ چنگیز واقامتگاه مغول سخن می گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه واتابکان وسعد بن زنگی و کسانی که با دربار خوارزمشاه ارتباط داشته‌اند می پردازد ودراین قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال الدین را بطور مشروح بیان می کند ودرضمن از مأموریتهای خود و مصاحبتهای خود باسلطان و جدائی از او سخن می گوید و احوال سلطان را در هنگام حملهٔ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می دهد . مؤلف سوء تدبیر امیران وتأثیرش رادرایجاداین وقایع یادآوری می کند. نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است ومؤلف درمیان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکر می کند ونکته های حکیمانه‌ای تذکر می دهد .

کتاب سیرهٔ جلال الدین تاریخ ذیقیمتی است که مؤلف همهٔ وقایعی را که خود به چشم دیده وحتی درآنها دخالت داشته ، نقل می کند . این کتاب بوسیله محمد علی ناصح به فارسی ترجمه شده است .

(چاپ تهران ۱۳۲٤)

سیر العباد الی المعاد (ك) منظومه‌ای ازآثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرك قرن ششم که آن را درسرخس به نام سیف الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است . شاعر دراین منظومه از خلقت انسان وعقل ونفس ومباحث اخلاقی سخن گفته است

(چاپ تهران)

سیر الملوك (ك) رجوع شود به «خداینامه»

سیف اسفرنگی (ت) مولانا سیف الدین الاعرج . وفات اواخر قرن ششم – ازشاعران قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان ، اصلش ازاسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم

رفته وبه خدمت اورسیده است. وی معاصر مجیر بیلقانی وضیاءالدین خجندی بوده وبا ایشان مشاعره ومعارضه داشته است.

ازممدوحان اوسلطان سنجرسلجوقی، وخسروملک غزنوی وتاج الدین محمودخان بن محمدارسلان خوارزمشاهی می باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمهٔ آخر قرن ششم، مداح سلطان تکش (۵۶۸ – ۵۹۸) قصیده‌ای نیزدرمدح شاه محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس قیس ابیاتی ازاو که درهرمصراع سنگ وسیم راالتزام کرده درالمعجم آورده است قصاید وغزلیات مصنوع داردوچند غزل از اودرلباب الالباب آمده است.

سیمرغ (ش – د) پرنده‌ای افسانه‌ای که بنابرداستان شاهنامه زال پسرسام را ازکوه البرز برگرفت وبا جوجه های خود پرورش داد. پس ازچندی سام براثر خوابی که دیده بود به دنبال پسرآمد. سیمرغ زال را به سام سپرد وپری از خود به او داد تا درهنگام لزوم به‌آتش افکند واو را به کمک بخواهد. سیمرغ به این ترتیب درجنگ رستم واسفندیار به خواهش زال به یاری رستم شتافت وبه تدبیر او اسفندیار به‌دست رستم کشته شد.

درمنظومهٔ «منطق الطیر» عطارسیمرغ به‌عنوان شاه مرغان وتمثیلی از وحدت وجودآمده که مقر او درکوه قاف است ومرغانی که به طلب او می‌روند، پس از رسیدن به مقصود درمی‌یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست زیرا که از همهٔ مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنهاسی‌مرغ به‌مقصد رسیدند وغرض ازسیمرغ همان‌سی‌مرغ بوده است.

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه طوریعنی کوهی که موسی برای

مناجات برسرآن می‌رفت ، درآن واقع است .

آشنای طور سینا موسی عمران بود
تا که ازمعجزعصادردست‌او گرددچو مار

«امیرمعزی»

ش

شاپور (ش - ت) شاپور اول پسر اردشیر بابکان از دختر اردوان که تا هفت سالگی پدر از وجودش بیخبر بود و آخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود، اورا نزد پدر آورد. شاپور روزی به شکار رفت، در باغی دختری دید که برسر چاهی دلو سنگینی را که دیگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند، به آسانی بیرون کشید. چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرك نوش‌زاد، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند. شاپور دختر را به زنی گرفت و از او پسری به نام هرمز یافت. شاپور سی سال شاهی کرد و در زمان او میان ایران و روم جنگی در گرفت که به شکست رومیان انجامید.

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراء النهر می‌زیسته است. از این شاعر اشعار بسیاری نمانده است ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام اورا درشعر آورده است و بعضی از اشعار او در کتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است.

شاه‌ابورجا (ت) حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی. وفات درحدود ۵۹۸-از شاعران قرن ششم. اورا معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند ومدح بهرامشاه درقصایدی که‌ازاو باقی مانده‌دیده‌می‌شود. از احوال او اطلاع صحیحی دردست نیست واشعاری از او درتذکره‌ها

باقی است .

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منثور یا منظومی اطلاق می‌شود که در شرح تاریخ و داستانهای ملی ایران نوشته شده باشد . شاهنامه نویسی در قرون اولیهٔ اسلام مورد توجه عده‌ای از دانشمندان و امیران وسرداران ایرانی خاصه رجال قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهائی به تقلید خداینامه وسیرالملوك ابن مقفع ومحمدبن جهم برمکی وزادویه پسر شاهویه نگاشته شد . نام شاهنامه هم درست ترجمه « خوتای نامک» پهلوی است. اصل خدای نامه وترجمهٔ آن یعنی سیرالملوك در دست نیست .

از شاهنامه های منثور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤید بلخی شاعرونویسندهٔ ایرانی در آغاز قرن چهارم نوشته است واصل آن در دست نیست . اما در کتابهای تاریخی قرون بعد، از آن کتاب وداستانهایش یاد شده است .

دیگر شاهنامهٔ ابوعلی بلخی است که آن نیز منثور بوده است . چنانکه از گفتهٔ ابوریحان در کتاب «آثارالباقیه» مستفاد می‌شود شاهنامهٔ ابوعلی کتابی معتبر ومستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی برروایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامهٔ ابومنصور محمدبن عبدالرزاق است . ابومنصور محمدبن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خود را به شاهان قدیم ایران می‌رساند وبراثر تعصب نژادی وعلاقهٔ بسیار به ایران به تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند ودرطوس گردآورد وبه تدوین شاهنامه برگماشت .

این شاهنامه از شاهی کیومرث تا یزدگرد شهریار آخرین شاه

ساسانی است وتاریخ تألیف آن ۳٤٦ هجری می‌باشد . مآخذ ومدارك این شاهنامه کتابهاودفترهای قدیم‌وبعضی روایتهای‌شفاهی بوده است. این کتاب مأخذاصلی واساسی فردوسی درنظم شاهنامه قرارگرفته‌است.

دیگر شاهنامهٔ منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن در دست نیست .

دیگرشاهنامهٔ دقیقی یا گشتاسب‌نامه است.ظاهرا دقیقی‌شاهنامه را به امرنوح بن منصور (۳۸۷-۳٦٥) به‌رشتهٔ‌نظم کشید. این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت وداستان جنگ گشتاسب وارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای‌حماسه ونشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم‌فردوسی درنظم شاهنامه بشود.

شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین منظومهٔ‌حماسی و تاریخی ایران‌بلکه جهان است . فردوسی درجوانی علاقهٔ فراوانی به‌نظم داستانهای کهن داشت وپس از آنکه گشتاسب‌نامهٔ دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار اورا دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه‌ای از شاهنامهٔ منثورابومنصوری به دستش داد واوباشوق عظیم کار را شروع کرد . تاریخ شروع شاهنامهٔ فردوسی درحدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ وتاریخ اتمامش درحدود ٤۰۰ هجری است وفردوسی خود به سی‌سال رنجی که درنظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار درآن تجدیدنظر کرده بعضی ابیات را تصحیح کرده یاچیزی برآن افزوده است . فردوسی درنقل داستانها امانت‌بسیار به‌کاربرده است وهرگز احساس وتعصب شخصی را دخالت نداده‌وبه

جعل داستانی نپرداخته‌وبه حماسهٔ ملی ایران دست نبرده‌ودراصل مطالب تصرفی نکرده است ، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی‌نشان داده است .

مهمترین مأخذ فردوسی در نظم این کتاب شاهنامهٔ ابومنصوری است ولی دربعضی از داستانهای منفرداز شاهنامهٔ ابومنصوری استفاده نکرده‌است . مانند داستان بیژن ومنیژه ، رزم رستم واکوان دیو،داستان رستم وسهراب . فردوسی داستانهای پراکنده‌ای‌به دست آورده و آنها را بنظم کشیده و درجای جای شاهنامه گنجانده است .

موضوع شاهنامه‌تاریخ ایران قدیم است ازآغاز تمدن نژادایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه رابرسه قسمت می‌توان تقسیم کرد: ۱— دورهٔ افسانه‌ای . ۲— دورهٔ پهلوانی . ۳— دورهٔ تاریخی .

۱- دورهٔ افسانه‌ای . یعنی عهد کیومرث وهوشنگ وطهمورث‌و جمشید وضحاك تاظهور فریدون . این دوره عهد پی بردن به خوراك وپوشاك ومسکن وپیدایش آتش‌وآموختن زراعت‌وپیشه‌است . دراین‌دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست . مطالب در نهایت‌اختصار است . شاهنامه‌تا اواخر عهدضحاك بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲- دورهٔ پهلوانی - این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود و به قتل رستم وسلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت‌حماسهٔ واقعی ملی ایران است : دراین دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوهٔ آهنگر ، گرشاسب ، سام ، نریمان دیده می‌شوند .

جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است . رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن ، فرامرز ، سهراب ، گیو دراین دوره دیده می شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط به‌این عهد است . از قبیل داستان رستم وسهراب . رستم وافراسیاب، هفتخوان رستم، رزم هاماوران، داستان سیاوش ، کیخسرو، بیژن ومنیژه، جنگ کیخسرووقتل افراسیاب، دل بر کندن کیخسرو ازجهان‌وناپدیدشدن او، داستان‌رستم و اسفندیار وامثال آن . این دوره راباید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات‌وحوادث خارق‌العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص‌واعمال تاریخی جای افراد خارق العاده و اعمال پهلوانی را می گیرد . دورهٔ تاریخی‌شاهنامه از عهد دارای داراب شروع می‌شود . تاریخ اشکانیان درشاهنامه بسیار به‌اختصار ذکرشده است . نخستین داستان این دوره ازشاهنامه داستان اسکندر است . بعداردشیربابکان، شاپور ذوالاکتاف، بهرام گور ، هفت بزم نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسروشیرین وغیره . اغلب این داستانها جنبهٔ تاریحی دارند واشخاص این داستانها افراد معمولی هستند نه خارق‌العاده .

دراین قسمت غیر از جنگها ازحوادث دیگر از قبیل ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی ، جشن ، روابط میان دربارهای شاهان وجشنها یاد می‌شود .

شاهنامه درحفظ غرور ملی واحیای مفاخر گذشتهٔ‌ایران اثر بسیار

مهمی داشته است. بعدازشاهنامه عدهٔ بسیاری تحت تأثیرآن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. درقرون‌اخیر شاهنامهٔ‌فردوسی درهمه‌جای دنیا موردتوجه‌قرار گرفت‌وازآن ترجمه‌های مختلف به عمل آمد.

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است. چنانکه در توصیف میدانهای‌جنگ‌ولشکرکشی وجنگهای تن به‌تن ووصف‌شجاعت وسردانگی وجنگجوئی ودلاوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می گوید که‌خواننده‌همهٔ آنها را پیش‌چشم‌می‌بیند. شاهان‌وشاهزادگان همه بافرو شکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند. در شاهنامه علاوه برداستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی‌زیبایی برمی‌خوریم که‌به‌رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است. داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن وسودابه و سیاوش از بزرگترین‌و زیباترین داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه است. درشاهنامه اشارات اخلاقی ونصایح نیز دیده می شود. پندها اغلب در پایان داستانها وهنگام قتل و مرك اشخاص آمده است.

بیان فردوسی بسیارساده وروان ودرعین حال متین واستواراست واگرچه‌درشاهنامه به‌صنایع لفظی‌برمی‌خوریم ولی این صنایع ازروانی شعر نمی کاهد. شاهنامه علاوه برزنده نگهداشتن تاریخ ایران‌به‌زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده و دربارهٔ سبك شعر و زبان آن کتابها می‌توان تألیف کرد.

شبستری (ت) سعدالدین محمودبن عبدالکریم شبستری. وفات ۷۲۰— ازعارفان بزرك قرن هفتم واوایل قرن هشتم. وی در قریهٔ شبستر نزدیك تبریز متولد گشته وظاهراً همهٔ عمر رابا‌آرامش درهمان

شهر یا نزدیک آن بسربرده وهمانجا وفات یافته است . شهرتش درعهد الجایتو وابوسعید بود وازجملهٔ فاضلان وبزرگان متصوفه بشمار می‌آمد چنانکه ازهرجا برای پرسیدن مسائل فلسفی وعرفانی به حضورش می رسیدند . ازآثار معروف او مثنوی« کلشن راز» است درتصوف. دیگر رسالهٔ «حق الیقین» و رسالهٔ «شاهد» است. رسالهٔ «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیزبه او منسوب است .

رسالهٔ حق الیقین و مرآت المحققین درمجموعهٔ عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است .

شبدیز (ش - د) نام اسبی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود

اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی نیز گلگون را رگی هست

«نظامی»

شاه نعمة‌اله‌ولی (ت) رجوع شود به نعمةالله کرمانی

شاهی (ت) امیرآق ملک بن ملک جمال‌الدین وفات ۸۵۷— از غزلسرایان قرن نهم که درخدمت بایسنقر میرزا پسر شاهرخ می‌زیست، مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت . غزلهای لطیف از او باقی است .

شبانکاره (ت) محمدبن علی شبانکاره از مورخان وشاعران قرن هشتم ومعاصر ابوسعید. اثر معروف او کتاب « مجمع الانساب » است درتاریخ عموسی عالم .

شبان وادی ایمن (تن) کنایه از موسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد ودختر اورا بزنی گرفت .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چندسال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شب قدر یا لیلة القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده است و گویا شب بیست و هفتم است.

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است

«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) وفات ۱۳۳۲ — از نویسندگان نامی هندوستان که درسال ۱۲۷۰ هجری درهند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ وفلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است. شبلی سفری به مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعهٔ کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هند به استادی زبان فارسی وعربی «کالج علیگره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت، پس از آن به حیدرآباد دعوت شد وبه سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی درلکنهو به او واگذار شد و درآنجا خدمتهای ذیقیمتی انجام داد.

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو وفارسی وعربی دارد که از همه معروفتر کتاب «شعرالعجم» به زبان اردواست. شبلی علاوه برمقام نویسندگی واحاطهٔ برزبان فارسی وعربی شعر نیز می‌سرود و به فارسی صاحب دیوان می‌باشد.

شب یلدا (نج) شب اول دی که درازترین شبهای سال است.

همه شبهای غم آبستن روزطربست

یوسف روز به چاه شب یلدا بینند

«خاقانی»

شَتْر (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم ویاء که می‌ماند فاعلن وان را اَشْتَرخوانند

شرح اشارات(ك) کتابی ازخواجه نصیردرتفسیراشارات ابوعلی سینا درمنطق وحکمت که ، پیش ازخواجه نصیرالدین، امام فخررازی برآن شرح نوشته و درضمن اعتراضاتی برابوعلی سینا وارد ساخته بود. خواجه نصیرطوسی درشرح اشارات آن اعتراضات رارد کرده است.

شرح مشکلات دیوان انوری (ک) عدهٔ بسیاری از نویسندگان دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری شرح نوشته‌اند ، از آن جمله است که بوسیله ابوالحسن حسینی فراهانی(مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته است . مؤلف معاصر وزیر امامقلیخان حاکم فارس بوده ودرحدود سال ۱۰۱۵ این کتاب را تألیف کرده است . (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (نج) رجوع شود به قدر

شرف الدین حسام(ت)حسام الائمه محمدبن ابوبکر نسفی ازدانشمدان معروف قرن ششم . درانواع علوم دینی استاد بوده و هرروز آدینه مجلس وعظ داشته که درآن اشعار زیبائی می‌خوانده است . قصیده‌ای دارد باردیف «نشکند» درمدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلچ طمغاج خان از سلاطین خانیهٔ ماوراءالنهر . این قصیده در زمان حیات شاعر معروف شده است .

شرف الدین شفروهٔ (ت) ازشاعران نیمهٔ دوم قرن ششم . اهل

شفروهٔ اصفهان می‌باشد و درخدمت اتابک شیر گیربرادر اتابک ارسلان آبه از سران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است. تذکره‌نویسان اورا ملک‌الشعراء اتابک شیر گیر دانسته‌اند. هدایت دیوان اورا درهشت هزار بیت دانسته است.

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان وشاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی توسط خواجه غیاث الدین محمد به‌خدمت الجایتو رسید و بیشتر نوشته های خودرا به نام خواجه غیاث‌الدین محمد واتابک نصرة الدین احمدشاه لرستان تألیف کرده‌است.

از آثار معروف او «تاریخ معجم فی آثار الملوك العجم» است درذکر مآثر شاهان قدیم ایران. دیگر «الترسل النصرتیه» درفن انشاء وبیان سخن و شناختن ارباب سخن. شرف الدین فضل‌الله در نثراز پیروان «وصاف» است.

شرف‌الدین علی یزدی (ت) وفات ۸۵۸ — از ادیبان وشاعران اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می کرده‌ودرفن معما سرائی زبردست‌بوده است. عمدهٔ شهرت شرف‌الدین درزمان شاهرخ (۸۰۷—۸۵۰) می‌باشد وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است. هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان درفارس واصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوری برگزید شرف‌الدین به درخواست‌اوبه‌نوشتن «ظفرنامهٔ تیموری» پرداخت. وقتی که شاهرخ به‌اصفهان تاخت، برشرف الدین بدگمان شد و اورا به سمرقند فرستاد و اوپس از مرگ‌شاهرخ به یزد برگشت ودرقریهٔ تفت ساکن شد.

ازآثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است درتاریخ تیمور.

شریف‌جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

شست‌کله (ت) امیرالشعرا شمس الدین احمدبن منوچهر شست کله. ازشاعران معروف قرن ششم وازدرباریان‌سلطان طغرل‌بن‌ارسلان. عنوان شست‌کله را به خطا به‌منوچهری دامغانی نیزنسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس‌الدین که منوچهر بوده پیش آمده‌است.

ششتری (ت) سید نورالله‌بن شریف‌المرعشی‌شوشتری. مقتول ۱۰۱۹- از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها ازطرف اکبرشاه سمت‌قضاوت لاهوروپنجاب‌را داشته است. کتابهایش بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله‌درزمان جهانگیرشاه به جرم ثبات عقیده درمذهب شیعه به قتل رسید.

شطرنجی (ت) دهقان‌علی شطرنجی از شاعران‌بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم درماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آل خاقان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است درپندواندرز.

شعر (ب) سخن موزون ومقفی را می گویند.

شعرای‌شامی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اصغر یاکلب مقدم است. شعرای شامی وشعرای یمانی را شعریان گویند:

چوپاسی ازشب دیرنده بگذشت

برآمد شعریان ازکوه موصل

«منوچهری»

شعرای‌یمانی (نج) ازکواکب ثابت‌که بردهان کلب اکبریا

کلب الجبار است.

شعر العجم(ك) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔمبرز قرن اخیرهندوستان که آن‌را به زبان اردو درحدود سال ۱۳۲۰ هجری تألیف کرده است. موضوع کتاب شعر وشاعری درایران است ومؤلف آن‌را به سه دوره تقسیم کرده‌است. دورهٔقدما که ازحنظله شروع می‌شود وبه نظامی ختم می گردد. دورهٔ متوسطین که ازکمال‌شروع می‌شود وبه جامی ختم می گردد. دورهٔ متأخرین که از بابافغانی شروع می‌شود وبه ابوطالب کلیم ختم می‌شود. نویسنده دربخش چهارم و پنجم به نقد شعر وتقریظ وانتقاد به‌شعر وشاعران می‌پردازد.

این کتاب بوسیله سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی در ٥جلد به فارسی ترجمه وچاپ شده است.

شعیب (تن)از پیغمبران، که چون رسالت خود را برمردم آشکار کرد عدهٔ بسیاری براو ایمان نیاوردند. خدای‌تعالی برایشان عذاب فرستاد و گرما را برایشان مسلط کرد. کافران به صحرا رفتند وبه زیر سایهٔ ابری پناه بردند، اما از ابرآتش بارید وهمه راسوخت‌جزمؤمنان‌را. شعیب موسی‌را، که‌ازمصر گریخته بود، پناه داد ودربرابر دوسال‌شبانی او بجای کابین، دختر خود را به او داد.

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که‌چندسال به‌جان خدمت‌شعیب کند

«حافظ»

شغاد (ش-د)پسرزال که از کنیزکی خواننده به وجودآمده‌وبه بدخوئی وستیزه‌جوئی معروف بوده است. زال اورا به درگاه شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد. چون شاه کابل رشادت اورا دید،دختر

خودرا به او داد وخواست تا از باژ دادن به رستم سرباز زند ، به‌این سبب باهمدستی شغاد ، چاهی در نخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم ورخش وهمراهان او را درچاه افکند وبه‌این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد.

شفاء (ك) یکی ازمهمترین آثاردانشمندبزرگ‌ابوعلی‌سینا به زبان عربی‌شامل چهارقسمت: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات . هریک ازاین قسمتها به مقالات وفصول تقسیم می‌شود .

منطق شامل نه فن وطبیعیات شامل هشت فن وریاضیات شامل چهار فن والهیات شامل ده مقاله است .

شفائی (ت) حکیم شرف‌الدین حسن .وفات۱۰۳۷ – طبیب وندیم شاه عباس اول که علاوه برطبابت‌ذوق شعر داشته ودرهزل استاد بوده است وغزلیات ورباعیات ازاو باقی‌است ومثنوئی دارد به نام «نمکدان حقیقت» که آن را به تقلید «حدیقةالحقیقه» سنائی ساخته است. صائب دراشعار خود نام شفائی را با ادب واحترام ذکر می کند .

شکل (زحاف) (ع) درفاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی حذف الف‌ونون .می‌ماندفعلات؛ وآن را مشکول گویند . درمس تفع‌لن حذف نون وسین است که می‌ماند متفعل بجای آن مفاعل می گذارند؛ وآن را مشکول خوانند .

شمس خاله (ت)عمدةالملک‌شمس‌الدین محمدبن‌مؤیدالحدادی البغدادی. ازشاعران نیمهٔ‌دوم قرن ششم ومداح سلاطین آل‌افراسیاب . اورا شاگرد سوزنی دانسته‌اند و ضیاءخجندی سخنان فصیح وخط‌زیبای اورا ستوده است .

شمس طبسی (ت) امام شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی

وفات درحدود ۶۲۶ — از شاعران ایران در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. وی مداح نظام الملک تاج الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند است وجزاو امیران و بزرگان دیگر ماوراءالنهر را نیز مدح کرده است. شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده است. دیوان شمس طبسی درحدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید ، غزلیات رباعیات ، مقطعات است. شمس به آوردن ترکیبات خاص و مضمونهای دقیق توجه داشته است ولی چون در جوانی درگذشته اشعار فراوانی ازخود باقی نگذاشته است.

شمس فخری (ت) شمس الدین محمد بن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق اینجو. شمس فخری در سال ۷۴۰ کتابی در لغت فارسی به نام «معیارجمالی» نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است. این کتاب دارای چهار جزء است: درعروض، قافیه ، بدایع الصنایع ،لغات زبان فارسی.

شمس قیس رازی (ت) شمس الدین محمد بن قیس الرازی. وفات اواسط قرن هفتم — از دانشمندان قرن هفتم هجری. وی اهل ری بود ولی مدتی دراز در ماوراءالنهر وخراسان وخوارزم اقامت کرد وبعد در فتنهٔ مغول وآشوب وانقلاب ایران مدت هفت هشت سال درشهرهای مختلف عراق بسربرد ویکی دوبار اسیر شحنگان مغول شد و درالتزام رکاب سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه شهربه شهر می گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد وبه خدمت اتابک سعد بن زنگی رسید. اتابک وی را با اکرام پذیرفت وپس از مدتی از جملهٔ ندیمان خاص خود گردانید وپس ازاو اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همان مقام را دردربار خود به او داد. ازآثار شمس قیس کتاب «المعجم فی معائیر الاشعار العجم»

و «المعرب فی معائیر الاشعارالعرب» و کتاب « الکافی فی العروضتین والقوافی» که گویا اصل دو کتاب فوق می باشد . «المعجم» به تصحیح مرحوم محمد قزوینی وسپس به تجدید تصحیح و تحشیهٔ مدرس رضوان چندبار چاپ شده است. اماازدوکتاب دیگرنشانی نیست.

شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ت)وفات ۴۰۳-

از امیران خاندان زیاری واز ادیبان معروف که درنظم ونثر تازی دست داشته‌است. شمس المعالی درعصرعضدالدوله حکومت گرگان راداشت ولی با فخرالدوله که از ملک پدر بی بهره شده ، برضد عضدالدوله برخاست درسال ۳۷۰ ازاو شکست خورد و به خراسان پناه برد وتا سال ۳۸۸ یعنی هیجده‌سال درنیشابور درپناه غزنویان‌ماند ودرسال ۳۸۸ به گرگان بازگشت . سرانجام‌درسال ۴۰۳ بوسیلهٔ مخالفان که باپسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد .

از آثار معروف او « کمال البلاغه» است که شامل مجموعه‌ای ازرسائل اوسی باشدوقطعاتی ازاشعارفارسی‌وعربی نیزازاوباقی مانده است . گنبدقابوس که قبر شمس‌المعالی‌است وبوسیلهٔ خود اوساخته شده‌است از مهمترین ساختمانهای ایران درقرن چهارم هجری محسوب می‌شود .

شواهدالنبوة (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۰ به خواهش امیر علیشیرنوائی‌تألیف کرده است. این کتاب‌مشتمل بریک مقدمه وهفت‌رکن ویک خاتمه است . دربیان شواهد ودلایل قبل از ولادت پیغمبر ، وقایع بعد از تولد تا بعثت ،وقایع از بعثت تا هجرت ، وقایع از هجرت تا وفات ، تفصیل‌وقایع بعد ازوفات . دربیان شواهد ودلایلی که‌بواسطهٔ اصحاب وائمه به‌ظهورپیوست، شواهدی که درزمان تابعین یااتباع ایشان‌به ظهوررسیده است.

انشاء کتاب ساده وخالی از تکلف وعبارت پردازی است .

شهاب (نج) سنگها و اجرام فلکی که به سطح زمین می‌افتند وبراثر تماس باجو مشتعل می‌شوند وشبها درآسمان مانند تیرشعله وربه چشم می‌آیند . قدما می‌پنداشتند که شهاب تازیانهٔ آتشینی است که فرشتگان شیطان وديوها را باآن ازآسمان می‌رانند .

دیو ازشهاب گشته گریزان برآن مثال

چون خصم منهزم زسنان خدایگان

«انوری»

شهاب ترشیزی (ت) عبدالله . وفات ۱۲۱۵ — ازشاعران قرن دوازدهم ومعاصر فتحعلی شاه قاجار که باآذر وصباحی دوستی داشته است . شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی‌شاه را داشته وپس ازآن گوشه گیری اختیار کرده وبه تصوف پرداخته است . ازآثار او جز دیوان شعر مثنویهائی است به نام خسرو و شیرین ، یوسف وزلیخا ، بهرام‌نامه ، عقد گهر .

شهاب ثاقب (نج) رجوع شود به شهاب

دست تو سپهرنوربخش است کلک تو در او شهاب ثاقب

«جمال‌الدین اصفهانی»

شهاب‌الدین سهروردی (ت) رجوع شود به سهروردی

شهاب مؤید (ت) شهاب الدین احمدبن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن‌ششم ومداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان مسعود ازشاهان خانیه . ازاحوال او اطلاع کافی دردست نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بوده واورا هجو کرده‌است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) امام ابوالفتح تاج‌الدین محمدبن عبدالکریم

شهرستانی .وفات ۵٤۸ –ازفاضلان ومتکلمان معروف ایران که درفقه‌وعلم الادیان صاحب تحقیق می باشد . اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیک نسااست . شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی ، قاضی‌طوس، وابونصرقشیری‌وابوالحسن علی‌بن‌احمدمدینی‌محدث‌بزرگ، علم‌آموخت وازمشاهیر عصرخود گشت .مدتی درخوارزم زیست .سپس‌به بغدادرفت وپس از بازگشت‌همهٔ عمر را درخراسان گذراند .مدتی درخدمت‌سلطان سنجر بود وسرانجام درمولد خود شارستان درگذشت .

از آثار معروف شهرستانی کتاب «الملل والنحل» کتاب«المناهج والایات» و«المصارعة»است که در رد برمسائل‌الهی ابن‌سینا نوشته‌شده است . دیگر کتاب«نهایةالاقدام»درعلم کلام است . علاوه براینها شهرستانی دارای مجالسی بوده‌است که درسفرها ترتیب‌می‌داد .ازجمله مجلس وعظی است که درنظامیهٔ بغداد داشت. این‌مجالس اغلب‌ضبط شده و یکی ازآنها به زبان فارسی به خط علامه قطب‌الدین شیرازی موجود است وموضوع آن «خلق» و «امر» است .

شهریار نامه (ك) مثنوی‌اثرمختاری غزنوی که آن‌رابه‌خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی واز روی داستان منثوری ساخته که شهرتی داشته است . داستان‌مربوط است به‌شهریار پسر برزو پسرسهراب پسر رستم که مانند پدروجد بیخبر ازنسب خود باخویشاوندانش به جنگ پرداخت وباعم خود فرامرز به نزاع برخاست . مختاری چنانکه خود گفته است سه‌سال درکارسرودن آن رنج برده است .

شهریارنامه شامل سه قسمت است . قسمت اول دربارهٔجنگهای فرامرز پسر رستم است بادیوسیاه وباسپاهسالارهند . قسمت دوم دربارهٔ رفتن زال به‌دربار سلیمان وجنگ بادبوی است به‌نام «اهریمن» قسمت

سوم پایان داستان است .

این مثنوی در شمار منظومه های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است .

شهمردان بن ابی الخیر (ت) ازعالمان ومنجمان معروف قرن پنجم . دو کتاب به فارسی ازاو در دست است به‌نام «روضة المنجمین» و «نزهت - نامهٔ علائی»

شهنشاه نامه (ك) حماسه‌ای تاریخی که فتحعلی‌خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را بروزن وتقلید شاهنامهٔ فردوسی درذکر محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ت) ابوالحسن شهیدبن حسین بلخی. وفات درحدود ۳۲۵ــاز شاعران دورهٔ سامانی وازحکیمان وفاضلان آن عصر .درزبان فارسی وعربی مهارت داشته ودرفلسفه نیز استاد بوده است و با ابوبکر محمدبن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته‌است.

از ممدوحان شیخ بلخی نصربن احمد سامانی وابوعبدالله محمدبن احمد جیهانی‌است. شهید درانواع فنون‌شعردست داشته واورا درردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی (ت) ابوالنصر فتح‌الله‌بن محمد کاظم شیبانی ازشاعران قرن سیزدهم هجری . درجوانی به خدمت محمدشاه قاجار درآمد و او وپسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی درنظم ونثردست داشته ودرقصیده پیرو سبک شاعران‌قدیم است . ازآثار او مجموعه هائی است بــه نام‌درج درر، گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف الملک ، کامرانیه ، زبدة الاثار

شیخ بهائی عاملی (ت) شیخ محمدبن حسین عاملی ملقب به

بهاءالدین . وفات ۱۰۳۱ –از عالمان بنام دورهٔ صفوی و از رجال دربار شاه عباس . پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت کرد و شیخ بهائی که در آن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه و حکمت وریاضیات پرداخت .

شیخ بهائی به فارسی وعربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب ورساله می رسد . از جملهٔ مثنویهای او نان وحلوا، شیروشکر، خلاصة الحساب ، تشریح الافلاك و از همه معروفتر کتاب« کشکول» است که دارای نوادر حکایات وعلوم واخبار واشعار عربی وفارسی است .

شیخ صنعان (د) از اشخاص کتاب منطق الطیر شیخ عطار که با همهٔ زهد وتقوی دل به دختر ترسائی بست ودین وایمان خود را در راه او به باد داد خمر خورد وقرآن سوزاند وزنار بست وخوکبانی کرد وسرانجام پس از دعای دوستان، هشیار شد وبه راه آمد واز معشوق بر گشت، دختر به دنبال او به راه افتاد ودین اورا پذیرفت .

گرمرید راه عشقی فکر بدنامی مکن
شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) رجوع شود به طوسی

شیراز نامه (ك) کتابی در تاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳٤ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است . این کتاب دارای یک مقدمه وچند اصل است درجغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان وامیران فارس ومشایخ وفاضلان وصوفیان شیراز .

مؤلف درضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده اش بوده است

نام می برد، مانند فارس نامهٔ ابن بلخی، تاریخ حمزهٔ اصفهانی. نثر شیراز نامه خالی از تصنع نیست. در شرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده وروان است وهنگام مدح یاوصف طبیعت به تشبیه واستعاره آمیخته می‌شود. مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می‌دهد، چنانکه گاهی سنوات وقایع را به شعر ذکر می کند.

شیرین (د) ازاشخاص معروف داستان عشقی ایرانی. شیرین دختری ارمنی وبرادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان است که خسروپرویزشاه ساسانی براو عاشق گشت.

شیرین درداستان نظامی باوجودشیفتگی بسیار برخسرو، هرگز قدم ازراه عفاف بیرون نگذاشت تاسرانجام به همسری وی درآمد. شیرین پس ازآنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد، خود را آراست ودرکنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید.

شیرین وخسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد درتقلید خسرو وشیرین نظامی سروده است.

ص

صائب تبریزی (ت) محمدعلی بن میرزاعبدالرحیم صائب تبریزی. وفات ۱۰۸۰— ازشاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما دراصفهان تربیت یافته است. دراوایل جوانی سفری به مکه کرد وبعد به هندوستان عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد ومورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربارشاه جهان رفت و نزد آن پادشاه تقرب یافت . پس از مدتی بنا به دعوت پدر به اصفهان بازگشت وبه دربار شاه عباس راه یافت و سمت ملک الشعرائی درباراو را یافت واورا مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته ودربدیهه گوئی دست داشته است . از میان انواع شعر درغزل استادی نشان داده است . به سعدی وحافظ ارادت ورزیده وتحت تأثیر سخنان ایشان قرار گرفته است . سبک صائب را می توان سبک هندی شناخت که دارای رقت خیال وباریک اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد . دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است .

صاحب بن عباد (ت) صاحب کافی اسمعیل بن عباد وفات ۳۸۵— ازرجال ونویسندگان معروف درباردیلمی ، اهل طالقان و ازشاگردان ابن فارس . صاحب بن عباد درجوانی به خدمت ابن عمید رسید وپس ازفوت

او وبر کناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد وتاآخرعمر درآن مقام باقی بود .

صاحب علاوه برمقام سیاسی ومملکتداری اهل علم وادب بوده وبه شاعران‌ونویسندگان توجه خاصی داشته‌است . پیوسته به تشویق آنها می‌پرداخت وجوایز بسیار به ایشان می‌بخشید . خود نیزدرعلوم ادب وکلام استاد بود وکتابخانهٔ بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود . ازآثار او کتاب «المحیط» درلغت عربی‌است . مجموعهٔ‌رسائل او نیز درمصر به چاپ رسیده است .

صالح (تن) پیغمبری که بردو قوم عاد و ثمود مبعوث شد ، آن دوقوم بت پرست بودند و به او نگرویدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شترماده‌ای بابچه‌اش ازسنگ بیرون بیاید. صالح دعا کرد ، سنگ به فرمان خداشکافته شد وناقه‌بابچه ازآن بیرون‌آمد، ایشان منکرشدند و گفتند سحراست وسرانجام ناقه را کشتند .

صبا (ت) ملک الشعرا محمودبن محمدحسین عندلیب کاشانی وفات ۱۳۱۱—در کاشان‌متولد شد ولی خانواده‌اش به‌آذربایجان‌منسوب است . پدرش محمدحسین خان متخلص به « عندلیب » وجدش «فتحعلی‌خان‌صبا»ست . محمودخان‌صبا دردربار محمدشاه وپس از آن دردربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته ولقب ملک‌الشعرائی را ازناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمودخان گذشته ازشعر درحکمت و حدیث وتفسیر و علوم‌ادبی وحسن‌خط ونقاشی ومنبت کاری دست داشت و مظهر ذوق و دارای مهارت درصنایع‌ظریفه بود . درقصیده پیرو عنصری وفرخی و امیرمعزی ومنوچهری بوده است وقصایدش بیشتر مدایحی است دربارهٔ ناصرالدین‌شاه ووصف‌جلوس

اووسفرها وجشنها . دیوانش قریب دوهزاروپانصدبیت دارد .

صبا (ت) ملک‌الشعرافتحعلی‌خان‌صبای کاشانی . وفات ۱۲۳۸ — ازشاعران قصیده‌سرای زمان‌فتحعلی‌شاه . درجوانی شاگردصباحی کاشانی بوده‌است . صبادرخدمت دیوانی درآمد وازطرف شاه‌حکومت‌قم و کاشان یافت ، سپس ازطرف‌فتحعلی‌شاه به لقب‌ملک‌الشعرائی‌مفتخرشدوقصایدی درمدح آن‌شاه وشاهزادگان و امیران دربار اوساخت. صباجز قصیده ، مثنوی‌وغزل‌ورباعی هم‌سروده‌است . ازآثاراومثنوی شاهنشاه‌نامه ، خداوند نامه ، عبرت‌نامه . گلشن‌صباست . دیوانش شامل ده الی پانزده هزار بیت است . صبا از زنده کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده سرایان بزرگ است .

صباحی (ت) حاج‌سلیمان صباحی‌بیدگلی کاشانی . وفات ۱۲۱۸ از شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقا محمدخان قاجار را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته وترکیب بندی به تقلید کلیم ساخته‌است . دیوانش شامل قصاید وترکیب‌بند وغزل ومرثیه است . (دیوان صباحی — چاپ تهران)

صدر (زحاف) (ع) اگر درفاعلاتن الف به معاقبت‌نون بیفتد، آن را صدرگویند .

صدرالدین شیرازی (ت) صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به‌ملاصدرا . وفات ۱۰۵۰ — از فیلسوفان‌وحکیمان‌عالیمقام ایران درقرن یازدهم . وی درشیرازمتولد شد وپس ازمرگ پدر به اصفهان سفر کرد ونزد میرداماد وشیخ بهائی به‌تحصیل پرداخت ، پس‌ازآن‌چندین بار به زیارت مکه رفت . ملاصدرا افکارفلسفی‌دقیق‌داشت‌وتألیفاتش‌در حکمت‌مرجع ومأخذاهل علم بوده‌است ،مهمترین‌آثاراوبه زبان‌عربی‌است .

ازآثار ملاصدرا به زبان عربی «اسفار اربعه و شواهدالربوبیه» ، شرح اصول کافی ، حاشیه برالهیات شفای ابوعلی سینا ، شرحی برحکمة الاشراق (سهروردی) ، کتاب واردات القلبیه وچند تفسیر دربارهٔ بعضی سوره‌های قرآن است . ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد .

صرصر (تن) باد تندو پرصداو دراشعارفارسی اشاره به باد سختی است که قوم عادرا به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاك کرد

لشکر عادند و کلك من چو صرصرازصریر

نسل یأجوجند ونطق من چوصور اندرصدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم ازمنازل قمر . دراین شعر کلمهٔ صرفه به ایهام آمده است .

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه

نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی ومرشد اوشیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعدازوفات شیخ صفی‌الدین بوسیلهٔ یکی از درویشان به نام توکل بن اسمعیل معروف به‌ابن البزاز وبه تشویق وراهنمائی‌شیخ صدرالدین پسرشیخ صفی‌الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته است . صفوة الصفا دارای یك‌مقدمه‌ودوازده‌باب است که هربابی‌شامل چندفصل است‌درذکر نسب ونژاد و کرامات شیخ واحوال اووتأویلاتی که‌ازآیات قرآن کرده

وجذبه وسماع واصابت نظر شیخ و کرامات او بعد از مرگ وعظمت او.
این کتاب قدیمترین مآخذی است که مورد استفادهٔ نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است.

صفورا (تن) دختر شعیب وزوجهٔ موسی (رجوع شود به موسی)

موسی از بهر صفورا کند آتش خواهی
وان شبانیش هم از بهر صفورا بینند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف سبب وقطع وتد است که می‌ماند فاعل. بجای آن فع‌لن می گذارند. و آن را اصلم خوانند. درمفعولات حذف لات است که می‌ماند مفعو بجای آن فع‌لن می گذارند وآن را اصلم می‌خوانند.

صور فلکی (نج) صورتهائی است که منجمان برای شناختن ستاره‌ها فرض کرده‌اند. صورفلکی چهل وهشت است. دوازده صورت برمنطقةالبروج است وبیست‌ویک برشمال منطقةالبروج وپانزده برجنوب آن. صورفلکی منطقةالبروج ازاین قرار است:

حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس جدی، دلو، حوت.

صورتهای شمالی عبارت است از:

دب اصغر، دب اکبر، تنین، قیفاوس، عوا، فکه یا اکلیل، جاثی علی رکبته، لورا یا کَشَفْ، دجاجه، ذات‌الکرسی، برساوس، ممسک العنان، حوا، حیةالحوا، سهم، عقاب، دلفین، فرس اول، فرس‌ثانی، اندرومیدا یامسلسله، مثلث.

صورتهای جنوبی منطقةالبروج:

قیطس، جبار، نهر، ارنب، کلب اکبر، کلب مقدم، شجاع، سفینه، کاس، غراب، قنطورس، سبع، مجمره، اکلیل جنوبی، حوت.

صوفی به قولی از کلمهٔ صوف است و به معنی پشمینه پوش است که اشاره به فقر و قناعت است و به کسی می گویند که پیرو و معتقد مسلک تصوف و عرفان است.

صوفی الرازی ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی الرازی. وفات ۳۷۶ — از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدولهٔ دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت، عبدالرحمن دربارهٔ صورتهای فلك البروج کتابی تألیف کرده است به نام «صورالکواکب» یا «الصورالسمائیه» که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است. ترجمهٔ فارسی این کتاب موجود است.

ض

ضحاك (ش ـ د) ضحاك یابیور اسب . از نژاد عرب که برطبق داستان‌شاهنامه به‌اغوای ابلیس پدررا کشت و ابلیس دو کتف اورا بوسید وناپدید شد. پس ازآن از جای بوسه‌ها دومار بیرون‌آمدند که ضحاك را بسیار رنج می‌دادند وهرچه آنها را قطع می کردند ، باز می‌روئیدند . پزشکان چارهٔ آن‌را نمی‌دانستند تاآنکه ابلیس به‌صورت پزشکی برضحاك ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود ، به او نشان داد. ازآن پس هرروز دوجوان را می کشتند تاغذای مارهای کتف ضحاك شود . ضحاك برایران چیره‌شد وجمشید را کشت وبرتخت نشست وبسیارستم کرد چنانکه مردم ازستم اوبه‌جان آمدند . سرانجام آهنگری به‌نام کاوه که ضحاك پسرانش‌را کشته‌بود، مردم را به شورش دعوت کرد وفریدون را که ازنژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاك را اسیر ودرکوه دماوند زندانی کرد.

دست آهنگرمرا درمار ضحاکی کشید

گنج‌افریدون‌چه سوداندر دل‌دانای‌من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) خواجه ضیاءالدین‌بن جلال الدین مسعود خجندی. وفات ۶۲۲ــاز شاعران‌معروف قرن ششم واز شاگردان امام فخررازی . اصلش از شیراز است ولی در جوانی به خراسان رفت

و در شهر خجند اقامت کرد . ضیاء خجندی حسام الدین بن علی بیغو معروف به بیغو ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی ازاستواری کلام او است .

ط

طارم‌فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجزآن نرگس مستانه که چشمش مرساد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

«حافظ»

طالب آملی (ت) ملک‌الشعرا محمد طالب آملی. وفات ۱۰۳۶ — از شاعران قرن یازدهم . ابتدا درآمل مازندران می‌زیست ، سپس به کاشان ومرو وازآنجا به هندوستان رفت ، مدتی در شهرهای مختلف هند بسر برد وسرانجام به دربار جهانگیر راه یافت ودرسال ۱۰۲۸ به لقب ملک الشعرائی دربار او مفتخر گشت . چنانکه از گفتهٔ طالب برمی‌آیددرعلوم مختلف مانند هندسه ، منطق ، حکمت ، هیئت ، دست داشته است،دیوانش شامل قصاید و غزلیات است . اشعاری دربارهٔ خواهر خود ستی‌النساء که زن‌لایق وعاقلی بوده است دارد . همچنین منظومه‌ای به نام «جهانگیرنامه» ساخته است .

طالب درآوردن استعاره‌های لطیف ونو مهارت داشته است .

طالع (نج) دراصطلاح نجوم برج ودرجه‌ای است که هنگام‌ولادت یاهنگام وقوع امری از افق نمودار باشد وازروی آن منجمان سرنوشت نوزاد راتحقیق و تعیین می کنند یا حکمی دربارهٔ نتیجهٔ کاری استخراج می‌نمایند .

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادرگیتی به چه طالع زادم
«حافظ»

در فارسی از کلمهٔ «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» در یافته می‌شود :

چشم بد دورکزاین تفرقه بازت آورد
طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس (تن) اشاره به طاووس بهشتی‌است که‌بوتهٔ گندم رابه ابلیس‌نشان‌داد،تا آدم‌وحوا به‌اغوای‌او گندم راخوردندوازبهشت رانده شدند . طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده‌شد .

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج
پرطاووس بهشتی را مگس ران دیده‌اند
«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) امیرابویحیی طاهربن فضل‌بن‌محمدبن محتاج چغانی . مقتول ۳۸۱ — ازامیران‌چغانی درماوراءالنهر وشاعروفضل دوست وازممدوحان‌منجیک ترمذی شاعرمعروف . طاهربن فضل درسال ۳۸۱ درجنگ‌باپسرعم خود ابوالمظفر چغانی‌ممدوح دقیقی‌فراری گشت وکشته شد . عوفی ابیاتی از او نقل کرده است .

طبرسی (ت) شیخ ابوعلی‌فضل بن حسن‌طبرسی .وفات۵۴۸ — از فقیهان معروف شیعه که‌درحدیث‌وفقه وتفسیرسمت اجتهاد دارد . طبرسی درسال ۵۲۳ ازمشهد به‌سبزوار رفت‌ودرسال ۵۴۸ همانجا وفات‌یافت . ازتألیفات اوسه تفسیر«مجمع‌البیان» و«الکافی‌الشافی» و«جوامع الجامع» است .

مجمع البیان از تفسیر های مهم ادبی وظاهری شیعه می باشد و به فارسی ترجمه شده است .

طبری (ت) ابوجعفر محمد بن جریر. وفات ۳۱۰ – از فقیهان و مورخان بزرگ اسلامی در قرن سوم وچهارم . اهل طبرستان بود ومقدمات علوم را در آمل فرا گرفت. سپس در ری نزد محمد بن عبید رازی ومثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل پرداخت وبرای کسب علوم عربی وادبی به بصره وکوفه ومصروشام سفر کرد ودرتمام شهرها با علماء ومحدثان ملاقات کرد وبغداد را برای اقامت برگزید وبه تدوین وتألیف پرداخت. طبری درعلوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث ، فقه ، لغت ، نحو ، منطق، علوم ادب ، شعر، استادی داشته ودر اکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان ونویسندگان وی را صاحب مذهب واجتهاد دانسته و طریقهٔ وی را «طبریه» خوانده‌اند . ازآثار طبری کتاب «جامع البیان فی تفسیر القرآن» معروف به « تفسیر کبیر » است. دیگر کتاب « اختلاف الفقها ومهمتر از همه «تاریخ الرسل والملوك» است .

طبقات صوفیه (ك) ازآثار معروف خواجه عبدالله انصاری. اصل این کتاب به‌عربی تألیف ابوعبدالرحمن محمد بن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می باشد که درشرح حال پنج طبقه ازمشایخ صوفیه است. خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به‌زبان هروی که یکی ازلهجه های نزدیک فارسی است ترجمه کرده است . آنچه خواجه عبدالله انصاری درمجالس ، برطبقات الصوفیه سلمی شرح می گفته ومطالبی را که به آن می‌افزوده ، بوسیلهٔ شاگردانش ضبط وجمع آوری می‌شده‌است. بنا براین به اصل «طبقات الصوفیه» اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است .

طبقات ناصری (ك) تاریخی تألیف ابوعمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به‌نام ناصرالدین محمودشاه پسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان وشاهان غوریه وجانشینان آنهاست درغزنه وهند. در پایان فصل کامل وسودمندی دربارهٔ حمله مغول به ایران وخانان مغول تا عهد هلاگو دارد. اگرچه دربارهٔ حملهٔ مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده وحوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می‌باشد ودربارهٔ مغول همه‌جا کلمهٔ «ملعون» بکار برده است. مؤلف دراین کتاب از تاریخ بیهقی استفادهٔ بسیار کرده وآن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده وحتی درسبک نوشتن هم ازآن تقلید کرده است. اشعار وقصایدی نیزاز خود مؤلف نقل شده است. درطبقات ناصری لغات مغولی باراول درزبان فارسی وارد شده است.

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند وطبیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمدبن زکریای الرازی که آن را به نام منصوربن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است.

این کتاب درده جزواست وبعدها به زبان لاتین ترجمه‌شداست.

طرفان (زحاف) (ع) ازاقسام معاقبت. اگر ازفاعلاتن الف ونون به معاقبت ماقبل وما بعدبیفتدآن را طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ك) ازآثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را به روش حدیقة‌الحقیقه درسال ۵۲۸ ساخته است.

(چاپ تهران)

طغرائی اصفهانی (ت) فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن

محمد اصفهانی. وفات ۵۱۴ــ از بزرگان شعر وادب عربی. وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت. وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است. قصیدهٔ عربی او موسوم به «لامیةالعجم» معروف است. طغرائی درسال ۵۱۴ به تهمت الحاد کشته شد.

طمس (زحاف) (ع) درفاع لاتن آن‌است که‌دوسبب یعنی لاوتن را بیندازند وعین را هم حذف کند می‌ماند فابجای آن فع می گذازند؛ وآن را مطموس گویند.

طوبی (تن) درختی دربهشت

باغ بهشت وسایهٔ طوبی وقصر حور

با خاك کوی دوست برابر نمی کنم

«حافظ»

طور (تن) کوهی که‌موسای پیغمبر برروی آن به‌مناجات‌می‌رفت. گویند موسی وقتی ازخداخواست که‌اورا ببیند. خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس‌خدابر کوه تجلی کرد و کوه پاره‌پاره شدوموسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است.

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

«حافظ»

طورسینا (تن) رجوع شود به طور

آشنای طور سینا موسی عمران بود

تا که‌ازمعجزعصادردست‌او گردد‌چومار

«حافظ»

طوس (ش—د) پسر نوذر وازشاهزادگان ایران که درجنگهای ایران با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است .

طوسی (شیخ)(ت) شیخ ابوجعفر محمدبن حسن .وفات ٤٦٠—از بزرگترین فقیهان شیعه که درفقه وتفسیرو کلام وحدیث مرجع علمای شیعه می‌باشد . وی درسال ٤٠٨ از وطن خود طوس به بغداد رفته ودرنجف اقامت کرده است . ازآثار معروف او «کتاب‌التبیان» درتفسیر قرآن‌است. دیگر«مصباح کبیر»و«استبصار»و«تهذیب الاحکام»و«کتاب الرجال» است .

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد ونوح به فرمان خدا باکسانش درکشتی نشست ونجات یافت .

حافظ ازدست مده دولت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است : فعولن مفاعیلن ۲بار

طی (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف‌فاءاست که‌می‌ماندمستعلن، بجای آن مفتعلن می گذارند و آن را مطوی خوانند . در مفعولات حذف واو است که می‌ماند مفعلات بجای آن فاعلات‌می گذارندوآن‌را مطوی خوانند .

ظ

ظفر نامه (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را درسال ٨٠٤ برحسب امر تیمورتألیف کرده است. این کتاب‌شامل تاریخ سلطنت‌وداستان فتوحات تیموراست که شخص امیر تیموراوراق واسناد رسمی دربارخود را دراختیار مؤلف گذارده است. ظاهراً تاریخ نظام شامی بعد ازسال ٨٠٦ ادامه‌نیافته‌وجزئیات وقایع سال آخرحیات امیر تیمور دراین تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو درسال ٨١٤ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ وبه فرمان وی ذیلی برظفرنامهٔ شامی‌نوشته وتاریخ امیرتیمور را تاسال آخر حیات اوبه قلم آورده است. این‌تاریخ اساس وپایهٔ تاریخ ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی قرارگرفته است.

(چاپ تهران)

ظفر نامهٔ تیموری (ك) کتابی بزرك به شیوهٔ جهانگشای‌جوینی تألیف مولاناشرف‌الدین‌علی‌یزدی که آن رابه سال ٨٢٨ وبه‌درخواست ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ تالیف کرده ومطالب آن‌را بیشتر از ظفرنامهٔ نظام شامی اقتباس کرده، حتی اغلب اشعار وآیات قرآن را عیناً ازآن کتاب نقل کرده است. نثرظفرنامه نثرفنی است‌ومورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرارگرفته‌است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که‌بعدازآن نوشته شده است. مانندحبیب‌السیرو‌روضة‌الصفا.

ظلمات (تن) یاظلمت. تاریکی که‌خضرپیغمبر برای بدست‌آوردن

آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همرهی خضرمکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی
«حافظ»

ظهوری (ت) نورالدین محمدظهوری ترشیزی. وفات ۱۰۲۵— ازشاعرانی که درهندوستان بیش از ایران شهرت داشته است. مولدش ترشیزاست وچندی درخراسان وعراق وفارس بسربرد و پس ازآن به هند رفت بعد ازمدتی اقامت دردکن به‌مکه سفر کرد وبه هندباز گشت وتا آخرعمر آنجا ماند. ظهوری درنثر نیز شهرت فراوان داشت. از آثار او جز قصیده وغزل ومثنوی، سه‌دیباچه به‌نام «سه‌نثرظهوری» معروف است.

ظهیر فاریابی (ت) ظهیرالدین ابوالفضل طاهربن محمدفاریابی. وفات ۵۹۸—از شاعران قصیده سرای معروف قرن ششم. جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور ومازندران وآذربایجان سفر کرد ودر زبان عربی وحکمت ونجوم کسب معرفت کرد. حسام‌الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوك باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمدبن ایلدگز وقزل ارسلان بن ایلدگزونصرة‌الدین ابوبکر ازاتابکان آذربایجان وطغرل بن ارسلان آخرین شاه سلاجقهٔ عراق را مدح کرده است. ظهیر باشاعرانی مانند جمال‌الدین اصفهانی ومجیر بیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است. وی علاوه برعلم وادب درعلوم عقلی و نجوم دست داشته است. قصایدش به سبک انوری است ودرغزل استادی نشان داده است.

ظهیری سمرقندی (ت) بهاءالدین محمدبن علی بن محمدبن الحسن الظهیری الکاتب السمرقندی ازنویسندگان ومترسلان اواخر قرن ششم

واوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب. ظهیری صاحب تألیفات متعدد است ازجمله:

«اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة» به نام قلج طمغاج خان. این کتاب شامل لطایف کلام ملوک است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان. نثر این کتاب مصنوع است و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است. دیگر «سندباد نامه» است.

ع

عاد (تن) نام قبیله‌ای از نسل عاد بن نوح که هود پیغمبر ایشان بود و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاك شدند.

لشکر عادند و کلك من چو صرصر از صریر

نسل یأجوجند ونطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ط) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد. مثل کتابت از انسان.

عارف پیرو و معتقد مسلك عرفان. رجوع شود به عرفان

عارف قزوینی (ت) میرزا ابوالقاسم. وفات در سال ۱۳۱۲ شمسی - شاعر غزلسرا وتصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت یافته است. وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود واشعارش نمودار احساسات شدید وطن پرستانه است. عارف باموسیقی آشنائی داشته واغلب ازتصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می‌خوانده است. دیوان عارف درسال ۱۳۳۲ قمری دربرلن وپس ازآن در تهران به طبع رسیده است.

عارفی هراتی (ت) محمود. وفات ۸۵۳ - از شاعران دورهٔ تیموری که نزد دوستان به «سلمان دوم» مشهور بوده است. زیرا که ازطرفی به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می گفته وازطرفی چنانکه درمجالس

النفایس آمده مانند او به‌چشم‌درد سختی‌مبتلا بوده است . ازآثارعارفی مثنوی «گوی وچوگان» یا«حالنامه»است که آن را درسال ۸۴۲ به‌نام سلطان محمد ظاهراً سلطان محمد بن بایسنقر شروع کرده و دردوهفته به پایان رسانده است .

عازر (تن)نام‌مرده‌ای که به‌دعای‌حضرت‌عیسی زنده شد

عیسی عهدی که از توقالب ملکت

چون تن عازر به یک قیام برآمد

«خاقانی»

عاشق اصفهانی (ت) آقا محمد. وفات ۱۲۸۱- از شاعران‌معروف قرن سیزدهم . وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به پیروی از شیوهٔ قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم وهشتم مانند سعدی و حافظ پیروی کرد .

عالم‌آرای‌عباسی (ک) کتابی درشرح حال وسلطنت شاه‌عباس اول و اجداد او تاجلوس شاه صفی . مؤلف این کتاب اسکندر بیک منشی است که آن را درسال ۱۰۳۸ تألیف کرده است .

عاملی (ت) رجوع شود به شیخ بهائی

عباس‌مروزی (ت) از نخستین سخن سرایان ایران درقرن دوم وسوم . معروفترین شعری که به اونسبت داده‌اند قصیده‌ای است که در ورود مأمون به مرو یعنی درسال ۱۹۳ هجری درمدح اوسروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) کمال الدین عبد الرزاق بن اسحق سمرقندی . وفات ۸۸۷- از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات‌است ولی چون‌سمرقند موطن پدرش بوده‌به‌سمرقندی‌معروف شده است . عبدالرزاق‌رساله‌ای درصرف ونحو به‌نام شاهرخ تألیف کرد

که مورد توجه وی قرار گرفت سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت وسه سال درآنجا ماند وشرحی دربارهٔ این سفرنگاشت.

عبدالرزاق بعد ازوفات شاهرخ درخدمت میرزا عبداللطیف ومیرزا ابوالقاسم بابر وسلطان ابوسعید می‌زیست وپس ازآن عزلت اختیار کرد ودرخانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت. از آثار معروف او «مطلع السعدین» می‌باشد.

عبدالقاهر جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

عبدالله انصاری (ت) ابواسمعیل عبد الله بن محمد الانصاری الهروی. وفات ۴۸۱-از صوفیان مشهور قرن پنجم ومعاصر الب ارسلان سلجوقی وخواجه نظام‌الملک که نسبش به ابوایوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله درهرات بوده است ودرجوانی درعلوم ادبی ودینی وحفظ اشعار عرب شهرت یافت ودرعلم حدیث وفقه توانا گشت وعرفان وتصوف را نزدشیخ ابوالحسن خرقانی‌آموخت وازشیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی وعربی شعر سروده وصاحب تألیفات‌بسیاری‌است، ازجمله ترجمه واملاء طبقات الصوفیهٔ سلمی است به لهجهٔ هروی. دیگر تفسیری ازقرآن که اساس کارمیبدی درتألیف «کشف‌الاسرار ووعدةالابرار» قرار گرفته است.

رساله‌های‌متعددی به‌فارسی‌دارد مانند مناجات‌نامه، زادالعارفین، الهی‌نامه، کنزالسالکین، رسالهٔ دل و جان، قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون ومسجع دانست.

عبدالنبی (ت) فخرالزمانی قزوینی. وفات ۱۰۰۱-ملاعبدالنبی درقزوین متولد شد و چون بسن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار

یافت ، در ۱۹ سالگی به مشهد وازآنجا به هندوستان رفت وبه‌شهرهای مختلف آن مانند لاهور وکشمیر سفر کرد و درسال ۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردارخان خواجه یادگار تقرب یافت و«تذکرهٔ میخانه» رابه‌نام او ساخت. ملاعبدالنبی درقصه‌دانی ماهربود وحافظه‌ای قوی داشت. شعر می گفت‌ودرشعر «نبی» تخلص می کرد. ازآثار دیگر او«نوادرالحکایات» یا «بحرالنوادر»است که شامل حکایتها وداستانهای‌شیرین است وظاهراً آن را در۱۰۴۱ تکمیل کرده است .

عبدالواسع جبلی (ت) رجوع شود به جبلی

عبیدزاکانی (ت) نظام‌الدین عبیدالله زاکانی. وفات در حدود ۷۷۲— از شاعران هجو سرا و نویسندگان قرن ششم. از قریهٔ زاکان قزوین بود ولی مدت زیادی درآنجا بسرنبرد وبه شیراز رفت وبه‌آن‌شهر علاقمند گردید. عبید درشیرازبه‌تحصیل علوم‌وفنون پرداخت‌وازفاضلان و ادیبان عصر خود گردید سپس به بغداد سفر کرد و باسلمان ساوجی ملاقات کرد. وی معاصر حافظ است وابواسحق اینجو ووزیر ش خواجه رکن‌الدین عمید را مدح گفته است . دیگر از ممدوحان اوشاه شجاع مظفری‌وسلطان‌اویس جلایراست. مجموعهٔ آثارعبید کلیات‌اوست که‌شامل قصاید، غزلیات، رباعیات ، قطعات، اشعار هزلیه ، عشاقنامه ، اخلاق الاشراف، ریش‌نامه، صدپند، تضمینات، رسالهٔ دلگشا ، رسالهٔ تعریفات موش وگربه ، سنگتراش ، فالنامه است . اشعار جدی عبید درحدود سه هزار بیت است .

عبید از بزرگان ادب است . شاعری است منتقد و بذله گوکه فساد زمانه را بازبان طنزآمیز ولحن شیرین انتقاد کرده است ونبایداورا به‌هرزه درایی نسبت داد . (کلیات عبید — چاپ‌تهران)

عتبی (ت) ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی. وفات ٤٢٧ — از ادیبان وتاریخ نویسان قرن چهارم وپنجم هجری ومعاصر غزنویان. در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته وچندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین وابوعلی سیمجور بسربرده است وکتاب مشهور خود رادرتاریخ سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین به نام «تاریخ یمینی» تألیف کرده است.

عجائب البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف درآن از عجایب بلاد وبرو بحرسخن گفته است وصاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را درباب سیستان ازاین کتاب نقل کرده است مرحوم ملك‌الشعراء بهار نسخه‌ای ازاین کتاب دراختیار داشته ولی این نسخهٔ اصلی نبوده بلکه از روی کتاب ابو المؤید تحریر شده است.

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند.

عدول (ب) آن است که شاعرخطای لفظی یامعنوی را جایزدارد خطای لفظی برچند قسم است.

زیادات:

مانند واو «سخون» درشعررود کی:

بودنی بود می بیارا کنون رطل بر کن مگوی وبیش سخون

حذوف:

آدمی چون بداشت دست از میت

هرچه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمهٔ گوپیش از هرچه خواهی کن حذف شده است.

تغییرالفاظ : مثل :

آب انگور وآب نیلوفل مرمرا ازعبیروشک بدل

دراین شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی .

ای اختر سخاکه زسیرنوال خویش

هرروز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که بانجوم تفاخرکنی درست بود ، زیرا که قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش وتقدیم وتأخیرهای زشت ومعانی واهی به کار می‌برد .

خرمن زمرغ گرسنه خالی کجا بود

ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفادهٔ زشت است .

دیگرازعیوب شعر، غلودراوصاف مدح وهجاست که بحدمحال برسد

کفرست و گرنه دست‌جود تو لا از سر لااله بر گیرد

عراقی (ت) فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی . وفات ۶۸۰- ازعارفان وغزلسرایان قرن هفتم که درهمدان متولد شده و در جوانی به هندوستان سفر کرده است . عراقی درمولتان به شاگردی شیخ بهاءالدین زکریا ازبزرگان صوفیه درآمد وپس از وفات او به‌جانشینی‌اش بر گزیده شد ولی براثر حسادت درویشان از هندوستان مهاجرت کرد وبه مکه رفت . در بغداد باشیخ شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا به‌آسیای صغیر عزیمت کرد ودر قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونیوی حاضر شد و کتاب «لمعات» را نوشت و به‌شیخ صدرالدین تقدیم

کرد . عراقی دربلاد روم مرید بسیار یافت وپس ازچندی از قونیه به مصر وازمصر به دمشق رفت وهمانجا درسال ۶۸۰ وفات یافت .

عراقی از غزلسرایان وعارفان پرشور بوده‌است ومجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد که‌شامل غزلهای عاشقانه وعارفانه و ترجیع بند ومثنوی است. مثنوی «عشاقنامه» را به شیوهٔ حدیقهٔ سنائی‌ساخته‌است.

عرض (ط) از کلیات خمس . امری که به خودی خود وجود نداشته بلکه به تبع دیگری موجود باشد . مانند سفیدی،سیاهی

عرض بردوقسم است : عرض‌عام ، عرض‌خاص

عرض عام آن است که برچندین نوع صادق‌باشد، مانندجنبنده که شامل همهٔ انواع مختلف انسان وجانوران است.

عرض‌خاص آن است که تنها به‌یک نوع تعلق داشته‌باشد.مانند خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد.

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج‌از ماهیت‌موضوع است وبرآن عارض می‌شود مانند خندان؛ که باآنکه این صفت دروجود مردم هست ، امادرمرتبهٔ نخستین ذات نیست .

عرفان یا تصوف مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت. پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجودمی‌دانند که تنها هستی واقعی است ودرهمهٔ موجودات تجلی می کند و هر که بخواهد به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس ووارستگی وترک علایق وشهوات واعتقاد به‌ذات احدیت وعشق شدید برای پیوستن به مبدأ خوگیرد ودست ازطلب برندارد تابه مقام کشف وشهود برسد وچون آئینهٔ دل را از ناپاکیها بزداید خدا در آن تجلی می کند . آنچه‌حکیمان می‌خواهند ازراه تعقل واستدلال به آن برسند،

عارفان از راه عشق و ریاضت نفس به آن نائل می‌آیند .

عارف نسبت به همهٔ مذاهب به دیدهٔ احترام و محبت می‌نگرد و معتقد است که همه در راه وصول به یک مقصود پیش می‌روند . حافظ گفته است :

همه کس طالب یاراست چه هشیار و چه مست
همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ت) جمال‌الدین محمد عرفی . وفات ۹۹۹ - از شاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش در هند و عثمانی بوده است . مولدش شیراز بوده و پدرش در دارالایاله شغل شریفی داشته است . عرفی پس از تحصیلات مقدماتی سفری به هند کرد و مدتی در مصاحبت فیضی و ابوالفتح گیلانی بود و پس از آن به دربار خانخانان و اکبرشاه راه یافت و آنان را مدح گفت . دیوان عرفی دارای قصاید و غزلیات و ترجیع بند و قطعات است ، خاصه غزلهای او در هند و ترکیه مورد توجه و تقلید قرار گرفته است . قصیدهٔ معروفی در منقبت حضرت علی در ۱۸۱ بیت سروده است . عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهائی به سبک مخزن‌الاسرار و خسرو و شیرین ساخته است . رسالهٔ منثوری به نام «نفسیه» در تصوف دارد .

عروض (ع) علم شناختن و سنجیدن اوزان شعر در عربی و فارسی . این علم را خلیل بن احمد نحوی متوفی بین سالهای ۱۷۰–۱۷۶ ه وضع کرده است .

عزیز مصر (تن) وزیر اول مصر و شوهر زلیخا که یوسف را خرید و در کاخ خود جا داد ولی بر اثر تهمتی که بر او وارد آمد، او را به زندان افکند و یوسف پس از رهائی از زندان به عزیزی مصر رسید . در ادبیات فارسی گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است .

عزیزمصر به رغم برادران غیور
زقعر چاه برآمد به‌اوج ماه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) ابونظرعبدالعزیزبن منصورالمروزی. وفات درحدود ۴۳۲- ازشاعران دربار محمود غزنوی ومداح او . دیوانی به عسجدی نسبت داده‌اند که دردست نیست،فقط اشعاری از قصاید وقطعه‌ومثنوی درتذکره‌ها به نام او ثبت است . قصیدهٔ او درفتح سومنات که به‌سال ۴۱۶ صورت گرفته است ، معروف می‌باشد .

عشاقنامه (ك) ازآثار فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به‌عراقی. این مثنوی دربیان مراتب عشق وحالهای عاشق می‌باشد وشامل یک مقدمه وده فصل است درصفت عاشقان ، عاشق ومعشوق ، بیان عشق وامثال آن . مثنوی عشاقنامه‌شامل نزدیک یکهزاروشصت بیت است وبه‌نام خواجه سعدالدین صاحبدیوان می‌باشد . پروفسور ارتور . ج . آربری آن را به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است .

عشقی (ت) میرمحمد رضا معروف به میرزاده.مقتول ۱۳۴۲ه- میرزاده عشقی پسرحاج سیدابوالقاسم کردستانی از شاعران‌معاصر. وی‌در همدان متولد شد و هنگام جنگ بین‌الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد ودر۱۳۳۹ قمری روزنامهٔ «قرن‌بیستم» را منتشر ساخت .

عشقی درسن سی‌سالگی کشته شد.

(دیوان عشقی - چاپ‌تهران)

عصای‌موسی (تن) عصائی که چون موسای پیغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمار می‌آمد .

صوفیان رکوه پرآب زندگانی چون خضر
همچو موسی درعصاشان جان ثعبان آمده

«خاقانی»

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را برسنگ زد، چشمه های آب از آن جاری شد.

خارا چومار برکشم وپس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

عضد الدین ایجی (ت) رجوع شود به ایجی

عطاء بن یعقوب (ت) ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب معروف به ناکوک. وفات ۴۹۱ - از شاعران وفاضلان دورهٔ دوم غزنوی که به دو زبان عربی وپارسی شعر می گفته است. وی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی تقرب داشته‌است ولی پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده وبه هندوستان تبعید گشته است. مسعود سعد درمدح ومرثیهٔ اواشعاری سروده است. منظومهٔ «برزونامه» «وبیژن نامه» را به اونسبت داده‌اند وابیاتی به پارسی وعربی درتذکرهٔ لباب الالباب ازاین شاعر نقل شده است.

عطار (ت) شیخ فرید الدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی. وفات ۶۲۷ —از عارفان بزرگ ایران واز پیشوایان شاعران متصوف که درعالم تصوف به‌مقام ارشادرسیده‌است. پدرش درشادیاخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشهٔ پدر رادنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت. به گفتهٔ خود او در داروخانه طبابت هم می کرده است. عطار پس از چندی ازکسب ومشغلهٔ دنیوی دست کشید و به عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل انگیز بیان کرد

عطارقسمتی از عمر را به سفر پرداخت وبه مکه رفت وبسیاری ازمشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید. عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها دردست است ومشهور است که به عدد سور قرآن کتاب ورساله تألیف کرده است. از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه، الهی‌نامه،مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر،مختارنامه، وصیت‌نامه، بلبل‌نامه حیدرنامه، خسرونامه، شرفنامه‌است. ازآثار مهم‌منثوراو«تذکرة‌الاولیاء» می‌باشد.

عطارمعانی عالی عرفانی را دربیانی ساده و روان آورده و الحق دراین کار استادی‌نشان‌داده‌است. وی همه‌جا حقایق عرفان را با تمثیل های گوناگون وحکایتهای مختلف شیرین ساخته است.

عطارد (نج) یا تیر از همهٔ سیارات به آفتاب نزدیکتر است‌وبعد از کرهٔ ماه نزدیکترین سیارات است به زمین، به موجب افسانهٔ یونانی قاصد خدایان بوده است. عطارد ستارهٔ دبیران وسخنوران است و«دبیرفلک» خوانده می‌شود.

دردانشی که آن خردم رازیان شدست

بر آسمان جان چو عطارد سخنورم

«انوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن‌محمد العطاردی ازشاعران عصر محمود که ابیاتی ازاوباقی است.

عطاملك‌جوینی (ت) رجوع شود به جوینی

عقدالعلی للموقف‌الاعلی (ك) رجوع شود به تاریخ کرمان

عقرب (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه

شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است.

دم عقرب بتابید از سر کوه چنان‌چون چشم‌شاهین ازنشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد ازماده ؛ هم از حیث ذات وهم‌از حیث فعل . مجرد از ماده ازحیث ذات ، آن‌است که نمی‌شود به‌آن‌اشارهٔ حسی کرد .مجرد از ماده‌ازحیث فعل، آن است که درصدور فعل محتاج به‌آلت نباشد .

عمرخیام (ت) رجوع شود به خیام

علاءالدوله‌سمنانی (ت) ابوالمکارم رکن‌الدین احمدبن محمد بیابانکی‌سمنانی. وفات ۷۳۶- ازعارفان بزرك نیمهٔ دوم قرن هفتم‌ونیمه اول قرن هشتم که درسال ۶۵۹ هجری درقریهٔ بیابانك از قراء سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملك شرف‌الدین در دستگاه غازان‌خان سمت وزارت داشت. علاءالدوله‌دردوران جوانی به‌آموختن علوم عقلی و نقلی پرداخت ودرپانزده سالگی به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به‌خدمت دیوانی مشغول گشت ومورد‌توجه ارغون‌خان شد ولی پس از ده سال از کاردیوانی دست‌کشید وبه عبادت وتکمیل علوم دینی پرداخت وصرف ونحو وحدیث وتفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت واجازهٔ روایت‌حدیث گرفت ودر۶۸۷ به بغداد سفر کردوبه خدمت شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید وجزء مریدان اوگشت وازآنجا سفری به‌مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبهٔ ارشاد یافت وبه سمنان بازگشت وبه عبادت وارشاد پرداخت .

علاءالدوله‌دارای آثار بسیار به‌زبان فارسی‌وعربی‌است. درحدود سیصد‌کتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن‌جمله «مطلع‌النقط

و مجمع اللقط» در تفسیر بعضی از سوره های قرآن به زبان عربی «سرالبال فی اطوار سلوك اهل الحال» به فارسی «وسلوة العاشقین» به فارسی و «العروة الاهل الخلوة والجلوة» درحکمت الهی.

علاءالدوله شعر نیزمی سروده وچند غزل ورباعی از اوباقی است.

علیشیر نوائی (ت) امیرنظام الدین علیشیر نوائی. وفات ۹۰۶– وزیردانشمندسلطان حسین بایقرا که اجدادش درخدمت تیموریان مقامات عالی داشتند واو طفولیت را به مصاحبت حسین میرزا بایقرا گذراندوبااو به مرو رفت ودرآنجا به کسب کمالات پرداخت ودرزمان سلطنت سلطان حسین به شغل مهرداری وامارت دیوان خاص او مشغول گشت. پس ازآن به حکومت استراباد رفت، اما پس از چندی ازحکومت استراباد استعفاداد وعزلت اختیار کرد. امیرعلیشیرمردی متدین بود وبه راهنمائی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید. معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه واماکن خیربنا کرد وبراثرتشویق اوصنایع ظریفه وموسیقی پیشرفت کرد. وی ادیبان وشاعران را تشویق می کرد وصله می بخشید، چنانکه دربارسلطان حسین بایقرا ازوجود ادیبان وهنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمندقرار گرفته بود رونق بسیاری یافت. امیر علیشیربه زبان جغتائی (ترکی شرقی) وزبان فارسی تسلط کامل داشت وبه هردو زبان شعر می سرود ودرشعر «فانی» تخلص می کرد. درزبان ترکی پنج مثنوی به تقلید خمسه ومثنوی دیگر بنام «لسان الطیر» به سبک منطق الطیر عطار ساخت. ازآثار او تذکرهٔ «مجالس النفایس» به زبان ترکی و «خمسة المتحیرین» و «رسالهٔ محاکمة اللغتین» و «رسالهٔ میزان الاوزان» است.

عماد فقیه کرمانی (ت) وفات ۷۷۳- ازفقیهان و شاعران قرن

هشتم و معاصر شاه شجاع . حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است . چنانکه منقول است عماد گربه‌ای را آموخته بود که هنگام اداء نماز و انجام رکوع وسجود به او اقتدا کند . شاه شجاع این عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می‌دانست ، ولی حافظ آن‌را به حیله و مکر نسبت داده است . عماد فقیه اهل کرمان بوده ودرآنجا مدرسه‌ای بنا کرده است . از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست . دیگر مثنوی «محبت‌نامهٔ صاحبدلان» ومثنوی «مونس‌الابرار» .

عمادی (ت) امیرعمادالدین عمادی شهریاری . وفات ۵۸۳ — از شاعران اواخرقرن ششم . معاصر ومداح سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران و از امیران خاندان باوندی . عمادی پیش از آنکه به عمادالدوله به پیوندد ، شهرتی نداشته است ، لیکن شاعر نوازی این امیر موجب تقویت فکر و قریحهٔ او شده است . وی پس از وفات عمادالدوله به‌عراق آمدوبه‌دربارطغرل بن محمد پیوسته‌واورامدح گفته‌است . دیگر از ممدوحان او اتابک‌جهان پهلوان می‌باشد . اشعار عمادی روان است ولی گاه به‌سبب تشبیهات وتعبیرات دشوار مشکل می‌شود .

عمارهٔ مروزی (ت) وفات‌اوائل قرن پنجم —ازشاعران معروف اواخر عصر سامانی واوائل غزنوی که‌اقامتش درمرو بوده است. عماره درقتل ابوابراهیم آخرین شاهزادهٔ سامانی مرثیه‌ای ساخته وپس ازآن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است .

قطعاتی از اشعاراودرلغت‌فرس اسدی ولباب‌الالباب نقل‌شداست .

عمعق بخارائی (ت) امیرالشعرا ابوالنجیب شهاب‌الدین عمعق بخارائی .وفات۵۴۳ — از شاعران‌معروف ماوراءالنهردراوایل قرن‌ششم .

مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت وبه دربار آل خاقان راه یافت ودر دربارخضرخان ابراهیم به لقب ملک‌الشعرائی مفتخر گشت . از ممدوحان و معاصران عمعق ابوالحسن شمس‌الملک نصربن طمغاج خان ابراهیم بن نصرواحمدخان بن خضرخان ومحمودخان بن شمس‌الملک نصرورکن‌الدین ابوالمظفر طمغاج‌خان مسعود و چند تن دیگر از ملوک خانیه است . عمعق باسلطان سنجر رابطه داشت ومرثیه‌ای درمرگ دخترش سروده‌است وازشاعران ماوراءالنهر بارشیدی سمرقندی وانوری معاصر بوده است .

عمعق برعلوم زمان خوداحاطهٔ کامل داشت واین امر دراشعارش نمودار است. وی در صنایع بدیع خاصه درآوردن تشبیهات لطیف و کلمات موزون استادی داشته است . دیوانش شامل قصیده و رباعی است . یوسف وزلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده‌اند که اکنون دردست نیست .

عنصرالمعالی (ت) امیرعنصر المعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس‌وشمگیر. وفات درحدود ۴۹۲—از امیران دانشمندخاندان زیاری که درقرن‌چهارم‌وپنجم درگرگان وگیلان‌وطبرستان ورویان وری‌وجبال امارت داشتند . عنصرالمعالی مدتی طولانی از سرزمین امارت خاندان خود دور بوده است وبنابرگفتهٔ او هشت‌سال در غزنین ندیم مودودبن مسعودغزنوی بوده‌وچندی در هندوستان بسر برده ومدتی‌نیز درسفرحج گذرانیده است .

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه‌برنویسندگی به زبان فارسی دری وطبری شعر می‌سروده است . در انشاء و عروض و موسیقی ونجوم دست داشته وازآثار معروف او «قابوسنامه» است .

عنصری (ت) ابوالقاسم حسن بن احمد. وفات ۴۳۱ — از شاعران بزرگ قصیده سرای دورهٔ غزنوی. عنصری بوسیلهٔ امیرنصربن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد ونزد او تقرب یافت وملک‌الشعرای دربارگشت ومال وثروت فراوان بدست‌آورد. اشعارش بیشتر درمدح سلطان‌محمودوامیرنصروسلطان‌مسعودوفتوحات ولشکرکشی‌هاوجنگهای ایشان است. دیوان‌قصایدعنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد وگویا در اصل سی‌هزار بیت بوده است. عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته‌است مانند مثنوی «وامق وعذرا» و «سرخ بت‌وخنگ بت» «شادبهروعین‌الحیات» که‌بعضی ازابیات‌آنها درفرهنگها موجود است. عنصری به‌زبان وادب عرب نیز احاطهٔ کامل داشته ودر اشعارش فکر منطقی واحاطهٔ او برعلوم عقلی آشکاراست. سبک‌قصیده سرائی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعران قصیده سرا قرارگرفته است.

عوا (نج) منزلی ازمنازل‌قمر، که‌شامل چهارستاره است به‌صورت سگ فریاد کننده

خصم سگدل زحسدنالد چون‌جبهت‌ماه

نور بی صرفه دهد وعوع عوا شنوند

«خاقانی»

عوفی (ت) سدیدالدین یانورالدین‌محمدبن محمدعوفی بخاری. وفات ۶۳۰ از نویسندگان ودانشمندان بزرگ‌ایران دراواخر قرن‌ششم واوایل قرن هفتم. وی ازفرزندان‌عبدالرحمن بن عوف ازمشاهیرصحابهٔ رسول اکرم می‌باشدوبه‌همین‌جهت‌به‌عوفی‌شهرت یافته است. ولادتش دربخارا درنیمهٔ دوم قرن ششم اتفاق افتاد و تحصیلات خود را همانجا

انجام داد. پس ازآن به بلاد ماوراءالنهر وخراسان وسیستان سفر کرد وبا بزرگان ودانشمندان ملاقات کرد. عوفی دراوائل حملهٔ مغول به بلاد سندرفت وبه‌خدمت ناصرالدین قباجه رسید وتاسال ۶۲۵ درخدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباجه مغلوب سلطان شمس‌الدین التتمش شد وخود را درسند غرق کرد، عوفی به‌خدمت التتمش درآمد ودردهلی اقامت کرد.

عوفی علاوه برنویسندگی شعرنیز می گفته وقصاید وقطعات مختلف ازاو باقی است ودرجوامع الحکایات قطعه‌ای ازاشعاری که درستایش نظام‌الملک جنیدی سروده است ذکر کرده است.

از آثار مشهور عوفی «لباب‌الالباب» و «جوامع‌الحکایات» است.

عیسی (تن) عیسی بن مریم ازپیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است. عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کرد، ایشان نپذیرفتند وازاو معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد. سرانجام جهودان قصد کشتن اورا کردند عیسی گریخت ولی یکی از حواریون، یهودانام، دربرابر سی درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد. جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی اورا ازچشم ایشان پنهان داشت وایشوع، بزرگ یهود را به‌صورت عیسی درآورد. اورا گرفتند، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به‌دارزدند وعیسی به‌آسمان رفت. ایشوع هفت شبانه روز بردرخت ماند. مریم هرشب پای درخت می‌رفت ومی گریست. شب هفتم عیسی ازآسمان به زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد، هفت نفر از حواریون آن شب عیسی را دیدند وتاصبح با او بودند، سحرگاه عیسی به آسمان رفت.

به غیرت از نفسش روح عیسی مریم

به خجلت از قلمش چوب موسی عمران

«انوری»

عین القضاة (ت) ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی. وفات ۵۲۰ — از مشایخ صوفیه و ازشاگردان عمرخیام و امام احمد غزالی که در آثار خود ازاستادش غزالی گفته های بسیار نقل کرده است. عین القضاة درجوانی به کسب کمالات پرداخت و از راه مطالعه در معارف عصر خود تبحر یافت. وی با رجال مشهور زمان خود مکاتبه داشته است وبه علت بی‌پروایی در افشای اسرار صوفیان و حملهٔ به متعصبان مورد کینهٔ علمای متعصب قرار گرفت وسرانجام هم درسال ۵۲۰ به تهمت الحاد وزندقه درهمدان بردار کشیده شد. وی به‌علت حسن بیان ونفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می‌ورزیدند. عین القضاة درمدت عمر کوتاه خود یعنی درسی‌وسه سال، آثار بسیاری به‌فارسی وعربی از خود باقی گذاشت از جمله «یزدان شناخت»، «تمهیدات یا زبدة الحقایق» و«مکاتیب».

عیوب قافیه (ق) عیوب قافیه هشت است. اقواء، اکفاء سناد، ایطا، مناقصه، تضمین، تخلیع، عدول. (به هریک از این کلمات رجوع شود)

عیوق (نج) ازستارگان ثابت که بربازوی ممسک‌العنان (گیرندهٔ عنان) است

بسوده دست جلال تو دامن عیوق

سپرده پای کمال تو ذروهٔ اعلی

عیوقی (ت) از شاعران قرن ششم ودورهٔ سلجوقیان. مثنوی «ورقه

و گلشاه » از او باقی است .

عیون‌الاخبار (ك) تألیف ابوعبدالله محمدالدینوری معروف به ابن قتیبه . این کتاب به‌زبان‌عربی‌ودارای مقدمه وده باب است وعلاوه برحکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات وسیرتهای طبقات مختلف کشورهاوخطبه های تاریخی‌وحدیثهای‌معروف . ابن‌قتیبه آداب لشکر کشی‌وسلاح پوشی اعراب وایرانیها را نشان‌می‌دهد آداب تیراندازی ، اسب سواری رااز کتاب‌آئین‌نامک که‌از بین رفته‌است نقل می کند . ازاین کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحیات ملل وسیاستها وطرز حکومتها ورفتارامراو پادشاهان پی برد . علاوه براین نکات جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .

غ

غالب (ت) میرزا اسداله‌خان غالب. وفات ۱۲۸۵- از شاعران پارسی زبان هند است که درشهرآگرا متولد شده ودردهلی اقامت کرده وهمانجا وفات یافته است. غالب به زبان اردو وفارسی شعر می گفت اشعاری درمدح بهادرشاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد. ازغالب قصاید وغزلهای بسیار باقی مانده است.

(دیوان غالب — چاپ هند)

غرراخبارملوك الفرس‌وسیرهم (ك) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن‌را به امر ابوالمظفر نصربن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است.

موضوع کتاب‌تاریخ شاهان‌ایران است ازابتدای شاهی کیومرث تا یزدجردبن‌شهریار، آخرین شاه ساسانی.

ثعالبی داستانهای‌ملی ایران را مانندداستان زال وورودابه ورستم واسفندیار دراین تاریخ ذکرکرده است. منابع ثعالبی کتب مختلف فارسی‌وعربی‌مانندتاریخ حمزه‌اصفهانی، تاریخ‌طبری، شاهنامهٔ‌ابومنصوری است. ازمسعودی‌مروزی ومزدوج‌اونیزنام می‌برد. بسیاری‌ازداستانهای کتاب‌ثعالبی‌عیناً داستان‌شاهنامهٔ فردوسی است وحتی‌طرز بیان حکایتها شبیه به هم است.

غریب(ع) ازبحورمخصوص‌شعرفارسی. «فاعلاتن‌فاعلاتن مستفعلن

۲ بار» . اما این بحر درفارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ توسر بدسگال را بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) حجةالاسلام امام زین العابدین ابوحامد محمد بن محمد غزالی طوسی . وفات ۵۰۵ — ازمشهورترین متکلمان وعالمان دین اسلام درقرن پنجم . علوم دینی‌وادبی رادرمدارس طوس ونزدیکی از دوستان پدرش موسوم به ابوحامد احمد رادکانی آموخت ، سپس به نیشابوررفت ودرآنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه بزرگ شافعی ، به تحصیل علم پرداخت ودربیست‌وهشت سالگی درعلوم متداول دینی‌زمان خود استاد گردید وپس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسیدودر سال ٤٨٤ بنابه دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه ، به بغداد رفت وچهارسال درآنجا به تدریس مشغول بود .

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چند بار ازطرف ملکشاه به رسالت نزد خلیفه رفت . امام غزالی باوجود شهرت ومقام عالی که بدست آورده بود ، درسی‌ونه سالگی میل به اعتزال کرد وامام احمد غزالی برادر خود را درنظامیه جانشین کرد وخود به حج رفت و مدت ده سال درشهرهای بیت‌المقدس و شام و مصر وحجاز گذراند وبعضی‌ازکتابهای خود را درآن مدت تألیف کرد . پس ازاین سفر طولانی به طوس بازگشت ومدتی درنظامیهٔ نیشابور تدریس کردو بعد ازآن عزلت گزید تا درسال ۵۰۵ درطوس درگذشت .

غزالی درحدود هفتاد کتاب ورساله درعلوم دین واصول و کلام وحدیث‌واخلاق‌وفلسفه‌ومنطق‌وتصوف تألیف کرده‌است . ازآثارمعروف‌اوبه زبان‌عربی «احیاء العلوم» ، «مقاصدالفلاسفه» «تهافت‌الفلاسفه» ، درفلسفه

وحکمت، «معیارالعلم» درمنطق ، ازرساله های مهم او رسالهٔ «المنقذ من الضلال» است که درحقیقت سرگذشت روحانی اوست. «الوسیط» درفقه و «البسیط» درفروع مذهب شافعی .

ازآثار مهم او به فارسی مجموعهٔ مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوك است .

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدتها دچار حملهٔ سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار گشته است . وی گذشته از مقام بزرگش درعلوم مختلف ، در نثر فارسی هم مقام خاصی دارد ودرآوردن لغات واصطلاحات تازه بطریق ساده ودرخور فهم عوام قدم تازه‌ای درنثر فارسی برداشته است .

غزالی (ت) شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی‌طوسی. وفات ۵۲۰- برادرحجةالاسلام ابوحامدمحمد بن محمد غزالی وازجملهٔ فقیهان مذهب شافعی. وی مدتی بجای برادر درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس کرد . غزالی به وعظ علاقهٔ بسیاری داشته ومربی چند تن ازمشایخ بزرگ صوفیه بوده است.

ازآثار او کتاب «بحرالحقیقة» است وموضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید ازبحرهای ، معرفت ، جلال ، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، عزت، گذشت. دیگر کتاب «الذخیره فی‌علم‌البصیرة» . دیگر «سوانح العشاق» که غزالی‌آن را در اسرار عشق نوشته است ودرضمن فصول، حکایتهاومثلها واشعاری ذکر کرده‌است. نوشتهٔ این کتاب‌بسیارساده وپرازلطف است . دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همهٔ‌آنها‌به اشاراتی ازآیات واحادیث‌آمیخته‌وبسیاری ازعقاید درآنها مورد بحث قرارگرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیهٔ واحد، ومصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیزدارای قافیه است . غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه دارد و در بیان احساسات یا گفتگوی با معشوق وخطاب به اوست . غزل یا عرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه وحقیقت مطلق ومطالب اخلاقی می باشد یا غزل عادی که خطاب به معشوق ودوست است . غزلهای حافظ وسعدی ومولوی نمونهٔ عالی غزل فارسی است .

غضائری رازی (ت) ابوزید محمد الغضایری الرازی. وفات ۴۲۶—از شاعران دورهٔ غزنوی وشیعی مذهب . غضائری اهل ری بوده وامیران دیلمی آل بویه را درری مدح گفته است . اشعاری نیز درمدح سلطان محمود غزنوی دارد . خاصه درقصیدهٔ لامیه از عطایای این شاه سخن گفته است . دیوان غضاتری دردست نیست .

غضائری باعنصری بحث ادبی داشته است و قصایدی انتقادی برای یکدیگر می فرستادند .

ازاشعارش قصائدوقطعه هائی در کتابهای لغت وتذکره باقی است .

غلمان (تن) جمع غلام . پسران بهشتی . این کلمه در قرآن کریم آمده است .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند غلمان زروضه حورزجنت بدر کشیم

«حافظ»

غنی (ت) ملامحمدطاهرغنی کشمیری . وفات ۱۰۷۷—ازشاعران معروف هندوستان ومعاصر صائب . دیوانش شامل غزلهائی است که نمونه‌ای از رقت خیال است . (دیوان غنی — چاپ هند)

غیاث اللغات (ك) فرهنگی تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین

بن‌شرف‌الدین رامپوری از فارسی شناسان هند که آن را در سال ۱۲۴۲ پس از چهارده‌سال‌صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع‌لغات کثیرالاستعمال فارسی‌وعربی وترکی است که‌مؤلف آن از کتابهای لغت وادب و شعر ونجوم وطب استفاده کرده وبرای هرلغت مأخذ ومنبعی ذکر می کند کتاب از این‌حیث دارای ارزش است ولی فاقد شواهد شعری و نثری می‌باشد .

(غیاث‌اللغات — چاپ‌هندو تهران)

ف

فارابی (ت) ابونصر محمدبن محمد الفارابی . وفات ۳۳۹-از بزرگترین فیلسوفان ایرانی . درشهرفاراب ماوراءالنهر متولد شده است . بعضی نژاداو را از ترکان وبیشتر از ایران می دانند . فارابی ازماوراءالنهر به بغداد رفت ودرآنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت وعلوم فلسفی را نیز همانجا فراگرفت وکتابهای ارسطو را مطالعه کرد . پس از آن به حلب ودمشق رفت وبه خدمت سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید وهمچنان دردمشق ماند و به تألیف پرداخت . فارابی به سبب شرحهائی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطور قرار داده‌اند . فارابی در همهٔ علوم عهد خود استاد وصاحب تألیف است . درریاضیات وموسیقی وطب اطلاعات بسیار داشته است واز آثار او شرحهائی است که برانالوطیقای اول وثانی وسوفسطیقا وبوطیقای ارسطو نوشته است . درعلم النفس کتاب النفس اسکندر الافرودیسی ودرعلوم، السماع الطبیعی والاثار العلویه والسماء والعالم وکتاب الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس راتفسیر کرده است . از کتابهای دیگراو «رسالة فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضله» و«فصوص الحکم» و«الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» . فارابی کوشیده است که دراین کتاب بین عقاید افلاطون وارسطو التیام دهد . عقاید فارابی درفیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ك) تألیف ابن البلخی که دراوائل قرن ششم وبنا به دستور سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است واز کتابهای معتبر فارسی واز منابع تاریخ پیش از اسلام وجغرافیای فارس است. مؤلف دراین کتاب ازتاریخ حمزة بن الحسن وتاریخ محمدبن جریرطبری وکتابهای دیگرعربی وفارسی استفاده کرده‌است. دراین کتاب پادشاهان ایران پیش از حملهٔ عرب برچهار دسته تقسیم شده‌اند: پیشدادیان— کیانیان — اشکانیان - ساسانیان. مؤلف ازاسکندرجانشینانی نیز ذکر کرده است. نثر کتاب بسیار روان ومحکم است.

(چاپ تهران — ۱۳۱۲ شمسی)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض.

فاصله بردوقسم است: فاصلهٔ صغری. فاصلهٔ کبری.

فاصلهٔ صغری عبارت است ازسه‌متحرك و یک ساکن. مثال: بدهم و علامت آن سه صفر است و یک الف ۱۰۰۰

فاصلهٔ کبری چهار متحرك است و یک ساکن مثال: بدهمش. ومثال آن چهار صفر و یک الف است براین‌صورت: ۱۰۰۰۰

فتحعلی‌خان‌صبا (ت) رجوع شود به صبا

فتوحی (ت) اثیرالدین شرف الحکماء فتوحی مروزی‌ازشاعران بزرك مرو درنیمهٔ آخرقرن ششم. فتوحی معاصر انوری است وبنابرقول رضاقلیخان هدایت قطعهٔ‌مربوط‌به «هجوبلخ» که به‌انوری نسبت‌داده‌انداز فتوحی‌است. وی باادیب صابردوستی ومکاتبه‌داشته‌است وعوفی‌اورادرنظم ونثراستاد دانسته است. اشعاری از فتوحی در تذکره‌ها باقی است.

فخرالدین عراقی (ت) رجوع شود به عراقی

فخررازی (ت) ابوعبدالله فخرالدین محمدبن عمربن الحسین

طبری رازی . وفات ۶۰۶ — معروف به ابن الخطیب ازفیلسوفان ومتکلمان وفقیهان شافعی واز عالمان بزرگ ایران درقرن ششم که درعلوم اسلامی از نوادر زمان خود به شمار می رفت . امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد وبه مناسبت آنکه در جدل وایراد برفلاسفه وشک درمسائل فلسفی استادی داشت اورا «امام المشککین» خوانده اند . فخررازی از مخالفان ابن سینا بود و ازراه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت .

از آثار مشهور او به زبان عربی در کلام «نهایة العقول» و «کتاب الاربعین» و «محصل افکار المتقدمین والمتأخرین من الحکماء والمتکلمین .» و رساله ای درمعراج است .

درفلسفه وحکمت : الملخص، شرح الاشارات ، شرح عیون الحکمة، مباحث المشرقیه، النهایة است . در تفسیر : مفاتیح الغیب ، که معروف به تفسیر کبیر است ودرحقیقت دائرة المعارفی است ازعلوم دینی که ناتمام گذارده است . دیگر «نهایة الاعجاز» دربیان موارد فصاحت وبلاغت قرآن .

مهمترین آثار او به زبان فارسی «جامع العلوم» یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه درسال ۵۷۴ تألیف کرد . دیگررسالهٔ روحیه است درحقیقت روح وفنای جسم وحکمت مرگ وپندونصیحت . دیگر«اصول عقاید» درهشت باب . دیگر رسالهٔ «الاختیارات العلائیه» درنجوم که آن را به نام علاءالدین خوارزمشاه دردومقاله نوشته است واین کتاب به عربی ترجمه شده است .

فخر گرگانی (ت) فخرالدین اسعدالجرجانی . وفات در حدود ۴۶۶ — ازشاعران داستانسرای ایران درقرن پنجم . وی معاصر ابوطالب

طغرل بیک محمدبن میکائیل بوده ونزد اوتقرب داشته است . از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری دردست نیست ولی از اشعار اوپیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده و کتب فلسفه وحکمت خوانده واز ادبیات فارسی وعربی اطلاع کامل داشته وبه زبان پهلوی نیز آشنا بوده است . فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی درسال ۴۴۳ هجری اصفهان‌را فتح کرد، با او بود وبعد ازاو درآنجا نزدحاکم اصفهان ابوالفتح المظفربن محمد ماند وبه درخواست او داستان ویس ورامین را به نظم آورد . فخر گرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک وخواجه عمیدالملک کندری وزیر معروف طغرل وخواجه عمیدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالاوی (ت) ابوعبدالله محمدبن موسی الفرالاوی ازشاعران معروف سامانیان ومعاصر شهید بلخی که رودکی اورا باشهید در یک ردیف‌آورده‌است. ابیات کمی ازاین شاعر درمجمع الفصحاء ولباب‌الالباب عوفی ذکرشده است .

فرخی (ت) ابوالحسن علی بن جولوغ . وفات ۴۲۹-ازشاعران بزرگ‌دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیر خلف بانو یعنی خلف‌بن احمدبن‌محمد خلف‌بن‌اللیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربارچغانیان رفت و ابوالمظفر احمدبن محمد امیر چغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرارگرفت . پس ازآن به دربار غزنوی روی نهاد ومورد اکرام محمودغزنوی واقع‌شد. قسمت عمدهٔ قصاید فرخی درمدح سلطان محمود وپسران وبرادرش ووزیران وندیمان آنان می‌باشد .

دیوان فرخی بیش از نه هزاربیت دارد وشامل قصاید وغزلیات وقطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده

وطبیعی است واز پیچید گی وتکلف خالی‌است. درتغزل با دنیای واقعی بیشتر سروکار دارد ودرقصایدنیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر درنظر گرفته‌است، خاصه جنگهائی راکه خود ناظر آن بوده است‌بسیار زنده و حقیقی وصف می کند. فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است. همچنین در عروض و نقدالشعر دست داشته کتاب «ترجمان‌البلاغه» را به او نسبت داده‌اند، ولی این نسبت درست‌نیست زیرا که تألیف این کتاب دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به‌نام محمدبن عمرالرادویانی صورت گرفته است.

فرخی را می‌توان از قصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست.

(دیوان فرخی- چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص ومستقل باشد، خواه دومصراع آن یک قافیه داشته باشد یانه. مثال:

ران ملخی نزد سلیمان بردن

عیب‌است‌ولیکن هنراست‌ازموری

فردوسی (ت) ابوالقاسم‌حسن. وفات ۴۱۱ یا ۴۱۶—شاعربزرگ حماسه سرای ایران درقرن چهارم وپنجم. وی ازخانوادهٔ دهقانان‌بود وثروت وضیاع موروث‌داشت. فردوسی‌درحدود سال ۳۷۰ درسن‌چهل سالگی به نظم‌شاهنامه شروع کرد وآن را درحدود سال ۴۰۰ به‌پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ بادربارسلطان محمود رابطه یافت، یعنی هنگامی که ثروت‌خود را صرف شاهنامه کرد واز تهیدستی به جان‌آمد، به فکر تقدیم شاهنامه به محمودبن ناصرالدین سبکتکین افتاد وبوسیلهٔ ابوالعباس فضل بن‌احمد اسفراینی، نخستین وزیر سلطان محمود، به دربار او معرفی شد. اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس یا بعلل

دیگر که ازآن جمله تشیع فردوسی وتعصب محمود درمذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای یک دینار دربرابر هربیت یک درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت وازغزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانهٔ اسمعیل وراق ، پدر ازرقی شاعر ، ماند وازآنجا به طبرستان رفت وبه خدمت سپهبد شهریار از آل باوند رسید ومحمود راهجا کرد . ولی شهریار آن هجا را خرید ودستور داد تا به‌آب شستند. فردوسی از مازندران به خراسان بازگشت ودر مولد خود بسربرد تا به سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ بدرود زندگی گفت. گویند وقتی سلطان محمود انعام وصلهٔ شاعر را فرستاد که جنازهٔ او را به گورستان می‌بردند . اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین وبزرگترین اثر ادبی ایران است . قصهٔ یوسف وزلیخای منظوم را به او نسبت می دادندولی اکنون مسلم شده‌است که ازاونیست .

فرقدان یا فرقدین (نج) از کواکب ثابت ودوستارهٔ روشن است برسینهٔ دب اصغر

ای رسانیده به دولت فرق خود برفرقدین

گسترانیده به جود و فضل درعالم بدین

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمدبن عمر فرقدی ازشاعران خراسان در اواخرقرن ششم . معاصرومداح محمدبن سام پادشاه غوری است . اشعار کمی از او باقی است که قدرت او را درشعر می رساند .

فرنگیس (ش ــ د) از زنان داستانی شاهنامه ودخترافراسیاب که سیاوش اورا به زنی گرفت وهنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم

شد ، فرنگیس به زاری نزد پدر رفت واورا از کشتن سیاوش منع کرد ، اما افراسیاب گذشته از کشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر بزنند تا طفلی که ازسیاوش درشکم اوست، بیفتد . سرانجام پیران‌ویسه خود را به درگاه رساند وفرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد وجانش را نجات داد .فرنگیس کیخسرو را به جهان‌آورد وچندسال پس ازآن به یاری گیو باپسرخود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) رجوع شود به فرهنگ نفیسی

فروغی(ت) محمد علی‌ملقب به ذکاءالملک. وفات ۱۳۲۱— از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۰ قمری متولد شد و تحصیلات خود را درمدرسهٔ دارالفنون به‌پایان رسانید وبه‌مطالعهٔ درفلسفه‌پرداخت . مدتی به تدریس درمدرسهٔ علوم‌سیاسی اشتغال‌داشت وپس ازآن به‌ریاست‌مدرسه منصوب گشت. فروغی به‌زبان وادب‌فرانسه تسلط کامل‌داشت . وی علاوه بر کسب‌دانش به‌امورسیاسی واجتماعی نیز می‌پرداخت و سالها نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران درجامعهٔ ملل ، ریاست جامعهٔ ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به‌عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهائی است‌درتاریخ ، فیزیک ، علوم،وتصحیح آثار بزرگان ادب مانند ،کلیات سعدی،دیوان حافظ ، رباعیات خیام واز آثار معروف او کتاب «سیر حکمت دراروپا»ست‌درسه جلد. «حکمت سقراط به‌قلم افلاطون»در دو جلد. «آئین‌سخنوری»

اغلب‌آثار فروغی به چاپ رسیده‌است.

فروغی بسطامی (ت) میرزا عباس بسطامی. وفات ۱۲۷۴—از بزرگزادگان بسطام. دوران کودکی را در بسطام بسربرده و دراوایل

سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد وبه تحصیل علوم ادبی پرداخت . فروغی درابتدا «مسکین» تخلص می کرد وبعدها به‌مناسبت انتساب به دربارفروغ الدوله، فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه‌والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا به مدح شاهان وشاهزادگان قاجار پرداخت وپس ازآن به تصوف متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت . فروغی را می‌توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به‌شمار آورد . دیوان‌فروغی چند باربه چاپ رسیده است .

فرهاد (ش — د) از اشخاص داستان عاشقانهٔ خسرووشیرین . داستان خسرو وشیرین وفرهاد وشیرین را چند تن ازشاعران ایرانی به نظم درآورده‌اند ولی مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرو وشیرین نظامی داستانسرای بزرك ایران درقرن ششم هجری است .

فرهاد درعشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوارتن درمی‌دهد . فداکاری وپایداری او درعشق شیرین ، خسرو را برمی‌انگیزد که اورا به کندن کوه‌بیستون بگمارد . فرهاد از دل‌وجان این‌شغل را می پذیردوسدتهاد رآرزوی‌وصل‌شیرین به کوه کندن‌می‌پردازد، سرانجام به‌تدبیرخسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می‌رسانند واو باتیشه فرق خود را می‌شکافد ودرمی گذرد .

دل به امید صدائی که مگر درتو رسد
نالـه‌ها کرد درین کوه که فرهاد نکرد

«حافظ»

فرهاد وشیرین (ك) منظومه‌ای ازوحشی بافقی که آن رابه‌تقلید خسرووشیرین نظامی ساخته ولی نتوانسته است به پایان برساند . این

مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال شیرازی در سال ۱۲۶۰ آن را به پایان رسانده است . این منظومه از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می گشته است . (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد که آن را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دو برادرش در سرزمین هندوستان تدوین کرده است . این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده . مؤلف در این کتاب از فرهنگهائی مانند منتهی الارب، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، انجمن آراء ، غیاث اللغات و امثال آن استفاده کرده است . وی بیشتر لغات فارسی را باشواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است. فرهنگ آنندراج فرهنگ جامعی است که به سبب اشتمال بر لغات فارسی وعربی ممتاز است . (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی وآخرین تألیف معروف رضاقلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است. این فرهنگ منحصر به لغات فارسی است ومشتمل برمقدمه ای است حاوی چندین آرایش، درتوضیح لغات وبیان بعضی از اشتباهات درلغات فرهنگها وتحقیق زبان فارسی وبیان حروف تهجی وآئین شناختن مصدر واصطلاحات علم صرف ونحو وبیان وامثال آنها

متن کتاب شامل بیست وچهار انجمن است ودر خاتمهٔ کتاب بعضی از استعارات و کنایات فارسی و عربی باشواهد شعر از فصحا وبلغا ذکر شده است . (فرهنگ انجمن آراء — چاپ تهران)

فرهنگ جهانگیری (ك) کتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را درزمان شاهی اکبرشاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد ودرزمان سلطنت پسرش جهانگیرشاه یعنی درسال ۱۰۱۷ به‌نام او به‌پایان رساند. این کتاب شامل لغتهای فارسی الاصل است ومؤلف برای هرلغت‌شعری برسبیل شاهد آورده است وچنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می گویدچهل وچهار کتاب لغت‌دراختیار داشته وازآنهااستفاده‌کرده است . فرهنگ جهانگیری بسیار جامع وسودمند است و مورد تقلید و پیروی فرهنگ نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرار گرفته است .

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت نامه های نفیس فارسی تألیف عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسینی‌المدنی التتوی که‌آن را درسال ۱۰٦٤ درهندوستان تألیف کرده است . فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت درمندرجات ، از معتبرترین لغت نامه های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است . مؤلف‌فرهنگ رشیدی درمقدمهٔ کتاب از فرهنگ جهانگیری وسروری انتقاداتی کرده واجتناب ازسهل‌انگاری واشتباهات ایشان‌را درکتاب خود لازم دانسته است . فرهنگ‌رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بریک مقدمه وچند باب وخاتمه‌است.

(فرهنگ رشیدی - چاپ تهران)

فرهنگ سروری (ك)یا مجمع الفرس ، فرهنگی‌به زبان فارسی تألیف محمد قاسم‌بن حاجی‌محمد کاشانی متخلص به سروری .مؤلف این فرهنگ را درچند نوبت نوشته است به‌این‌معنی که هربار منابع ومآخذ تازه‌ای به دست آورده‌وبرشرح لغتهای سابق‌افزوده است .نسخهٔ کامل

آن تاریخ ۱۰۵٤ هجری را دارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری وتحفة السعادة وامثال آن را در دست داشته است. مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است با ذکر مأخذ نقل هرلغت ونقد بعضی ازلغات. (چاپ تهران)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصرعلی بن احمد اسدی طوسی. این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همهٔ آنها را باشواهدی از اشعار شاعران توضیح داده وبرحسب حروف آخر کلمات وحروف الفبا تنظیم کرده است وچنانکه خود اسدی گفته است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعدقرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار باارزش فارسی به شمار میرود (چاپ تهران)

فرهنك نفیسی یافرنود سار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبرنفیسی ناظم الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ شمسی). مؤلف دراین کتاب مقید به آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیزدرآن وارد کرده است. همچنین به مفردات اکتفانکرده بلکه مرکبات واصطلاحات واستعمالات مختلف الفاظرا نیزذکر کرده است ودرذیل بسیاری از کلمات، خلاصه‌ای ازعلوم را به شکل دائرة المعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فریدون (ش — د) ازنژاد تهمورث وپسر آبتین که درخردسالی ضحاك پدرش را کشته بود وسادرش «فرانك» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود. چون کاوهٔ آهنگر برضحاك شوریدفریدون را به شاهی خواند. فریدون برضحاك چیره شد واورا درکوه دماوند به زندان کرد وخود به شاهی نشست.

فصا (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که درجواب ای شیء (کدامیک) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ یا جزء حقیقت مشترک که باشد مثل حساس که شامل همهٔ نوع حیوان است.

فصیحی خوافی (ت) ازنویسندگان دورهٔ تیموری ومعاصرشاهرخ. درسال ۸۱۸ که شاهرخ برای سرکوبی برادرزاده‌اش بایقرا به شیراز می‌رفت، فصیحی همراه او بوده و پس ازآن مأمور کرمان شده و به بادغیس بازگشته است. وی درسال ۸۴۳ به امر گوهرشاد به حبس می‌افتد وپس از رهائی از زندان درسال ۸۴۹ کتاب مجمل فصیحی را نوشته به شاهرخ تقدیم می کند.

فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ك) شامل مکاتبات و مراسلات ومحاورات ونصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفاتش بوسیلهٔ یکی ازنزدیکانش گرد آمده است. این مکاتبات عبارت‌است ازنامه هائی که به امام غزالی نوشته‌شده وغزالی به‌آنها جواب داده است. دراین مجموعه نمونه هائی ازرسائل دوستانه ودیوانی فارسی درنیمهٔ قرن پنجم نشان داده شده است. خطبه‌ای درآن ذکر شده که ازطرف امام غزالی درمجلس سنجر ایراد شده است. این مجموعه دارای پنج باب است. باب اول درنامه هائی که به‌شاهان نوشته‌شده است. باب دوم نامه هائی که به وزیران نوشته شده. باب سوم درآنچه به امراء وارکان دولت نوشته شده است. باب چهارم درآنچه به علماء وفقها نوشته‌شده. باب پنجم درفصول ومواعظ.

کتاب فضایل الانام علاوه برآنکه‌شامل مطالب عرفانی وحکمی است از حیث فصاحت‌وروانی نیز ازشاهکارهای نثر فارسی‌است ودرضمن

آن می‌توان به بسیاری ازخصوصیات وتاریخ زندگی امام غزالی پی برد.
(چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) وفات ۹۷۰- فضولی در بغداد متولد شده وبیشتر عمر را در آنجا گذرانده است. بعد به عثمانی رفت و تبعهٔ آن دولت گشت. وی به زبان ترکی وفارسی وعربی شعر می گفت‌و کتابی به‌تقلید «روضة‌الشهداء» حسین واعظ ساخته‌است به‌نام «حدیقة‌السعداء»

فعل (ط) (از مقولات‌عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است درجسم دیگرمثل گرم کردن آتش آب را.

فلك (نج) برحسب اعتقادمنجمان‌قدیم‌جسمی‌است گرد چون گوی که پیوسته در گردش‌است وغیرنورانی‌است وزمین درمرکزآن‌قرارگرفته وافلاك دیگر مانندپیازبه دور او پیچیده است،طبقات فلك هشت است:
قمر، عطارد، زهره،آفتاب، مریخ، مشتری، زحل، نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند زیرا که بیحرکت اند.

فلکی‌شیروانی (ت) نجم‌الدین‌ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. وفات ۵۸۷-ازگویندگان آذربایجان درقرن‌ششم هجری که چون درعلم نجوم مهارت داشته به «فلکی» تخلص یافته است. فلکی از درباریان شروانشاهان است، بخصوص خاقان اکبرمنوچهربن فریدون وپسرش اخستان را مدح گفته است. فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعر وأدب پرداخت. دیوانش شامل قصاید وغزلیات‌و،سمطاست.وی مدتی درزندان شروانشاه بسر برده واشعاری درزندان سروده است که از لطیفترین اشعار اوست.
(دیوان‌فلکی - چاپ‌عکسی.)

فم‌الحوت (نج) ازستارگان قدراول که درآخربرج دلوو بردهن

حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزفم‌الحوت نهادی دندان   بر سر ترکش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) ابوالقاسم فندرسکی. وفات ۱۰۵۰- منسوب به فندرسک از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی وحکمت استاد بوده ودراین علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربارشاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به هند کرد ودرآنجا تحت‌نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیش گرفت . فندرسکی درشعر فارسی نیز دست داشت . قصیده‌ای به استقبال شعر ناصر خسرو ساخته است که درتذکره‌ها ضبط است .

الفهرست(ك) کتابی به زبان‌عربی ، تألیف‌ابوالفرج‌محمد بن اسحق الندیم که آن را به سال ۳۷۷ به اتمام رسانده است. کتاب«الفهرست» چنانکه از نامش پیداست،فهرست کتابهای عرب وعجم است که به‌زبان عربی موجود بوده است وشامل انواع علوم و اخبار مؤلفان آن باذکر نسب وتاریخ تولد ومدت عمر وتاریخ وفات آنهاست ازابتدای پیدایش هر علم تا عصر مؤلف . این کتاب شامل ده مقاله وهرمقاله شامل چند فن می‌باشد که همه برحسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است . اسامی کتابها گاهی درضمن شرح‌حال مؤلف‌می‌آید، وگاهی ازنظرموضوع طبقه بندی‌میشود .الفهرست کتابی‌است که‌ازنقطهٔ نظرتاریخی بسیارسودمند است زیرا، باآنکه درکمال‌ایجاز واختصارنوشته‌شده است، مرجع ومأخذ مورخان قرارگرفته است وسرچشمهٔ بزرگی‌از علوم‌و فنون‌مختلف‌است‌مانند شعر ، حدیث،نحو ، کلام ،علم قرائت خطوط ،کتابت ، فلسفه ، طب ، مذاهب مختلف ، اعتقادات ملل . همچنین بسیاری از کتابها و مؤلفان

ناشناس در این کتاب معرفی می‌شوند .

کتاب الفهرست یکی از جامعترین و بهترین کتابهای دورهٔ تمدن اسلامی است . سبک کتاب بسیار ساده است و کمتر کسی توانسته از آن تقلید کند .

فیروزآبادی (ت) ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب الشیرازی فیروزآبادی . وفات ۸۱۷ - از بزرگان ادب و لغت عرب در قرن هشتم . مولدش فیروزآباد فارس است . ابتدا در شیراز و پس از آن در عراق عرب و بغداد به تحصیل علوم دینی مانند فقه و تفسیر و حدیث پرداخت . بعد به دمشق و اورشلیم رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت پس از دو سال تدریس به آسیای صغیر و قاهره و بعد به مکه معظمه رفت و پانزده سال در آنجا اقامت کرد . پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسر برد و دوباره به مکهٔ معظمه بازگشت و در سال ۷۹٤ به دربار سلطان احمد بن اویس جلایری به بغداد رفت . مدتی نیز قاضی القضاة یمن بود و در سال ۸۱۷ در یمن وفات کرد . از آثار او تألیف بسیار بزرگی است در علم لغت عرب موسوم به « قاموس المحیط »

فیروزمشرقی (ت) وفات ۲۸۳ - از شاعران معروف صفاریان و معاصر عمرو بن لیث . ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است .

فیضی دکنی (ت) ابوالفیض فیضی فیاضی . وفات ۱۰۰٤ - پسر شیخ مبارك هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری . فیضی در سال ۹۵٤ هجری در شهر اگره هندوستان متولد شد و علوم مقدماتی را از پدر فرا گرفت و در جوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و در فقه و تاریخ و فنون شعری دست یافت . فیضی اگر چه در هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران خوب فارسی زبان است و او را از رواج دهندگان زبان فارسی

درهند می‌شمارند. شعر فیضی درعثمانی وهند بسیار نفوذ یافت. وی ازاغلب قصه های هندی اطلاع داشته وبعضی ازآنها را به فارسی ترجمه کرده است. فیضی درسال ۹۹۶ دردربار اکبرشاه به رتبهٔ ملک الشعرائی رسید.

فیضی اشعار بسیارداردو ابوالفضل برادر اودریکی ازنوشته هایش اشعار اورادرحدود پنجاه هزاربیت دانسته است. غزلیاتش به نام «تباشیر الصبح» است وتفسیری به نام «سواطع الالهام» دارد که درسراسرآن یک حرف نقطه‌دار بکارنبرده است.

فیضی مثنویهائی به تقلید نظامی ساخته است که بعضی ازآنها نیمه تمام مانده است. خمسهٔ اوعبارت است از: مرکز ادوار، سلیمان وبلقیس، نل ودمن، هفت کشور، اکبرنامه.

فیض کاشانی (ت) محمدبن مرتضی الکاشانی. وفات ۱۰۹۱ - ملا محسن متخلص به فیض ازفقیهان وحکیمان معروف عصرصفوی. اهل کاشان بود و درهمان شهر به تحصیلات ابتدائی وعلوم شرع پرداخت. پس ازآن تحصیلات خودرادرشیرازنزد ملاصدرا تکمیل کرد. تألیفات فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند.

از جملهٔ آثار او اصول المعارف، کلمات مکنونه، در حکمت وتفسیر والصافی والوافی درحدیث وتفسیرقرآن.

ازآثارفارسی او «ابواب الجنان» است که درسال ۱۰۵۵ تألیف یافته وموضوعش نمازجمعه وآداب آن است. ملامحسن شعر نیزمی‌سرودودیوانش درحدود شش هفت هزاربیت دارد. (دیوان فیض کاشانی - چاپ تهران)

فیه‌مافیه (ک) کتابی به نثر مشتمل برشمه‌ای از مقالات ومجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی.

این کتاب متضمن بحثهای عرفانی ودینی واخلاقی است. (چاپ تهران)

ق

قاآنی (ت) میرزا حبیب. وفات ۱۲۷۰- ازشاعران بزرگ‌ایران در دورهٔ قاجار ومعاصر فتحعلیشاه ، پدرش نیز شاعربود «وگلشن» تخلص داشت . قاآنی به سال ۱۲۲۲ درشیراز متولد شد وبه خراسان سفر کرد و درآنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت وبه فرمان و به مناسبت‌اسم پسرشجاع السطنه یعنی او گتای قاآن ، قاآنی تخلص کرد و بوسیلهٔ همین شاهزاده به‌خدمت فتحعلیشاه رسید وپس‌ازآن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت . قاآنی از معروفترین شاعران قصیده سرای‌دورهٔقاجاراست .درقصیده‌از شاعران خراسان خاصه عنصری‌وفرخی ومنوچهری‌پیروی کرده‌ودر ترجیع بندومسمط نیزدست داشته‌است . قاآنی گذشته از دیوان اشعار، کتابی به‌نام «پریشان» به نثردارد که آن‌را به سبک گلستان سعدی نگاشته است. وی اولین شاعر ایرانی است که زبان فرانسه را آموخته است . اما آشنائی‌بازبانهای اروپائی درشعرش تأثیری نکرده است. (دیوان‌قاآنی — چاپ‌تهران)

قائم‌مقام (ت)میرزا ابوالقاسم‌فراهانی .وفات ۱۲۵۱ - پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر عباس‌میرزا نایب السلطنه که درسال ۱۱۹۳ متولد شد وبه وسیلهٔ پدر به دربار عباس میرزا راه یافت ودرسفرها باشاهزاده همراه بود وکم کم پیشکاری او را برعهده

گرفت ودر امورصلح ومعاهدات باروس کوشش بسیار کرد واساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به تخت نشاند وخود به صدارت او منصوب گشت وپس از آنکه تخت و تاج را بی منازع کرد ، درسال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید .

قائم مقام درعلوم حکمت وادب ونظم ونثرفارسی وعربی استاد بود . منشآت ومکتوبهای اونمونهٔ نثر فصیح آن عصر وبه سبک گلستان است . قائم مقام درشعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار وتجدد است . ازآثار معروف او مثنوی «جلایرنامه» است که از زبان جلایر یکی ازنوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایرج درعارفنامه واقع گشته است. درمثنوی جلایرنامه اوضاع ونقائص لشکری و کشوری را بازبانی هزل آمیز نشان می دهد . قائم مقام اشعار شکوائی و حزن آوری دارد که اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن سیزدهم درآن نمایان است .

قابوسنامه (ك) تألیف امیرعنصر المعالی کیکاووس بن اسکندربن قابوس بن و شمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ٤٧٥ در نصیحت به فرزندخود گیلانشاه نوشته است. این کتاب شامل چهل وچهار باب است درمباحث مختلف وفنون ورسوم اعم از کشورداری ولشکرکشی وبازرگانی وعلوم متداول زمان. مؤلف همهٔ ابواب کتاب را باحکایتها و تمثیل ها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه هائی ذکر کرده است . قابوسنامه را می توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی وحکمتهای عملی آمیخته است. انشای قابوسنامه نثرساده است واز بهترین وروانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسرعم موسی که از موسی کیمیا گری آموخت و بسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواستهٔ بیشمار جمع کرد. آنگاه غرور مال اورا برموسی نافرمان کرد، موسی زمین را فرمود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته‌اش در خود فرو برد.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابو بکر حمید الدین عمر بن محمود البلخی (ت) وفات ۵۵۹- از عالمان وفاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و باشاعران و دانشمندان زمان خود ارتباط علمی وادبی داشته است، خاصه ازانوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، ودرهنگامی که حکم نجومی انوری برحسب پیش بینی او درمورد انقلاب جوی صحت نیافت ومردم بلخ براوشوریدند قاضی حمیدالدین اورا از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او ومقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه براحاطهٔ برعلوم شرعی وقضا درعلوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او در نثرمسجع است وکتاب «مقامات» را به این شیوه نوشته است.

ازآثار دیگر او رساله هائی است به‌نام «وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة» و «حنین المستجیر الی حضرة المجیر» و «روضة الرضا فی مدح ابی الرضا» و «منیته الراجی فی جوهر التاجی».

ازآثار منظوم او مثنوی «سفرنامهٔ مرو» است که یک قطعه از آن در مجمع الفصحاء وتذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) ابوالخیر ناصرالدین عبدالله ابوسعید بیضاوی

وفات ۶۸۵ – اهل بیضای فارس که درشیراز شغل قاضی القضاتی داشت. پدرش نیز درعهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت. قاضی بیضاوی از فقیهان ومفسران بزرگ اسلام است. از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به «اسرارالتنزیل» به زبان عربی. دیگر طوالع الانوار است در توحید و«منهاج الوصول» در علم اصول. دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام «نظام التواریخ».

قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است وبه روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملک جهان بگیری از قاف تا به قاف

مال جهان ببخشی از عود تا به قار

«منوچهری»

قافیه (ق) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخر بیت است بشرط آنکه کلمات عیناً وبه یک معنی درآخر ابیات تکرار نشده باشد. این جزء شامل یک حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند وحرکت ماقبل آن مانندقمروشکر، که حروف آخروحرکت میم‌وشین یکسان است؛ یاحرف ساکن ماقبل وحرکت‌پیش ازآن‌مانندبدروقدر، کاشت وداشت.

قاموس المحیط (ك) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهرمجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را درقرن هشتم هجری تألیف کرده است.

قانعی (ت) امیر بهاءالدین احمدقانعی. شاعری ازاهل طوس که درحملهٔ مغول به هندوستان گریخت وازآنجا به مکه‌ومدینه وبغداد سفر کرد وسرانجام به آسیای صغیررفت ودردربار شاهان‌سلجوقی روم‌درقونیه

اقامت کرد ومثنوی به‌سبک شاهنامه درتاریخ آن سلسله به نظم‌آورد ودرسال ۶۵۰ کتاب کلیله‌ودمنه‌را به فارسی‌منظوم کرد وبه‌نام‌عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای‌صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی ازمهمترین کتابهای‌طبی اسلامی‌تألیف‌دانشمند وپزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینابه‌زبان‌عربی. این کتاب شامل پنج قسمت است.

۱ــ درامور کلی طب
۲ــ درادویهٔ مفرده
۳ــ امراض جزئیه اعضاء انسان
٤ــ امراض جزئیه ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد ،
۵ــ درادویهٔ مرکبه

کتاب قانون چند بار به طبع رسیده است و ترجمه‌های متعددی ازآن شده وشروح متعددی برآن‌نوشته‌اند .

القباوی (ت) ابونصراحمدبن‌محمد بن نصر القباوی اهل بخارا ودیه قبا که درسال ۵۲۳ تاریخ بخارای نرشخی را ازعربی به فارسی ترجمه‌کرده ومطالبی نیز برآن افزوده است .

قبس (تن) به معنی پارهٔ آتش و درشعر فارسی اشاره به پارهٔ آتشی‌که در وادی ایمن از درختی برموسی‌ظاهر شد .

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس
موسی اینجا به امید قبسی می‌آید
«حافظ»

قبض (زحاف) (ع) درمفاعیلن اسقاط حرف‌پنجم یعنی یاءاست که در این صورت مفاعیلن می‌شود مفاعلن ؛ و آن را مقبوض گویند .

درفعولن حذف نون است که می‌ماند فعول ؛ وآن را مقبوض خوانند .

قدر (نج) جایگاه‌ستارگان‌ونسبت آنها به‌منطقةالبروج که «شرف» نیز خوانده می‌شود. آنچه را که ازهمه بزرگتر است ، قدراول یاشرف اول می‌خوانند . قدر اول پانزده است .

۱- سماك اعزل ۲- سماك رامح ۳- نسرواقع ٤- نسرطایر
۵- شعرای‌یمانی ٦- شعرای شامی ۷- عیوق ۸- دبران
۹-قلب‌الاسد ۱۰-فم‌الحوت ۱۱-منکب‌الجبار ۱۲-قدم‌الجبار
۱۳- سهیل ۱٤-آخرالنهر ۱۵- رجل قنطورس

قدم الجبار (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار»است وآن را جوزا خوانند .

قران (نج) به‌معنی گرد آمدن ونزدیک شدن است ، دراصطلاح نجوم وقتی است که دوستاره به یکجا گرد شوند. قران مطلق گردآمدن زحل ومشتری است وآن به هربیست سال یک بار باشد .

قران بعضی از ستارگان نحس است وبعضی سعد . ازآن جمله قران ماه ومشتری که هرماه یکبار واقع می‌شود سعداست :

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری ومه‌قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی،اصل آن « مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن» ۲ باراست. این وزن ازآن بحردرفارسی گاهی به کار رفته است: بحرقریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع لان ۲ بار)

می‌آرد شرف مرد می‌پدید وازاده نژاد از درم خرید

قزوینی (ت) محمدبن عبدالوهاب‌بن عبدالعلی قزوینی . وفات

۱۳۲۸ شمسی – از محققان ودانشمندان معاصر که درسال ۱۲۹٤ قمری درتهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانندصرف ونحووفقه وکلام وحکمت درنزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل الله نوری وحاج شیخ علی نوری وملامحمدآملی واديب پیشاوری آموخت وبخصوص درادبیات عرب شوق فراوان یافت. قزوینی درسال ۱۳۲۲ قمری سفری به لندن کرد ودرآنجا باجمعی از مستشرقان ازجمله ادوارد برون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت. درسال ۱۳۲٤ برای مطالعهٔ نسخه های فارسی وخاصه نسخه های کتاب «جهانگشای جوینی» که به تصحیح آن مصمم گشته بود به پاریس رفت. درپاریس باعلی اکبر دهخدا ملاقات کرد ودرمدت اقامت اغلب در مصاحبت یکدیگر بودند. درسال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانگیر اول باحسینقلی خان نواب به برلن رفت وتاپایان جنگ آنجا ماند ودوباره به پاریس بازگشت. قزوینی کتابهائی مانند لباب الالباب عوفی، المعجم فی معائیر اشعارالعجم، چهارمقالهٔ عروضی، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را باهمکاری دکتر غنی تصحیح وچاپ کرده است.

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی وتاریخی اوست که درجراید مختلف فارسی درایران واروپا منتشر شده وباکوشش ومقدمه پورداوود درسال ۱۳۰۷ به چاپ رسیده است. دیگر یادداشتهای قزوینی است که شامل نکته هائی دربارهٔ مطالب مختلف می باشد.

قصر (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف نون واسکان لام است که می شود مفاعیل وآن را مقصور خوانند. درفاعلاتن حذف نون و اسکان تاء است که می شود فاعلات بجای آن فاعلان می گذارند وآن رامقصورخوانند

درفاع لاتن مانند قصراست درفاعلاتن

درسس تفع‌لن حذف نون واسکان لام است که‌می‌ماند مستفعل وبجای آن مفعولن می گذارند ، و آن‌را مقصور خوانند .

درفعولن حذف نون واسکان لام است که می‌ماند فعول ؛ وآن‌را مقصور خوانند .

قصص الانبیاء (ك) تألیف ابواسحق ابراهیم بن منصوربن خلف نیشابوری که‌درآن از روایات کلبی درذکر«قصص قرآن» نقل کرده‌است مؤلف میان روایت‌خود و کلبی هفت‌واسطه ذکر کرده‌است‌این کتاب درقرن پنجم هجری تألیف یافته‌وعبارات وتر کیباتش کهنه است . (چاپ‌تهران)

قصیده (ب) اشعاری است که مصراع اول و تمام بیتهای آن دارای قافیهٔ واحد باشد ، عددبیتهای قصیده تاسیصد می‌رسد . ابتدای هرقصیده تغزل است یا وصف طبیعت ، پس‌ازآن شاعر تغزل را به‌مدح یا ذم می کشاند مانند قصاید فرخی ، عنصری ، خاقانی ، انوری .

قطان‌مروزی (ت) عین‌الزمان امام‌ابوعلی‌حسن بن علی . مقتول ۵۴۸ —از حکیمان وپزشکان‌وادیبان اواخر قرن‌پنجم واوایل قرن‌ششم . وی به سال ۴۶۰ درمرو متولد شد ودرجوانی به تحصیل فقه وحدیث پرداخت ودرطب وهندسه وحکمت مهارت یافت وازانواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد . امام‌حسن قطان‌معاصر رشید و طواط بوده وبااومکاتبه داشته‌است‌ودرسال ۵۴۸ درحادثهٔ غزاسیر شد وبه‌قتل رسید .

ازآثار او ،بحثی درعروض‌است به فارسی که صاحب المعجم بدان اشاره کرده استودوشجرهٔ اخرب‌واخرم برای‌استخراج اوزان مختلف رباعی ازابداعات اوست . دیگر کتاب«الدوحة»درانساب‌و رسایلی‌درطب‌است . ازهمه‌مهمتر کتاب « کیهان‌شناخت» است به زبان‌فارسی که‌آن رادرحدود

سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است .

قطب الدین رازی (ت) قطب الدین محمدبن محمد رازی. وفات ۷۶۶ـ از شاگردان عضدالدین ایجی . اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خودرا درشام گذرانده است . در حکمت و منطق تألیفاتی دارد ، ازآنجمله است «شرح الرسالة الشمسیه» معروف به «شرح شمسیه» درمنطق که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته ودرشرح کتاب کاتبی قزوینی است. دیگر کتاب «لوامع الاسرارفی شرح مطالع الانوار» و کتاب «محاکمات» که درآن امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را ، به‌مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا، محاکمه کرده است .

قطب الدین شیرازی (ت) قطب الدین محمودبن ضیاءالدین مسعود شیرازی معروف به علامهٔ شیرازی . وفات ۷۱۰ـ پدرقطب الدین اهل کازرون بود ولی او درشیراز متولد شد و نزد پدرش که ازاطباء معروف ومشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و درده سالگی خرقهٔ تصوف پوشید وپس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد . اما هرگز از تحصیل بازننشست وقانون ابن‌سینا را نزدعموی خودآموخت. پس از چندی عزم سفر کرد وراه مراغه راپیش گرفت وبه خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسیدوعلم هیئت و کتاب اشارات ابن‌سینا را نزداوخواند. پس ازچندی به‌خراسان وعراق‌عجم وازآنجا به بغداد و روم رفت وبامولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. پس قطب‌الدین درقونیه اقامت کرد وازصدرالدین قونوی طریقهٔ ارشاد را فرا گرفت و باحاکم روم «معین‌الدین سلیمان پروانه» آشنا شد . و به فرمان او به قضاء سیواس وملاطیه منصوب گردید ودرسال ۶۸۱ ازطرف احمد تکودار به سفارت

مصر رهسپار شد. از مصر به شام رفت و در آنجا کتاب قانون و شفاء ابن سینا را تدریس کرد و به تبریز رفت و قریب چهارده سال عزلت اختیار کرد و به تصنیف پرداخت. قطب الدین در دربار اباقاخان و غازان خان مقام بلندی داشت و مورد احترام شاگردان خود بود. وی رباب می نواخت و شطرنج می باخت و در انواع علوم خاصه در ریاضی استاد بود.

از آثار او به عربی «نهایة الادراك فی درایة الافلاك» و «التحفة الشاهیه» و «شرح حکمة الاشراق» سهروردی «فتح المنان فی تفسیر القرآن» وحاشیه بر کتاب «الکشاف عن حقایق التنزیل» زمخشری وغیره است. کتاب معروف او به زبان فارسی کتاب «درة التاج» است.

قطران (ت) حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی. وفات ٤٦٥- از شاعران قرن پنجم و دورهٔ سلجوقی و از نخستین کسانی است که در آذربایجان به فارسی شعر سروده است. قطران از طبقهٔ دهقانان بود که به شاعری پرداخت. از ممدوحان وی امیر ابوالحسن علی لشکری فرمانروای گنجه و امیر ابومنصور وهسودان بن محمد فرمانروای تبریز و ابونصر محمد بن وهسودان معروف به مملان است.

از آثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید وغزلیات ورباعیات وترجیعات. سبک قطران بیشتر به سبک فرخی وعنصری متمایل بوده است. ازقصاید معروف او قصیده‌ای است در وصف زلزلهٔ تبریز که به سال ٤٣٤ رخ داده است. اغلب اشعار قطران با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت نام ممدوح رودکی ابونصر سامانی با کنیهٔ ممدوح قطران ابونصر مملان می باشد. جز دیوان کتاب لغتی به نام «تفاسیر فی لغة الفرس» به او منسوب است.

(**دیوان قطران — چاپ تهران**)

قطع (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می گذارند وآن را مقطوع گویند.

قطعه(ب) شعری است که ازچند بیت درست شده وازحیث ظاهر مانندقصیده‌است جزآنکه دومصراع اول آن مستلزم داشتن قافیهٔ واحد نیست. ازحیث معنی، مجموع چندشعر است دربیان یک‌معنی ومقصود که معمولا پند وحکمت و یا تقاضائی است. قطعه غالباً ازسه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یا مضمون‌بطور مطبوعی واژگون شود وبرچند قسم است.

قلب کل:

درپای کوی تو سرما می‌توان برید

نتوان بریدن از سرکوی تو پای‌ما

قلب مستوی: آن است که اگر هر یک از دو مصراع وارونه شود، خواندنش فرق نمی کند.

شوهمره‌بلبل به‌لب هرمهوش　　شکر به‌ترازوی‌وزارت‌بر کش

قلب مجنح: آن است که کلمه های قلب شده درابتدا وانتهای مصراع قرارگیرد.

گنج دولت‌دهد گزارش جنگ　　رای نصرت کند حمایت یار

قلب‌الاسد (نج) ازستارگان قدراول که در برج «اسد» قرار گرفته است.

گرمگاهی کافتاب استاده درقلب اسد

سنگ‌وریگ‌ثعلبیه بیدوریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که درفلک اول قرار دارد ونزدیکترین سیارات به زمین می باشد .

قمربسان چشم درد گین شود سپیده دم شود چوتوتیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیادبن محمدالقمری الجرجانی از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم ومعاصر قابوس وشمگیر که اشعاری درمدح آن پادشاه سروده است . اشعاری از او درلباب الالباب ضبط است .

قمی (ت) ابونصرحسن بن علی منجم القمی وفات نیمه آخر قرن چهارم —ازمنجمان قرن چهارم ومعاصرفخرالدولهٔ دیلمی .ازآثاراو« کتاب البارع »درمدخل احکام نجوم است که آن را درحدود سال ۳٦۷ تألیف کرده است .

قمی (ت) حسن بن محمدبن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که درسال ۳۷۸ به تشویق صاحب بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریح قم را به زبان عربی تألیف کرد .

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ازنویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را درسال ۸۰۵ از عربی به فارسی ترجمه کرده است .

قوامی رازی (ت) شرف الشعرا امیربدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمهٔ اول قرن ششم ومداح قوام الدین طغرائی که تخلص خود را از نام او گرفته است. قوامی شیعی مذهب بودواشعار فراوانی درمدح خاندان پیغمبر ومرثیهٔ آنان وهمچنین اشعار پندآمیز مبتنی برافکاردینی دارد . غزلهای عاشقانهٔ قوامی بسیار لطیف است .

(دیوان قوامی—چاپ تهران ۱۳۳٤ شمسی)

قوس (نج، ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل کمان . برج قوس برابرماه آذر است .

کمان‌ور را کمان در چنگ مانده

دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«ازویس اورمین»

قید (ق) ارحروف قافیه. حرف ساکنی‌است که پیش ازروی‌قرار می گیردوحروف قید درفارسی‌ده‌است. س ، ش ، ه ،ب، ف ، ر،خ ، ن ، غ ، ز ، مانند: دست ، دشت ، سپهر ،ابر، صفر، سرو، بخت، رنج، مغز، رزم .

مراعات حرف قید درقوافی واجب است .

ك

کاتبی نیشابوری (ت) محمدبن عبدالله ترشیزی. وفات ۸۳۸—

کاتبی در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، از اینرو گاهی او را ترشیزی و گاهی نیشابوری می‌خوانند. کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد وشیروان سفر کرد ومدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شیروان ماند و از آنجا به آذربایجان رفت وقصیده‌ای در مدح سلطان اسکندربن قرایوسف ترکمان ساخت. سپس به‌اصفهان عزیمت کرد ودرآنجا به مولانا خواجه‌صائن‌الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد وپیرو طریقهٔ او شد وبقیهٔ عمر را به عزلت وقناعت گذراند ودوباره به استرآباد برگشت وهمانجا وفات یافت.

دیوان کاتبی مشتمل است برسه هزاربیت ازقصیده وغزل وقطعه ورباعی. سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتین ومنظومه هائی به‌نام «حسن وعشق»، «ناظر ومنظور»، «بهرام وگل‌اندام» دارد.

کارنامهٔ بلخ (ك) منظومه‌ای ازآثارحکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم در پانصد بیت که آن را در شهربلخ و در عهد سلطنت مسعودبن ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو ومطایبه است وبه این جهت آن را «مطایبه‌نامه» نیز گویند.

این منظومه باتصحیح مدرس رضوی درجلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.

کاشفی (ت) مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی وفات ۹۱۰ — از فاضلان نامی دورهٔ آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته و در علم کلام و حدیث و تفسیر و سایر فنون ادب استادی داشته و در نثر فارسی هنرمند بوده است. از آثار معروف او کتاب «انوار سهیلی» و «صحیفهٔ شاهی» یا «مخزن الانشاء» و «لب لباب مثنوی مولوی» و «روضة الشهداء» و «تفسیر مواهب علیه» و «اخلاق محسنی» و «اسرار قاسمی» در سحر و طلسم است.

کاشفی (ت) فخرالدین علی بن حسین کاشفی. پسر حسین واعظ کاشفی که کتاب «رشحات عین‌الحیاة» را در سال ۹۰۹ تألیف کرده است. دیگر از آثار او کتاب «لطائف الطوائف» است.

الکافی (ك) تألیف فقیه و محدث معروف اسلامی محمد بن یعقوب کلینی. کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال در تألیف آن وقت صرف کرده است و شامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می‌باشد.

(الکافی با ترجمه فارسی — چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ك) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه بن الب ارسلان سلجوقی (۴۶۵—۴۸۵). در لباب الالباب چند قصیده و غزل از او نقل شده است.

کامل (ع) از بحور شعر عربی و در آن زبان مسدس است و در فارسی به ندرت بکار می‌رود. وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:

بحر کامل مثمن (هر مصراع متفاعلن ۴ بار):

به حریم خلوت خود شبی چه شود نهفته بخوانیم

به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم

کامل التواریخ (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن اثیر. این کتاب شامل ده جزء است مشتمل بر تاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۵۲۰ هجری. ابن اثیر در کتاب «الکامل» تاریخ پیغمبران وشاهان را به هم آمیخته است. ودرنقل، از کتاب تاریخ طبری تقلید کرده وحذف واضافاتی درآن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است. الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می رود.

کاووس (ش — د) از شاهان سلسلهٔ کیان وپسر کیقباد که به یاری رستم مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه‌ها ماوران رفت وبه زندان افتادوبه دست رستم نجات یافت وسودابه دخترشاه‌هاماوران را گرفت وبه‌ایران بازگشت. کاووس یک بار به فریب اهریمن به‌آسمان پرواز کرد وعقابهائی که تخت او را می کشیدند، اورا درسرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خود کامکی وتندی معروف بود وبارستم که بارها اورا ازرنجها رهانیده بود، به تندی رفتارسی کرد، چنانکه‌ازدادن نوشدارو درمرگ‌سهراب خودداری کرد. همچنین باسیاووش پسر خود رفتاری‌ناجوانمردانه پیش گرفت، براوخشمگین‌شد واورا به‌سرزمین‌توران فرستاد ودیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد وتخت وتاج را به کیخسرو پسر سیاووش واگذاشت.

کاوهٔ آهنگر (ش — د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه برضحاك که پسرانش را کشته بود، شورید وچرم پاره‌ای برسر چوب کرد ومردم را به پیکار باضحاك برانگیخت. ضحاك را درکوه‌دماوند بزندان کرد وفریدون را برتخت نشاند.

کسائی مروزی (ت) ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. وفات ۳۹۱ـ ازشاعران اواخر قرن چهارم که ناصرخسرو شاعر معروف دراشعار خود بسیار از او نام برده وبه پیری وفرسودگی او اشاره کرده است. کسائی قصایدی درمدح وزیر سامانیان وهمچنین سلطان محمود غزنوی دارد وگذشته ازتوصیفات ومدایح، قصایدی هم درپند واندرز وحکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است وناصرخسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ایراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او درتذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگرمیان زمین وآفتاب واقع شود، آفتاب را ازچشم می‌پوشاند وسیاهی که برآفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام وکلی است یا ناقص وجزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر

آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار

«انوری»

الکشاف (ك) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمودبن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸). زمخشری دراین تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف ونحو ومعانی وبیان وشأن نزول آیات ومسائل اعتقادی معتزله بحث کرده‌است. کشاف ازتفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار برآن نوشته اند.

کشف (زحاف) (ع) درمفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند وآن را مکشوف خوانند.

کشف الاسرار وعدة الابرار (ك) ازمهمترین تفسیرهای پارسی

قرآن، تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبدی . این تفسیر در سال ۵۲۰ هجری انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن ، و بعقیدهٔ مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کار برده ولی او به شرح وبسط بیشتری پرداخته است ودربسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیرطریقت» یا «عالم طریقت» یاد کرده است .

(چاپ دانشگاه تهران)

کشف المحجوب (ك) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آن را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری دراواسط قرن پنجم درلاهور تألیف کرده است. این کتاب ازجملهٔ قدیمترین کتابهای صوفیه می باشد که عطار درتذکرة الاولیاء وجامی در نفحات الانس ازآن استفاده کرده اند . کشف المحجوب تذکره ای است از احوال اصفیاء واولیاءوتاریخ مشایخ صوفیه واقوال آنان. سبک نثر کتاب ساده وروان است ولی هجویری گاه نیز نثر موزون به کار می برد .

(چاپ تهران)

کشف المحجوب (ك) تألیف ابویعقوب اسحق بن احمد سکزی که دراوائل قرن پنجم تألیف یافته واز مهمترین آثاراسمعیلیه محسوب می شود وشامل هفت مقاله است درتوحید ، خلق اول (خرد) ، خلق ثانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت) ، خلق رابع (موجودات روی زمین)، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث وشورمعاد) . سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است .

کشکول (ك) کتابی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . این کتاب شامل

مطالب گوناگون اخلاقی وادبی به‌نظم ونثر عربی وفارسی است وبارها درایران به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون‌است که می‌ماند مفاعیل؛ و آن را مکفوف خوانند

درفاعلاتن حذف نون‌است که‌می‌ماندفاعلات،وآن رامکفوف گویند.

درفاع لاتن مانند کف درفاعلاتن است .

درمس تفع‌لن حذف نون است که می‌ماند مستفعل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الکفایة(فی فروع الشافعیة) (ك) منسوب به‌امام‌البغوی‌الشافعی (متوفی۵۱۶) محدث‌ومفسر معروف که‌آن‌را دراوایل‌قرن ششم دربارهٔ فقه شافعی‌تألیف کرده است. ازمشخصات این کتاب‌آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی‌ذکر شود. ازاین کتاب یک نسخه به‌نام «کفایة فی‌الفقه‌الفارسیه» جزو نسخه‌های‌خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

کلب‌اکبر (نج) یا کلب الجبار ازصورتهای فلکی درجنوب منطقة‌البروج به شکل سگ بزرگ.

کلب‌مقدم (نج) ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة البروج به شکل سگ.

کلبهٔ‌احزان (تن)خانه‌ای که یعقوب‌درآن مقیم‌شده بودوبرفراق یوسف می گریست .

یوسف گمگشته بازآیدبه کنعان غم‌مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد. مانند مردم، که بر عمر و زید و بکر دلالت کند؛ و حیوان، که شامل اسب و سگ و شیر و گربه و موش و انسان و انواع دیگر جانداران است.

کلیات خمس (ط) عبارت است از: نوع، جنس، فصل، عرض عام، عرض خاص.

از اینها سه ذاتی است: نوع، جنس، فصل
و دو عرضی است: عرض عام، عرض خاص.

کلیله و دمنه (ك) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویهٔ طبیب از هندوستان به ایران آورده شد و از زبان سانسکریت به پهلوی نقل گردید و سپس از پهلوی به وسیلهٔ عبدالله بن المقفع به عربی در آمده است. رودکی کلیله و دمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی در دست نیست. پس از آن در اوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای از عربی به عبارت منشیانهٔ فارسی ترتیب داد و آن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم ساخت. این ترجمه معروفترین ترجمهٔ کلیله و دمنه است و از آثار نثر مصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات واستشهاد به اشعار و آیات و امثال عربی و فارسی مقید بوده است. این کتاب برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و قوت ترکیب و حسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است. مانند انوار سهیلی حسین واعظ کاشفی و عیار دانش.

کتاب کلیله و دمنه در چندین باب است که یکی از آنها در ذکر حال برزویهٔ طبیب می باشد و بقیه در حکمت و موعظت و پند و امثال که با داستانها

وقصه‌ها برزبان وحوش وحیوانات آمیخته است .

کتاب کلیله‌ودمنه مطابق گفتهٔ نصرالله منشی شامل شانزده‌باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان‌بوده است وشش باب راایرانیان برآن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) رجوع شود به موسی

خارا چومار برکشم و پس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

کلیم همدانی (ت) ابوطالب کلیم کاشانی. وفات ۱۰۶۱ — کلیم درهمدان تولد یافت ومدتی درشیراز بسر برد وپس ازآن به هندوستان سفر کرد وپس ازچندی به وطن برگشت ولی باز به هندوستان رفت وبه دربارشاهجهان راه یافت ونزد او تقرب پیدا کرد و به‌لقب‌ملک‌الشعرائی ملقب گشت. کلیم با شاه‌جهان به کشمیر رفت وچون شیفتهٔ هواومناظر طبیعی آنجا شد ، بااجازهٔ شاه‌جهان همانجا ماند تا درگذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل سرائی است. غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی درمضامین معمولی نیز درشعرش دیده می‌شود. کلیم علاوه برنازک خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده و کلامش یکدست و متجانس است .

(دیوان کلیم - چاپ تهران)

کلینی (ت) ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحق کلینی رازی. وفات ۳۲۹- از محدثان وفقیهان معروف‌شیعه‌وازفتوی‌دهندگان‌معروف‌اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع ونقل اخبار دینیه پرداخته است

ودرقرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند .

ازآثاراو رد قرامطه، تعبیرالرویا، رسائل الائمه، کتاب الرجال است وازهمه معروفتر کتاب «الکافی» درعلم دین است .

کم (ط) (ازمقولات‌عشر) از جملهٔ عرضهاست که در مفهوم آن تقسیم کردن معتبراست وعبارت از قدرواندازهٔ اشیاء است .

کمال‌خجندی (ت) کمال‌الدین خجندی .وفات ۸۰۳—ازشاعران عارف قرن هشتم . درخجنداز بلاد ماوراءالنهر متولد شد وپس‌ازچندی به‌تبریز مهاجرت کردودرخدمت‌سلطان حسین جلایر تقرب یافت چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت . درسال ۷۸۷ که امیر قبچاق به‌تبریز تاخت ، بسیاری از دانشمندان‌را به پایتخت خود برد ، ازآنجمله کمال بود . وی چهارسال درآن شهر ماند، دوباره به‌تبریز برگشت وهمانجا ماند تا درخانقاه خود وفات یافت .

کمال درغزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظرحافظ بوده است . دیوانش شامل غزلیات وقطعات وچندین رباعی است .

(دیوان کمال خجندی — چاپ تبریز)

کمال‌خوارزمی (ت) کمال‌الدین حسین بن خوارزمی. وفات درحدود . ۸٤۰—ازنویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۰ و ۸٤۰ به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد . کمال صاحب تألیفات‌بسیار است ، از جمله دوشرحی است که بر کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی نوشته . یکی به‌نام «کنزالحقایق» است که مختصر می‌باشد و دیگری که مفصل‌تراست «جواهرالاسرار وظواهرالانوار»نامیده‌شده‌است

کمال‌الدین‌اسمعیل (ت) خلاق‌المعانی کمال‌الدین اسماعیل بن جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی . وفات ۶۳۵—ازشاعران وقصیده

سرایان معروف عراق در قرن هفتم . وی نیز مانند پدر (جمال‌الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد وآل خجند بوده است . کمال‌الدین خوارزمشاهیان واتابکان فارس وسپهبدان طبرستان رانیزمدح کرده‌است ، دورهٔ وحشتناك مغول را به‌چشم دیده‌ودرواقعهٔ قتل‌عام اصفهان به‌دست مغول،متواری گشته وسرانجام درسال ۶۳۰ به دست آنان کشته شده است . کمال‌الدین درقصیده استاد است ومعمولا قصایدش بدون تغزل شروع می‌شود واغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال‌الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی وخرابی آن قصاید بسیار دارد .

(دیوان کمال‌الدین - چاپ تهران)

کمال‌نامه (ك) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم که آن‌را درسال ۷۴۴ بروزن هفت پیکر نظامی و به‌نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است .

کمان رستم (نج) کنایه از قوس‌قزح

چون تیغ زندآفتاب رایت		برابر بگرید کمان رستم

«ابوالفرج‌رونی»

کنایه (ب) هر گاه بجای آنکه کسی یاچیزی را نام‌ببرندیاعملی را صریحاً بیان کنند ، یکی ازلوازم آن شخص یا حیوان یاامری که‌از صفتی حاصل می‌شود یا نتیجهٔ عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به کنایه‌ادا شده است . فی‌المثل اگربجای خراورا «درازگوش» بخوانند، شنونده معنی‌خرادرمی‌یابد زیرا که داشتن گوش درازازلوازم ومختصات خراست . پس‌نام خر به کنایه بیان شده‌است .

کنعان (تن) شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد ودختر اورا گرفت وهمانجا ماند .

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
«حافظ»

کوثر (تن) چشمه‌ای دربهشت که همهٔ چشمه های بهشت ازآن جاری می گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست
« حافظ »

کوشیار (ت) رجوع شود به گیلی :

یکی درنجوم اندکی دست داشت ولی ازتکبر سری مست داشت
برکوشیار آمد از راه دور دلی پرارادت سری پرغرور
(سعدی)

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک که غیر نورانی است .

شنیدستم که هر کوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) رجوع شود به فرهاد .

چوشه بشنید قول انجمن را طلب فرمود کردن کوهکن را
«نظامی»

کهکشان (نج) رجوع شود به مجره

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته
«خاقانی»

کیخسرو (ش — د) ازشاهان سلسلهٔ کیان، پسرسیاوش وفرنگیس، که پس ازمرگ سیاوش در سرزمین توران به دنیا آمد. پیران ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد. گیو پهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد وپس از هفت‌سال جستجو اورا درسرغزاری یافت وازخالی که بر بازو داشت ونشان کیانیان بود، اورا شناخت وباخودبه ایران‌آورد. سران ایران درپادشاهی کیخسرو همداستان نبودندو گروهی فریبرز پسر کاووس را سزاوارتر می‌دانستند. کاووس برای آزمایش، هردورا به گشودن دژ بهمن فرستاد. کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید. کیخسروبه کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته‌شد. کیخسرو شصت‌سال شاهی کردوپس ازآن به عبادت‌پرداخت وسران کشور را جمع کرد و کناره گیری خودرا اعلام کرد ولهراسب‌را به تخت نشاندوبه بزرگان گنج بخشید وایشان‌را بدرود گفت وخودروی به کوهی نهاد وناپدید گشت.

کیف (ط) (ازمقولات‌عشر) عرضی‌است که‌نه‌می‌توان‌آن‌را قسمت کرد ونه نسبت داد. مثل سبکی، سنگینی. کیف اگرمختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است. مثل: قدرت، اراده واگر باحواس‌پنجگانه بتوان‌ادراك کرد محسوسه‌است مثل: طعم، رنگ.

کیقباد (ش — د) نخستین شاه کیانی و از نژاد فریدون. چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی‌شاه ماند زال، به اشارهٔ‌مؤبد، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد. رستم کیقباد را ازکوه البرز آورد وبرتخت نشاند.

کیمیای سعادت (ك) تألیف حجةالاسلام امام‌محمد غزالی که آن را پس ازسفرده‌سالهٔ خودمیان سالهای ۴۹۰ و ۵۰۰ به زبان‌فارسی

نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای‌است از احیاءالعلوم که به زبان عربی نوشته شده بود ودرچهار موضوع یا چهار عنوان است . شناختن نفس ، شناختن حق تعالی ، شناختن دنیا ، شناختن آخرت . این کتاب هم جنبهٔ اخلاقی ودینی داردوهم حکمتی وعلمی .

نثر کیمیای سعادت روان ودرعین حال بسیار پخته وپرمغز است ونثری است عارفانه وادبی . (چاپ تهران)

کیومرث (ش ــ د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت‌وتاج را آورد وشاه شد وسی‌سال سلطنت کرد . به روایت شاهنامه غذاپختن وجامه دوختن از پوست جانوران را او به‌مردمان آموخت .

گ

گرد آفرید (ش ــ د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ‌سهراب رفت و رشادتها کرد وباحیله اورا تادژسپید کشیدوخود را به داخل دژ افکند ودررا به روی سهراب بست وخود وهمه‌ایرانیان دژنشین‌را نجات داد .

گردیزی (ت)ابوسعید عبدالحی‌بن ضحاک‌بن محمود گرد یزی غزنوی .ازنویسند گان‌دورهٔ‌غزنوی‌ومعاصر سلطان عبدالرشید‌بن‌مسعود‌بن محمود سبکتکین .وی‌درزمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده‌است که به «زین‌الاخبار» معروف است .

گرشاسب (ش ــ د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود وحکیم اسدی طوسی درقرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده وبه «گرشاسب‌نامه» موسوم ساخته است .

گرشاسب‌نامه (ك) داستان منظوسی تألیف ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی که درسال ٤٥٨ نظم آن‌را به پایان رسانده است . این منظومه درحدود ده هزار بیت دارد و درشرح حال گرشاسب پهلوان سیستان وجد رستم است. شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای‌هند و افریقیه وهنرنمائیها وپهلوانیهای او وجنگهائی راکه با اژدها و دیو و ببر کرده است ، به‌تفصیل وصف می کند و داستان را با بحث هائی

مانند نکوهش جهان وستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز وامثال آن می‌آمیزد .

اسدی گرشاسب‌نامه را از متن منثوری گرفته که شاید همان گرشاسب نامهٔ منثور ابوالمؤید بلخی بوده و جزو شاهنامهٔ او محسوب می‌شده است . اسدی درنقل داستان ووصف میدانهای جنگ ومناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب‌نامه نخستین داستان حماسی است که پس از شاهنامهٔ فردوسی وبه تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ تهران)

گرگ (تن) درشعر فارسی اشاره به گرگی است که برحسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

درکوی تو معروفم واز روی تو محروم
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده

«سعدی»

گشایش ورهایش (ك) از رساله های فارسی تألیف ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم . این کتاب شامل جوابهائی است که ناصرخسرو به سؤالهای یکی از برادران دینی داده است . کتاب حاوی سی سؤال وجواب است که ناصرخسرو با زبانی ساده وروشن دربارهٔ امور دین وحل مشکلها آورده است .

گشتاسب (ش - د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتایون دختر قیصر را گرفت . سپس گشتاسب برادرخود زریر را که از جانب پدر به روم آمده بود ، شناخت وبا او به ایران بازگشت وبه تخت نشست . گشتاسب از کتایون دخترقیصر دوپسر داشت : اسفندیار و پشوتن . از وقایع

زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب وپسرانش و بزرگان ایران به دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت بادلیریهای اسفندیار به پیروزی انجامید .

گلستان (ك) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعرو ادیب بزرگ ایران آن را درسال ۶۵۶ به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است . گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی ، شامل یک مقدمه درسبب تألیف کتاب وهشت باب. درسیرت پادشاهان، دراخلاق درویشان ، درفضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، درعشق وجوانی ، درضعف وپیری ، درتأثیر تربیت ، درآداب صحبت .

سعدی درکتاب گلستان انواع مواعظ وحکم را درنثر آمیخته بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع ومزین است ودرواقع بایدسعدی رادراین شیوه استاد مسلم دانست . سبک نثر گلستان مورد تقلید نویسندگان قرون بعد قرار گرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده وازقرنها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ك) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ۷۱۰ به رشتهٔ نظم کشیده است . این مثنوی از جامعترین مثنویهائی است دراصول تصوف؛ وموضوع آن پاسخ پانزده سؤال است در بارهٔ تصوف که شخصی به نام «امیر حسینی حسین بن عالم ابی‌الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است . سؤالها دربارهٔ تفکر وسر وحدت، خودشناسی ، اناالحق ، ممکن وواجب، قدیم ومحدث ، جزء و کل واز این قبیل مسائل است .

شبستری درضمن جواب به این سؤالها امثال و شواهدی هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسیلهٔ شیخ شمس الدین محمد لاهیجی درسال ۸۷۷ شرح شده وبه نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» خوانده شده است.

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را به تقلید بوستان ساخته است.

گلگون (ش - د) نام اسب شیرین

نبود آن روز گلگون در وثاقش   بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

«نظامی»

گل و نوروز (ك) گل و نوروز مثنوی عشقی اثر شاعر بزرگ ایران خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷۴۲ بروزن خسرو وشیرین نظامی وبه نام تاج الدین احمد عراقی ساخته است. عدد ابیات آن در حدود ۲۶۰۰ می باشد.

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی خان حکیم که آن را درسال ۱۳۰۵ هجری تألیف کرده است. این کتاب فرهنگ کاملی است ازاساسی اماکن وبلاد ایران ورجال مشهور ویادداشتهای مفید شامل ۵۷٤ صفحه. امتیاز این فرهنگ برفرهنگهای دیگر آن است که مؤلف درابتدای کتاب بطور تفصیل مآخذ و منابعی را که مورد استفاده اش قرار گرفته ذکر کرده است.

گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسیلهٔ کیمیا گری اندوخته کرد وبه غرور آن برموسی عصیان کرد، موسی دعا کرد تاقارون و گنجش درخاك فرو رفتند.

قارون هلاك شد که چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

گندم (تن) دانه‌ای که خوردنش دربهشت برای آدم‌وحوانهی شده بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس ازآن خوردند واز بهشت رانده شدند .

پدرم روضهٔ رضوان به دوگندم بفروخت
ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم
«حافظ»

گودرز (ش— د) ازپهلوانان‌شاهنامه‌پسر کشواد . گودرزهفتاد پسرداشت همه از پهلوانان نامی که ازآن میان گیو وبهرام درشاهنامه نامدارترند . خانوادهٔاو درشاهنامه گودرزیان خوانده‌شده‌اند . گودرز در دربار کاووس بسیار آبرو واحترام‌داشت وهمیشه‌موردشورقراری گرفت .

گوسالهٔ سامری (تن) گوساله‌ای ازطلا که مردی به نام سامری درزمان موسی ساخت ومطابق روایات خاک زمینی را که اسب جبرئیل درآن‌پانهاده بود ، برآن‌افشاند . گوساله به صداآمدوحرکت کرد .

چون سامری مباش که زر داد وازخری
موسی بهشت و از پی گوساله می‌رود
«حافظ»

گوهرمراد (ک) کتابی درحکمت‌والهیات به زبان‌فارسی تألیف عبدالرزاق لاهیجی که آن را درزمان شاه‌عباس ثانی وبه نام او تألیف کرده است . این کتاب شامل مقدمه وسه‌مقاله است که هرمقاله‌دارای چندین فصل درمنطق وخودشناسی وخداشناسی ورسالت وامامت‌است . گوهر مراد ازکتابهای سودمندی است که در منطق والهیات به زبان فارسی نوشته شده است .

گوهرنامه (ک) مثنوی بروزن‌خسروو‌شیرین نظامی که‌خواجوی

کرمانی آن را به‌نام امیرمبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است. موضوع آن تصوف و اخلاق است.

گوی‌وچوگان (ك) یاحالنامه منظومهٔ عارفانهٔ کوچکی درپانصد بیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را درسال ۸۴۲ ساخته است. شاعر دراین منظومه بازی گوی وچوگان را وصف کرده ومناظره‌ای بین آنها ترتیب داده وآن را «حالنامه» خوانده است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است نسبت به شاهزاده‌ای. درویش پیوسته ازعشق خون دل می‌خورد تا سرانجام دراین راه جان را به باد می‌دهد.

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته ودرسراسر آن شور ومستی عشق را آشکارکرده است و درضمن نقل حکایت قطعه‌های زیبا وبدیعی‌مانند «مناظرهٔ زمین‌وآسمان» و«رازگفتن درویش با گوی وچوگان» آورده است. (چاپ لندن)

گیتی گشا (ك) کتابی درتاریخ زندیه، تألیف‌میرزا محمدصادق موسوی. این کتاب دردورهٔ انحطاط ادبی یعنی‌اواخرقرن دوازدهم‌نوشته شده و نثر آن بسیارسست و متکلفانه است.

(چاپ تهران)

گیلی (ت) ابوالحسن کوشیارازمنجمان وریاضی‌دانان قرن چهارم وآغازقرن پنجم. ازآثاراوکتاب الاصطرلاب و عیون الحقایق است درعلم نجوم.

گیو (ش — د) از پهلوانان شاهنامه وپسرگودرز که دلاوریها کرده‌است واز کارهای‌معروف‌اوآوردن کیخسروبه‌ایران‌است. دیگر یافتن

دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس است که کاووس او را به همسری برمی‌گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامهٔ فردوسی است .

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود . مثل قدرت کتابت از انسان

لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمدبن اسمعیل لامعی ازشاعران قرن پنجم ومعاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است . اشعاری درمدح عمیدالملک کندری وزیرطغرل ونظام الملک وزیر الب ارسلان سروده است. لامعی دروصف وتنوع مضامین بسیار مهارت داشته است وچون به زبان عربی آشنائی داشته ، کلمات وحتی عبارتهای عربی در کلام خود بسیار استعمال کرده است .

(مجموعه اشعارلامعی — چاپ تهران)

لاهیجی (ت) ملاعبدالرزاق لاهیجی . وفات ۱۰۵۱ — ازمعروفترین حکیمان وعالمان عصرصفوی ومعاصر شاه عباس ثانی . لاهیجی شاگرد ملاصدراست وتألیفات مهمی درحکمت ومنطق دارد . معروفترین کتابهای فارسی او «گوهر مراد» و «سرمایهٔ ایمان» است . از جملهٔ تألیفاتش به زبان عربی «شوارق الالهام» درشرح تجرید خواجه نصیر طوسی است. لاهیجی شعر نیز می گفته و «فیاض» تخلص می کرده است .

لباب الالباب (ک) تذکرهٔ مهمی به زبان فارسی ، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را درسال ۶۱۷ به نام عین الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است . این کتاب

درشرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تازمان مؤلف و مشتمل بردوجلد است. جلداول حاوی‌شرح حال ونقل اقوال سخنگویان‌ازشاهان وامیران ووزیران ودانشمندان . جلد دوم خاص شاعران وادیبان‌است شامل شرح حال ۱۶۹ تن ازشاعران ایران .

لباب‌الالباب قدیمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی زبان و درآن ازشاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان براثرحملهٔ مغول یا وقایع دیگر از بین رفته است و اگرچه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به‌دست نمی دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می پردازد و عبارت پردازی را به‌آوردن معانی مفیدتر جیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم‌است .

لبیبی (ت) ازشاعران اواخر قرن چهارم و اوایل‌قرن پنجم .وی معاصر فرخی بود ومانند او ابتدا به دربار چغانیان وپس ازآن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او درمدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعودسعد قصیده‌ای دراستقبال یکی از شعرهای او ساخته است .

ابیاتی از او درفرهنگها وتذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی (ت) وفات ۸۱۶ــ ازقاضیان‌دانشمند وشاعران‌نیشابور که‌معاصر امیرتیموربوده‌وازمریدان‌شاه نعمة‌الله‌ولی‌است . مولانالطف‌الله‌درشعر به‌ایرادصنایع‌لفظی‌توجه‌خاص داشته‌است وقصایدی درمدح ائمهٔ اطهار دارد . کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانهٔ ملی ایران موجود است .

لغز (ب) ازصنایع‌بدیع که گوینده‌بادادن نشانیهای مختلف‌چیزی

را وصف کند مانند قصیدهٔ منوچهری در وصف شمع که مطلع آن این است:

ای نهاده در میان فرق جان خویشتن

جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند

لقمان (تن) بعضی از مورخان او را عم زادهٔ ابراهیم پیغمبر می دانند ونام او صریحاً درقرآن آمده است و به حکمت منسوب است. قوله تعالی آتیتنا لقمن الحکمة.

لمعات (ك) رساله‌ای در تصوف، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی الدین بن العربی. این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی در قونیه پس از آن که به خدمت شیخ صدرالدین قونیوی رسید و در مجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت، تألیف کرد و بر شیخ عرضه داشت.

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم و نثر عربی و فارسی که جامی در زمان سلطان حسین بایقرا به دستور امیر علیشیر نوائی شرحی بر آن نوشته و آن را «اشعة اللمعات» نامیده است.

لن ترانی (تن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای پروردگار خودرا به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگز مرا نخواهی دید.

چو قلم زدست بنهی بدهیش بی‌قلم تو

صفتی که نور گیرد ز خطات لن ترانی

(از دیوان شمس تبریزی)

لوامع فی شرح الخمریه (ك) شرحی به قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض المصری (۵۷۶—۶۳۲) تألیف مولانا عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۷۵ تألیف کرده است. هریک از فصول کتاب به نام «لامعه» است که مجموع

آن لوامع خوانده می‌شود .

لوایح (ک) رساله‌ای به‌زبان فارسی درتصوف ، از آثار معروف مولانا جامی که آن را درحدود سال ۸۷۰ به‌نام جهانشاه قره‌قوینلوتألیف کرده است . این کتاب مشتمل برسی لایحه است بامقدمه‌ای درخطبه ومناجات، ونثر آن مسجع آمیخته به شعر است واز نظر تحقیق درعرفان بسیار سودمند می‌باشد (چاپ لندن)

لوط (تن) ازپیغمبران که هرچه قوم خودرا به راه خدا دعوت می کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به‌فرمان خدا لوطو کسانی که به‌اوایمان آورده‌بودند ازشهربیرون رفتند . وشهرسنگسار شدوزن لوط که‌ازنافرمانان بود بادیگران سنگسارشد .

لوکری (ت) ابوالحسن علی بن محمدغزوانی لوکری اهل‌لوکر ازشهرهای نزدیک مرو وازشاعران‌نیمهٔ دوم قرن‌چهارم . لوکری‌نوح بن منصور سامانی وابوالحسن عبیداله‌بن احمد عتبی‌را مدح گفته‌است .اشعار پراکنده‌ای از غزل وقصیده از او باقی است .

لهراسب (ش-د) ازشاهان کیان که به‌دستور کیخسرو وبرخلاف میل بزرگان‌شاه گشت وآتشکدهٔ آذربرزین را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد وخود درآتشکدهٔ نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلة‌القدر(تن) رجوع شود به شب قدر

لیلی (د) ازاشخاص داستانهای عرب، لیلی دختری است ازقبیلهٔ بنی‌عامر که ازکودکی مورد علاقه‌وعشق مجنون (قیس) ازقبیلهٔ‌خود، واقع می‌شود وخود نیز به اودل می‌بندد، اما به فرمان پدرقیس ازاوجدا می‌شود وپس ازمدتی به‌ازدواج «ابن‌السلام» درمی‌آید . لیلی هیچگاه

تن خود را به شوهر نمی‌سپارد وسرانجام به ناکامی جان می‌دهد .

داستان عشق لیلی ومجنون بوسیلهٔ بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی ومجنون» نظامی گنجوی است.

شبی مجنون به‌لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را درسال ۵۸۰ به‌نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است . این مثنوی دارای چهارهزار وهفتصد بیت است. اصل داستان لیلی ومجنون عربی است وموضوع آن عشق مجنون(قیس) از قبیلهٔ بنی‌عامر ولیلی بنت سعد از همان قبیله می‌باشد .

داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیلهٔ شاعران دیگر مانند جامی ومکتبی نیزبه نظم آمده است .

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را به تقلید لیلی ومجنون‌نظامی درسال ۸۸۹ ساخته‌است. جامی درنظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته وغالباً اشعار منسوب به قیس عامری را ترجمه کرده است .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

م

ماچین کشوری درجنوب چین ومشرق هندوستان

دو چشم شوخ تو برهم زده ختاوختن

به چین زلف توماچین وهند داده خراج

«حافظ»

ماده (ط) مایه واصل چیزی را گویند . مانند فولاد که مادهٔ شمشیر است .

ماده تاریخ آن است که درتاریخ واقعه‌ای کلمه یاعبارتی بجویند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید. این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامندومعمولا آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود . گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است واز آنها کلمه یاعبارت‌بامعنی حاصل نمی‌شود· مانند ماده تاریخ حیات‌ابوعلی سینا که‌این است:

حجة الحق ابو علی سینا

در «شجع» آمد ازعدم به وجود

در«شها» کرد کسب کل علوم

در«تکز» کرد این جهان بدرود

که ازحروف «شجع» ۳۷۳ واز حروف «شها» ۳۹۱ و از حروف «تکز» ٤۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است که عبارت بامعنی ومتناسب‌باواقعه باشد مانند ماده‌تاریخ وفات‌حافظ:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

که شمعی بود از نور تجلی

چو در خاک مصلی یافت منزل

بجو تاریخش از «خاک مصلی»

که «خاک مصلی» می‌شود ۷۹۱ .

مار (تن) جانوری که ابلیس را در دهان خود جای داد و پنهانی اورا به بهشت برد ، تا آدم وحوا را فریفت .

گاهی نیز در شعر فارسی به ماری که بردو کتف ضحاك بوده اشاره شده است .

دست آهنگر مرا در مار ضحاکی کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش — ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب به خاندان شاهی اشکانی بود وادعای پیغمبری داشت . مانی به فرمان بهرام اول کشته شد . کتاب معروف مانی «شاپورگان» نام داشت و کتاب ارژنگ (یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشها و تصویرهای دلکش بود به او منسوب است .

آئین مانی تا چندین قرن در آسیا و اروپا رواج داشت . اما مانی در ادبیات فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و در این هنر به او مثل زده می‌شود

سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت

که هرزمان بنگارد هزار گونه صور

«انوری»

ماه کنعان (تن) اشاره به یوسف ، رجوع شود به یوسف .

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
جای آن‌است که بدرود کنی زندان را
«حافظ»

ماه‌مصر (تن) اشاره به‌یوسف. رجوع شود به‌یوسف.
ز صدهزار پسر همچو ماه مصریکی
چنان شود که چراغ پدر کند روشن
«صائب»

ماه‌مقنع (د) ماهی که مقنع به سحروجادو درشهرنخشب ساخته بود و هرشب از چاهی برمی‌آمد وتاچهار فرسنگ را روشن‌می کرد
کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان
گرچه کوته‌دیدگان‌را درخیال‌افتدمنیر
«انوری»

ماه‌نخشب (د) رجوع شود به‌ماه مقنع.
صبح برآمد زکوه چون مه نخشب زچاه
ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب
«خاقانی»

متدارك (ع) از بحور شعرعربی وفارسی که‌اخفش اوسط نحوی آن را یافته است واصل آن «هشت بارفاعلن» است. درفارسی مشتقات این بحررواج بسیار ندارد. وزن زیردرزمانهای اخیر متداول‌شده‌است. (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال:

ای فسانه فسانه فسانه　　　ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی وعربی. درفارسی از این بحر وزنهای زیر رایج‌است: متقارب مثمن (فعولن ٤ بار) مثال:

جهانا چه بدمهر وبدخوجهانی چو آشفته بازار بازارگانی

متقارب مثمن مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول - یا فعل) مثال:

به‌نام خداوند جان‌وخرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی. اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس ازآن به خدمت یعقوب لیث رسیده است. المتوکلی در فصاحت و کتابت عربی بی‌نظیر بوده وبعضی گویند قطعهٔ معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از قول یعقوب ساخته وبرای خلیفه فرستاده است.

متی (ط) ازمقولات عشر. مفهوم متی‌نسبت جسم است به زمان یعنی «کی‌بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعرفارسی که درزبان عربی نیز به‌تقلید فارسی ساخته‌شده است. وآن را «مزدوجه» خوانده‌اند. مثنوی شعری است که هردو مصراع آن دارای قافیهٔ واحد و مستقلی باشد. در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی وبزمی وعرفانی قالب مثنوی به کار می‌رود. مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی راسرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
ور ازجوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سر انجام گوهر به کار آورد
همان میوهٔ تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ك) نام منظومهٔ مفصل ومعروف جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتراست ومجموع ابیات آن به بیست وشش هزار می‌رسد .

مثنوی مهمترین ومعروفترین اثر منظوم عرفانی است که از زمان سروده شدن تاکنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقمندان به تصوف وعرفان واندیشه‌های لطیف عرفانی وحکمی بوده است و برآن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته‌اند .

کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی واخلاقی ودینی منظور داشته است . غالباً، چنانکه یکی ازشیوه‌های متداول درادبیات فارسی است ، داستانهای کوتاه‌وبلند درضمن داستان دیگربه‌مناسبت می‌آید و درهرمورد احادیث واخبار، وآیات قرآن مجید برای تأیید واثبات مطلب ذکر می‌شود .

کتاب مثنوی مکرر به چاپ رسیده است .

مجاز (ب) آن‌است که‌چیزی را ذکر کنندوازآن غیر معنی‌اصلی خواهند . یانسبت دهند به چیزی آنچه راکه ازوی نیست .

اول را مجاز لغوی‌وثانی را مجاز عقلی خوانند . مثال :

تاسلسلهٔ ایوان بگسست مداین را

درسلسله‌شد دجله‌چون‌سلسله‌شد پیچان

سلسله به معنی زنجیر است واز عبارت «دجله درسلسله‌شد» مراد شاعر آن است که‌رود دجله موج زن‌شد . پس از کلمهٔ «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است . در این مورد کلمهٔ «سلسله» به معنی مجازی به کار رفته است .

مجالس العشاق (ك) تألیف سلطان ابوالغازی حسین بایقرا که آن را در سال ۹۰۸ تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه در بیان عشق حقیقی و هفتاد و شش مقاله است موسوم به مجالس که سرگذشت عارفان یا شاهان به‌طرز داستانی در آن نقل‌شده است. آخرین مجلس این کتاب درشرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین بایقرا است. ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین بایقرا قطعی‌نیست بلکه بابر در کتاب «بابرنامه» مؤلف آن را کمال‌الدین حسین گازرگاهی می‌داند.

این کتاب ازحیث ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتماد نیست ونویسنده درشرح مطالب ازسادگی خارج شده وبه‌عبارت‌پردازی پرداخته است.

مجالس المؤمنین (ك) کتابی درشرح حال وآثار واحوال عالمان وفقیهان وشاهان ومتصوفان. تألیف قاضی نورالله ششتری که‌آن‌را در سال ۹۹۳ شروع کرده ودر ۱۰۱۰ به‌پایان رسانیده‌است. این کتاب در دوازده مجلس است در شرح حال بزرگان و فقیهان و مبنایش برنشر دعوت شیعه است. نوشتهٔ کتاب ساده است. (چاپ تهران)

مجالس النفایس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میرنظام‌الدین امیر علیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا و درسال ۸۹۶ تألیف یافته است.

مجالس‌النفایس شامل یک مقدمه وهشت مجلس است درذکر حال شاعران ونویسندگان معاصر نویسنده، وشرح حال فاضلان خراسان وشاهان وشاهزادگانی که یا خود شعرمی گفته‌اند یابه شعر وشاعری علاقهٔ خاص داشته‌اند. همچنین درذکراوصاف ابوالغازی سلطان‌حسین‌بن بایقرا و حوادث سیاسی‌سلطنت او. مؤلف رویهمرفته در حدود سیصدو هشتادوپنج تن ازشاعران‌قرن نهم را نام برده‌است. این کتاب با آنکه

بسیار مختصر است و مؤلف در شرح حال شاعران و فاضلان بسیار به ایجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات فارسی در قرن نهم است و در ضمن از فواید تاریخی و اجتماعی خالی نیست .

از مجالس النفایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است . یکی به نام «لطائف نامه » است که مترجم آن فخری هراتی است و کتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است . ترجمهٔ دوم از حکیم شاه محمد بن مبارک القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید ساخته است . ترجمهٔ سوم به دست شاه علی بن عبدالعلی انجام گرفته وبه نام دین محمد از شاهان اوزبک ماوراءالنهر پرداخته شده است .

مجتث (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است . درفارسی ازاین بحر وزنهای زیر متداول است :

بحر مجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن ٤ بار) مثال :

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

مجتث مثمن مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

سحر زهاتف غیبم رسید مژده به گوش

که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

مجد همگر (ت) وفات ٦٨٦ــ از شاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری . اهل یزد بود ولی در شیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می زیسته است و اشعاری در مدح شمس الدین صاحبدیوان واتابک سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی دارد . علاوه بر مدح قطعات هجویه ای نیز در حق اشخاص سروده است . غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی و حکمی در اشعارش دیده

می‌شود .

مجره (نج) یا راه کهکشان . مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری، مانند دایره‌ای بزرگ که بردوبرج جوزا وقوس می گذرد .

یکی پله است این منبر مجره   زده گردش نقط از آب روین

«منوچهری»

مجری (ق) ازحرکات قافیه . حرکت روی پیش ازحرف وصل . مانند حرکت نون در کلمهٔ دشمنی

دوستا گردوستی گردشمنی

مجلسی (ت) محمدباقر . وفات ۱۱۱۱ —ازبزرگان وعلماء شیعه درزمان صفویه . وی پسر ملامحمد تقی مجلسی واز متعصبان مذهب بوده که تشیع را درمیان عامه ترویج کرده وباصوفیه درکمال خشونت رفتار می کرده‌است . مجلسی به‌فارسی‌ساده وقابل فهم‌عوام‌چیزمی‌نوشت وعقاید شیعه وتاریخ واحادیث را به این طریق ترویج می کرد . ازآثار معروف او به عربی «بحارالانوار» است درحدیث وازآثار فارسی او «عین الحیاة» شامل پند واندرز، مشکوة الانوار ، حلیة‌المتقین، حیوة القلوب، جلاء‌العیون، حق‌الیقین است .

مجمر اصفهانی (ت) سیدحسین طباطبائی . وفات ۱۲۲۵ هجری- از سادات‌اصفهان بوده که‌درجوانی به‌تهران‌آمده‌بوسیلهٔ‌میرزاعبدالوهاب نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافته است . پس از مدتی ازطرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشت . مجمر سالها ندیم حسینعلی میرزا پسرفتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای‌دورهٔ بازگشت ادبی‌است . غزلیات لطیف دارد ودرقصیده پیروانوری و خاقانی و امیرمعزی است . اشعار هزل وهجو دارد ومثنوی به سبک تحفة العراقین خاقانی سروده

و قطعات منثوری هم به سبک گلستان سعدی ساخته است .

مجمع الانساب (ك) تاریخی به زبان فارسی تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دوبار نوشته است . یکبار به سال ۷۳۳ وبار دیگر به سال ۷٤۳ زیرا در هنگامی که خانهٔ غیاث‌الدین محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله درتبریز غارت شد ، نسخهٔ اولی کتاب از بین رفت ومؤلف بار دیگر آن را ازحافظهٔ خود نوشت.

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا زمان تحریر . مؤلف درشرح حال طبقات شاهان و طوایف، تقسیمات مختلفی بکار برده است . شاهان را به چند طبقه وهرطبقه را به‌چند گروه وهر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاهی به اختصار ذکر می کند وگاهی به تفصیل .

سبک کتاب درقسمت اول ساده‌تر است ولی در اواخر متکلفانه می‌شود وبا اشعاری درمدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ك) رجوع شود به فرهنگ سروری .

مجمع الفصحاء (ك) کتابی درشرح حال شاعران، تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را بقول خود پس از سی‌سال کار به‌پایان رسانده است. این کتاب شامل شرح حال شاعران پارسی است از آغاز ظهور شعر تا زمان مؤلف یعنی ۱۲۸٤ وچنانکه هدایت خود درمقدمهٔ کتاب گوید کتاب را برچهار رکن یا باب تقسیم کرده است. باب اول درذکر اشعار وحال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین . باب چهارم شعرای متأخرین ومعاصرین . درپایان کتاب چندین صفحه به شرح حال واشعار خود اختصاص داده است .

هدایت درمقدمهٔ مجمع الفصحاء ازکتابها وتذکره‌هائی که استفاده

کرده نام برده است . مجمع الفصحاء اگرچه به‌علت وسعت کاردارای لغزشها وخطاهای بسیار است ، باوجود این آخرین وجامعترین تذکرهٔ شاعران فارسی است وهمواره مورد استفادهٔ محققان ونویسندگان تاریخ قرار گرفته است .

(مجمع الفصحاء — چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (ك) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست ولی چنانکه از گفتهٔ او برمی‌آید جدش مهلب بن محمدبن شادی نام داشته است . مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و قریهٔ اسدآباد بوده است وچون ازاصفهان بسیار بحث کرده، معلوم می‌شود که مدتی دراصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تاسال ۵۲۰ هجری. این کتاب دربیست وپنج باب است وشیوهٔ تنظیم مطالب آن تقلیدی‌است ازتاریخ سنی ملوك الارض تألیف حمزهٔ اصفهانی ، به این معنی که هرفصلی به موضوع معینی وبه روایت مورخ معینی‌اختصاص داده شده است . مثلا سنوات سلطنت دریکجا، نام‌ونسب درجای دیگر ، همچنین آثار وبنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات، هرکدام درفصل جداگانه‌ذکر شده است .

صاحب مجمع التواریخ منابع و کتابهای معتبری را که ازآنها استفاده کرده است، درکتاب خود نام می‌برد . مانند تاریخ طبری، سیرالملوك ابن‌مقفع ، حمزهٔ اصفهانی .

صاحب مجمل التواریخ کتاب خود را باقصه آمیخته ولی درعین

حال اسناد ومدارکی درتاریخ ذکر می کند که بسیار مورد استفاده است
انشاء کتاب بسیارساده ودور از تکلف و کمی کهنه تر ازسبک زمان مؤلف
است ولغات عربی بسیارکم دارد .

(مجمل التواریخ —چاپ تهران)

مجمل فصیحی (ک) از تواریخ مهم دورهٔ تیموری به زبان فارسی
تألیف فصیحی خوافی که آن را در سال ۸۴۹ به نام شاهرخ تألیف کرده
است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای خلقت تا
اواسط قرن نهم ومشتمل بریک مقدمه ودومقاله ویک خاتمه است .
درمقدمه تاریخ عالم ازبدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده
است . مقالهٔ اول ازولادت پیغمبر تاهجرت اوبه مدینه است . مقالهٔ دوم
مفصل ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع ازسال اول هجرت
تا ۸۴۵ می باشد .

مجمل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع سنوات
به ترتیب پی درپی آمده است . این کتاب به نثری بسیار ساده نوشته شده
وشامل مطالب بسیار پرارزش وسودمند می باشد . (چاپ تهران)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانهٔ عرب . نام اصلی
او «قیس» واز قبیلهٔ «بنی عامر» است . قیس از کودکی به لیلی بنت سعد
ازقبیلهٔ خود، دل می بندد وبه مناسبت مخالفت پدر لیلی ازاوجدا می گردد.
کارقیس ازعشق به جنون می کشد چنانکه اوراه بیابان پیش می گیردوباوحش
وطیر مأنوس می گردد وسرانجام در ناکامی جان می سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون‌ولیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعرآن را درسال ۶۹۸ به تقلید لیلی ومجنون نظامی ساخته است .

مجیر بیلقانی (ت) ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی. وفات ۵۸۶- از قصیده سرایان آذربایجان واهل بیلقان . وی شاگرد خاقانی می‌باشد وارسلان‌بن طغرل‌بن‌محمدبن ملکشاه از سلجوقیان واتابک شمس‌الدین ایلدگزو پسرانش جهان پهلوان وقزل‌ارسلان را مدح کرده است. مجیر ازطرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ولی اهالی اصفهان چنانکه باید اورا ننواختند وبه‌این سبب مجیراشعاری درهجواصفهانیان سرود. دیوان مجیرشامل قصاید و غزلیات وقطعات ورباعیات است ودر اشعار اوسبک خاقانی نمودار است . وی با اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی وجمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومعارضه داشته‌است. مجیر به روایتی به تعصب اهل اصفهان به قتل رسیده است.

محاق (نج) حالتی ازماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است ازنظر ناپیداست ونیمی که کاملا تاریک است به سوی زمین‌است این حال درآخرماه است وآن‌را «اجتماع» و«اتصال» نیز گویند . زیرا که آفتاب وماه باهم گرد می‌آیند .

ماه ارنخواهد آنکه بود نعل مرکبت
از ناخن محاق اید چهره خسته باد

«انوری»

محبوب‌القلوب (ك) یا شمسه و قهقهه کتابی شامل قصص و حکایات تألیف میرزا برخورداربن‌محمود ترکمان فراهی از منشیان ومترسلان عهد صفویه. این کتاب دارای مقدمه وپنج‌باب ویک خاتمه است درآداب معاشرت و نیکوکاری ومساعدت اقبال و صعوبت ادبار

وفوائد قناعت

مؤلف درضمن حکایتها وقصه های شیرین همه‌جا پندواندرزهای سودمند داده است . نثرآن نثرمسجع ودارای عبارت پردازی وتعبیرات مشکل است .

(محبوب‌القلوب — چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) شمس‌الشعرا محتشم کاشانی‌وفات ۹۹۶- ازشاعران معروف دورهٔ‌صفویه وشاعردربارشاه طهماسب. محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی ومدیحه گوئی کرده اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است ومی‌توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است. محتشم ترکیب بند معروفی‌دررثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه برمراثی معروف غزلیاتی نیز ازاوباقی است به‌نام «نقل‌عشاق» . شاعران زمان به‌تقلید اوترکیب‌بندهای مختلف ساختند. (دیوان‌محتشم‌چاپ‌تهران)

محتمل‌الضدین (ب) یا ذو وجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کاربرد که درآن مدح وذم باشد. مانند

ای خواجه ضیا شود زروی‌توظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

محمدبن غاز الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای‌صغیر. ازفاضلان دربارسلاجقهٔ روم و دبیر ابوالفتح رکن‌الدین سلیمانشاه‌بن قلج ارسلان که بعد دردرباراوسمت‌وزارت‌یافت وبه‌تشویق او کتاب مرزبان‌نامه را اززبان طبری به پارسی درآورد وآن را «روضة العقول» نامید .

محمدبن‌مخلد (ت) ازنخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری. به روایت تاریخ سیستان‌مردی سکزی وفاضل وشاعربود.

شعری درمدح یعقوب از اونقل شده است.

محمدبن منور (ت) نورالدین محمدبن منوربن ابی‌سعد. ازنویسندگان قرن ششم هجری ونوادهٔ شیخ ابوسعیدابی‌الخیر. وی مؤلف کتاب «اسرار التوحید» است که آن را برحسب اطلاعات خود و روایات درشرح حال وسخنان جد خویش تألیف کرده است.

محمدبن ناصرعلوی (ت) شرف‌الدین محمدبن ناصر علوی. از شاعران وسادات غزنین. سنائی درکارنامهٔ بلخ او را به‌مرتبت بلند شاعری ستوده‌است. عوفی اورابرادر سیدحسن غزنوی‌می‌داندومی گوید سید محمدبن‌ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود ومقام عالی داشت وعلاءالدوله‌را مدح کرده است. ابیات معدودی از محمدبن‌ناصرعلوی درلباب‌الالباب آمده‌که بیشتر درمدح است و شاعر درآنها به آوردن ردیفهای دشوارمقید شده است.

محمدطاهر (ت) صاحب تذکرهٔ نصرآبادی. ازنویسندگان قرن یازدهم. اجداد او مشاغل دیوانی داشته‌اند ولی شخص‌اوپس‌ازکسب ادب وهنرگوشهٔ انزوا اختیارکرده و به خدمت ادبی پرداخته است. محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب وکلیم بوده است. بعضی از اشعار او درتذکره‌ها ضبط است.

محمدعبده (ت) محمدبن‌عبده الکاتب. ازنویسندگان وشاعران مشهور قرن چهارم ودبیر بغراخان ازشاهان خانیهٔ ماوراءالنهر. نظامی اورا درنظم ونثر وبلاغت متبحر دانسته است. ابیاتی از اودر حدائق السحر وترجمان البلاغة آمده است.

محمدعوفی (ت) رجوع شود به عوفی.

محمدقزوینی (ت) رجوع شود به قزوینی.

محمدوصیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمروبن‌لیث وطاهر را هم درک کرده است. صاحب تاریخ سیستان اورا اولین شاعر زبان فارسی می‌داند وچند قطعه از اونقل می کند که یکی درمدح یعقوب ومربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی درسال ۲۰۱ است ودیگر به مناسبت شکست رافع بن هرثمه وقتل او درسال ۲۸۳ می‌باشد. قطعهٔ دیگری نیز از اوباقی است‌مربوط به گرفتاری عمرولیث به دست اسمعیل سامانی درسال ۲۸۷.

محمود (ت) مقصود سلطان محمود غزنوی است که درادبیات فارسی هم‌به عنوان‌حامی ومشوق شعر وادبیات‌وهم‌به سمت‌دلدادهٔ‌غلام ترک خود ایاز ذکر می‌شود. مثنوی «محمودوایاز» زلالی‌خوانساری دربارهٔ عشق اوست.

غرض کرشمهٔ‌حسن است ورنه‌حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز
«حافظ»

مختاری‌غزنوی (ت) ابوالمفاخرخواجهٔ حکیم‌سراج‌الدین‌ابوعمر عثمان‌بن‌عمر. وفات۵۴۹ ــ ازشاعران معروف‌دربارغزنوی‌درقرن ششم. مختاری با مسعود سعد وسنائی وابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعودومسعودبن‌ابراهیم وابوالملوک ارسلان مسعودبن‌ابراهیم را مدح گفته است. همچنین اشعاری در مدح قاوردیان دارد.

مختاری دراقسام‌شعرمانند قصیده وترجیع‌بنددست داشته ومثنوی معروفی به‌نام «شهریارنامه» دارد درذکر داستان شهریار پسر بزروپسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است.

دیوان اورا شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصرفی اخبارالبشر(کتاب ال..) (ك) رجوع شودبه‌تاریخ ابی‌الفداء

مخزن‌الاسرار (ک) یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم ایران ، که‌آن را درسال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود پادشاه ارزنگان‌ساخته است. این‌مثنوی شامل دوهزارودویست‌وشصت بیت‌است،وموضوع آن ، حکمت وموعظه وپنداست دربیست‌مقاله که، همه‌جابا داستان‌وتمثیل وحکایات‌آمیخته‌است. نظامی‌درساختن مخزن‌الاسرارازسنائی‌پیروی کرده‌است. (چاپ تهران)

مخلدی گرگانی (ت)ابوشریف احمدبن علی مخلدی گرگانی. ازشاعران اواخر قرن چهارم واوایل قرن‌پنجم،اشعاری‌از او درتذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به‌ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند اما به صورت ذم ، یعنی پس ازذکر چند صفت نیک ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن واما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، در حالی که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می کند.

به زلف کژ ولیکن به قد وقامت راست
به تن‌درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح را طوری‌بستاید که دومدح درآن‌باشد

قارون کند اندر دو نفس تیغ جهادت
یک‌طایفه‌میراث خور وسرثیه‌خوان را

مدید (ع) ازبحور شعر عربی که‌درفارسی معمول نیست . مثال

آن این است .

بحرمدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)

غالیه زلفی سمن عارضینی		سرو بالائی و زنجیر موئی

مرآت‌البلدان (ك) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبك معجم‌البلدان یاقوت‌حموی. این کتاب درچهارجلداست .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف‌تا تاً که مؤلف پس ازمباحث‌جغرافیائی به‌مباحث‌تاریخی زمان ناصرالدین‌شاه پرداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطت ناصرالدین‌شاه است . جله سوم ، اوضاع سلطنت ناصرالدین‌شاه از سال شانزدهم‌تاسی‌ودوم‌است. جلدچهارم بازفرهنگ جغرافیائی‌ادامه می‌یابد وبه حرف جیم می‌رسد .		(چاپ تهران)

مراعات‌نظیر (ب) آن است که نویسنده درآن چیزهائی را که با هم متناسب‌اند جمع کند ، مانند کلمه‌های کمان وتیر دراین‌شعر :

ازآن به خاك نشستم که‌آن کمان ابرو

مراچوتیرسوی خود کشیدودورانداخت

و کلمات شبگرد و عیاروتاج و کمر درشعرذیل:

قکیه براختر شبگرد مکن کاین عیار

تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط‌یکی ازدوحرف بااثبات حرف دیگر ملازم باشد یعنی دوحرف نه باهم ساقط می‌شود ونه باهم ثابت می‌ماند . مراقبت در مفاعیلن بین یاء و نون است که اگر یکی حذف‌شد دیگری می‌ماند.

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن‌را از درازا خواند و هم از پهنا

به جانت	نگارا	که‌داری	وفا
نگـارا	وفا کن	به دل	بی‌جفا
که‌داری	به دل	دوستی	مرمرا
وفا	بی‌جفا	مرمرا	خوشترا

مرزبان بن رستم بن شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم بن شروین. از شاهان طبرستان وازخاندان آل باوند . وی مردی دانشمند و ادب دوست بود وشعرنیزمی‌سرود. از آثاراو کتاب «مرزبان‌نامه» است به‌لغت قدیم طبرستانی. ابن‌اسفندیار دیوانی به نظم طبری به‌نام «نیکی نامه» به او نسبت داده است .

مرزبان‌نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتهائی به زبان وحوش وطیور وحاوی‌حکمت وپند بسیار تألیف‌مرزبان‌بن رستم‌بن شروین از شاهان طبرستان که آن را در اواخر قرن چهارم هجری به‌زبان‌قدیم طبرستان تألیف کرده‌است · این کتاب دوبار به زبان فارسی دری‌ترجمه شده است. نخست درقرن ششم به وسیلهٔ محمدبن غازی ملطوی که آن‌را «روضة‌العقول» نامیده است؛ وباردیگردر اوایل‌قرن هفتم به‌وسیلهٔ سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابک ازبک‌بن محمد از اتابکان‌آذربایجان ترجمه کرده است. «روضة‌العقول» باشواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان نامهٔ سعد وراوینی نیزدارای انشاء مصنوع وتشبیهات واستعارات فراوان است .

(مرزبان‌نامه — چاپ تهران)

مرصادالعبادمن‌المبدأ الی‌المعاد (ك) کتابی به زبان فارسی

تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۰ به‌نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد . این کتاب ازآثار ذیقیمت ادبی‌است درعلم تصوف واخلاق وآداب معاش ومعاد . نثر کتاب گاهی نثرساده ومرسل است وگاه دارای سجع وموازنه است . مؤلف در خلال موضوع ، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به‌فارسی وعربی از خود وشاعران دیگر نقل می کند . (چاپ‌تهران)

مرغ‌سلیمان (تن) رجوع شود به هدهد .

قافلهٔ شب چه‌شنیدی زصبح مرغ‌سلیمان چه‌خبر ازسبا
(حافظ)

مروج‌الذهب (ک) ازمعتبرترین کتابهای‌تاریخ قرن‌چهارم هجری به‌زبان‌عربی‌تألیف‌ابوالحسن بن حسین المسعودی. این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشرشروع می‌شود وبه وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفتهٔ خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب «اخبارالزمان» و «کتاب‌الاوسط» اوست .

مسعودی پیش ازذکر تاریخ پیغمبران وشاهان ازاوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می کند . پس از آن از مذاهب وادیان وتاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه واکاسره وملوک یونان وعربان سخن می گوید. درتاریخ شاهان به اختصار می کوشدو گاهی به ذکر نام ومدت سلطنت اکتفا می کند ولی دربارهٔ اوضاع اجتماعی و نژاد ومشخصات ومذاهب گوناگون حتی‌عقایدخرافی بیشتروارد بحث‌می‌شود . مسعودی مآخذ کتاب‌خود را ذکر می کندودرحدود سی‌تن ازمورخان‌را نام می‌برد که پیش‌ازاو به‌تدوین تاریخ پرداخته‌اند . ازقرآن هم‌رواياتی دارد . جزاینها مسعودی‌مدارکی‌راکه درسفرهای طولانی بدست آورده

ویاعاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می کند. بنا براین مطالب کتاب مروج الذهب بسیار متنوع وجالب است ومسعودی درفصل جداگانه‌ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت وبعد از اسلام نیزذکر می کند.

مریخ (نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته وپنجمین کره است نسبت به زمین ودرآسمان بانورسرخ می درخشد. مریخ ستارهٔ جنگجویان است

خنجرمریخ سست گردد وهرشب
از شفقش خون برآسمان بنماند

مریم (تن) دختر عمران و مادر عیسای پیغمبر. عمران مقیم مسجد بیت‌المقدس بود و پسران بسیار داشت وبه شکرانهٔ آن نذر کرد که فرزند دیگرش را مقیم مسجد کند. مریم متولد شد. چون دختر نمی‌توانست درمسجد مقیم شود، عمران متحیر شد. وحی رسید واجازه داده شد که مریم در مسجد مجاور شود. زکریا پسرعم عمران از مریم درمسجد محافظت می کرد. چون مریم هیجده ساله شد، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار درصومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد، به فرمان خدای تعالی روح القدس دراو دمیده شده، به قولی پس از نه ساعت وبه قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد.

آبستنی مریم عمران به پسر بود
آبستنی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ق) ازحروف قافیه. آن است که خروج به آن پیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش
هر چند گسست باز پیوستیمش

شین در کلمه های بستیمش وپیوستیمش مزید است.

مساوات (ب) آن است که لفظ و معنی با هم برابر باشد.
سؤال رفتی پیش عطا همیشه کنون
همی عطای تو آید پذیره پیش سئوال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هر مصراع قسمتی از کلام موزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد. مثال:

دوشینه پی گلاب می گردیدم   درصحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم   افسرده چومن
گفتم توچه کردی که چنین می‌سوزی   ای یار عزیز
گفتا که دمی درین چمن خندیدم   پس وای به من

مسرور طالقانی (ت) ابوالفضل مسرور بن محمد طالقانی از شاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از او در مدح ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی در لباب الالباب ضبط است.

مسعود سعد (ت) مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری. وفات ۵۱۵- از قصیده‌سرایان بزرگ قرن پنجم و معاصر دورهٔ غزنوی و سلجوقی. اصلش از همدان و تولدش در لاهور است. مسعود سعد به ملازمت سیف الدوله مسعود بن ابراهیم غزنوی به هندوستان عزیمت کرد و در جنگها در التزام رکاب بود ولی سیف الدوله که مورد سوءظن پدر واقع گشته بود باندیمانش زندانی گشت و از آنجمله مسعود نیز هفت سال در قلعه های سو و دهک و سه سال در قلعهٔ نای محبوس شد و به وساطت عمیدالملک ابوالقاسم خاص آزاد شد و به حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی باردیگر گرفتار شد و هشت سال در قلعهٔ مرنج در حبس ماند تا در سال ۵۰۰ به شفاعت ثقة الملک طاهر بن علی مشکان آزاد شد و تا پایان عمر کتابداری شاهان غزنوی

را داشت. مسعود سعد امیران غزنوی ووزیران را مانند ثقة‌الملک طاهر وابونصر پارسی وابوالقاسم خاص مدح کرده است. مسعودسعد درزبان تازی وهندی نیزدست داشته واشعاری به‌عربی سروده است. مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد شرح رنجهای بی‌پایان وسختیهائی است که دردوران زندان تحمل کرده‌است. این اشعار به حبسیات معروف‌است وبسیار موثر می‌باشد.

(دیوان مسعودسعد — چاپ تهران)

مسعودی (ت) ابوالحسن علی‌بن‌حسین‌المسعودی. وفات ۳٤۶- مورخ بزرگ‌قرن چهارم. از فرزندان عبدالله‌بن‌مسعود بود که درعصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهار یافته است. مسعودی دراواخر قرن سوم دربغداد متولد شد و درسال ۳۰۰ هجری ازآنجا خارج‌شدوبه‌مولتان وفارس‌وکرمان وهندوستان تانزدیک چین سفرکرد ومدتی درشهرهای مختلف اقامت کرد وپس از این سفر طولانی دوباره به بغداد برگشت و نتیجهٔ مطالعات چندین ساله‌اش را به صورت کتاب درآورد.

از آثار معروف او کتاب «اخبارالزمان» و«کتاب الاوسط» است دیگر کتاب«التنبیه‌والاشراف»درعلم هیئت‌ومهمترازهمه «مروج‌الذهب» می‌باشد.

مسعودی غزنوی (ت) یارازی شاعر قرن پنجم و معاصرسلطان مسعودغزنوی که‌درسال ٤۳۰ مغضوب‌واقع‌شدوبه‌هندوستان‌تبعید گشت. ابیاتی ازاودرتذکره‌ها باقی است.

مسعودی مروزی (ت) ازشاعران اواخرقرن سوم واوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی‌است که شاهنامهٔ منظوم ساخته است. از

شاهنامهٔ او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در «غرر اخبار ملوک الفرس» والمقدسی در کتاب «البدء والتاریخ» از این منظومه یاد کرده‌اند.

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی یا بیشتر و کمتر نهد و مصراع آخر را بر قافیه‌ای گذارد که قافیهٔ اصلی شعر باشد مانند مسمط‌های منوچهری. مسمط را برحسب شمارهٔ مصراعهای هربندی مربع، مخمس، مسدس می‌خوانند

خیزید وخز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزان است که برشاخ رزان است

گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است

دهقان به تعجب سرانگشت گزان است

کاندرچمن وباغ نه گل ماند ونه گلنار

مسیحا (تن) لقب عیسای پیغمبر

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحامی کرد

«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعرفارسی. به این وزن شعرهای فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه‌های مرکزی وغربی ایران) بیش از شعرفارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است وازاین اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می‌شود.

مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل):

ای نگارسیه چشم سیه موی سر و قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) میرسیدعلی مشتاق اصفهانی. وفات ۱۱۷۱ - ازسادات

حسینی اصفهانی و ازشاعران قرن دوازدهم. مشتاق درعلوم معقول ومنقول مهارت داشت و ازعلوم متداول زمان خود بهره‌مند بود. انجمن ادبی دراصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف وعاشق وآذر بیکدلی دراین انجمن حاضر شده کسب ادب می کردند. مشتاق ازاحیا کنندگان سبک عراقی است ودیوانش شامل قصیده وغزل ورباعی است. قصاید مشتاق بیشتر درمناقب حضرت رسول اکرم است.

(دیوان مشتاق — چاپ تهران)

مشتری (نج) یا برجیس درفلک ششم نسبت به زمین قرار گرفته است ودرنظر منجمان ستارهٔ سعد است.

بر آسمان مکرمت از روشنان علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابوعبدالله حسین بن احمدزوزنی. این کتاب درزمان مؤلف نیز معروف ومورد اعتماد بوده است. مؤلف دراین کتاب مصادر عربی را به فارسی شرح کرده ودربرابر هریک معادلی به فارسی آورده است. مصادر عربی دراین کتاب برحسب افعال صحیح ومعتل ومهموز ومانند آن وبه ترتیب حروف تهجی اواخر آنها تنظیم شده است. مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده وپس ازآن ثلاثی مزید و رباعی مجرد ومزید را آورده است.

(چاپ تهران)

مصحف (ب) آن است که چون نقطهٔ کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش تغییر کند. مانند دو کلمهٔ بوسه وتوشه دراین شعر:

سرا بوسه جانا به تصحیف ده　　　که درویش راتوشه ازبوسه به

مصراع (ب) درزبان عرب مصراع لنگهٔ دراست ودرشعرنیمه‌ای از بیت باشد . پس هربیت شامل دومصراع است .

مضارع (ع) از بحور شعر عربی وفارسی . مرکب است ازدوبار «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» ودرفارسی ازاین بحر وزنهای زیرمتداول است .

بحرمضارع مثمن اخرب مکفوف مقصور یامحذوف «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان — فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست

در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثمن اخرب صدر وعروض : «مفعول فاعلاتن ۲ بار»

بگذار تابگریم چون ابر دربهاران

کز کوه ناله خیزد روز وداع یاران

«سعدی»

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»

ای مطرب خوش آوا آواده　　　ای‌ساقی آن‌قدح را باما ده

«اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ك) تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی درتاریخ کرمان . تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ٦۱۳ است که تسلط‌ملوك‌شبانکاره واتابکان فارس وامرای‌غزازکرمان قطع شده‌است . انشاء این کتاب‌مانند «عقدالعلی» مصنوع ومتکلف‌است .

مطلع الانوار (ك) یکی از مثنویهای امیر خسرودهلوی که‌آن را درسال ٦۹۸ به‌نام علاءالدین محمدشاه درتقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است .

مطلع السعدین (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ دردوجلد است وشامل تاریخ صدوهفتاد سال ، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تاپایان پادشاهی سلطان ابو سعید تیموری است وبهمین مناسبت مؤلف نام آن را «مطلع السعدین» گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده ووقایعی را نیزشرح داده است که خودشخصاً ناظر وشاهد آن بوده است.

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات بسیار سودمند می‌باشد و مورد استفادهٔ تاریخ نویسان بعد قرار گرفته است . سبک آن ساده وروان است .

مطلع الشمس (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان ، درجلد اول که درسال ۱۳۰۱ ه ق تألیف یافته وضع جادهٔ تهران را به مشهد ازدماوند وفیروز کوه وبسطام وبجنورد وقوچان وصف می کند واوضاع هر یک ازاین بلاد را شرح می‌دهد . جلد دوم وصف شهر مشهد وابنیهٔ تاریخی وبزرگان واعاظم آن است وشامل شرح حال امام علی بن موسی الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانه قدس دارد. جلدسوم ـ درشرح مراجعت ناصرالدین شاه از نیشابوروسبزوار ودامغان وسمنان است باشرح احوال رجال وبزرگان هریک ازشهرها .

(چاپ تهران)

المعارف (ك) از مهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد . این کتاب مجموعه‌ای است ازمجالس ومواعظ بهاءالدین که درآن ازحقایق عرفان وتفسیرآیات قرآن سخن گفته است وشامل ترکیبات ولغات پارسی است

وبسیار دلپذیر می باشد . (چاپ تهران)

معاقبت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی ازافاعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه‌داشته باشد. درمفاعیلن آن است که یاء ونون باهم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماندواگر یاء بیفتد نون می‌ماند. معاقبت در فاعلاتن بین نون والف است یعنی یا نون می‌افتد یاالف.

المعجم‌فی‌آثارملوك‌العجم (ک) رجوع شود به‌تاریخ‌معجم.

المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم (ك) تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس‌رازی که‌آن‌رادرحدودسال ۶۳۰ به‌زبان‌فارسی‌تألیف کرده‌است.ظاهراً اصل کتاب به‌عربی نوشته شده ودربارهٔ عروض‌وقوافی‌فارسی وعربی‌بوده است.امابعدبنابه‌سفارش‌دوستان‌آن‌را دوقسمت کرده است.آنچه‌را مربوط به زبان فارسی‌بوده است درکتابی تلخیص کرده ونام«المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم» برآن گذاشته است‌وآنچه متعلق‌به زبان عربی بوده به نام «المعرب فی‌معائیر اشعارالعرب»موسوم کرده است. کتاب‌المعجم‌درفن عروض وعلم قوافی و نقدالشعراست و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی؛ وعلاوه برآنکه ازحیث مطالب مربوط به عروض وقافیه و نقدالشعر جامعترین کتاب فارسی‌است از لحاظ آوردن شواهد شعری وذکرنام بسیاری از شاعران قبل‌ازمغول بسیار پرارزش ومورد استفاده است.

(المعجم — چاپ تهران)

معراج (تن) درلغت به معنی جای بالا رفتن و دراشعار فارسی اشاره به عروج حضرت محمد ص بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن ازآن برای کسی میسر نبوده است:

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج رونی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمدبن مهدی نراقی ازعالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار. این کتاب درواقع ترجمه‌ای است از کتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی، نراقی پدر مؤلف.

معروفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی ونیمهٔ اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۴۳ — ۳۵۰) را مدح گفته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است.

معزی (ت) امیرالشعرا ابوعبدالله محمدبن عبدالملک. وفات در حدود ۵۲۰ ـ ازشاعران بزرگ دورهٔ سلجوقی، پدرش عبدالملک برهانی شاعر دربارالب ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت ومعزی جای او را گرفت. تخلص او به معزی به مناسبت انتساب به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه بن الب ارسلان می‌باشد، لقب امیرا هم ملکشاه به او اعطا کرد. معزی تافوت ملکشاه در دربار او می‌زیست وپس ازآن مدتی درهرات ونیشابور واصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجربن ملکشاه رسید وتا آخر عمر در دربار او ماند. سبب فوت او را تیری می‌دانند که ازکمان شاه جدا شد وبی‌قصد به معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره کرده است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام براثر همان زخم فوت کرد. ممدوحان معزی علاوه برسلطان ملکشاه وسلطان سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می‌باشند مانند برکیارق و محمدبن ملکشاه، ارسلان ارغو پسر الب ارسلان،

بهرامشاه‌بن‌مسعود غزنوی ، اتسزبن محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی‌شامل‌قصاید وغزلیات‌است که درنهایت‌سادگی است وخالی ازتکلف‌می‌باشد . غزلهای نغزی‌دارد ودرقصایدش‌اشارات تاریخی وجود دارد و به‌بسیاری از وقایع عصرسلجوقی مانند جنگها وصلح های‌سلطان ملکشاه وسنجر اشاره کرده است .

معما (ب) : آن است که‌شاعر اسم یامعنی را نوعی به‌رمز گوید که خواننده جز به اندیشه وفکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

درمعنی قپان .

چیست نه شلوار و نه پیراهنش
هرچه می‌خواهی نهی در دامنش
راست گوید هرچه گوید بی زبان
اژدهائی عقربی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعه معمری جرجانی از شاعران دورهٔ سامانی که‌خودرا درشاعری‌بارودکی مقایسه کرده‌است . ابیاتی‌ازاودرتذکره‌ها باقی است .

معیارالاشعار (ك) کتابی به‌زبان فارسی درعلم عروض وقوافی تألیف‌خواجه نصیرالدین‌طوسی دانشمند بزرگ ایرانی . این کتاب‌شامل یک مقدمه ودوفن است . مقدمه در بیان ماهیت شعر و ذکر صناعات آن‌درسه فصل . فن اول‌درعلم عروض که شامل‌ده فصل‌است . فن دوم درعلم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده دراین کتاب اشعار فراوانی به فارسی وعربی به عنوان شاهد ذکرکرده است .
(چاپ تهران)

معین‌الدین‌اسفزاری (ت) رجوع شود به اسفزاری

معین‌الدین یزدی (ت) وفات ۷۸۹ - از دانشمندان و تاریخ نویسان قرن هشتم و معاصر و مداح شاه شجاع. معین‌الدین برحسب تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد، کتابی در تاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را در سال ۷۶۷ شروع کرده و در سال ۷۶۷ پایان داده است. عنوان این کتاب «مواهب الهی» است.

مغربی (ت) وفات ۸۰۹ — از شاعران متصوف ایران در قرن نهم. در نائین نزدیک اصفهان تولد یافته و در اصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است. مغربی از پیروان شیخ محی‌الدین العربی است. دیوان مغربی مشتمل است بر غزلیات و ترجیعات و رباعیات، اشعارش بیشتر صوفیانه و عارفانه است. دیوان مغربی چند بار در ایران به چاپ رسیده است.

مقابله (نج) آن است که میان دو برج یک‌دوم دورهٔ فلک یعنی شش برج فاصله باشد و در اصطلاح نجوم برجی به برج هفتمش نظر کند و این حال سعد است.

زاخترم نظر سعد در رهست که دوش
میان ماه و رخ یار من مقابله بود
«حافظ»

مقابله یا متضاد (ب) آن است که شاعر اشیاء متضاد را در برابر هم قرار دهد.

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است
که بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند
«حافظ»

مقامات حمیدی (ك) از کتابهای معروف نثر فارسی در قرن ششم،

تألیف قاضی حمیدالدین عمربن محمود البلخی که آن را به تقلید مقامات حریری نگاشته است. کتاب دارای یک مقدمه و بیست و چهار مقاله و یک خاتمه است و شامل نکته های اخلاقی و اجتماعی و افکار عارفانه و مطالب تاریخی و فلسفی است. مقامات حمیدی به نثر مسجع و موزون است و نویسنده همه جا به آوردن صنایع لفظی و ایراد مترادفات و ذکر اشعار فارسی و عربی پرداخته است. باوجود این نثرش سلیس و روان است و در زمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند در ترسل و فن انشاء مهارت یابند، لازم و ضروری دانسته است.

(چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن مستفعلن» ۲ بار است. وزنهای این بحر در فارسی رواجی ندارد، متداول ترین آنها این است:

بحر مقتضب مثمن مطوی مقطوع «فاعلاتُ مفعولن ۲ بار» در هر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی

المقدسی (ت) شمس الدین ابوعبدالله محمدبن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافی نویسان معروف قرن چهارم و معاصر سامانیان. المقدسی ممالک اسلامی و همهٔ ایران را سیاحت کرده و دربارهٔ آداب و عادات و مذاهب و السنهٔ ملل مطالعه کرده و نتیجهٔ مطالعات را در کتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم آورده است.

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن ازحروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند :

زارو زردم زدرد دوری او درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) ازصنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کندومعنی تازه‌ای یابد .

مقلوب برچهارقسم است :

مقلوب کل ، مقلوب بعض ، مقلوب مجنح ، مقلوب مستوی .

مقلوب کل آن است که تقدیم وتأخیر در همهٔ حروف کلمه باشد مثل تاریخ وخیرات ، شیروریش ؛ یا گنج وجنگ دراین شعر :

به گنج اندرون ساخته خواسته به جنگ اندرون لشکرآراسته

مقلوب بعض آن است که تقدیم وتأخیر دربعضی از حروف کلمه باشد . مانند رقیب وقریب ؛ یاجادوانه وجاودانه دراین شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه دلم جاودانه عدیل عناست

مقلوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه های مقلوب درابتدا وانتهای کلام واقع شود . مانند کلمهٔ زان وناز دراین شعر

زان دوجادونرگس مخمورباکشی وناز

زارو گریان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر یک عبارت یا یک مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت برکش

شو همره بلبل به‌لب هر مهوش

مقنع کندی (ت) لقب حکیم بن عطا که دعوی پیغمبری می کرد

و گویند به‌عنوان معجزه ، ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می‌آمد ونورش تا چهار فرسنگ را روشن می‌کرد . ماه مقنع در شعر فارسی از اوصاف معشوق است به‌معنی «ماه‌پوشیده‌روی» وایهامی دارد به ماهی که مقنع کندی ساخته بود .

مقولات عشر (ط) عبارت است ازنه‌مقوله عرض ویک‌مقوله‌جوهر وجمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می‌شود .

مقولات عشر عبارت است از: جوهر ، این ، متی ، ملک ، وضع ، کم ، اضافه ، فعل ، کیف ، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش درخوشترلباسی خفته بود
یک‌نسیم از کوی جانان خاست خرم درگذشت

گل	جوهر
بستان	این
دوش	متی
درخوشترلباس	ملک
خفته بود	وضع
یک‌نسیم	کم
از کوی جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
درگذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین‌القضاة از بزرگان ومشایخ صوفیه به دوستان وبزرگان زمان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است درحکمت وعرفان که با نثر روان وساده‌نوشته شده

است و کمتر جنبهٔ نامه دوستانه دارد. عین‌القضاة در این مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده و درضمن رباعیهائی نیز از خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ عرفانی دارد.

مکتبی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است. وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته ومثنوی لیلی‌ومجنون را به پیروی از او به سال ۸۹۵ دردوهزارویکصدوشصت بیت سروده است. مکتبی درعلم موسیقی استادی داشته وسازی شبیه به قانون ساخته است.

ملاصدرا (ت) رجوع شود به صدرالدین شیرازی

ملاعبدالرزاق لاهیجی (ت) رجوع شود به لاهیجی

ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملک شکلی است که به‌سبب احاطهٔ چیز دیگر برجسم عارض شودمثل شکل لباس پوشیدن ودسته‌ای احاطه راشرط ندانند بلکه مالک بودن وصاحب بودن را معتبر دانند.

ملك سليمان (تن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود زیرا که حق تعالی علاوه برپیغمبری به سلیمان پادشاهی داد تابرآدمی وپری ودیو حکومت کند. باد مأمور بود که هرچه در ملک سلیمان می گذشت، به گوش او برساند.

پیش صاحبنظران ملک سلیمان باد است
بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است

«خواجو»

ملك قمی (ت) وفات ۱۰۲۵ از شاعران قرن دهم ویازدهم هجری که به هندوستان مهاجرت کرده و در دکن به دربار نظام‌الدین‌شاه راه یافته ونزد او وابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است. ملک

قمی درهندوستان درعرفان مقام ارشاد یافته است وفیضی دکنی اوراستوده وسی گوید که وی کمتر معاشرت می کرده است .

دیوان ملک قمی شامل غزلیات ومثنوی است .

ملکه سبا (تن) رجوع شود به بلقیس .

الملل والنحل (ك) ازمهمترین کتابها دربارهٔ مذاهب وادیان وعقاید فیلسوفان وحکیمان . تألیف ابوالفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن را به نام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف کرده است . شهرستانی دراین کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان واهل مذاهب را مورد بحث قرار داده است . کتاب «الملل والنحل» یکبار بوسیله صدرالدین ترکهٔ اصفهانی به نام «تنقیح الادلة والعلل فی ترجمة کتاب الملل والنحل» وباردیگر بوسیله مصطفی بن خالقداد درسال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است .

ملمع (ب) آن است که شاعر درشعر دو زبان به کار برد مانند این شعرسعدی که به دوزبان عربی وفارسی است :

سل المصانع رکبا تهیم فی الفلوات		توقدرآب چه دانی که درکنارفراتی

ممسك العنان (نج) از صورتهای فلکی ، در شمال منطقة البروج که شامل چهارده ستاره است به شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه وبه دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نج) بیست وهشت منزل است ازمنطقة البروج که ماه هرروزی یکی ازآن منازل را طی می کند وعبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره، طرف ، جبهه، خراتین ، صرفه ، عوا ، سماك اعزل ، غفر، زبانی ،

اکلیل، قلب ، شوله، نعایم ، بلده ، سعدذابح ، سعدبلع ، سعدالسعود، سعدالاخبیه ، فرغ نخستین ، فرغ دوم، بطن الحوت .

مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض ومنافی معنی مصراع اول باشد

درمش بخشم بوسه ندهد جور کند
بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسالت او بود . دراوایل جوانی به مرو رفت وبعد ازاتمام تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد . منتجب الدین مجموعهٔ منشآت خود را به نام «عتبه الکتبه» نامید که پس از او سرمشق مترسلان قرار گرفت . عوفی دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است ، یکی «رقیة القلم» در فن دبیری ودیگر «عبرات الکتبه» . انشاء منتجب الدین نمونهٔ نثر مصنوع ودارای سجع واطناب است . اشعاری نیز از او نقل شده است .

منتظم ناصری (ك) تألیف اعتمادالسلطنه . شامل سه جلد است
جلد اول شامل خلاصهٔ تاریخ اسلام ازسال اول هجرت تا سال ۶۵۶ ه شامل تاریخ خلفا به ضمیمهٔ وقایع مهم ایران ، باسالنامه وتقویم
جلد دوم شامل وقایع وحوادث عالم ازانقراض خلافت بنی عباس ۶۵۶ تا ابتدای سلطنت قاجاریه
جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه ازسال ۱۱۹۴ به بعد باسالنامه (چاپ تهران)

منجیك ترمذی (ت) ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است . دیوان منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصرخسرو درسفرنامهٔ خود از

آن اسم برده‌است. منجیک شاعری‌است قصیده سرا وعلاوه برقصیده های بزرگ درمدح شاهان، اشعاری نیز درهجو وهزل دارد.

اشعار منجیک درتذکره‌ها و کتابهای لغت موجود است.

منسرح (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی. اصل آن ۲ بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است. در فارسی ازاین بحر وزنهای زیر به کار می‌رود. بحر منسرح مثمن مطوی موقوف (مفتعلن فاعلن ۲ بار) مثال:

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا
تا که خرد دوستی تا چه دهد دربها

منسرح مثمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع) مثال:

بخت جوان دارد آنکه باتوقرین است
پیر نگردد که در بهشت برین است

منشوری (ت) ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی، ازشاعران عصر غزنوی. از اشعار او قطعه هائی درترجمان البلاغة و سایر فرهنگها موجود است.

منصورحلاج (ت) حسین بن منصور. مقتول ۳۰۹ ازبزرگان عرفا ومتصوفه. عده‌ای پاره‌ای ازخوارق عادات اوراحمل بر کرامت اوسی کردند واورا ازاولیاءمی دانستند ودسته‌ای آن را اثرسحر وجادومی‌شمردند وسرانجام هم به استناد این گفتهٔ او «اناالحق ولیس فی جیبی الاالله ...» او را به زندان افکندند وبه فرمان حامد بن عباس وزیر مقتدرعباسی به دارآویختند

منصوربرسردار این نکته خوش سراید
از شافعی مپرسید امثال این مسائل

«حافظ»

کلمهٔ یاردراین شعر نیز اشاره به اوست:

گفت آن یار کز و گشت سردار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
«حافظ»

منطقة البروج (نج) دایرهٔ بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است وآن را فلک البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هریک را برج می‌خوانند و این برجها به نام صورتهائی است که زمین از برابر آنها می گذرد .

منطق الطیر (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثارمعروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری؛ شامل ٤٦٠٠ بیت . دراین منظومه افکار عرفانی وشیوهٔ سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده‌شده است . مرغان درطلب سیمرغ که کنایه از حضرت‌حق است به‌راه‌می‌افتند وهدهد را به‌عنوان راهنما انتخاب می کنند . عده‌ای از مرغان از دشواری راه می گریزند ودسته‌ای تسلیم می‌شوند . پس ازطی هفت منزل دشوار بازعده‌ای ازپا درمی‌آیند و سرانجام سی‌تن رنجوروخسته باقی می‌مانند که به کوه‌قاف می‌رسند ومی‌بینندسیمرغی که درطلب اوهستند خودایشان (سی‌مرغ) هستند . مقصود از این‌منظومهٔ رمزی نمودن‌راه عرفان و رسیدن به‌حق است که بعضی‌ازسالکان طریقت به سبب علایق دنیوی یا کوتاهی همت از دشواری راه می گریزند وکسانی که باکوشش موفق می‌شوند هفت مرحلهٔ سلوك را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تاجامهٔ بقا بپوشند . کتاب منطق‌الطیر از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار درآن قدرت تخیل وبیان خود راآشکار کرده ودرضمن گفتگوی پرندگان حکایتها وتمثیل های‌شیرین‌آورده است .

منطقی (ت) ابوسلیمان محمدبن طاهربن بهرام سجستانی . وفات ۳۹۱-

فیلسوف بزرگ قرن چهارم ومعاصر عضدالدولهٔ دیلمی. منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده ورسائلی به‌نام او درشرح فنون حکمت وتفسیر کتابهای ارسطو نوشته است. ازآثار او «رسالة فی المحرك الاول» ومقاله «طبیعت اجرام علوی» و«مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان».

منطقی رازی (ت) ابومحمد منصوربن علی منطقی رازی. وفات نیمه دوم قرن چهارم - ازشاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می کرد. اشعاری از منطقی درتذکره‌ها ضبط است.

منکب الجبار یامنکب الجوزا (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار» است وآن را جوزا خوانند

من لایحضره الفقیه (ك) کتابی درفقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری درآئین تشیع که مرجع علمای شیعه است. مجموع آن درچهارجزو وتنظیم شده که دارای ٦٦٦ باب و٥٩٦٣ خبراست. این کتاب ازاصول چهارگانه درفقه‌است وروایات آن مورد اعتماد علماست وچندین بار برآن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش - د) نوادهٔ ایرج است که به سرپرستی فریدون، جد خود، پرورش یافت وهنرآموخت، درزمان او سلم وتور لشکراز جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت وسلم وتور را کشت ودژالانان را گشود وبافیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را برسروی نهاد وخود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمائی وتدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی. وفات ٤٣٢- ازشاعران بزرگ قرن پنجم وعصرمسعود غزنوی، تولدش دردامغان است وپیش ازآنکه به خدمت مسعود برسد، درری اقامت

داشته‌است وهنگامی که مسعود به‌قصد لشکرکشی به گرگان ازنیشابور حرکت کرد ، منوچهری را نزد خود خواند . پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد وصاحب شکوه وجلال گردید .

منوچهری تخلص خود را ازنام فلک‌المعالی منوچهربن قابوس وشمگیر حکمران زیاری گرفت که درابتدای کاردردربار او بسرمی‌برده است . از ممدوحان منوچهری سلطان مسعودبن محمود غزنوی ، علی دایه سپهسالار مسعود ، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود ، ابوسهل زوزنی وعدهٔ دیگر از رجال زمان مسعود بوده‌اند . منوچهری باوجود جوانی ، صاحب اطلاع وسیع درشعر و ادب فارسی و تازی بوده است ، چنانکه دراشعارش ازمضمونها واسلوب شاعران‌تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی درشعر خود به کار برده است . منوچهری‌علاوه برزبان‌وادب عرب درعلم طب‌ونجوم نیزدست‌داشته واصطلاحات نجوم دراشعارش دیده می‌شود . منوچهری درتشبیه واستعاره خاصه وصف طبیعت ورز وشراب استاد بوده واو را مبتکر مسمط می شمارند که ظاهراً این نوع شعر پیش ازاودراشعار دیگران دیده نشده است .

دیوان منوچهری چندین بار به‌چاپ رسیده است .

من وسلوی (تن) من به معنی انگبین وسلوی به معنی‌بلدرچین است . من وسلوی غذائی بوده است که خداوند دربیابان برای موسی وقوم بنی‌اسرائیل‌فرستاد .

گربه‌عهد موسی امت‌را گه قحط از هوا
بازمن وسلوی سلوت رسان افشانده‌اند . . .

«خاقانی»

منهاج سراج (ت) منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی. وفات ۶۹۸- از عالمان خراسان بود که هنگام حملهٔ مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباجه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسهٔ فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباجه خود را درسند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج سراج به خدمت او درآمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب «طبقات ناصری» را به نام ناصرالدین محمود شاه پسر التتمش نوشت.

منیژه (ش — د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان ایران گشت و اورا به کاخ خود برد و چون افراسیاب به عشق دختر پی برد، اورا ازقصر خود راند و بیژن را درچاهی زندانی کرد. منیژه سروپابرهنه به گدائی پرداخت و نانی را که ازاین راه به دست می‌آورد، درچاه برای بیژن می‌انداخت. منیژه درعشق خود فداکاریها کرد تارستم به یاری ایشان رسید و بیژن را از چاه بیرون آورد و منیژه بااو به ایران گریخت.

المواقف (ك) «کتاب المواقف فی علم الکلام و تحقیق المقاصد و تبیین المرام» از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین تألیف کرده و میرسید شریف جرجانی برآن شرح نوشته است.

(چاپ مصر — ۱۸۴۸ م)

مواهب الهی (ك) کتابی درتاریخ خاندان مظفری ازآغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و شاه محمود که معین‌الدین یزدی آن را براثر تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین درسال ۷۶۷ به پایان رسانده است.

این کتاب مانند تاریخ وصاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبهٔ تاریخی سودمند است.
(چاپ تهران)

مواهب علیه (کك) تفسیری از قرآن به زبان فارسی، تالیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به نام امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است.

موسی (تن) موسی کلیم‌الله ازپیغمبران اولوالعزم . وی در زمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد . چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی‌اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود ، از اینرو دستورداد تا هرپسری که از بنی‌اسرائیل به‌وجود آید بکشند. وقتی که موسی‌متولد شد مادرش ازترس فرعون اورادرصندوقی گذاشت وبه رودنیل انداخت. آب‌صندوق‌را زیرقصرفرعون برد، کنیزآسیه زن فرعون آن راگرفت ونزدبانوی خود برد. آسیه اورا به‌فرزندی پذیرفت. کودك از پستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش. مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانهٔ فرعون بزرگ شد . روزی یکی از قبطیان را کشت وبه این سبب گریخت ونزد شعیب رفت ودرازای ده‌سال شبانی دختر اورا گرفت وبه مصر عزیمت کرد . شعیب عصائی به اوبخشید. درراه درشبی‌تاریك زنش درد زاییدن گرفت، درآن بیابان که وادی‌ایمن نام دارد، موسی به جستجوی آب رفت ، برسردرخت روشنی دیدوخطاب آمد «انی‌اناالله» ومعجزه براو کرامت شد . موسی معجزات را برفرعون عرضه داشت . فرعون اورابه سحروجادومتهم کرد وایمان نیاوردوچون قبطیان بابنی‌اسرائیل جورمی کردند، موسی وبنی‌اسرائیل ازمصرهجرت کردند وازآب نیل گذشتند وقبطیان که به دنبال ایشان رفتند، درآب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طورمی‌رفت وخدای‌تعالی‌توراة

را که برالواح نبشته بود، براونازل کرد . وقتی موسی باخداسخن گفت ودیدارخواست . جواب آمد «لن ترانی» .

موش و گربه (ك) منظومهٔ انتقادی شامل ۱۷٤ بیت ازآثارعبید زاکانی که درآن تزویر وریاکاری گربه‌ای از گربه های کرمان را شرح می‌دهد که موجب فریب موشان گشت وپس از آن کار به شکستن عهد گربه وبروزجنگ بین موشان و گربه ها و غلبهٔ لشکر موشان و گرفتاری گربه وفرار او منجر شده است .

این منظومهٔ شیرین بسیار معروف‌است وبعضی از بیتهای آن‌مثل سایر شده است . منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی ازآداب و رسوم واوضاع زمان .

موصّل (ب) شعری‌را گویند که همهٔ حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد وبتوان همه را سرهم نوشت :

تن به عشقم نحیف گشت به غم

گل به چشمم نهفته گشت به خار

که می‌توان چنین نوشت :

تنبعشقمنحیفگشتبغـم گلبچشممنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمدبن حسین‌الخطیبی .وفات ۶۷۲-جلال‌الدین محمد معروف به مولوی یاملای روم از بزرگترین شاعران عارف ایران درقرن هفتم .جلال‌الدین دربلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش درقونیه به رومی یامولانای روم مشهور شد . جلال‌الدین فرزند محمدبن حسین ملقب به بهاءالدین ولد می‌باشد که ازطرف مادر از خاندان خوارزمشاه است . بهاءالدین ولد از مقربان دربار محمدخوارزمشاه بود ولی به علت رنجش خاطری که ازشاه

یافت، درسال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفرحج کرد و درنیشابور باشیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیش نبود اهداء کرد، بهاءالدین‌ولد پس از زیارت حج به‌شام وازآنجا به‌لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت ومدت هفت‌سال درآن شهر اقامت کرد وپس ازآن به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش پرور بود به قونیه رفت وتا آخرعمر درآنجا به ارشاد خلق پرداخت ودرسال ۶۲۸ فوت کرد. جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پدر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او وخواهش علاءالدین بجای پدرنشست وبه ارشاد مردم‌وتربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان بهاء ولدبود، کسب‌فیض کردوبه رموزمعرفت‌حق آشنایی یافت واز اواجازهٔ ارشاد گرفت وپس از فوت برهان محقق‌مجالس وعظ برپا کرد وبه تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق درسال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمدتبریزی برخورد کرد.

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفتهٔ شمس شد که ترک منبر ومحراب کرد واز همه گریزان شد وپیوند خودرا باگذشته قطع کرد ودر سلک مریدان شمس درآمد. شمس تبریز درسال ۶۴۵ از قونیه خارج شد ودیگر به‌آنجا بازنگشت. مولانا براثر هجران‌شمس تبریزی آشفته خاطرشد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین چلبی و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا درسال ۶۷۲ فوت کرد. از آثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگ او در شش جلد ومجموعهٔ رباعیات ودیوان غزلیات اوست که به دیوان شمس مشهور

است . ازآثار منثور او کتاب «فیه مافیه» و «مجالس سبعه» و «مکاتیب» است .

مولوی شعرعرفانی را به حد اعلی رسانده ونفوذ معنوی وادبیش نه تنها درایران وهند وآسیای صغیر به حد کمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت کرده وآثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مؤیدبغدادی (ت) بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی . منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه و ازمنشیان معروف که آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب می‌شد . تاریخ تولد ووفاتش معلوم نیست ولی مسلم است که درتاریخ ۵۸۸ زنده بوده است .

بهاءالدین محمد مجموع منشآت خود را به‌نام بهاءالدین وزیر تنظیم کرده است . وی‌علاوه برنثر استادانه اشعاری نیزداشته که عوفی بعضی ازآنها را نقل کرده است .

مهرگان (نج) مهر روز یعنی‌روز شانزدهم ازماه مهر است که فریدون برضحاك پیروز شد و اورا درکوه دماوند حبس کرد ، پارسیان هرسال دراین روز جشن می گرفتند .

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال

نیک‌روزونیک جشن ونیک‌وقت‌ونیک‌حال

(عنصری)

مهستی (ت)اززنان شاعر ایرانی درقرن ششم ومعاصر باسلطان سنجرسلجوقی . مهستی‌اهل گنجه است وابتدا دردستگاه سلطان محمود برادر زادهٔ سلطان سنجرکه حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد وپس ازآن به دربارسلطان سنجر راه یافت . مهستی دردربار سلطان سنجر مقامی یافت ودررد یف شاعران نامی آن‌زمان مانند انوری‌و

رشید وطواط وادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت .

میدانی (ت) ابوالفضل احمدبن محمد میدانی النیشابوری. وفات ۵۱۸- ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم . درقواعد ولغت عرب و نحو استاد بوده است. معروفترین اثر او کتاب «مجمع الامثال» است که شامل امثال مشهور عرب است . دیگر «کتاب السامی فی الاسامی» که کتاب لغت عربی به فارسی است ودرآن لغات را برحسب معنی وموضوع مرتب کرده است .

میرخواند (ت) محمدبن سیدبرهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود. وفات ۹۰۳- ازمورخان معروف قرن نهم ومعاصروطرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی . میرخواند درسال ۸۳۸ متولد شد وکودکی را دربخارا گذراند وپس ازفوت پدراز بخارا به بلخ رفت ودرآنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول گشت واز محضر علما استفادهٔ بسیار کرد ، سپس به هرات رفت ودرآنجا نیز درخدمت بزرگان علم و ادب به کسب علم پرداخت وپس از چندی به بلخ برگشت و تازمان وفات آنجا ماند . میرخواند درفضل و هنر وعلوم معقول ومنقول و درفن تاریخ نویسی مقامی بزرگ داشت . اثر معروف وعظیم او کتاب «روضة الصفا» درشش جلد است که به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند .

میرداماد (ت) میرمحمد باقربن محمد استرابادی. وفات ۱۰۴۱- میرمحمد باقر معروف به داماد از فیلسوفان ودانشمندان عصرصفوی لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است . منشأش استراباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است .

میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفاب متعدد فلسفی و دینی دارد که همهٔ آنها به زبان عربی است مانندصراط مستقیم‌وقبسات درمسائل حکمت ، کشف الحقایق که حکمی ودینی است .

میرداماد شعر نیز می‌سرود «واشراق» تخلص می کرد ومثنوی دارد به نام « مشرق‌الانوار » .

میرزامهدیخان منشی استرابادی (ت) رجوع شود به‌استرابادی .

میزان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل ترازو . برج میزان برابرماه مهر است .

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«انوری»

ن

ناسخ التواریخ (ك) تاریخ عموسی تألیف میرزامحمدتقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و درزمان ناصرالدین‌شاه به پایان‌رساند. این تاریخ باملحقاتش درحدود پانزده‌جلد بزرگ‌می‌شود. قسمت اسلام وتاریخ بعد ازاسلام درآن بطور مشروح نوشته‌شده، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند وبعد از او عباسقلی‌خان سپهر که ازمقربان دربارناصرالدین‌شاه بود، چند جلد درشرح حال ائمه وتفصیل سلطنت ناصرالدین شاه وغیره برآن افزوده است. سبک نثر کتاب‌ساده وپخته است.

ناصرخسرو (ت) حکیم‌ابومعین ناصربن‌حارث‌القبادیانی البلخی المروزی. وفات ۴۸۱- ازشاعران‌ونویسندگان بزرگ‌ایران درقرن‌پنجم. ناصرخسرو در سال ۳۹۴ درقبادیان بلخ متولد شدو در بلخ به کسب علوم پرداخت. وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت ومقامات عالی به دست آورد وعنوان «دبیر» و«ادیب» یافت وپس از تصرف بلخ به‌دست سلجوقیان درسال ۴۳۲ به‌مرو مقرحکومت‌ابوسلیمان چغری بیک‌داوودبن میکائیل رفت وبه کاردیوانی‌مشغول‌شد. ناصرخسرو درچهل سالگی ازکاردیوانی واشتغال به اموردنیوی دست کشیدوراه سفر حجاز پیش گرفت. دراین سفر که هفت‌سال‌طول کشید، چهاربارحج کردوحجاز وآسیای‌صغیروسوریه وفلسطین ومصرونوبه وسودان‌را سیاحت

کرد ودرمصر به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گرویدوپس از طی مراحل به درجهٔ حجت رسیدو مأمورتبلیغ ونشر مذهب اسمعیلی گشت وبه وطن خود بلخ بازگشت. ناصرخسرو در بلخ باعلماءمباحثات کردولی اغلب به مخالفت وی پرداختندو کم کم متعصبان درصدد آزارش برآمدند. وی ناچار به فرارشد ومدتی درمازندران بسر برد ؛ پس ازآن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد وبه دعوت پرداخت ودرهمانجا وفات یافت. اقامت ممتد ناصرخسرو دریمکان باعث تقویت ونشر مذهب اسمعیلی درآن نواحی گردید؛ هنوز هم درآنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند.

ناصرخسرو درعلوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را ازحفظداشت ودرعلم کلام وحکمت وعلم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است. ناصرخسرو آثار منظوم ومنثور دارد. ازآثارمنظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰۴۷ بیت دارد. دیگر دومنظومه به‌نام «روشنائی‌نامه» و«سعادت‌نامه» است که درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی درتهران چاپ شده است.

اغلب اشعار ناصرخسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی ودارای اصطلاحات فلسفی است. ناصرخسرو به حقایق علمی ومبانی دین توجه خاص دارد وهمچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که بااومخالفت کرده و در صددآزار او برآمده‌اند. اشعارش ازمدیحه سرائی خالی است واز توجه به دنیا دوراست.

ازآثار منثورناصرخسرو چند کتاب ورسالهٔ مهم به‌زبان فارسی‌است مانند: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه‌دین، خوان‌اخوان، جامع‌الحکمتین،

گشایش ورهایش ، بستان العقول .

ناظر ومنظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که آن را درسال ۹۶٦ سروده است این مثنوی دارای ۱۰٦۹ بیت است .

ناقهٔ صالح (تن) شترصالح پیغمبر که قوم عاد وثمود آن را کشتند .

شخصی زعرب ناقهٔ صالح پی کرد   پیغمبر ماحرام می‌بروی کرد

«از رباعیات منسوب به خیام»

نامهٔ دانشوران (ك) از کتابهای مشروح ومهم درترجمهٔ حال عالمان وادیبان به زبان فارسی که درزمان ناصرالدین شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان تألیف یافته وشش جلد آن تاحرف شین منتشرشده است . مؤلفان نامهٔ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای ومیرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی ومخصوصاً شمس العلماء عبدالرب آبادی می‌باشند .

نثراین کتاب نثر فنی است ولی متأسفانه ناتمام مانده است .

نان وحلوا (ك) مثنوی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . نام دیگر این کتاب «سوانح الحجاز «یا» سفرالحجاز» است و اشعار آن مخلوطی است ازفارسی وعربی .

بارها درایران وهند به چاپ رسیده است .

ناهید (نج) ستارهٔ زهره که ستارهٔ مطربان وخنیا گران است

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

درآن مقام که حافظ برآورد آواز   «حافظ»

نایره (ق) (از حروف قافیه) آن است که به مزید می‌پیوندد مانند الف ونون دراین شعر:

تا کی بخون دیده ودل پروریمشان   تا کی زره روند وبراه آوریمشان

نثر (ب) درلغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن وقافیه نباشد.

نثرمرسل (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع یاصنایع لفظی دیگر نباشد.

نثرمسجع (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع باشد. مثال ازگلستان سعدی:

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است وبه شکر اندرش مزید نعمت.

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا. کتاب نجات خلاصه‌ای است ازکتاب‌شفا وشامل مختصرعقاید شیخ است درحکمت. نسخ متعدد این کتاب درکتابخانهٔ مشهد وکتابهای استامبول موجوداست

نجم‌الدین رازی (ت) شیخ نجم‌الدین ابوبکرعبدالله بن محمد رازی. وفات ٦٤٥—معروف به نجم‌دایه، از مشایخ معروف دورهٔ مغول. شیخ نجم‌الدین درحملهٔ مغول ازری به‌عراق گریخت‌ودرسال ٦١٨ به‌اردبیل وازآنجا به‌آسیای صغیر رفت. درشهر ملاطیه به دیدار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نایل آمد و بعدبه خدمت علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت وکتاب «مرصادالعباد» را درسیواس تألیف کرد. شیخ نجم‌الدین درقونیه با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. سپس ازآسیای صغیر به بغداد رفت ودرهمانجا وفات یافت.

نجم‌الدین علاوه برنویسندگی شعرهم‌می‌سروده، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است.

نجوم‌السماء (ك) کتابی درشرح حال‌فقیهان شیعه درعصرصفوی، تااواسط‌قاجاریه. تألیف‌میرزامحمدصادق‌ابن‌مهدی که‌آن‌رادرسال ۱۲۸٦-

یعنی درزمان سلطنت ناصرالدین شاه تألیف کرده است وشامل شرح احوال علمای شیعه درقرون یازده ودوازده وسیزده می باشد .

نحر (زحاف) (ع) درمفعولات مجموع جدع و کشف است؛ یعنی حذف مف وعوت که می ماند لاو بجای آن فع می گذارندوآن را منحور می خوانند .

نخشب نام شهری درماوراء النهر که از چاهی درحوالی آن ماه مقنع برمی آمد

نرشخی (ت) ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی . وفات ۳۴۷ — اهل بخاراست که کتاب « تاریخ بخارا » را به نام امیرحمید ابومحمد نوح بن نصرسامانی (۳۳۱—۳۴۳) به زبان عربی تألیف کرده است .

نریمان (ش — د) پدرسام وبه روایت گرشاسب نامه، برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایت دیگر نبیرهٔاو.

نزاری قهستانی (ت) وفات ۷۲۰—از شاعران منتسب به طایفهٔ اسمعیلیه که تخلصش را ازنام نزار پسر دوم المستنصر بالله ، هشتمین خلیفهٔ فاطمی مصر گرفته است. دیوان اومشتمل برغزلیاتی است که به شیوهٔ سعدی نزدیک است . مثنوی «دستورنامه» از او باقی است .

نزهت نامهٔ علائی (ك) تألیف شهمردان بن ابی الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابو کالیجار گرشاسف بن علی بن فرامرزبن علاءالدوله کاکویه، دراواخر قرن پنجم تألیف کرده است .نویسنده درمقدمهٔ کتاب نوشته است که قبلا کتابی تصنیف کرده به نام « کتاب البدایع » درخواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده ونقصانی برآن واردساخته وبه زبان فارسی دردوازده مقاله ساخته است. وبه مناسبت نام علاءالدوله ابو کالیجار نامش رانزهت نامهٔ علائی گذارده است. نثراین کتاب روان ودارای اصطلاحات متداول ومأنوس می باشدونویسنده

ازآوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت وسانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

برسرآن خوان عزت نسرطایر دان مگس
بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده

«خاقانی»

نسر واقع (نج) از کواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند وبه شکل کرکسی است که دوبالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید
نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

«خاقانی»

نسرواقع با نسر طایر به صورت نسرین نیزدرشعرآمده است .

پروانهٔ چرخ اخضرش پرواز نسرین ازفرش
پروازسعدین برسرش چندانکه پروا داشته

«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمدبن احمدبن علی بن محمدالمنشی النسوی کاتب ووزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسا به ری رفته و به خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه در آمده و تا سال ۶۲۸ منصب کتابت اورا داشته است . وقتی جلال‌الدین ازحملهٔ مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و درخدمت الملك المظفر صاحب آنجارسید ودرآنجا خبر هلاک سلطان جلال‌الدین راشنید ورسالهٔ «نفثة‌المصدور» را درشرح آن وقایع بامرثیهٔ سوزناك درفوت سلطان

تألیف کرد. اثر معروف دیگر او «سیرة جلال‌الدین مینکبرنی» است که در سال ۶۳۹ به‌زبان عربی تألیف کرده است.

نشاط (ت) میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله- وفات ۱۲۴۴ — از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دورهٔ قاجاریه وصاحب دیوان رسالت فتحعلی‌شاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی وزبان فارسی وعربی وترکی تسلط داشته ودراقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط با همت خاصی اصفهان را کانون شعر وادب قرارداد وسخنگویان را تشویق کرد ودرحلقهٔ مؤسسین نهضت ادبی ایران درآمد. نشاط درقصیده از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی وحافظ را درنظر داشته است. مجموعهٔ اشعار و آثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت ازپنج درج است شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منثور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری وطرز ترسل زمان مؤلف وسبک نثر دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد.

(کلیات نشاط — چاپ تهران)

نصیحة‌الملوک (ك) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را درحدودسال ۵۰۳ برای سلطان سنجر ساخته‌است. موضوع کتاب حکمت عملی‌است برمبنای دین که غزالی آن‌را درراهنمایی‌شاه‌ودرباریان نوشته است.

کتاب نصیحة‌الملوک دارای یک‌مقدمه وهفت باب ویک‌خاتمه است درسیرت پادشاهان ووزیران ودرباریان و حکمت دانایان وصفت خردمندان.

این کتاب به عربی وچند بارنیز به ترکی ترجمه شده است.

(نصیحة‌الملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین‌طوسی (ت) ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن‌ابی‌بکر.وفات ۶۷۲ — از بزرگترین دانشمندان وسیاستمداران‌ایران درقرن هفتم. اصلش از قم‌است ولی درطوس تولد یافته است. پس‌از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و درمحضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند ، ودربیست‌وچهارسالگی از تحصیل منظم فراغت یافت . پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان وملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت . هنگامی که هلاگوخان قلعهٔ الموت را تسخیر کرد، خواجه‌نصیرالدین‌را به ملازمت‌خود برگماشت . خواجه نصیرالدین هلاگو را به تسخیزبغداد وبرانداختن خلافت عباسی‌تشویق کرد . پس از انقراض خلافت عباسیان و قتل مستعصم ، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا درسال ۶۵۷ به‌فرمان و حمایت هلاگو به تأسیس رصدخانهٔ بزرگی در مراغه موفق شد . خواجه تاهنگام درگذشت هلاگو دردربار او مقرب بود و پس از او دردربار اباقاخان به تقرب می‌زیست ودرسال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود ، درهمانجا درگذشت .

خواجه نصیرالدین علاوه برجامع بودن در فنون مختلف علمی وادبی از رجال بزرگ عالم سیاست بود وهلاگو از قدرت ونفوذمعنوی او استفادهٔ بسیارکرد . این شخص بزرگ درتشویق فضلا و درتوسعهٔ علوم وپیشرفت ادب وراه تحقیق ، اثر بزرگی داشت .

خواجه نصیرالدین درعلوم ریاضی ومنطق ونجوم وطب واخلاق دارای تألیفات بسیاراست‌وآثارگرانبهای‌اوبه‌زبانهای مختلف ترجمه‌شده

ومورد استفادهٔ دانشمندان اروپا قرار گرفته‌است. درحدود صدوسه کتاب ورساله ومقاله درفنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند.

ازآثار او تحریر اقلیدس (درهندسه) تحریر مجسطی (درهیئت) تذکرهٔ‌نصیریه (درهیئت)شرح اشارات بوعلی،تجریدالعقاید (درکلام) قوانین‌الطب ، حل مشکلات قانون بوعلی ، سی‌فصل در نجوم ، معیار الاشعار(درعروض) .

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به فارسی تألیف کرده است . ازجمله اخلاق ناصری و اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می‌باشد .

کتابهائی‌راکه‌خواجه نصیر ازحکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد ، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است . گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجنبهٔ نویسندگیش برتری دارد ، ولی نمیتوان ارزش آثار فارسی او وسبک نویسندگی‌اش را نادیده گرفت.خواجه نصیر دربیان‌موضوعهای علمی‌به ایجازپرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است . رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید ، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد .

خواجه نصیر به زبان فارسی وعربی شعر گفته وبعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است .

نظام التواریخ (ك) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که درسال ٦٧٤ تألیف یافته است . این کتاب مشتمل است برخلاصهٔ تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن‌هفتم

حاوی تاریخ اسلام وشاهان قدیم ایران وپیغمبران بنی‌اسرائیل . عبارت کتاب بسیار موجز وساده است .

نظام‌الدین شامی (ت) شنب غازانی معاضر تیمور . هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام‌الدین درآن شهر می‌زیست ودرسال ۸۰٤ تیمور وی را نزد خود خواند واورا به نوشتن تاریخ سلطنت خود وا داشت . درسال ۸۰٦ نظام‌الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبهٔ عید خواند وپس ازآن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امرتیمور آن را در سال ۸۰٤ تألیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرارداده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است. این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده وبه اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به‌نام آفاق وانفس که مناظره‌ای است بین جامهٔ کتان وموئین و منظومه‌ای موسوم به « اسرار ابریشم » . نظام الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند « نامهٔ پشم به‌ابریشم » رسالهٔ آرایش نامه ورساله تعریفات و رسالهٔ «صدوعظ» ومثنوی فکاهی «جنگ‌نامه» به اسلوب شاهنامه شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به « مخیط نامه » و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه — چاپ اسلامبول) .

نظام‌الملک (ت) ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملک. وفات ٤۸٥ —خواجه نظام‌الملک ازدهقان زادگان طوس

که در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذارند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان و ادبیات و تاریخ ایران و حکمت وزبان عرب احاطه یافت . در دربار جغری بیک به دبیری حکمران بلخ منصوب گشت و لیاقت بسیار از خود نشان داد و جغری بیک او را به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب‌ارسلان در ۴۵۱ به حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه وپسرش سلطان جلال‌الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند وسی‌سال امور کشور را دردست داشت تا سرانجام در سال ۴۸۵ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیک نهاوند بدست یکی ازفدائیان اسمعیلی به‌قتل رسید . نظام‌الملک غیر از صدارت و مملکتداری همهٔ عمر به ترویج علم ودانش همت گماشت . بزرگترین اقدام خواجه نظام‌الملک در این باب تأسیس مدارس است دربسیاری از شهرها مانند نیشابور وبلخ و هرات وخواف ومرو واصفهان وبصره‌وموصل وبغداد که از همه بزرگترومهمتر مدرسهٔ بغداد بود که ساختمان آن‌درسال ۴۵۷ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت ونظام‌الملک اوقافی ترتیب داد که درآمدشان صرف مدارس می‌شد . نظام‌الملک علاوه برتشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد که از همه معروفتر « سیاست‌نامه » است . دیگر مکتوبی است درذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملک نوشته به اسم «وصایای نظام‌الملک» یا «دستورالوزارة» .

نظامی (ت) حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس بن یوسف‌بن زکی بنی موید. وفات درحدود ۶۰۴—ازشاعران بزرگ داستانسرای ایران. وی درحدود سال ۵۳۰ درگنجه متولد شد وبیشتر عمرخود را درموطن

خود صرف کرد. فقط یک بار به امر اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد.
نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت وچنانکه خود گوید در تمام رشته‌های علوم متداول مانند علوم طبیعی والهی و طب و نجوم مهارت یافت. همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به‌دست آورد. نظامی با اتابکان آذربایجان وشاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است. ازجملهٔ ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرةالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان، و اتابک شمس‌الدین محمد جهان پهلوان و اتابک قزل ارسلان است.
نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوک و رفتارش باشاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده‌اند.

ازآثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته واکنون قسمتی ازآنها دردست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به طرزمثنوی سروده و در حدود بیست و هشت‌هزار بیت دارد.

خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن‌الاسرار، لیلی ومجنون، خسروشیرین، هفت پیکر یا بهرام‌نامه، اسکندرنامه.

نظامی درشیوهٔ داستانسرائی استاد و پیشرو دیگران است. وی درضمن داستانسرائی ازمطالب اخلاقی وحکمی وپند غفلت نکرده‌است وپاکی اخلاق‌وعفت در اشعارش آشکار است، حتی هنگام‌ذکر عشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم وشرم را از دست نمی‌دهد. نظامی همه جا ازوقایع وحالات نتیجه گرفته وبی اساسی زمان وسستی دنیا را گوشزد

می کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است و حالات مختلف روحی انسان را از قبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می کند . معانی تازه و تشبیهات نو به کار می برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی و فلسفی در اشعارش بسیار دیده می شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری از گویندگان پس از او واقع گشته است . امیرخسرو دهلوی خواجو ، جامی ، وحشی ، مکتبی و دیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهائی ساخته اند .

خمسهٔ نظامی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است .

نظامی عروضی (ت) ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر بن علی النظامی العروضی السمرقندی ، وفات در حدود ۵۶۰ - از شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری ، در سمرقند متولد شده و پس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده و در سال ۵۱۰ در طرق طوس معزی را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوک آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب «چهار مقاله» را به نام شاهزاده ابوالحسن حسام الدین علی بن فخرالدین مسعود شاهزادهٔ غوری تألیف کرد .

نظر (نج) یا نگریستن آن است که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهار است : تسدیس ، تثلیث ، مقابله ، تربیع (به این کلمات رجوع شود)

در نظر منجمان بعضی از این حالها سعد و بعضی نحس است

زچارم همی بنگرد آفتاب به جنگ بزرگانش آمد شتاب

«فردوسی»

نظیری نیشابوری (ت) محمد حسین نظیری نیشابوری. وفات ۱۰۲۱ — از شاعران معروف ایران در قرن یازدهم . اصلش ازنیشابور بوده واز ابتدای جوانی به‌شعروشاعری شوق فراوان داشته است‌وپس ازکسب شهرت درخراسان به کاشان رفت وچندی در مجالس مشاعره ومناظرهٔ شاعران شرکت کرد وازآنجابه هندوستان رفت‌ودردربارا کبرشاه راه یافت وپس از او دردربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر او و جهانگیر سرود . نظیری باعرفی وظهوری‌معارضه ومناظره داشته‌است · نظیری درمذهب بسیار متعصب بود وسالهای آخر عمررا به گوشه گیری وزهد پرداخت .

غزلی در وصف تنباکودارد که استعمال‌آن بوسیلهٔ جهانگیروشاه عباس صفوی منع شده بود .

دیوان نظیری شامل قصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات‌است ودرهندوستان به‌چاپ رسیده است .

نعایم (نج) منزل بیستم از منازل قمر که شامل‌چهار ستارهٔ‌روشن است به شکل شتر مرغ

نعایم پیش او چون چار خاطب

به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمةالله کرمانی (ت) امیرنورالدین نعمةالله‌بن میرعبدالله.وفات ۸۳۴ — ازمشایخ بزرگ صوفیه که درسال ۷۳۰ درحلب متولد شد ودربیست‌وچهارسالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجااقامت کرد وقسمت‌آخرعمررا درسمرقندوهرات‌ویزدبسربردوسرانجام درماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمةالله مورد توجه

شاهرخ بوده‌است ولی شهرتش بیشتر ازجنبهٔ تصوف اوست . اشعارش اغلب دربارهٔ وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمة‌الله ولی شامل تقریبا چهارده‌هزاربیت مثنوی و رباعی است. مثنوی شاه‌نعمة‌الله تقلیدی است از مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است.

درجوارمقبرهٔ شاه نعمة‌الله درماهان خانقاهی است که درویشان نعمة‌اللهی‌ازپیروان او درآنجا اقامت می کنند .

نغمهٔ داوود(تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان را نیز مجذوب می کرد و ازطیران باز می‌داشت .

چوگل سوارشود بر هوا سلیمان وار
سحر که مرغ درآید به‌نغمهٔ‌داوود . . .

«حافظ»

نفاذ (ق) (ازحرکات‌قافیه) حرکت‌وصل چون به خروج پیوندد مانند حرکت‌میم درکلمه‌های می‌سپارمت ودوست دارمت دراین شعر

ای غایب ازنظر به خدا می‌سپارمت
جانم بسوختی وبه دل دوست دارمت

حرکت خروج ومزید ونایره را هم نفاذ گویند .

نفایس‌الفنون فی‌عرایس‌العیون (ک) تألیف‌علامه‌شمس‌الدین محمدبن محمود آملی ازعالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام‌شیخ ابواسحق اینجوساخته‌است .نفایس الفنون دربیان‌شرف‌علم‌وتقسیم‌علوم‌است به علوم‌اوائل‌واواخر وشامل علوم‌ادبی است درپانزده فن‌مانند علم‌لغت وعلم‌بیان‌ومعانی‌وعلم‌صرف ونحووعلم‌عروض وقوانی وعلم دواوین‌وعلم انشاء واستیفا .وعلوم‌شرعی‌شامل نه‌فن‌مانندعلم کلام‌وتفسیروعلم‌حدیث وحکم و اخلاق و علم اصول وفقه . (چاپ‌تهران)

نفثةالمصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را بین سالهای ۶۳۲—۶۳۷ نوشته‌است. موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف وبلاها ومصیبتهائی‌است که دردربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و حملهٔ مغول تحمل کرده است. مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربارخوارزمشاه وحمله های تاتار را به‌آذربایجان وانقراض خوارزمشاهیان وجنگها ودفاعها وعاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد. محمد نسوی‌خوددراغلب وقایع شاهد بوده بلکه قسمتی ازامور را نیز به‌عهده داشته وشخصاً درکارها دخالت می کرده و محرم اسرار و مورداعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است. سبک نوشتهٔ نفثةالمصدور مانند کلیله ودمنه نثر مصنوع ودرعین حال فصیح است. مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده واشعار فارسی و عربی وامثال سایر وآیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده‌است. (چاپ‌تهران)

نفحات‌الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است. نفحات الانس درشرح احوال ۵۸۲ تن از رجال‌وبزرگان واولیاء متصوف است‌ودارای مقدمه‌ای‌می باشددرشرح اصطلاحات‌صوفیه وبیان‌معرفت عارف و کرامات ومعجزات‌او. مؤلف پس ازمقدمه به‌شرح حال‌صوفیه‌می‌پردازدوآن‌رابه‌ذکر حال‌ابوهاشم‌صوفی‌شروع وبه‌خواجه‌شمس‌الدین حافظ‌شیرازی‌ختم‌می‌کند. انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نثرفارسی است.

نفخ‌صور (تن) دمیدن دربوق ومراد ازآن بوقی‌است که درروز قیامت اسرافیل درآن می‌دمد تا مردگان برخیزند. و درشعر فارسی نفخ صورکنایه از روز قیامت است.

از مدحتش که زنده کن دوستان اوست

تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست

«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات، نه برحسب فعل؛ یعنی قابل اشارهٔ حسی نیست، اما درصدور فعل محتاج به آلت است. مانند روح انسانی.

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزهٔ عیسای پیغمبر که می توانست مرده را زنده کند.

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

«حافظ»

نقدالنصوص فی شرح الفصوص (ك) شرحی برفصوص الحکم تألیف صوفی بزرگ شیخ محی‌الدین محمدبن علی العربی. این کتاب را مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۶۳ تألیف کرده ومشتمل است برمقدمهٔ مفصل دربیان اصطلاحات ومقدمات که پس ازآن به شرح کتاب فصوص الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین آن مانند صدرالدین قونیوی وشیخ مؤیدالدین جندی به‌آن افزوده است. کتاب نقدالنصوص به نثر فارسی است ومؤلف در آن اشعاری از بزرگان وشاعران به‌عنوان شاهد آورده است.

نقش ارژنگی (ش ـ ت) اشاره‌به‌نقش های دلکش کتاب ارژنگ منسوب به مانی نقاش.

گر التفات خداوندیش بیاراید

نگارخانه چینی ونقش ارژنگی است

(سعدی)

نکیسا (ش–د) رامشگر دربار خسرو پرویز

نگین سلیمان (تن) انگشتر سلیمان که اسم اعظم برآن نوشته بود وسلیمان به وسیلهٔ آن بر آدمی و وحش و طیر حکومت می کرد. تقدیر حق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائی که مرتکب شده بود، مکافات کند. دیوی خود را بشکل معتمد سلیمان براو نمود وانگشتری را گرفت وخود را به صورت سلیمان به مردم نشان داد و شاه شد. پس از چهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهیی آن را فرو برد، صیادی ماهی را گرفت. سلیمان آن را از او خرید و به تخت بر گشت.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل و دمن (ک) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش اکبرشاه درچهار هزار بیت منظوم کرده است. چاپ تهران

نمرود (تن) شاهی بت پرست در زمان ابراهیم علیه‌السلام. ابراهیم چون نمرود را به خدا پرستی دعوت کرد و بتها را شکست، نمرود دستور داد تا اورا به آتش افکندند. اما آتش براو گلستان شد نمرود خواست باخدا جنگ کند، فرمود تاصندوقی ساختند و چهار پاره گوشت برچهار نیزه ازآن آویختند و برچهار پایهٔ صندوق چهار کرکس گرسنه بستند واو خود درصندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری بربالا انداخت. حق تعالی تیر اورا خون‌آلود به پیشش فرستاد. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد ودعوی خدائی کرد. باردیگر خواست باخدا بجنگد. خدا لشکری

از پشه که ضعیفترین خلایق است ، به جنگ او فرستاد ، لشکرنمرود ازنیش پشه هلاك شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت ومغز سراورا خورد واو را هلاك کرد .

دست نمرود بین که ناوك کفر در سپهر مدور اندازد

«خاقانی»

صدهزاران پشه درلشکر فتاد تا براهیم از میان باسر فتاد

(منطق الطیر)

نوح (تن) ازپیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتادتن اززن ومرد به اوایمان آوردند. حق تعالی به اوفرمان‌دادتادرخت ساج بنشاند وچون بزرگ شد ، ازچوب آن کشتی ساخت ، به طول سیصد گزوعرض پنجاه گزوارتفاع سی گز. می گویند این کشتی سه‌طبقه داشت ، یکی‌برای حیوانات،یکی‌برای آدمیان ، یکی برای پرندگان. خدا طوفان فرستاد ، نوح باخانوادهٔ خود درکشتی نشست وپس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرارگرفت و همهٔ موجودات دیگر غرق گشتند .

چه‌غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه‌باك ازموج بحر آن‌راکه باشدنوح کشتیبان .

نوذر (ش— د) از شاهان سلسلهٔ پیشدادی وپسر منوچهر ؛ که پس از پدر به‌شاهی رسید وستم بسیار کرد ، چنانکه مردم ازاو به‌جان آمدند وازسام خواستندکه به تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت . سر انجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی ازمشایخ بزرگ قرن چهارم‌وپنجم .موضوع کتاب مباني عرفان است به‌زبان فارسي‌وانشاء

آن ساده وروان وبه‌شیوهٔ کتابهای قرن پنجم است .

نوروز نخستین روزاز فروردین‌ماه . پارسیان دراین روز جشن می‌گرفتند که روزنو از سال نو بوده است . این جشن تاکنون مرسوم است وبزرگترین جشن ایرانیان به شمار می‌آید .

بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده‌است رای تاختن وقصد کارزار

(منوچهری)

نوروزنامه (ك) رساله‌ای به‌فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری . مؤلف درآن علت پیدایش جشن نوروز وواضع آن وآداب شاهان ساسانی رادراین جشن شرح می‌دهد وهمچنین ازشاهان داستانی وتاریخی ایران تازمان یزدگرد شهریارساسانی وآئین جهانداری ورسوم شاهی ایشان مطالبی آورده‌است . سبک کتاب روان وبی تکلف است . لغات‌عربی کم دارد وعبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو (ش‌ـد) داروی جان‌بخش «ضدمرگ» . درشاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگرگاه سهراب، پسر خود ، بوسیلهٔ گودرز ازکاووس خواست ، ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت وبیم ازآنکه رستم باداشتن چنین پسر پهلوان قوت گیرد واورا حقیر شمارد ، ازدادن نوشداروخودداری کرد وسهراب جان‌داد . نوشدارو پس ازمرگ سهراب ، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که ازدست رفته است گفته می‌شود .

بعد ازاین لطف‌توباما به چه مانددانی

نوشدارو که پس ازمرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (ازکلیات‌خمس) کلی‌ذاتی‌است که‌درجواب ای‌شیئی

(کدام) قرار گیرد. وقتی که می گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است؟ در جواب گفته می‌شود: انسان حیوانی است ناطق. پس نوع شامل حقیقت مختصهٔ افراد است. مثل مردم که از حیوان جدا می‌شود بوسیلهٔ نطق.

هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می‌شود و هرچه خاصتر باشد نوع عامتر است. مثل حیوان، که عامتر است از مردم، و خاصتر است از جسم.

نه‌فلک (نج) عبارت است از هفت فلک با فلک الافلاک و عرش.

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای
تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیر فاریابی»

و

وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن برسر درختی روشنی آتش دید و خطاب آمد که «انی اناالله»

شب تار است وره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا وعدهٔ دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی اناالله یافتم   نور پاك وطورسینا دیده‌ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) رجوع شود به کاشفی.

وافر (ع) ازبحور شعرعربی که درفارسی بسیار کم‌متداول است. درعربی مسدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعلتن». وزنی که‌ازاین بحرگاهی درفارسی به‌کاررفته این است:

بحر وافرمثمن (مفاعلتن ٤ بار) مثال:

چه شد‌صنما که‌سوی کسی به‌چشم‌رضا نمی‌نگری
ز رسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری

وامق‌وعذرا (ك) یکی از داستانهای عاشقانهٔ کهن که بوسیلهٔ چندتن ازشاعران‌پارسی زبان به نظم درآمده است. معروفترین منظومهٔ «وامق وعذرا» اثرعنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که دردست نیست وابیاتی ازآن درفرهنگ اسدی ضبط شده است.

وتد (ع) درلغت به معنی میخ و ازارکان عروضی است و بر دو قسم است وتدمقرون ، وتد مفروق .

وتد مقرون دو متحرک است ویک ساکن ، مانند اگرومگر ؛ و علامت آن دو صفراست و یک الف ه ه ا

وتد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله وعلامت آن الف درمیان دوصفراست مانند ه ا ه

وجه‌دین (ك) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعیه وباطن عبادات به طریق اسمعیلیان . این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفتهٔ خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد وبرشناخته کار کند» . (وجه دین—چاپ برلن)

وحشی (ت) کمال‌الدین وحشی بافقی کرمانی . وفات ۹۹۱—از شاعران عهدصفوی. وحشی در قصبهٔ بافق کرمان متولدشد ودرجوانی به یزد وسپس به کاشان رفت وبه تدریس مشغول گشت وپس ازچندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث‌الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و درمدح او قصایدی سرود . دیگراز ممدوحان اوشاه طهماسب وولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند . از آثارمهم وحشی غزلیات اوست که دارای سوزو گداز ولطافت خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب بند ، ترجیع بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی چند مثنوی ساخته است ، به نام خلدبرین ، ناظر ومنظور ، فرهاد وشیرین .

دیوان وحشی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

وحیدقزوینی (ت) میرزا طاهر . وفات ۱۱۲۰ - منشی وشاعر و خوشنویس ووزیرشاه سلیمان صفوی . ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزاتقی‌خان اعتمادالدوله وخلیفه سلطان بود، پس ازآن‌سورخ رسمی دربارشاه عباس دوم شد ودرسال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید وپس از هیجده سال انزوا اختیارکرد . وحید آثاری به نظم ونثر فارسی وترکی داردکه از همه معروفتر تاریخ شاه‌عباس دوم است که آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته‌است . نثراین تاریخ نمونهٔ نثر فنی عهدصفوی است ودارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است .

وراق‌مروی (ت) محمود . وفات ۲۲۱- ازشاعران‌معاصرطاهری وصفاری که چند بیت ازاو باقی مانده است .

وراوینی (ت) سعدوراوینی ازنویسندگان‌اواخر قرن‌ششم‌واوایل قرن هفتم . وی ازملازمان‌خواجه‌ابوالقاسم ربیب‌الدین وزیراتابک‌ازبک‌بن محمد(۶۰۷-۶۲۲) اتابک‌آذربایجان می‌باشد. وراوینی مرزبان‌نامه را به‌نام این وزیر از زبان طبری به پارسی‌ترجمه کرده است . مرزبان‌نامه درنه باب ویک مقدمه‌ویک ذیل است ودرمقایسهٔ باروضة‌العقول‌معلوم می‌شود که بعضی‌از حکایتها وبابهای اصلی کتاب دراین ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامهٔ وراوینی ازکتابهای مهم نثرمصنوع است ونویسنده درآن به سبک کلیله‌ودمنهٔ نصرالله منشی نظرداشته است .

ورقه‌وگلشاه (ك) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعردورهٔ سلجوقی آن‌را به‌نظم‌آورده‌است . دردوره‌های بعدشاعران‌دیگری

نیز این داستان را درقالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده ومیان عامهٔ فارسی زبانان رواج یافته است .
(ورقه‌و گلشاه ـ چاپ تهران ـ انتشارات‌سخن)

وزن (ع) عبارت‌است ازتناسب ونظمی دراصوات، ودرشعربجای اصوات کلمات است واین تناسب میان‌اصوات ملفوظ یا برحسب کمیت یعنی امتدادزمانی‌آنهاست مانند وزن شعر درعربی وفارسی ، یابه‌حسب کیفیت ، یعنی شدت وضعف اصوات نسبت به یکدیگر ، مانند وزن شعر درزبانهای انگلیسی وآلمانی وروسی ؛ یا تنها به‌حسب عددآنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف‌الحضرة (ت) ادیب شرف‌الدین عبدالله کاتب‌شیرازی . وفات ۷۳۰ ـ متخلص به‌شرف . ازادیبان‌ومورخان قرن هشتم . وی‌درشیراز متولد شد ودرهمانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله به‌دربار غازان‌خان والجایتورسیدوتقرب حاصل کرد . وصاف‌الحضرة مؤلف تاریخ معروفی است به‌نام «تجزیةالامصاروتزجیة الاعصار» که درسال ۷۱۲ درسلطانیه بوسیلهٔ خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله به حضور الجایتومعرفی شد .

وصال‌شیرازی (ت) میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک. وفات ۱۲۶۲ ـ ازشاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلیشاه ومحمدشاه قاجار. وصال درسال ۱۱۹۷ تولد یافت و درجوانی به تحصیل ادب وهنر پرداخت . به علم موسیقی آشنائی یافت واز خوشنویسان معروف عصر خود گشت . ازآثار او دیوان اشعارش‌است که شامل قصیده وغزل ومثنوی است . وصال درغزل پیروسعدی‌وحافظ است ویک‌مثنوی به‌نام «بزم‌وصال» دارد که درآن‌ازشیوهٔ فردوسی‌پیروی

کرده است. وصال مثنوی فرهاد وشیرین وحشی را تمام کرده و «اطواق الذهب» زمخشری را به فارسی شرح وترجمه کرده است.

وصل (ق) ازحروف قافیه . حرف وصل آن است که بعد از حرف روی قرار گیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر، رابطه، جمع، مصدر، تصغیر، مثال: رویت، گیسویت و دلبندا، خداوندا وآسایش، آلایش ودشمنی، وروشنی.

یارب آن نو گل خندان که سپردی به منش
می سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش درکلمه های منش وچمنش حرف وصل است

وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر؛ یعنی دربالا یا درزیریا چپ یاراست جسم دیگرقرار گرفته باشد.

وقف (زحاف) (ع) درمفعولاتُ اسکان تاء مفعولات است وبجای آن مفعولن می گذارند وآن را موقوف خوانند.

ولوالجی (ت) ابوعبدالله محمدبن صالح ولوالجی مروزی. ازشاعران عهد سامانی. عوفی درلباب الالباب می گوید: «درعهدسلطان یمین الدوله محمود، جملگی فضلاء خواستند که دوبیت فارسی اورابه تازی ترجمه کنند، کس رامیسرنشدتاآنگاه که خواجه ابوالقاسم پسر وزیرابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همهٔ فضلا بپسندیدند».

ویس ورامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی ومنسوب به دورهٔ اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است ودربعضی ازنواحی ایران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس ازاین داستان دراشعار خود نام برده است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم دراصفهان

باخواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان دربارهٔ این داستان گفتگو کرده وبه خواهش اوبه‌نظم آن پرداخته‌است و کتاب رادرحدود سال ٤٤٦ به پایان رسانده و درآن عمیدابوالفتح را مدح کرده است . سبک نظم کتاب درعین‌آنکه به‌آرایش لفظی‌وتشبیهات زینت‌یافته ساده وروان است واز مغلق گوئی خالی‌است ولغات عربی نامأنوس بسیارکم دارد وصورت کهنهٔ بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .

(ویس‌ورامین — چاپ تهران)

هـ

هاتف (تن) ندا دهندهٔ غیبی ؛ مرادف سروش .

سحر زهاتف غیبم رسید مژده به گوش　که دورشاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) میراحمد . وفات ۱۱۹۸ ـ از شاعران معروف قرن دوازدهم ومعاصر افشاریان وزندیان . اصل خاندان او ازآذربایجان بوده است ولی درزمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده وهمانجا مقیم گشته است . هاتف دراصفهان به تحصیل حکمت وطب وریاضی پرداخت ودرشعروادب از محضرمشتاق بسیاراستفاده می کرده واز دوستان نزدیک صباحی وآذر وصهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود ودیوانش مرکب است ازقصایدوغزلیات و ترجیعات ورباعیات . هاتف مراثی مؤثری در مرگ بزرگان با ماده تاریخ ساخته ودرقصیده ازاستادان قصیده سرای قدیم ودرغزل ازشیخ سعدی وخواجه حافظ شیرازی پیروی کرده است . هاتف ترجیع بندهای عاشقانه وعارفه ای دارد که بسیار معروف است وهمین شعر اورا ازجملهٔ شاعران مشهور فارسی ساخته است .

(دیوان هاتف اصفهانی — چاپ تهران)

هاتفی (ت) مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی . وفات ۹۲۷ ـ خواهر زادهٔ جامی واز شاعران قرن دهم . هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است . خمسهٔ اوشامل مثنویهای لیلی ومجنون،

شیرین وخسرو ، هفت منظر ، تیمورنامه است . منظومه‌ای هم درفتوحات وجهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است . این مثنوی موسوم به شاهنامهٔ حضرت‌شاه اسمعیل است.

هاروت وماروت (تن) نام دوساحربابلی که درجادوگری مثل اندو درچاه بابل سرازیرآویخته‌اند .

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
صدگونه ساحری بکنم تا بیارمت
«حافظ»

هاماوران (ش–د) سرزمینی بوده است درعربستان که برطبق روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید وعاشق سودابه دخترشاه هاماوران شد وسرانجام اورا باخود به‌ایران آورد وبه‌زنی گرفت

هتم (ع) (زحاف) درمفاعیلن مجموع حذف وقصر است که چون لام ونون ویا را حذف کنیم مفاع می‌ماند . بجای آن فعول می گذارند وآن را اهتم خوانند .

هجویری (ت) ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی . وفات ۴۷۰- از بزرگان مشایخ صوفیه واز طرفداران متعصب حسین بن منصورحلاج واز اقران شیخ ابوسعید ابوالخیرواستاد امام ابوالقاسم قشیری . وی ازخاندان علم بوده ودرزبان پارسی وعربی وتفسیر وحدیث ومنطق وکلام تبحر داشته است . شعر نیز می‌سروده وخوددر کشف المحجوب گفته است که دیوان شعرش را انتحال کرده‌اند . جلابی همراه سپاه سلطان مسعود به هندوستان رفت ودرلاهور اقامت گزید ودر این شهر کتاب «کشف المحجوب» را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرد. دیگرازآثار او دیوان اشعار ، رسالهٔ فنا وبقا ، اسرارالخرق

والملونات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) رضاقلیخان طبرستانی . وفات ۱۲۸۸ - ملقب به لله باشی پسر محمدهادی‌خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجاریه بسرمی بردند . رضاقلی‌خان درسال ۱۲۱۰ قمری در زمان سلطنت فتحعلیشاه درتهران متولدشد ، پس ازمرگ پدر به مازندران وپس ازآنجا به‌شیراز رفت ودرآنجا به تحصیل پرداخت . هدایت ازکودکی به سرودن شعر شوق وافری داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید ومورد لطف او قرارگرفت ولقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد وبه وسیلهٔ حاج میرزاآقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید ونزدوی تقرب یافت وتربیت عباس میرزا به‌عهدهٔ او واگذار شد . پس‌از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲۶۴ به خدمت ناصرالدین‌شاه درآمد و ازجانب اومأمور خوارزم گشت وپس ازبازگشت از سفر خوارزم به ریاست مدرسهٔ دارالفنون منصوب گشت . هدایت درهمهٔ زندگی مورد احترام شاهان وشاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و باوجود اشتغال به کارهای درباری و کشوری به تصوف وعرفان متمایل بوده‌وهرگز از کوشش درراه‌علم باز ننشسته‌است . وی‌در تاریخ ولغت وتذکره تألیفات وتصنیفاتی دارد . ازجملهٔ آثاراوریاض العارفین ، تکمیل تاریخ روضة‌الصفای میرخواند ، نژادنامه ، سفرنامهٔ خوارزم ، مجمع‌الفصحاء ، فرهنگ انجمن‌آرای ناصری . مثنویهائی نیزبه‌نام انیس العاشقین ، بکتاش‌نامه ، انوارالولایة ، بحرالحقایق دارد . نثر کتابهای هدایت نثرفنی است که متداول زمان بوده است .

هدایت (صادق) . وفات ۱۳۳۰ شمسی - نویسندهٔ معاصرایرانی که

درنویسندگی راه تازه‌ای پیش گرفته است. هدایت به فرانسه وهندوستان سفر کرده وبه زبان پهلوی وفرانسوی آشنائی کامل یافته است. آثار او شامل رمان ، داستانهای کوتاه ، نمایشنامه ، ترجمه ازادبیات فرانسه ومتن های پهلوی است که عبارت است از بوف کور ، حاجی‌آقا (رمان) زنده بگور ، سگ ولگرد، سه قطره‌خون ، سایه‌روشن ، ولنگاری ، علویه خانم ، (داستان کوتاه) پروین دختر ساسان ، مازیار (نمایشنامه) افسانهٔ آفرینش (خیمه‌شب‌بازی) .

هدایت زندگی مردم عادی را ازطبقه‌های مختلف اجتماع وصف می‌کند . درکتابهای او گفتگوها به زبان طبیعی‌اشخاص یعنی زبان محاورهٔ ایشان است .

هدهد (تن) مرغی که پیغام‌سلیمان رانزدبلقیس ملکهٔ‌سبامی‌برد:

فصاحتم چو هدهد است و هدهدم
کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

درشعرفارسی گاهی بادصبا راکه پیغامبر عاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند .

ای هدهد صبا به‌سبا می‌فرستمت بنگر که‌از کجابه کجامی‌فرستمت

«حافظ»

هرمز (ش-ت) هرمز پسرانوشیروان که از مادر نوادهٔ خاقان چین بود . درزمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه ، خاقان چین ، ودائی هرمز شد وبااو جنگید وچیره گشت ؛ هرمز بجای خلعت برای او دوکدان‌وجامهٔ زنان فرستاد . به همین سبب بهرام بر هرمز یاغی شد وبه ری‌آمد ودستور داد به‌نام پرویز پسر هرمز سکه زدند .

چون سکه به هرمزرسید به‌پسر بد گمان شدوقصدجان‌او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را کور کردند و پرویز را به شاهی نشاندند. وهرمز به دست بندوی و گستهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی (ت) ضیاءالدین عبدالرافع بن‌ابی‌الفتح هروی. از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم واز فاضلان دورهٔ آخر عهد غزنوی. درعلوم‌عقلیه ودرطب ولغت دست داشت. عبدالرافع دردربار تاج‌الدوله خسروملک غزنوی می‌زیست وپس‌از انتقال‌سلطنت به ملوك غوریه نزدآنان رفت. اشعاری از او درلباب‌الالباب نقل شده است.

هروی (ت) ابوشعیب‌صالح بن‌محمد از شاعران دورهٔ سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. ابیاتی ازاین شاعر به‌عنوان شاهد درتذکره‌ها موجود است.

هزاردستان (ك) ترجمهٔ منظومی ازکتاب «الف لیلة ولیلة». این منظومه بوسیلهٔ ابوالفتح‌خان دهقان سامانی اصفهانی وبه تشویق سلیمان‌خان رکن‌الملك شیرازی که وزیری ادیب‌پرور و شاعردوست بوده سروده شده است. شاعر دراین منظومه بیشتر از ترجمهٔ فارسی کتاب یعنی «هزار و یکشب» استفاده کرده ودر سراسر داستانها‌اسامی روزها وماهها را به‌فارسی نام برده است.

(چاپ تهران)

هزارویك‌شب (ك) ترجمه‌ای به‌فارسی ازکتاب الف‌لیلةولیلة. اصل کتاب الف‌لیلة درست معلوم نیست ولی ظاهراً پیش ازاسلام از هندوستان به‌ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزار افسان» نامیده می‌شده است درقرن سوم هجری به‌عربی ترجمه شده ودرقرن چهارم از

بغداد به‌مصر رفته است ودرآنجا قصصی به‌آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری درمصر به‌صورت«الف‌لیلةولیلة» کنونی درآمده است.

نثرعربی کتاب به‌زبان متعارف ومعمولی است واشعاری که‌درآن نقل‌شده است ازشاعران معاصر عباسیان است.

اما ترجمهٔ فارسی کتاب الف‌لیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری انجام گرفته است. مترجم‌آن میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی است و چنانکه خود اودرمقدمهٔ کتاب گفته‌است کار ترجمه رادرزمان محمدشاه وبه‌فرمان بهمن‌میرزا فرزند ولیعهد وحاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت‌ناصرالدین‌شاه به‌پایان‌رسانده‌است. اشعار کتاب‌رامیرزامحمدعلی سروش اصفهانی یا ازدیوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است. (چاپ تهران)

هزج (ع) ازبحور شعرفارسی وعربی. درعربی مسدس‌آن‌معمول است‌یعنی ۶ بار «مفاعیلن». درفارسی ازاین‌بحر وزنهای‌زیربسیارمتداول است:

هزج مثمن سالم (مفاعیلن ٤ بار) مثال:

به‌مژگان سیه کردی هزاران رخنه دردینم

بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن - یا مفاعیل) مثال:

دل مسکین من گوئی که خان است

به خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت‌بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱- خلد ۲- دارالسلام ۳- دارالقرار ٤- جنت عدن ٥- جنت‌المأوی ٦- جنت

النعیم ۷- علیین ۸- فردوس .

هشت بهشت (ك) یکی ازپنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که‌شاعر آن را درسال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته است.

هفت آباء (نج) کنایه ازهفت فلك

به صدقران بنزاید یکی نتیجه چوتو
زامتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت آسمان (نج) طبقات هفتگانهٔ آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا ملایك هفت‌آسمان کنند

«حافظ»

هفت‌اختر (نج) هفت‌سیاره که به‌عقیدهٔ قدما عبارت بودند از: خورشید ، ماه ، مریخ ، مشتری ، زحل ، عطارد ، زهره.

سپهر مثل تو ازاتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چارارکان

«انوری»

هفت‌اقلیم (نج) قدما کشورها را به‌هفت تقسیم کرده‌اند: کشور نخستین - هندوان ، کشور دوم - عرب وحبشان ، کشور سوم - مصر و شام ، کشور چهارم- ایران‌شهر ، کشور پنجم - صقلاب روم، کشورششم ترك ویأجوج ، کشور هفتم - چین وماچین

آنکه هفت‌اقلیم عالم را نهاد هرکسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت‌اورنك (نج) رجوع شود به بنات‌النعش .

هفت‌پدر (نج) رجوع شود به‌آباء علوی

از بند چهار و هفت برخیز زان مادر وزین پدر چه خیزد

هفت‌پیکر (ك) یا هفت گنبد یا بهرام‌نامه . یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن را درسال ۵۹۲ به‌نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است . این منظومه دارای پنجهزار وصدوسی‌وشش بیت است و موضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است . نظامی ابتدا کودکی وجوانی بهرام را تاسلطنت اوسروده وبعد قصهٔ هفت گنبد را که به‌دستور بهرام به هفت رنگ وبرای هفت دختر از شاهان هفت‌اقلیم ساخته شده بود شرح می‌دهد . نظامی در این داستان قصه‌های عجیب و تازه‌ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می‌شود .

هفت خوان (ش-د) هنگامی که رستم پهلوان زورمند ایرانی برای نجات کاووس به جنگ دیوان مازندران رفت، درراه با هفت حادثه وخطر که درشاهنامه هریک ازآنها «خوان» خوانده شده است روبروشد که برهمهٔ آنها پیروز گشت .

همچنین هنگامی که اسفندیار برای گشودن دژ روئین وآزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت از هفت «خوان» گذشت .

اسفندیار این دژروئین منم به شرط

هر هفته هفتخوانش به‌تنها برآورم

«خاقانی»

هفت‌دریا — یا دریای هفتگانه . قدما برای زمین هفت دریا تصور می‌کردند . ۱- دریای اخضر ۲- دریای عمان ۳- دریای قلزم یا بحراحمر ٤- دریای بربر ٥- دریای اقیانوس ٦- بحرالروم

۷- دریای اسود.

سگ به دریای هفتگانه مشوی — که چوتر شد پلیدتر باشد

(سعدی)

هفت دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است. ۱- سقر ۲- سعیر ۳- نطی ٤- حطمه ٥- جحیم ٦- جهنم ۷- هاویه.

هفت کشور (رجوع شود به هفت اقلیم)

گوئی اندر کشور ما برنمی‌خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی برنخاست

«خاقانی»

هقعه (نج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است مانند پایهٔ دیگ وجایشان برسر جوز است.

چون سه سنگ دیگپایه هقعه برجوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نج) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن رو به زمین روشن است. این حالت در شب اول هرماه ودرآغاز شب دیده می‌شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل یکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی (ت) نورالدین هلالی استرابادی. مقتول ۹۳۰ — معروف به جغتائی. ازشاعران غزلسرای قرن دهم هجری. هلالی از استراباد به خراسان رفت وبه دربار سلطان ابوالغازی حسین بایقرا راه یافت وتحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرار گرفت. دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف

است ومثنویهائی به‌نام «شاه‌ودرویش» و «صفات‌العاشقین» دارد .

(دیوان هلالی — چاپ تهران)

هما (ش—د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن ، پس ازاو تاج را برسرهما که باردار بودنهادند وهما چون به‌شاهی رسید به‌تخت‌وتاج دل‌بست و نخواست شاهی را از دست بدهد ، ازینرو درد زائیدن‌را پوشیده‌داشت وپسری را که‌به دنیا آورد ، درصندوقی گذاشت وآن‌را باقیروموم استوار کرد وبه آب انداخت و وانمود که کودک مرده است . این کودک که نجات یافت و بعد به سلطنت رسید ، داراب بود .

همام‌تبریزی (ت) خواجه همام‌الدین علائی‌تبریزی . وفات ۷۱٤- از شاعران‌مشهور آذربایجان واز مداحان‌شمس‌الدین‌محمد صاحبدیوان . همام باشیخ سعدی صحبت ومزاح داشته ودرغزل پیرو او بوده است . منظومه هائی نیزبه‌نام «صحبت‌نامه» به اسم خواجه شرف‌الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان دارد .

(دیوان همام — چاپ تهران)

همای‌وهمایون (ك) مثنوی عاشقانه اثر شاعربزرگ قرن هشتم خواجوی کرمانی . خواجو این مثنوی را درسال ۷۳۲ به پیروی از شیوهٔ نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث‌الدین محمدرا مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجو اثری نیست ومعلوم نیست که‌آیاساختهٔ ذهن‌شاعر است یاریشهٔ‌قدیمتری داشته است .

هندوشاه (ت) محمدبن‌فخرالدین هندوشاه نخجوانی ازسورخان قرن هشتم ومؤلف کتاب «تجارب‌السلف» که آن را درسال ۷۲٤ به‌نام

اتابک نصرةالدین تألیف کرده است .

هوشنک (ش—د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینهٔ پدر دیوان را کشت. آهن در زمان او استخراج شد و آتش پدید آمد و جشن سده بنیان گذاشته شد .

هیولی (ط) مادةالمواد و اصل جسم را هیولی گویند .

ی

یتیمة‌الدهر (ك) تألیف ابومنصور عبدالملك بن محمد بن ثعالبی به زبان عربی در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف خاصه شاعران عربی گوی ایران که اغلب از رجال وبزرگان عهد او بوده‌اند.

مؤلف این کتاب را بوسیلهٔ ذیلی تکمیل کرده نام آن را «تتمه الیتیمه» گذارده است.

ید بیضا (تن) معجزهٔ موسای پیغمبر که چون دست‌را در بغل می کردوبیرون می‌آورد، نورسفیدی از دستش می‌تافت.

تردامنان چوسر به گریبان فرو برند

سحر آورند و من یدبیضا برآورم

«خاقانی»

یزدان‌شناخت (ك) از آثارمعروف صوفی بزرگ قرن پنجم‌وششم عین‌القضات که آن‌را به زبان فارسی وبه‌نام عزیزالدین مستوفی نوشته است. موضوع کتاب بحث‌درمسائل حکمت والهی وعلوم طبیعی‌است.

یزدگردسوم (ش ـ ت) آخرین شاه ساسانی که در زمان او سعد وقاص به‌فرمان خلیفه عمر به ایران لشکر کشید ودرمحل قادسیه‌میان ایرانیان وتازیان جنگی درگرفت. رستم فرخزاد سپهسالار ایران‌دراین جنگ کشته‌شد وایرانیان گریختندومداین پایتخت‌ساسانی به‌چنگ‌تازیان افتادویزدگرد ازآنجا گریخت وسپاهیان‌خودرا گردآورد. باردیگر جنگی

میان او وسپاه تازیان درنهاوند روی داد وباز ایرانیان شکست یافتند. یزدگرد برای گردآوری سپاه بسوی خراسان شتافت وازراه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد اما چون آرزوی تخت‌وتاج داشت، ترکان را برضد شاه تحریک کرد و جنگ درگرفت ویاران یزدگرد کشته شدند واوبه آسیائی پناه برد. آسیابان به‌تحریک ماهوی، شاه را کشت. ازآن پس سراسر ایران به دست تازیان‌افتاد.

یعقوب (تن) از پیغمبران وپسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف رابه چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب درفراق یوسف آنقدر گریست که کورشد. پس ازسالها که یوسف عزیزمصر گشت‌وباتدبیرخودبرای‌قحط سال‌آذوقه‌جمع کرد. پسران یعقوب برای خریدغله به‌مصر رفتند. یوسف‌ایشان‌را شناخت و پیراهن خود را برای پدرفرستاد. همینکه برادران پیراهن یوسف را ازمصر خارج کردند بادبوی‌آن‌را به مشام یعقوب‌رساند وچون یعقوب پیراهن را برچشم‌مالید بینا گشت.

یغمای جندقی (ت)میرزاابوالحسن یغماابن ابراهیم. وفات۱۲۷۶- ازشاعران عهدقاجار ودربارمحمدشاه، یغما دارای اشعار جد وهزل‌آمیز است وغزلیاتی دارد به‌نام‌سرداریه که باتخلص سردار ساخته شده‌است دیگر قصابیه که باتخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه برشعر مکتوبها ومراسلاتی دارد که آنهارا باانشاء ساده وسهل نوشته‌وکوشیده است که درآنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار اومثنوی «خلاصة‌الافتضاح» و مثنوی«شکوك الدلیل» که به وزن شاهنامه سروده وظاهراً مدح ودرباطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است.

(کلیات یغما . چاپ تهران)

یلدا (نج) رجوع شود به شب یلدا

یمینی (ت) عمیدمحمدبن‌عثمان یمینی کاتب غزنوی ازشاعران اواخر عهد غزنوی واز معاصران یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی . یمینی از دانشمندان وبلغاء مشهور به شمار می‌رفته واشعاری‌ازاو درلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است .

یوسف (تن) از پیغمبران وپسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود وشبی خواب دید که ماه وستارگان دربرابرش به‌سجده افتاده‌اندوآن‌را برای‌پدروبرادران نقل کرد . برادران بر او حسد بردند وبه بهانهٔ گردش‌وتماشا اورا به‌صحرابردند ودرچاهی انداختند وپیراهن اورا به خون کبوتری آلودند وبه‌پدر گفتند که گرگ اورا خورده است . کاروانی یوسف‌را ازچاه بیرون آورد وبه‌مصر برد وچون‌یوسف درجمال بی‌نظیر بود ، درمصر شهرت یافت ورئیس کاروان اورا به عزیز مصر فروخت . زلیخا زن‌عزیز مصر که عاشق شده بود، هرچه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد واورا از پاکدامنی دورسازد پس او را متهم‌کرد وبه زندان افکند ، یوسف براثر تعبیر خواب ملک مصر از زندان نجات یافت و خزانه‌دار گشت . وی درسالهای فراخی غله جمع آوری کرد ودرسالهای قحطی فروخت وبااین تدبیر مردم مصررا از قحط نجات داد وخود عزیزمصر گشت . برادران یوسف که درکنعان ازقحطی به‌جان آمده بودندبرای‌خرید غله روبسوی مصر نهادند ، یوسف ایشان راشناخت ولی باراول ودوم خود رامعرفی نکرد و بارسوم که برادران برای خریدغله آمدند خودرا به‌ایشان‌شناساند وپیراهن خویش‌را برای یعقوب فرستاد تابرچشم بمالد و بینا شود ، همینکه برادران یوسف از

مصر بیرون‌آمدند بادبوی پیراهن یوسف‌را به یعقوب رساند. هنگامی که یعقوب پیراهن را برچشم مالید بیناشد وباپسران به‌مصر نزد یوسف‌رفت.

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم‌مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

یوسف‌سپهرچارم (نج) کنایه ازآفتاب.

چون یوسف سپهر چارم ز چاه دی
آمد به دلو درطلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) ازشاعران قرن چهارم. اشعاری ازاو در «لغت فرس اسدی» و کتاب«المعجم» شمس قیس رازی ضبط است.

یوسف‌نجار (تن)وکیل پدرمریم عمران. روزی که‌مریم درصومعه درحال غسل کردن بود، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار براو نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد. چون عیسی متولد شد، بنی‌اسرائیل مریم‌را نکوهش کردند. خدای تعالی عیسی‌را به‌سخن‌آورد تا ایشان‌رابه پاکی مادرو‌پیغمبری خود، بشارت دهد.

یوسف‌نجارکیست، نوح دروگر که بود
تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف‌وزلیخا (ک) یکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن‌جامی که‌آن را به‌سال۸۸۸ ساخته‌است. این‌مثنوی به‌اسلوب خسروو‌شیرین نظامی‌است وازروی سورهٔ یوسف وزلیخا که احسن‌القصص است به‌نظم آمده است.

یوسف وزلیخا معروفترین اثر جامی است که جلب توجه بسیاری از شاعران را کرده و به زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) از پیغمبران که چون مردم دعوت اورا نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش برسرایشان فرستاد ، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت وبر یونس عتاب کرد که چرا ازمیان مردم غایب شده است و کشتی که یونس در آن نشسته بود ، درغرقاب افتاد . قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند ؛ سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد . یونس خود را به آب انداخت ، ماهیی اورا بلعید واوچهل روز درشکم ماهی ماند ودر تاریکی شب وتاریکی آب وتاریکی شکم ماهی توبه کرد . خدا توبهٔ اورا پذیرفت واورا ازشکم ماهی بیرون آورد . یونس به سبب ضعف مزاج برلب دریا ماند تا چهل روز آهوئی اورا شیر داد و درختی بر او سایه افکند تا قوت گرفت ونزد قوم خود بازگشت .

قرص خورشید درسیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه این یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

منابع کلی که مورد استفاده قرار گرفته است

عنوان	مشخصات
تاریخ ادبیات ایران	تألیف ادوارد برون (۳ جلد)
جلد اول	ترجمه علی‌پاشاصالح ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازسعدی تاجامی	« علی‌اصغرحکمت ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازآغاز عهدصفویه‌تا زمان حاضر	« رشید یاسمی چاپخانهٔ‌روشنائی-تهران۱۳۲۱شمسی
سخن وسخنوران	تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر ازنشریات کمیسیون معارف-شرکت محدود طبع کتاب
تاریخ ادبیات ایران	« دکتر رضازاده‌شفق چاپخانهٔ دانش ۱۳۲۱ شمسی
تاریخ ادبیات ایران (۲جلد)	« دکترذبیح‌الله‌صفا ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
حماسه‌سرئی درایران	« دکتر ذبیح الله صفا ازانتشارات مؤسسهٔ‌امیر کبیر۱۳۳۳ شمسی
سبک‌شناسی (۳جلد)	« ملک‌الشعراء‌بهار ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر
شعرالعجم ترجمهٔ‌سیدمحمدتقی‌فخرداعی گیلانی	« شبلی‌نعمانی ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
جامی	« علی‌اصغرحکمت چاپخانهٔ‌بانک‌ملی‌ایران۱۳۲۰شمسی
لباب‌الالباب به کوشش‌سعیدنفیسی	« محمدعوفی ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
تذکرة‌الشعراء	« دولتشاه سمرقندی
مجمع‌الفصحاء به‌کوشش مظاهرمصفا	« رضاقلی‌خان‌هدایت ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر

کتاب	مؤلف و ناشر
آتشکدهٔ آذر بامقدمه سیدجعفر شهیدی	تألیف لطفعلی بیك آذر بیکدلی ازانتشارات مؤسسهٔ نشر کتاب
تذکرهٔ میخانه به‌اهتمام احمد گلچین معانی	« ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی از انتشارات شرکت نسبی اقبال
ریحانة‌الادب	« محمدعلی تبریزی (مدرسی) ازانتشارات شرکت سهامی طبع کتاب
فرهنك سروری (مجمع‌الفرس) به کوشش محمد دبیرسیاقی	« محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی ازانتشارات کتابفروشی علی اکبر علمی
فرهنك رشیدی تصحیح محمد عباسی	« عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی التتوی ازانتشارات کتابخانه بارانی ـ تهران
برهان قاطع به‌اهتمام دکتر محمد معین	« محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص ـ به برهان ازانتشارات کتابخانه زوار ـ تهران
فرهنك آنندراج به‌اهتمام محمد دبیرسیاقی	« محمدپادشاه متخلص به «شاد» ازانتشارات کتابخانه خیام ـ تهران
غیاث‌اللغات به کوشش محمد دبیرسیاقی	« غیاث‌الدین محمد رامپوری ازانتشارات کانون معرفت ـ تهران
فهرست کتابهای چاپی	« خانبابا مشار ازانتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
المعجم فی معائیر اشعار العجم تصحیح مدرس رضوی	« شمس قیس رازی ازانتشارات دانشگاه تهران
نفایس الفنون وعرایس العیون تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرائی	« شمس‌الدین محمد بن محمود آملی ازانتشارات کتابفروشی اسلامیه ـ تهران
وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز خانلری ازانتشارات دانشگاه تهران
درهٔ نجفی	« نجفقلی میرزا ملقب به آقاسردار چاپ شیراز ۱۳۳۳ قمری
ابدع البدایع	« شمس‌العلما حاج میرزا حسین گرگانی چاپ تهران ۱۳۲۸ قمری
علم بدیع	« محمدحسین فروغی (ذکاءالملك) چاپ تهران

هنجار گفتار « حاج سید نصرالله تقوی
چاپخانه مجلس-تهران ۱۳۱۷ شمسی

اساس الاقتباس « خواجه نصیرالدین طوسی
تصحیح مدرس رضوی
از انتشارات دانشگاه تهران

التفهیم لاوایل صناعة التنجیم « ابوریحان بیرونی
تصحیح جلال همائی
چاپخانهٔ مجلس-تهران ۱۳۱۷ شمسی

مفاتیح العلوم « خوارزمی
چاپ مصر

مجمل التواریخ والقصص «
تصحیح ملك الشعراء بهار
از انتشارات خاور ۱۳۱۸ شمسی

کشف المحجوب « هجویری
از انتشارات مؤسسه امیر کبیر

درة التاج لغرة الدباج « قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود الشیرازی
تصحیح سید محمد مشکوة
چاپخانه مجلس - تهران

جز اینها اغلب متون کتابهای نظم ونثر فارسی که ذکر آنها در این کتاب آمده مستقیماً مورد مطالعه قرار گرفته است.